



دَارُ وُجَلَاءِ

یوولسئم هکنه

د ۱۳۴۸ کال - د سلواغه میاشت

فهرست مضامین این شماره

صفحه	اویسنده	مضمون
۱	چکرن فیض محمد عاطفی	عید سعید اضحی
۳	آورن ارکان حرب علی احمد جلالی	شکست سنگر های بیا فرا
۱۲	سید فضل احمد چخانسوری	بیلاس قوای نظامی
۱۸	لمری بریدمن محمد فاروق لودین	اتوم او سمندر
۲۱	برید جنرال عبدالقدیر خلیق	بشر در سطح ماه
۲۶	انجنیر خواجه یوسف فقیر	فخستین قدم سیارات
۲۸	لمری بریدمن محمد نبی شرفیاز	زمین شناسی و مطالعات آن
۳۶	جکتورن محمد یونس غرنی	پارتیزان له غره بخدر اکیته شول
۳۸	محمد یونس غرنی	د فیند مارشال باولوس وصیت نامه
۴۱	د گرن سید عثمان	حقوق جزای عسکری
۴۴	د کتور همدر د جوزجانی	اباندسیت
۴۸	د کتور قهرالدین اکسیری	طفل شعا
۵۴		جهان شعر و ادبیات
۵۶	عبدالعزیز غیور	د کمیای او بیولوژیکی وسلو
۵۹	دوهم بریدمن محمد اعظم «ذاهق»	فرشته صلح
۶۲	لمری بریدمن محمد نعیم	مذاکرات هاستکی
۶۹	بریدگی غلام فاروق محروم	د غلیمان ماتوم
۷۰	لمری بریدمن محمد ظاهر «بر دیسیار»	مدافعه شب
۷۳	لمری بریدمن ضیا همایون «بختیار»	سوق و اداره دقیقانه قوت ها
۷۶	لمری بریدمن ظریف صدیقی	برتر اند راسل
۸۰	د پیلوم انجنیر محمد اکبر مقصودی	قوانین حرب های مسلحانه
۸۷	ظریف صدیقی	کورس جو دو و سبجو
۸۹		توزیع مدالهای خورد خابطان هوایی
۹۱		توزیع جوایز کورس سپورت ح.بش
۹۳		در جهان عسکری
۹۹		مشغولیت های فکری

شرح روی جلد:

عسکر افغان ممثل افخارات ملی شهاست و فداکاری منسوبین
اردوی شاهانه پاسدار تمامیت ارضی خالك مقدس افغانستان و نگهبان ناموس
کشور افغان است .

شما میتوانید این شکوه و احساس را درنگاه هر فروغ فرد فرد عسکر
افغان مشاهده نمائید .

عید اضحی.....

دین مقدس اسلام دارای شعائر، اصول و اساسات عالی و پرازشی است که برای سعادت نوع بشر و رفع مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی و روحی انسانها در هر عصر و زمان و زیر هر گونه شرایط رهنما و رهبر واقعی بشمار می‌آید. این سخنی است که عاری از مبالغه و گزاف‌گویی است و حقیقتی است که دانشمندان و محققین جهان اعم از موافق و مخالف، مسلمان و غیر مسلمان بدان اعتراف می‌کنند.

از خصوصیات جالب دین اسلام، این است که قوانین اجتماعی و اقتصادی آن متحجر و خشک و ثابت نیست بلکه میتواند بر مبنای شرایط عصر و زمان و ایجاب اوضاع و احوال با اجتهاد و اجتماع امم مورد تغییر و تحول قرار گیرد و از همین جا است که قوانین اسلام رنگ تجدد و تکامل را بخود اختیار میکنند و تناسب با مرور زمان رنگ و جلوه خاص و همه جانبه و مورد قبول جامعه اسلامی را می‌گیرد. البته اصول و اساسات اسلام که بر پایه فطرت انسان و تجلی روح بشریت استوار است و جنبه عقاید را می‌گیرد از لحاظ واقعیت و حقیقت پایدار و مخلد بوده و از نظر پیر و ان دین مبین اسلام خلل ناپذیر و غیر قابل انفکاک است. اما رسوم مذهبی و شعائر دینی اسلام نیز متضمن خیر و فوز و فلاح جامعه اسلامی است. عید اضحی یا عید قربان که مسلمانان جهان از هر گوشه و کنار دنیای پهناور به خانه خدا در مرکز و مبدأ انتشار اسلام روی می‌آورند شامل مسائل کلی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است. از لحاظ اجتماع، موجودیت کتله بزرگ مسلمانان علامه بارز و مشخص وحدت جامعه اسلامی است که امت واحده را تمثیل می‌کند و در معنا و حقیقت، همبستگی حلقه‌های مختلف جهان اسلامی را بدون تبعیض و اختلاف رنگ و نژاد و دیگر مشکلاتی که دامنگیر مردم دنیا است در زیر لوای وحدت و برادری و مساوات بعالم انسانیت نشان میدهد.

(لطفاً ورق بزیند)





اعلیحضرت معظم همایونی سرقوماندان اعلی اردو بعد از ادای نماز عیدهنکام
تشریف فرمای از مسجد جامع ننگرهار

و صمیمیت و بلند بردن سوبه اقتصادی ناتوانان و کمک
به هم نوعان و مردم بینوا متضمن و مبین بهتر ساختن مناسبات
اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی است و اگر با واقعیت
و دور از تظاهر و ریا بآن عمل گردد یقیناً اکثر اختلافات
و کشمکش ها و نفاق های مردم با این تمهید مقدس از بین
بقیه در صفحه (۳) پستی

انفاق و قربانی و مصارف مادی مسلمانان چه در راه زیارت
بیت الله الحرام و چه در اماکن مختلفه اسلامی و دید و بازدید
دوستان و اقارب و همسایگان و آشنایان رفع اختلافات
ذات البینی و زدودن کدورتها از قلوب یکدیگر - همه اینها
در طرح یکمدینه فاضله و در اجرای عدالت اجتماعی، صفا
(۲)

شکست سنگرهای بیافرا

مطالعه آشوب داخلی

نایجیریا در چوکات

حوادث افریقائی

جنبش های تجزیه طلبی قبایل ایبو

چگونگی به خاموشی گرائید

نویسنده : تورن ارکان حرب علی احمدجلالی

آتش جنگ داخلی که تقریباً سی و یک ماه پیش در نایجیریا به تعقیب اعلام استقلال ایالت شرقی آنکشور بنام بیافرا برافروخته شده بود در همین تازگی با به خاموشی گرائید و در طول این دوره بر آشوب بیش از دو میلیون نفر قربانی این تراژدی تاریخی شدند که با بعثت جنگ و یا گرسنگی و مرض حیات خود را از دست دادند این بحران پس از آشوب داخلی کانگو در سالهای ۱۹۶۰ و بعد از آن دو مین حادثه بزرگ داخلی می باشد که شرایط و اوضاع تاریخی، سیاسی و اجتماعی قاره افریقا در آن موثر بوده است، اگرچه از همان ابتدا بحران نایجیریا یک موضوع داخلی آنکشور بنظر می آمد ولی در حقیقت این پرابلم آنقدر ساده هم نبود و چون علت بروز آن بر شرایط و عوامل سیاسی و تاریخی مخصوص افریقا اتکا داشت ازین رهگذر بزودی بحیث یک مسئله پیچیده افریقائی قلمداد شد و در نتیجه آنهاستیکه در حوادث داخلی افریقا دلچسپی هائی دارند به مداخله مستقیم و یا غیر مستقیم درین حادثه تمایل نشان دادند.

امروز در افریقا تقریباً هفتاد و سه کشور جدید وجود دارد که دارای سرحدات سیاسی میباشند ولی این سرحدات فعلی در حقیقت اکثرأ خطوط تماس کشورهای مختلفی را ارائه میدارد

که در قرن های گذشته برای بدست آوردن مستملکات داخل افریقا شده اند و بنابر آن در بدو مرحله حیثیت حدود بیشتر می های نظامی کشورهای استعماری اروپائی را داشته اند، با آنکه در شمال صحرای اعظم افریقا از هزاران سال پیش مدنیت های باشکوهی موجود بوده است مگر در جنوب این مائع بزرگ طبیعی مدنیت بشری ریشه های عمیق تاریخی ندارد زیر اشمال افریقا از نگاه نزدیکی به بحیره مدیترانه و تماس با مدنیت های جهان قدیم از زمانه های بسیار پیش با مدنیت آشنا شده و کانون هائی از ثقافت های جدید در آن بوجود آمده است مدنیت مصر قدیم که آثار آن تا کنون موجب تعجب و شگفتی است در حدود شش و هفت هزار سال پیش محقق بوده است، به همین ترتیب نفوذ مدنیت های بین النهرین و شرق میانه، یونان و روم به شمال افریقا باعث انکشاف زندگی اجتماعی در آن صفحات قرار گرفت، مدنیت کار تاز در همان جا بنیانگذاری شد و هنیبال از همانجا برخاست، در دوره مدنیت اسلامی اردوهای اسلام تا غرب این صفحات پیش رفتند و از منتهای غربی آن را مخود را بطرف اسپانیه و فرانسه گشودند و پس از آن شمال افریقا از یکطرف با داشتن تماس نزدیک با شرق میانه و از جانب دیگر نزدیک به قاره اروپا خصوصیات مدنی خود را محافظه داشت، و تئیکه این قسمت افریقا را با آن صفحات پهناور آن که در جنوب صحرای اعظم قرار دارد مقایسه کنیم فرق بارزی را میتوان در آن مشاهده کرد، زیرا با وجودیکه طبق یک سلسله نظریات اخیر قدامت مدنیت درین صفحات به چند هزار سال میرسد ولی درین زمینه شواهد مختصری بدست آمده که آنها هم وجود مدنیت های ابتدائی را در ادوار قدیم میرساند و در نتیجه تاریخ قسمت های جنوب صحرای اعظم تا حد زیادی تاریک می ماند، البته آنچه مربوط به زمانه های بسیار پیش است، با انکشاف دریا نوردی در قرن های پانزده و شانزده میلادی برای قاره افریقا علاقه مندانی زیاد اروپائی پیدا شد که هر کدام به نحوی از انحا در قرون مابعد راهی بطرف غرب افریقا و پس از جنوب و شرق آن برای خود باز کردند، کشورهای مختلف اروپائی که به این ترتیب داخل افریقا شدند هر کدام یا در نتیجه اقدامات نظامی و یا تشیبات تجار تی و مفاهمه با سران قبایل بومی به پارچه های مختلفی در آن قاره دست یافتند که پس از آن همین پارچه ها حیثیت مستملکات ایشانرا در افریقا بخود گروت، درین مستملکات بتدریج کلتور و ثقافت همان کشورهای انتشار یافت که بر آن دست یافته بودند و این نوع حدبخشی بین پارچه های مختلف



زمانیکه جانشین او جو کو (ایفیانگ) خود را به جنرال گوان تسلیم می کند

قدرت های مختلف خارج افریقا برای تضمین منافع ایشان در آن قاره تلقی شده میتواند .
 به این صورت از یکطرف تقسیم شدن افریقا به کشور هائیکه اکثر آ سرحدات مصنوعی دارند و در آن شرایط اصلی وجود آمدن کلیه های سیاسی مدنظر گرفته نشده است و از جانب دیگر مداخلات قدرت های خارج این قاره در یک فرصت بسیار حساس زندگی اقتصادی و سیاسی ممالک افریقائی باعث بروز حوادث نامطلوب داخلی در گوشه های مختلف افریقا قرار گرفته است، بحران کانگو چندسال پیش و آشوب داخلی نایجریا در همین تازه گی ها این موضوع را ثابت ساخت و هنوز هم نمیتوان ادعا کرد که از این گونه حوادث در گوشه های دیگر افریقا بظهور نخواهد رسید . یکعده از لیدران افریقائی از چندین سال به اینطرف در راه وحدت افریقا به مساعی قابل ملاحظه ای از نگاه تیوری و در ساحت عمل تشریف ورزیده اند زیرا آنها پیوسته کوشش کرده اند این نظریه را ثابت سازند که راه حل اختلافات داخلی و مساعد ساختن زمینه برای انکشافات صنعتی کشور های افریقائی در وحدت این قاره مضر میباشد ولی طوریکه دیده شده است این نظریات و فعالیت های سیاسی تا کنون چنین آینه ای را برای افریقا بصورت روشن تثبیت کرده نمیتواند زیرا حوادث تاریخی قرون اخیر پیچیدگی های زیادی را در اوضاع سیاسی و اجتماعی افریقا بار آورده است طوریکه یک اقلیت سفید پوست در رودیشیا علیه مخالفت ذهنیت جهانی بطور یکجانبه استقلال خود را در چوکات یک حکومت اقلیت بر اکثریت بومیان رودیشیا اعلام داشته است و از چندسال به اینطرف هیچ نوع اقدام الکستمان و موسسه ملل متحد در این راه نتیجه نداده است . در جمهوریت افریقای جنوبی نیز این وضعیت را با فرق اندک ملاحظه کرده میتوانیم . روی این اساس در راه وحدت افریقا عجلتاً موانع

افریقا با از بین رفتن سلطه خارجی ها عنوان سرحدات سیاسی را بین یک سلسله ممالک نسبتاً کوچک افریقائی احراز نمود و به کلیه های سیاسی تشکیل شده در افریقا یک خصوصیت شکننده داد ، زیرا در قرن جاری که بنا بر علل مختلف کشور های اروپائی برای دادن آزادی به مستعمرات خود پلان ها و پروگرام های مشخصی را طرح کردند بالاخره اکثر آنها پارچه های ترک داده شده را بحیث یک کشور مستقل شناخته امور آنرا در اختیار مردم آن سرزمین ها گذاشتند ، این پارچه ها که از نگاه سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی کمتر دارای شرایط کلیه های سیاسی بودند در مرحله نخستین استقلال به مشکلات بزرگ داخلی برخوردند و اختلافات زبان ، شرایط جغرافیائی و سایر عناصر کلتوری زمینه را برای بحران های داخلی مساعد ساخت و در اینجا این حقیقت بخوبی احساس شد که سرحدات مصنوعی در میان کشور های متعدد افریقائی باعث بروز پرابلم های داخلی در آن قاره قرار گرفته است ولی این راهی بود که افریقا برای اقل چند صدسال آنرا پیموده بود و حد بندی مجدد مستند بر اوضاع جغرافیائی ، اقتصادی و اجتماعی در قاره افریقا در پایان دوره سلطه خارجی پیچیدگی ها و مشکلات بزرگتری در ساحت عمل داشت این موضوع خصوصاً با توسعه دلچسپی های کشور های پیش رفته در ساحت بین المللی مشکلتز بنظر می آید زیرا در عصر حاضر کشورهای بزرگ برای حفظ موقعیت بر اژنده سیاسی و اقتصادی خود میکوشند ساحت های وسیعتری را تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی سلطه خود در گوشه های مختلف افریقا خاتمه داد کوشش بعمل آورد پس از آنهم بطور مستقیم و یا غیر مستقیم نفوذ سیاسی ، اقتصادی و کلتوری خود را در آن مناطق محافظه دارد . در این میان رقابت قدرت های دیگر برای توسعه دادن نفوذ سیاسی و ایده الوژیکی ایشان در کشورهای تازه به استقلال رسیده افریقا به تلاش های حفظ موقعیت های سیاسی اقتصادی و کلتوری کشور های اول الذکر در کشور های افریقائی افزود . در اینجا باید مدنظر داشت که پس از سال ۱۹۵۰ رقابت های بزرگ در افریقا بتدریج شدیدتر شده رفت اوضاع داخلی آن قاره زمینه را برای چنین رقابت ها بیشتر مساعد گردانید . کشورهای افریقائی که پس از حرب دوم جهان یکی بی دیگری استقلال خود را بدست آوردند برای انکشاف دادن پهلوه های مختلف حیات اجتماعی نیاز مندی های زیادی داشتند ، آنها برای رفع این نیاز مندی ها با کشورهای مختلفی در تماس آمدند و از حوایج اقتصادی گرفته تا مفکوره های سیاسی مورد نظر خود را در ماورای سرحدات خود جستجو میکردند . این مسئله برای رقابت های سیاسی و اقتصادی کشور های خارج ساحت در افریقا زمینه را مساعد ساخت و قدرت های مختلف میکوشیدند به نحوی از انجا بر حوادث سیاسی کشورهای افریقا یک نوع کنترل قابل اطمینانی پیدا کنند و این موضوع باعث مداخلات قدرت های متعدد در امور داخلی ممالک افریقائی قرار گرفت . روی این ملاحظاتی که تعداد زیاد حوادث داخلی افریقا در دهه جاری ناشی از تاثیر همین نوع تلاشهای

بزرگ سیاسی، اجتماعی و ایده‌ل‌وژیک وجود می‌باشد و اتفاقاً همین موضوع اوضاع را در گوشه‌های مختلف افریقا وقتاً فوقتاً ناآرام می‌سازد. گذشته از آن کشورهای تازه به استقلال رسیده افریقائی که در دوران اسارت از نگاه تعلیم و تربیه و افکار سیاسی بار تحدیدات وسیعی را بدوش داشتند و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنها تحت کنترل کشورهای خارجی بود کمتر توانستند نفعاتی را بوجود آورند که پس از حصول استقلال یکنوع ثبات اداره و استقرار سیاسی را تضمین کرده بتواند و بطور عمومی پس از گرفتن آزادی هنوز رشد سیاسی در چنین کشورها که حوادث ترونی گذشته نیز شیرازه وحدت مفکوره را در میان آنها پاشیده بود به چنان اضج و پختگی نرسیده بود که در چوکات رژیم‌های جدید در یک فضای آرامش به تنظیم حیات ملی خود پردازند و در نتیجه رقابت‌های ناپخته احزاب مختلف سیاسی که از یک چوکات محدود دعتاً مساحت فعالیت وسیع را جلو خود دیدند، اختلافات داخلی بتدریج اوج گرفت و برخی کشورهای افریقائی به رویکار آمدن حکومت نظامی منتهی گردید. کشور نایجیریا نیز در ردیف همین نوع ممالک می‌توان شمرد، زیرا در آن کشور هم وسیع شدن اختلافات بین احزاب متعدد سیاسی و تیرسریع آنها از شکلی به شکلی موجب سر اقتدار آمدن حکومت نظامی بسال ۱۹۶۶ در آنکشور قرار گرفت. باوصف آنها انتقال اداره در این نوع ممالک افریقائی به قوای نظامی بطور کامل نتوانسته است اختلافات عمیق گروپ‌های مختلف سیاسی را از بین ببرد و اگر تاملتی این اختلافات موقع تظاهر نیافته است دلیل آن شده نمی‌تواند که اختلافات مذکور از میان برداشته شده است. حقیقت سخن درین جاست که در ممالک جوان افریقائی گرایش طبقات مختلف به افکار و ایده‌های متعدد سیاسی که آنها وقتاً فوقتاً در بعضی موارد شکل خود را تغییر می‌دهد، یکنوع عدم رشد سیاسی را برسالد عات اصلی اختلافات داخلی قرار می‌گیرد.

این نکته هم قابل تذکر است که در شرایط کنونی اکثر کشورهای افریقائی کنترل بهتری بر اوضاع داخلی خود دارند و حوادث چندسال گذشته بتدریج یکنوع استقرار را در آنها بوجود آورده است ولی اختلافات فوق‌الذکر کاملاً از بین نرفته است و در نتیجه صرف شکل، جادلات داخلی تغیر یافته به این معنی که اغتشاشات منطقه‌وی و مسلحانه بعلت مشکلات اقتصادی، تقسیم شدن مردم به گروپ‌های مختلف از هر رهگذریکه باشد و همچنان انکشاف قدرت‌های مرکزی کمتر فرصت کامیابی برای خود پیدا کرده می‌تواند به هر اندازه‌ایکه اغتشاشیون به هدف و مفکوره خود یک عقیده مفراطی داشته باشند، به همین صورت چون اکثر کشورهای افریقائی درین قسمت بهر ابله‌های مشترکی دارند اغتشاش یک گروپ معین در یکی از کشورها صرف یک حادثه داخلی برای کشور موصوف تلقی شده نمی‌تواند بلکه شکل یک بهر ابله افریقائی را بخود می‌گیرد و آنگاه قدرت

اغتشاشیون در برابر مخالفت اکثر کشورهای افریقائی بسیار ضعیف می‌گردد و دوام آنها صرف تا یک مدت معین از نظر برده شده می‌تواند، تا زمانیکه قدرت گروپ‌های اغتشاشی بتدریج کمتر شده و از ناحیه عدم تلافی آن یا لآخره از هم پاشیده شود. روی همین ملاحظه روش رودیشیا در خصوص حکومت مطلقه یک اقلیت سفید پوست بر اکثریت بومیان آن کشور که خود را طور یک جانبه آزاد پنداشته است از طرف اکثر کشورهای افریقائی محکوم است و در ساحت عمل یک سلسله تعدیرات اقتصادی نیز از همین رهگذر بر آن کشور وارد آمده است. بحران بیافرا نیز با همین نوع ذهنیت در قاره افریقا مواجه شده است چنانچه بجز چهار کشور افریقائی (گابون، ساحل عاج، تانزانیا و زمبیا) که بیافرا را بر سعیت شناختند، باقی سی و شش کشور افریقائی از بر سعیت شناختن بیافرا باور زیده پشتیبانی خود را برای وحدت نایجیریا ابراز داشتند و بالاخره مقاومت عنودانه بیافرا در قبال این نوع ذهنیت افریقائی درهم شکست و اقدامات حکومت مرکزی نایجیریا برای وحدت آنکشور عملی شد.

با وصف این موضوعات محیط‌های مساعد برای بحران‌های ناحیوی در کشورهای افریقائی هنوز هم وجود دارد و اگر بنا بر عللی که قوفاً ذکر یافت شاید این نوع اغتشاشات به نتیجه نرسد ولی افلا ناراحتی‌های دوامدار را در آن قاره بوجود آورده می‌تواند که باعث وارد آمدن خسارات بر فعالیت‌های انکشافی در قاره افریقا قرار می‌گیرد، شاید یکی از طرق حل این بهر ابله‌ها یک تجدید نظر بر نقشه افریقا و با هم بوجود آمدن کنفدراسیون‌ها باشد ولی این مسئله عجتاً با وضعیت فعلی سیاسی افریقا وفق نمی‌دهد خصوصاً در حالیکه کشورهای متعدد خارج این قاره هم در آن بر اعظم دلچسپی‌هایی برای خود دارند. پس به اینصورت تا زمان بوجود آمدن یکنوع رشد سیاسی و استقرار مطلوب در ممالک این قاره بحران‌های ناحیه وی از پدیده‌های این عصر افریقا بحساب رود. در این مورد گفتنی‌های زیادی موجود است که از حوصله این مقاله خارج است. در باره تاثیر حوادث گذشته بر اوضاع کنونی افریقا و مطالعه ساختمان سیاسی آن قاره توضیحات مفصلی در شماره سال جاری مجله اردو تقدیم داشته‌ام که بمداین بحث بشمار سیرود.

* * *

در ردیف پروگرام‌هایی که انگلستان برای دادن آزادی در یک فرصت مساعد به مستعمراتش طرح کرده بود نایجیریا هم برای گرفتن آمادگی جهت تنظیم اداره پس از اعلام استقلال آن مراحل مختلفی را طی کرد و در طول آن از یکطرف اداره کننده‌های مورد نظر برای آن کشور رسانیده شد و از جانب دیگر با طرح یک قانون اساسی برای مردم آن مملکت موقع اشتراک در فعالیت‌های سیاسی داده شد. این موضوعات تقریباً طور منظم بساحت عمل آمد و همچنین سال ۱۹۶۰ نایجیریا در چوکات کامنولت در ردیف کشورهای

مستقل افریقائی قرار گرفت نسبت به کانگو آمادگی بهتری برای تنظیم حیات ملی از طرف یک حکومت ملی و گرفتن زمام اداره از طرف خود مردم آن کشور نشان داد و از همین رهگذر یک کشوری بحساب میرفت که با داشتن یک استقرار و دسترس به منابع سرشار طبیعی چانس زیادی برای انکشاف سریع اقتصادی داشت، مگر چندی بعد همان عواملی که کانگورا به بحران های داخلی مواجه ساخت و اختلافات قبیلوی و رقابت های منظوقوی در راس آن قرار داشت در نایجیریا هم به فعالیت آمد و مقدمات بحران های داخلی را فراهم آورد. از زمانیکه نایجیریا یک مستعمره انگلستان بود آن کشور به سه ایالت شمالی، غربی و شرقی تقسیم شده بود و در هر ایالت یک اورگان اداره که تحت کنترل حکومت فدرالی نایجیریا بود زمام امور را در دست داشت. پس از آزادی هم تقسیمات داخلی نایجیریا به همین شکل باقی ماند و این موضوع بر تشکیل احزاب متعدد سیاسی تاثیر انداخته و رقابت های ایالتی اختلافات مفکوره وی را در احزاب سیاسی بوجود آورد، این خطر وقتی کسب شدت کرد که رقابت های ایالتی و قبیلوی در چوکات احزاب سیاسی برای بدست گرفتن زمام امور حکومت فدرالی شدید تر شد و بالاخره بسال ۱۹۶۶ مانند بمبی انفلاق کرد. زیرا در همین سال مجادلات سیاسی ایالت ها وارد مرحله نظامی شد و در ماه جنوری سال ۱۹۶۶ یک تعداد از صاحب منصبان جوان اردوی نایجیریا که اکثر آنها به قبیلۀ ایبو (Ibo) ایالت شرقی نایجیریا منسوب بودند بیک کودتای نظامی اقدام کرده حکومت سر اقتدار را که در آن شخصیت هائی از ایالت شمالی سهم اصلی را داشتند برانداخته پس از قتل عدۀ زیادی از شخصیت های حکومتی منسوب به ایالت شمالی بشمول صدراعظم نایجیریا موسوم به سرا بوبکر تفاوه بلیوا اقتدار را بدست خود گرفتند، یک صاحب منصب عالی رتبه قبیلۀ ایبو موسوم به تورنجترال جانسن اگویبی آیرونسی (Johnson T.u. Aguib - Ironsi) بحیث قوماندان اعلی در راس حکومت فدرالی سر اقتدار آمد. این موضوع آغاز بحران بود و این حادثه آرامش را بوجود آورده نتوانست طوریکه تنفر و خصومت های قبیلوی و ایالتی از کنترل خارج گردید

روی این اساس در ایالت شمالی نایجیریا حس انتقام از قبایل ایبو به غلیان آمد و سر بازان و مردم ملکی ایالت شمالی که قبیلۀ ایبو را در نایجیریا سر اقتدار میدیدند و آنرا نتیجه یک تجاوز مسلحانه قلمداد میکردند در برابر حریف اسلحه بر داشتند و در ایالت شمالی که قدرت و کنترل ایشان تا حدی باقی بود به قتل هزاران نفر از منسوبین قبیلۀ ایبو پر داختند و آتش اختلافات داخلی را شعله ورتر ساختند. بتایر آن در ماه جولای سال ۱۹۶۶ مردم ایالت شمال عرصه را به منسوبین قبیلۀ ایبو چنان تنگ ساختند که هزاران نفر ایشان برای گریز از آتش خصومت مردم ایالت شمال بطرف مسکن اصلی شان که عبارت از ایالت شرقی نایجیریا میباشد بحال پانیک فرار کرده و یک هسته مقاومت قوی را در ایالت شرقی نایجیریا بوجود آوردند. در چنین فرصتی که تجزیه طلبی ها تمامیت نایجیریا را بحیث یک قدرت فدرالی در خطر انداخته به بحران دیگری رخداد، به این معنی که مردم ایالت شمالی نایجیریا بدستاری صاحب منصبان هم ایالت خود متقابل بیک کودتای نظامی تشبث کردند. که در نتیجه آن جنرال سراقدار ایبو (جانسن اگویبی آیرنسی) کشته شد و اقتدار قبیلۀ ایبو در حکومت فدرالی از میان رفت. پس از آن موضوع انتخاب یک زعیم مورد قبول در راس حکومت فدرالی نایجیریا روی کار آمد. تعدادی از صاحب منصبان تعلیم یافته اردو برای این کار کاندید شدند که اودومگوو اوچو کو (Odumegwu Ojukwu) نیز در ردیف کاندید شدگان قرار داشت. او در آنوقت بسن سی و دوسالگی رتبه گرمی داشت و گورنر ایالت شرقی نایجیریا بود. ولی درین زمینه چانس با او یاری نکرد و بالاخره متنفذین نایجیریا یک گرمی سی و یکساله یعنی یا کوبو گوان را برای اینکار انتخاب کردند و موسمی الیه به رتبه تورنجترالی ارتقا جسته از وظیفه ستردرستیز نایجیریا به مقام لیدری آنکشور رسید. تعدادی از متنفذین نایجیریا به این علت یا کوبو گوان را بحیث رئیس دولت انتخاب کردند که تصور مینمودند بهتر میتوانند در صورت برقراری او اقتدار را در دست خود محافظه دارند ولی بآنکه ظاهر آیا کوبو گوان یک شخص جدی بنظر نمی آمد بزودی توانست با آغاز برنامه بیافرا بحیث یک لیدر ماهر نظامی سوق و اداره را طور کامل در دست بگیرد.

حوادث سال ۱۹۶۶ و قتل عام مردم ایبو در ایالت شمال نایجیریا که منجر به تجمع کتله های بزرگ قبایل ایبو در مسکن اصلی شان یعنی ایالت شرقی نایجیریا گردید آتش احساسات تجزیه طلبی قبایل ایبورادامن زد و چون حکومت جدید فدرالی نایجیریا را هم مطابق میل خود نمیدیدند بنابراین بیش از پیش برای تمرد و جدا شدن از نایجیریا آماده شدند، موجود بودن یک لیدر سرسخت که عبارت از دگرمن اوچو کو بود و آنوقت زمام امور ایالت شرقی را در دست داشت زمینه را برای عملی ساختن آرزوهای قبایل ایبو بیشتر مساعد ساخت. قبایل ایبو چنین استدلال میکردند که در نایجیریا همیشه با آنها بدیده یک اقلیت نگرینسته اند و یک عنصر غیر قابل اعتماد شمرده شده اند و بنابراین



اوچو کو که پس از تقریباً دو نیم سال مقاومت مجبور به فرار شد

در چوکات نایجیریای فدرال سر نوشت خود را روشن تلقی نمیکردند، بهر حال این مسایل برای بوجود آوردن یک چوکات پروهاگند در میان قبایل ایبو و هواخواهان آن هامورد استفاده قرار داده شد. منسوبین قبایل ایبو که هنوز حوادث خونین قتل عام همدیگان خود را در ایالت شمال نایجیریا فراموش نکرده بودند بتدریج به این عقیده گرویدند و بالاخره آن حادثه مصیبت بار رویداد و در اواسط سال ۱۹۶۷ دگرمن اودومیکو و او جو کو استقلال ایالت شرقی نایجیریا را اعلام داشت و آنرا بنام بیافریاد کرد. بیافرا آنوقت منابع محدودی در اختیار داشت و نتیجه مبارزه خود را مربوط به مقاومت عنودانه مردم ایبو و کومک های خارجی میدانست و بنا بر آن پروگرامهای وسیعی برای تبلیغات و پروهاگند طرح نمود تا به اساس آن از یک طرف در خارج نایجیریا هدف مردم ایبورا یک عمل مشروع و مجادله برای بقا قلمداد کرده در ساحه سیاسی و نظامی معاونت های لازمی را بدست آورد و از جانب دیگر در میان قبایل ایبو احساسات تجزیه طلبی و اتکاب خود را تقویت بخشیده و بدانوسیله سنگرهای خود را در برابر مداخلات احتمالی نظامی حکومت فدرال نایجیریا غیر قابل شکست سازد. او جو کو از روی تجارب کاذگو میدانست که در اقدام تجزیه طلبی خود به هیچ وجه تنها نخواهد ماند و از منابع مختلف کومک های قابل ملاحظه ای بدست خواهد آورد خصوصاً در حالیکه منابع سرشار نفت نایجیریا در همان ایالت شرقی آنکشور بشمول بندر مهم هر کبوت قرار داشت و داخل ساحه بیافرایی آمد. چون این منابع نفت مشتریان زیادی داشت بنا بر آن او جو کو آنرا یک وسیله جلب همکاری بعضی قدرت ها تصور مینمود. گذشته از آن در شرایطی که قدرت های متعددی از خارج افریقا در جستجوی بدست آوردن امتیازاتی در آن قاره بودند از امکان دور نبود که برخی ازین قدرت ها برای دریافت چنین امتیازات در صورت بقای بیافرا دست کومک به قبایل ایبو دراز کنند. علاوه بر آن چون مردم قبایل ایبو نسبت به سایر قبایل نایجیریا دارای استعداد بلندتر صنعتی و اداری بودند، و احساس قرارداد شدن در اقلیت نیروی آنها را در برابر سایر گروپ های نایجیریا متجدتر میساخت، او جو کو به قدرتی که برای حفظ بیافرا بحیث یک دولت مستقل در اختیار داشت امتیاز زیادی قایل شد و این مسئله او را به نتیجه اقدامات تجزیه طلبی اش خوشبین ساخت. جای شک نیست که حکومت فدرال نایجیریا به هیچ وجه نمیتوانست استقلال خود سرانته ایالت شرقی آن کشور را تحمل نماید زیرا علاوه بر آنکه در آنصورت نایجیریا از منابع حیاتی (نفت) محروم میشد از نگاه سیاسی هم یک ضربت جبران ناپذیری بر تمامیت آن وارد می آمد و اگر این ضربه را تحمل میکرد بدون تردید این مسئله به تجزیه بیافرا منحصراً منتهی نماند بلکه به سایر گوشه های آنکشور نیز سرایت میکرد خصوصاً در حالیکه در آنکشور تقریباً دو صد و پنجاه قبیله مختلف بسر میبرد مسئله بیافرا بزودی در ساحه افریقا و بالاخره در ساحه جهانی مورد مطالعه قرار گرفت و یک سلسله تلاشهای ممتد سیاسی برای حل بحران بعمل آمد. مسئولین دول افریقائی برای

جانگیری از یک ساحه داخلی شبیه کاذگو و حفظ آرامش و استقرار در سایر کشورهای افریقائی که بدون تردید از حرکت ایالت شرقی نایجیریا به نحوی از آنها متأثر میشدند به فعالیت های سیاسی خود درین زمینه دوام دادند و در خارج افریقا نیز قدرت هائیکه ازین رهگذر صدمات سیاسی و اقتصادی میدیدند دست از تلاش بر نداشتند. مگر او جو کو با اتکا بر قدرت و منابعی که فوقاً ذکر یافت به این آسانی تصمیم خود را عوض نکرد. یا کوبو گوان رئیس دولت فدرالی نایجیریا علیرغم اصرار یکدمه افراطیون نمیخواست از ابتدای مرحله شدیدترین اقدام نظامی را بر علیه اقدام تجزیه طلبی او جو کو بعمل آورد زیرا او از عواقب این کار هنوز مطمئن نبود و فکر میکرد شدت بی سابقه و دوامدار در برابر قبایل ایبو برای همیشه، احساسات همکاری و زندگانی مشترک ایشان را با سایر مردم نایجیریا ازین خواهد برد و بنا بر آن او در بدو مرحله تا حد امکان کوشید این بحران را از طریق مذاکرات و مداخله برخی از کشورهای افریقائی خاتمه بخشد. مگر بتدریج چهره واقعی این بحران روشنتر شده رفت و معلوم گردید که احساسات بر افروخته قبایل ایبو که در اطراف یک لیدر سرسخت مانند او جو کو جمع شده بودند به این آسانی نامنطقی شده نمیتواند و آنها که برای یک هدف مشترک خود به قدرت دست داشته اطعیان کاملی یافته بودند بدون امتحان آن یک عمل ظاهراً انجام شده را ترک نمیدادند. روی این اساس یا کوبو گوان رئیس دولت فدرالی نایجیریا بالاخره به مداخله نظامی در مقابل تجزیه طلبان ایالت شرقی تصمیم گرفت به اساس این تصمیم پالیسی مداخله نظامی گوان در ابتدا روی سرعت عمل استوار بود زیرا او که به کرکتر چنین حوادث افریقائی می اندیشید عقیده داشت در صورتیکه با وارد آوردن یک ضربه سنگین و سریع در مدت کوتاها ترین مقاومت بیافرا را درهم بکوبد به نحو بهترین بر تاثیرات منفی ناشی ازین بحران غلبه کرده خواهد بود چه در آنصورت او صرف با قدرت ابتدائی و دست داشته قبایل ایبو مقابل میشد و غلبه بر آن مستلزم سواقیات بزرگ و سفر بری مقهبل نبود در حالیکه اگر این بحران دوام می یافت در آنصورت بیافرا با فعالیت های خود در خارج سرحدات نایجیریا به حصول کومک های زیادی توفیق یافته قدرت مقاومت خود را بلندتر میبرد و آنوقت بحران وارده شکل یک جنگ دوامدار داخلی را بخود میگرفت این طرز استدلال جنرال یا کوبو گوان از نگاه عسکری موافق بود ولی در ساحه عمل با موفقیتی رو بر و نشد، زیرا در همان اوایل قوای نظامی نایجیریا که صرف درازده هزار عسکر را بمقابل بیافرا سوق داد چنان قدرتی نداشت که از عهده وارد آوردن یک ضربه قوی و سریع در مقابل قبایل ایبو با آنهمه مقاومت نخستین ایشان بدرآمده بتواند. روی این اساس همینکه قوای نظامی فدرالی نایجیریا در ساحه عمل به این امر توفیق نیافتند جنرال یا کوبو گوان شکل ستراتیژی نظامی خود را تغییر داد و تصمیم گرفت به تانی به پیشقدمی در مقابل تجزیه طلبان بیافرا تشبث

ورزد تا به این صورت از یک طرفه با وارد کردن محاصره اقتصادی بر بیافرا قدرت آنرا بتدریج ضعیف سازد و از جانب دیگر چانس سازش و مذاکره را با قبایل ایبو که یک عنصر فعال نایجیریا را تشکیل میدهند از دست ندهد. حوادث مصیبت بار در داخل بیافرا از همین مرحله آغاز یافت و مصیبت تحطی و گرسنگی چهره مخوف، خود را به مردم محصور شده بیافرا نشان داد. او جو کو که در ابتدا از یکطرف بنا برداشتن قدرت تازه دم و سمات کافی و از جانب دیگر به علت ضعف قوای فدرالی نایجیریا از نگاه کمیت و کیفیت اسلحه موفقیانه به مقاومت دوام داده بود با مشکل آذوقه و تهیه اسلحه سمات و مواد غذایی مواجه شد و به این ترتیب تامدتی فعالیت جدی بین طرفین کمتر به ملاحظه میرسد ولی آنچه محقق بود قدرت بیافرا بعلمت قلت مواد غذایی بتدریج ضعیفتر شده میرفت. معیناً همانطوریکه بحران های منطقه ای در عصر حاضر هیچگاه صرف به همان منطقه محدود نمی ماند موضوع اختلال داخلی نایجیریا هم به همان شکل ابتدائی باقی نماند و تلاش های مربوط به آن در ماورای سرحدات نایجیریا دوام داده شد درین مورد او جو کو کوشید از طریق فعالیت های سیاسی و پروپاگندهای دوامدار در سایر کشورهای جهان برای خود طرفدارانی پیدا کند و خصوصاً موقعیکه تلفات بیافرا از نگاه گرسنگی بلندتر رفت این پروپاگنداها بیشتر موثر واقع گردید. حکومت بیافرا مسئله جنگ داخلی نایجیریا را طوری در معرض قضاوت جهانیان گذاشت که در آن بالای یکتعداد مردم بی دفاع اردوهای منظم نایجیریا با استعمال اسلحه سنگین و قوای هوائی تلفات گرانی را وارد می آورد و مانع رسیدن مواد غذایی به مردم بیافرا قرار میگرفت این شکل پروپاگندا بتدریج هواخواهان زیادی را برای بیافرا بوجود آورد و آنهائیکه به ظاهر قضیه معتقد بودند مقصد و هدف بیافرا را یک عمل مشروع تلقی میکردند. روی همین ملاحظه دیری نگذشت که کومک های خارجی راهی بطرف بیافرا باز کرد، طبیعی است که درینصورت حکومت فدرالی نایجیریا بتدریج میزان قوای نظامی خود را از نگاه کمیت و کیفیت در جهت درهم شکستادن مقاومت بیافرا بلندتر برد و با حصول معاونت های نظامی اسلحه و وسایط متکاملتری را درین جنگ داخلی بکار انداخت و به این ترتیب دامنه آیین بحران وسیعتر شد.

* * *

تردیدی نیست که مداخله کشورهای خارجی در جنگ داخلی نایجیریا باعث طولانی شدن این بحران گردید و اگر بیافرا کومک های متوالی از خارج دریافت نمیکرد امکان نداشت در برابر قوای حکومت فدرالی نایجیریا مدت زیادی مقاومت کرده بتواند و بالاخره موقعی فراسید که دوام مقاومت بیافرا کاملاً به امداد خارجی مربوط بود. موسسات خیریه جهانی بتامی از عواطف انسان دوستی و معاونت در راه حفظ حیات اطفال، زنان و سالخوردهگان غیر نظامی که معروض شعله های جنگ داخلی بودند به رسانیدن مواد خوراکی و آذوقه غیر نظامی به مردم بیافرا تشبیت ورزید، ولی حتی این عمل هم از

طرف قوای نظامی بیافرا بدون استفاده نماند و در نتیجه همان طیاراتی که از طرف موسسات خیریه برای بیافرا مواد غذایی میرساند بطور پنهانی اسلحه و جبهه خانه مورد ضرورت قوای نظامی بیافرا را نیز به آن منطقه انتقال میداد. و نتیجه این موضوع اخیر الذکر عمومیت یافت قوای فدرال نایجیریا حتی به چنین انتقالات نیز انتقاد نموده و موسسات خیریه را که به مردم بیافرا مواد غذایی میرساند به حقیقت امر متوجه ساختند ولی قافگی در بیافرا به اندازه ای رسیده بود که انتقال مواد غذایی توسط طیاره با وجودیکه در عین زمان مورد استفاده انتقالات ذخایر نظامی قرار میگرفت حتمی تلقی میشد و موسسات خیریه و تعداد زیادی از کشورهای طرفدار آن بودند. البته در شرایطی که روزانه هزاران نفر بیقرانی از گرسنگی جان میدادند قطع کردن این انتقالات با مداخله قوای نظامی حکومت فدرالی نایجیریا تاثیرات منفی سیاسی را وارد می آورد و از آن رهگذر این وضعیت تا آخر دوام نمود و بیافرا ازین طریق احتیاجات مواد خوراکی و ضروریات نظامی خود را بدست می آورد و به مقاومت در مقابل قوای حکومت فدرالی نایجیریا دوام میداد. این مسئله در دوام جنگ داخلی نایجیریا تا اندازه ای زیادی موثر بوده است بیافرا بیشتر در کشورهای غیر افریقائی برای خود طرفدارانی پیدا کرده بود زیرا اکثر کشورهای افریقائی که به واقعیت خطر حمایت بیافرا مدرك بودند و آنرا بحیث یک خطر افریقائی تلقی مینمودند طرفدار وحدت نایجیریا بوده قیام قبایل ایبورا در بیافرا یک عمل مخالف دلچسپی های افریقاییان میدانستند و از آنرو کوشش میکردند با جلوگیری از رسیدن کومک های نظامی به بیافرا مقاومت آنرا ضعیف سازند.

مگر با وصف آنهم قدرت های بزرگ جهان یکی از طرف های داخل جنگ به دادن کومک های نظامی تشبیت ورزیدند و به اینصورت این قدرت ها به هر دو طرف اسلحه و وسایل نظامی میفرستادند، این موضوع هم جنگ داخلی نایجیریا را طولانی ساخت و در غیر آن گمان نمیرفت مقاومت بیافرا از همان مراحل نخستین بیشتر طول نکشد، درین ضمن کومک های بیشتر نظامی متوجه حکومت فدرالی نایجیریا بود زیرا نایجیریا را بحیث یک کشور مستقل و رسمی تماس ها و روابط مستحکم و رسمی با کشورهای جهان دارد و یک دولت برسمیت شناخته شده بحساب میرود، انگلستان که نایجیریا را یک عضو مهم کامنولت در افریقای غربی میشناسد و قبلاً دو صد و پنجاه قبیله آنکشور را در داخل یک تمامیت واحد سیاسی بحیث کشور مستقلی شناخته بود به وحدت نایجیریا اهمیت زیادی میداد خصوصاً در حالیکه از سالها به اینطرف در نایجیریا دلچسپی های اقتصادی نیز دارد، روی این اساس انگلستان به مقصد حفظ دلچسپی ها و منافع اقتصادی خود در نایجیریا خصوصاً نفت آنکشور در راه وحدت نایجیریا میکوشید اکون نایجیریا در آستانه احراز دومین مقام صادر کننده نفت در افریقا قرار دارد و پس از لیبیا نخستین کشور افریقائی میباشد که منابع سرشار نفت را در اختیار دارد و از حیث اندازه نفت دو مین

کشور آفریقائی بحساب می‌رود و اتفاقاً اکثر چاه های نفت نایجیریا در اختیار کمپنی شل Shell انگلیسی می‌باشد که در آن حکومت بریتانیا ۸/۹٪ فیصد سهم دارد، روی این ملاحظات انگلستان از همان اول مرحله اسلحه‌زیدار را در اختیار نایجیریا گذاشت تا بر بحران داخلی غلبه کند ولسی اندازه این اسلحه در برابر مقاومت عتودانه بیافرا کافی تلقی نمیشد، چون صدور اسلحه بیشتر، گراتر و قویتر از طرف انگلستان به نایجیریا زیر یک سلسله تهدیدات سیاسی نظامی و اقتصادی قرار داشت بنابراین حکومت فدرالی نایجیریا پس از موافقه با اتحاد شوروی به حصول اسلحه و سایل نظامی از اتحاد شوروی توفیق یافت، اتحاد شوروی هم که برای پیدا کردن نفوذ در آفریقای غربی دلچسپی نشان میداد به صدور مهمترین و متکاملترین اسلحه و وسایل نظامی به نایجیریا اقدام کرد بزودی اردوی فدرالی نایجیریا با اسلحه و وسایل مدرن تسلیح و تجهیز گردید؛ ایالات متحده آمریکا که از یکطرف مداخلات دیگران را در نایجیریا مخالف دلچسپی‌های سیاسی خود میدانست و از جانب دیگر در حدود یکصد و پنجاه میلیون دلار را در مراکز نفت خیز نایجیریا سرمایه گذاری نموده است از طرق سیاسی به تقویت موقف حکومت فدرالی نایجیریا دوام میداد، بدین ترتیب موقف سیاسی و نظامی نایجیریا بتدریج نیرومندتر شده رفت و از زرهوش‌ها و توپچی ذیقدرت گرفته تا طیارات جت شکاری و بمبارد را در تلاش درهم کوبیدن مقاومت بیافرا بکار برد.

درین ضمن بیافرا هم تنها نمانده بود و طبق بعضی راپور ها حتی از فرانسه هم کمک نظامی می‌گرفت، مگر اگر چنین عملی هم واقعاً صورت گرفته باشد و یقیناً اسلحه فرانسوی به تجزیه طلبان بیافرا رسیده باشد شاید بدست دوم و سوم این کار صورت گرفته باشد جای شک نیست که فرانسه هم در نایجیریا دلچسپی هائی دارد و در نفت نایجیریا هم سهم کوچکی دارد ولی کمک علنی به بیافرا درین مورد بخصوص از طرف حکومت فرانسه با پالیسی‌های فرانسه در خصوص نایجیریا وفق نمیدهد، شاید همانطوریکه گفته شده است مشتریان اسلحه فرانسوی در آفریقا مانند گابون و ساحل عاج که اتفاقاً بیافرا را هم برسمیت شناخته بودند یک مقدار اسلحه و وسایل نظامی فرانسوی را در اختیار تجزیه طلبان بیافرا گذاشته باشند به همه حال فرانسه یکی از کمک دهندگان نظامی به بیافرا قلمداد شده و در سال ۱۹۶۸ زیادترین مقدار اسلحه فرانسوی به بیافرا وارد شده است. و در آنوقت اندازه انتقال اسلحه و وسایل نظامی ساخت فرانسه به بیافرا در هر هفته سه صد تن تخمین شده بود که از طریق هوا به قوای نظامی بیافرا می‌رسید. گذشته از آن برخی از کشورهاییکه طرفدار حاکمیت اقلیت های سفید پوست در آفریقا میباشند نیز برای معاونت به بیافرا کمر بستند، هدف این کشورها که عبارتند از رودیشیا، پرتگال و آفریقای جنوبی چنین تخمین می‌گردد که آنها با تقویت بیافرا طرفداران زدن آتش جنگ داخلی نایجیریا بوده و به آنوسیله میخواستند یک کشور بزرگ آفریقا را بتدریج از پا در آورند و حکومت ملی آن مملکت را به تزلزل مواجه سازند.

بهر صورت کومک‌های نظامی که به این ترتیب به هر دو طرف شامل جنگ می‌رسید و باعث طولانی شدن جنگ داخلی نایجیریا قرار می‌گرفت موسسه ملل متحد و موسسه وحدت آفریقا را به پرابلم مشکلی مواجه ساخته بود. ملل متحد که بامداخله نظامی جهت درهم کوفتن اقدام تجزیه طلبی کتانگا شش سال پیش در کانگو به مشکلات زیادی روبرو گردید و باعث مغایرت شدن پرابلم داخلی کانگو شد، بحران بیافرا را یک حادثه داخلی ماورای وظایف اساسی خود قلمداد کرد زیرا فکر میشد که مداخله قوای ملل متحد در جنگ داخلی نایجیریا همان نتایج نامطلوبی را بار خواهد آورد که در کانگو قبلاً به ثبوت رسیده بود. اکثر اعضای موسسه وحدت آفریقا ازین وحشت داشتند که اقدامات تجزیه طلبی به کشورهای آنها سرایت نکند و از آنرو به هیچ وجه طرفدار تقویت بیافرا نبودند تا بدانوسیله امیدهای تجزیه طلبان رادرسایر گوشه‌های آفریقا برای پیروزی خواسته های ایشان ازین ببرند. ولی در حالیکه قدرت های بزرگ خارج آفریقا در جنگ داخلی نایجیریا به مداخله دست زده و در نتیجه آن بیافرا نیز حامیانی برای خود پیدا کرد، اعضای موسسه وحدت آفریقا این موضوع را بانگرانی خاصی تعقیب می‌کردند. دپلومات‌های آفریقا اظهار عقیده می‌کردند در صورتیکه قیام بیافرا درهم شکستانده نشود هیچ کشور آفریقائی در داخل حدود خود به برقراری آرامش کامل مطمئن نخواهد بود و عمل تجزیه طلبی بیافرا دیرباز و در سایر کشورها تاثیرات نامطلوبی را بار خواهد آورد. ولی با آنهم درین شکل استدلال نقطه ضعیفی موجود بود زیرا عامل نا آرامی‌های داخلی در سایر کشورهای آفریقائی صرف موفقیت یک اقدام تجزیه طلبی در یک گوشه آن قاره وسیع تلقی شده نمیتواند بلکه درین قسمت عوامل دیگر سیاسی، اجتماعی و ایده لوژیکی دخالت دارد و بنابراین صرف درهم شکستن مقاومت بیافرا دلیل تضمین ختم این نوع حادثات در سایر گوشه های آفریقا قبول شده نمیتواند همانطوریکه عدم موفقیت اقدامات تجزیه طلبان کتانگا در کانگو جلو قیام قبایل ایبورا در بیافرا گرفته نتوانست. به همه حال وحدت نظر اکثر کشورهای آفریقائی در مورد موقع ندادن به موفقیت اقدامات تجزیه طلبی در هر گوشه ای از آفریقا که باشد منجر به طرفداری اکثریت قاطع ممالک آفریقائی از وحدت نایجیریا و ازین بردن مقاومت بیافرا گردید طوریکه بجز گابون، ساحل عاج، تانزانیا و زمبیا ۳۶ عضو دیگر جامعه آفریقائی بر علیه بیافرا و به نفع حکومت فدرالی نایجیریا فیصله نمود.

* * *

در چنین اوضاع پر آشوب جنگ داخلی نایجیریا دوام نمود و بتدریج بر شدت آن افزوده شده رفت. قوای حکومت فدرالی نایجیریا در مقابل تجزیه طلبان بیافرا صفحه به صفحه تقویه شد. در اوایل که حکومت فدرالی نایجیریا صرف دوازده هزار عسکر را در مقابل بیافرا سوق نمود محاربات بین طرفین به کندی پیش می‌رفت مگر همینکه از یک طرف تعداد سربازان

حکومت قدرالی افزایش یافت و اسلحه عالیتری در دسترس آنها قرار گرفت و از جانب دیگر بیافرا زیر تهدیدات فاقگی و کمبود آذوقه و مهمات نظامی آمد سرعت پیشقدمی قوای قدرالی نایجیریا هم بیشتر شده رفت ، در اواخر سال ۱۹۶۸ بندر مهم هر کورت بدست قوای حکومت قدرالی نایجیریا افتاد و تمامه های اهریل سال ۱۹۶۹ سرعت پیشقدمی قوای قدرالی نایجیریا در بیافرا از هر استقامت به اندازه ای بلندتر رفت که اوج و قسمت های مهم بیافرا را از دست داد و ارتباط آن با بحر قطع شد ولی با وجودیکه در چنین فرصت قبایل ایبو در یک ساحه محدود محاصره شده بودند دفعتاً نیروی تازه روحی یافتند و تحت تاثیر احساسات تجزیه طلبی به شدید ترین مقاومت اقدام کردند طوریکه حتی بعضی قسمت هارا از قوای قدرالی نایجیریا دوباره اشغال کردند و اوج و کو اظهار عقیده میکرد که این حادثه یک نقطه عطف در مجادله قبایل ایبو میباشد . مگر طوریکه دیده میشد بیافرا در مصیبت فاقگی دست و پا میزد و امید زیادی برای پیروزی آن باقی نمانده بود . با آغاز باران های موسمی فعالیت قوای قدرالی نایجیریا تا اندازه ای بطی شد ولی درین ضمن اندازه قوای نظامی حکومت قدرالی در مقابل بیافرا به یکصد و بیست هزار سرباز رسید که با وسایل زر هپوش ، توپچی ذی قدرت ، طیارات میگ و طیارات بمبارد ایلوشن و سایر اسلحه و وسایل متکا ملتری که از انگلستان و اتحاد شوروی به نایجیریا میرسید مجهز شده بود . در مقابل این اردوی بزرگ تعداد سربازان بیافرا صرف به چهل هزار نفر بالغ میشد که آنها کمتر غذا می یافتند و از روی احساسات محض به مقاومت دوام میدادند . در اواخر سال ۱۹۶۹ که قوای نظامی بیافرا در یک ساحه کوچکی که دهم حصه رقبه بیافرا بود محصور ماند و از هر طرف تحت فشار قوای قدرالی نایجیریا آمده بود . پس از آن یک ضربه شدید و سریع قوای قدرالی برای درهم شکستادن این مقاومت نهائی ضروری پنداشته میشد و این حادثه در عید کرمس اخیر تحقق یافت .

قوای قدرالی نایجیریا که مقاومت بیافرا را در مراحل آخرین آن میدید و بعلت فاقگی و جنگ دوامدار اراده جنگجویی سربازان اهورا درهم شکسته یافت و هر روز شاهد فرار تعداد زیادی از آنها بسایر مناطق و حتی کشور های خارجی بود . بالاخره پلان یک حمله نهائی راطرح کرد که حتی برای آنها نیکه به موفقیت قوای قدرالی نایجیریا نهایت خوشبین بودند موجب تعجب و شکفتی قرار گرفت . این حمله قوای قدرالی نایجیریا نهایت سریع و ناگهانی بود و از همان رهگذر هم عجالتاً به این جنگ داخلی اقل در ساحه نظامی خاتمه داد . در چنین فرصتیکه قوای نظامی بیافرا در یک ساحه محدود در اطراف شهر اولی محصور مانده بود فرقه سوم کومانده و نایجیریا تحت قوماندان گرن اولو او بسانجو (Olu Obasanjo) از جنوب به تعرض عمومی پرداخت و بالاخره با فرقه اول اردوی نایجیریا در نزدیک شهر او موهیا یکجا شد . این حرکت یک ساحه پنجم میل مربع را از سایر بخش های بیافرا مجزا

ساخت . پس از آن فرقه اول اردوی نایجیریا به پیشقدمی جهت یکجا شدن با فرقه دوم پیاده اردوی نایجیریا در نزدیک او نیتشا دوام داد . این عملیات باعث پارچه شدن مواضع نهائی قوای بیافرا به سه قسمت شد و مهمتر از همه برای نخستین بار قوای قدرالی نایجیریا به تحت کنترل گرفتن شبکه راهها که برای آنها آزادی مانور را تا سبن میکرد توفیق یافتند و بنا بر آن در اطراف مواضع مقاومت بیافرانی ها به آزادی حرکت کرده میتوانستند . گذشته از آن قطعات اردوی قدرالی نایجیریا در چنین فرصت توپهای صحرای ۱۲۲ میلیمتری را که دارای منزل انداخت سیزده میل میباشد در اختیار داشتند با استفاده از این امکانات آتش و مانور فرقه سوم کومانده و نایجیریا قسمت جنوب جهه قوای بیافرا را موقفانه شق کرد و بالاخره اوج و کو را در تلاش نجات زندگی اش به فرار از بیافرا مجبور ساخت برای سربازان بیافرا هم این عملیات اردوی قدرالی نایجیریا ناگهانی بود و از همین سبب هم آخرین مقاومت آنها را به سرعت بی سابقه ای در هم شکست ولی آنچه محقق است مقاومت بیافرا در چنین فرصت به اندازه ای ضعیف شده بود که افراد آن از هر چیز وحشت داشتند . سربازان بیافرا اظهار داشتند که آنها از مدتها با نطرف گرسنه بونه اند طوریکه در طول چند روز جز آب چیزی دیگری نیافته اند و بعضاً در طول سه روز صرف یک وقت غذا پیدا کرده اند . در همین احوال یکتعداد زیاد سربازان بیافرا در تلاش مواد غذایی به لیبرویل مرکز کشور گابون فرار می نمودند و بنا بر آن درین موقع مورال قوای بیافرا به اندازه پائین آمده بود که نمیتوان آنرا یک قدرت نظامی بحساب در آورد . گذشته از آن در میان مردم ملکی بیافرا حالت پانیک با چستان عمیق عمومیت یافته بود که دیگر از جنگ بیزار شده و فقط از صحنه های آن به هر طرف فرار میکردند و همان اشخاصیکه چندی پیش اوج و کو را شکست ناپذیر میخواندند و با اطمینان به چنین لیدری به مقاومت عنودانه دوام میدادند درین وقت تقاضا داشتند اگر اوج و کو واقعاً شخصیت بزرگی است باید تسلیم شود .

به همه حال مردم بیافرا وقتی فهمیدند که تمام مقاومت های آنها درهم شکسته است که قوماندان فرقه سوم کومانده و نایجیریا مرکز فرستنده رادیوی بیافرا را اشغال نمود و اعلام داشت که تمام بیافرا از طرف قوای قدرالی نایجیریا اشغال شده است . و ضمناً از تمام سربازان تقاضا کرد که اسلحه بزمین گذاشته خود را به نزدیکترین قطعات اردوی قدرالی تسلیم کنند . درین میان اودو میگو و اوج و کو که یکسال پیش اظهار میداشت تا آخر در بیافرا باقی خواهد ماند و لو او آخرین فرد باشد ولی در اواخر ماه جدی گذشته پس از تقریباً دو نیم سال مقاومت به حیث لیدر قبایل ایبو فیصله کرد دیگر نمی تواند در بیافرا به مقاومت دوام دهد قبل از آنکه اوج و کو بیافرا را ترک دهد با کابینه خود تشکیل جلسه داد و در آن با پیشنهاد تشکیل یک هسته مقاومت در یک

محل مخفی مخالفت نمود و پس از آنکه اختیاراتش را به لوی درستیز خود فیلیپ ایقیانگ سپرد برای فرار از بیافرا آمادگی گرفت و با عده از پیروان و مأمورین بزرگ خود ذریعه یکی از طیارات نقلیه از میدان اولی بطرف نامعلومی پرواز کرد. با آنکه گفته می‌شد او جو کو به پایتخت گابون (لیبرویل) فرار کرد ولی هنوز موقعیت وی معلوم نشده است طبق یکتعداد نظریات دیگر او شاید در پاریس، جنوا و یا لزبن مخفی شده باشد و طبق برخی اطلاعات هم موقعیت او را در ساحل عاج دانسته اند به همه حال او جو کو اندکی بعد از مخفی گاه خود اعلام داشت که اگر او به جنگ دوام میداد برای همیشه بیافرا از بین میرفت و بنا بر آن او یعنی به ترک صحنه اقدام کرد که عقیده دارد تا زمانی که او زنده باشد بیافرا هم باقی خواهد ماند و مجادله به خاطر استقلال آن دوام خواهد یافت.

پس از فرار او جو کو جانشین نام نهاد او ایقیانگ به طر قدراری از وحدت نایجیریا اعلامیه انتشار داد و بلافاصله اظهار اطاعت نمود. یا کو بو گوان هم ایقیانگ را با خو شروئی پذیرفت و رتبه نظامی اش را در اردوی نایجیریا تأیید کرد.

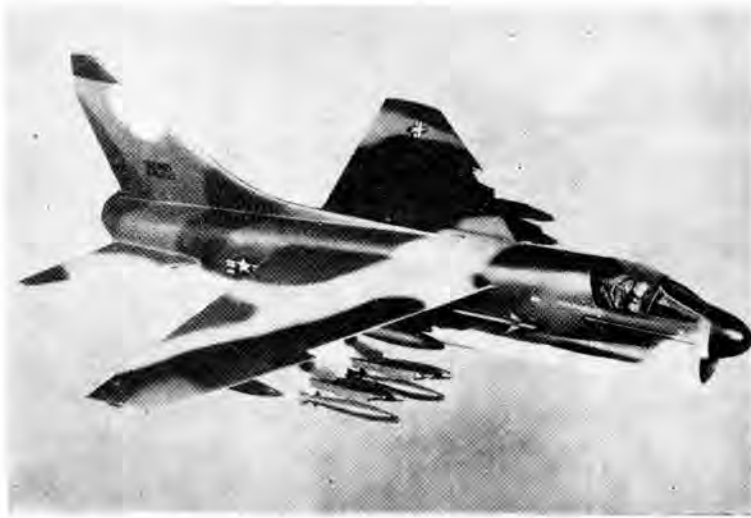
* * *

اکنون که بحران داخلی نایجیریا در ساحه نظامی خاتمه یافته است یک سلسله برابلم های اساسی هنوز لاینحل باقی مانده که در راس همه بر طرف نمودن مصیبت های قحطی در بیافرا میباشد با آنکه پس از سقوط بیافرا یکتعداد کشور های بزرگ بشمول انگلستان و امریکا آمادگی خود را برای رسانیدن مواد خورا که به بیافرا اظهار داشتند و درین مورد وارد عمل هم شدند ولی یا کو بو گوان رئیس دولت نایجیریا بنا بر ملاحظات سیاست داخلی اش اعلام داشت که او به قبول این نوع کمکهای خارجی آماده نمی باشد و حکومت نایجیریا از امکانات خود درین زمینه اقدام خواهد کرد و اگر پس از ضرورتی به کمک های خارجی احساس نماید به این کار میبادرت خواهد ورزید ولی حقیقت سخن درین جاست که جنرال یا کو بو گوان اکنون که مقاومت نظامی بیافرا را در هم شکسته است در تلاش آنست قبایل ایبو را بار دیگر در چوکات حکومت فدرالی نایجیریا به همکاری صمیمانه با سایر قبایل آنکشور ترغیب نماید از همین رهگذر جنرال یا کو بو گوان اعلام داشته است که با قبایل ایبو هیچ گونه معامله نامطلوبی نخواهد شد و به آنها مانند سایر مردم نایجیریا در اداره آنکشور فرصت اشتراک داده خواهد شد جای شک نیست که جنگ دو نیم سال گذشته احساسات تنفر و مخالفت را در مقابل قبایل ایبو نسبت به سایر گروههای نایجیریا بسیار عمیق ساخته است و اگر این تنفر بشکل یک عقده باقی می ماند در آنصورت غلبه نظامی بر مقاومت قبایل ایبو یک پیروزی نهایی برای حکومت فدرالی نخواهد بود اکنون که جنرال یا کو بو گوان فیصله کرده است عملیات کمک و رساندن مواد غذایی و صحتی را به ساحه های مصیبت دیده آنکشور از بنیه دولت نایجیریا بعمل آورد در چندین

اعلامیه خود امتناع از گرفتن کمکهای خارجی را به این مطلب استناد داده است که مصیبت جنگ داخلی نایجیریا با نتیجه مداخله قدرت های خارجی در امور آنکشور می باشد. او به این وسیله میخواهد به قبایل ایبو این مطلب را روشن سازد که مسئولیت حیات اجتماعی در داخل نایجیریا صرف بدوش ساکنین آن می باشد و بنا بر آن باید درین ساحه با هم همکاری نمایند با وصف آن هم هیولای قحطی به چنان شدت بیافرا را تهدید می نماید که نایجیریا از امکانات خود به مشکل خواهد توانست با آن مقابله کند. تعداد مهاجرین و پناه گزینان بیافرانی به تقریباً سه و نیم میلیون میرسد که از آنجمله بین یک الی دو میلیون نفر آن ها محتاج کمک های بسیار سریع میباشد. حکومت نایجیریا اعلام داشته است که آنها سیزده هزار تن مواد غذایی را در دیپوها حاضر دارند و هفت هزار تن دیگر نیز بزودی تهیه میشود و این مقدار از اندازه کافی هم بیشتر است زیرا در یک ماه برای اعاشه دو میلیون گرسنه نه هزار تن مواد غذایی ضرورت میباشد. گذشته از آن منابع حکومتی نایجیریا در همان روزهای اول اعلام کردند تا آنوقت به اعاشه هفتصد هزار نفر اقدام شده است.

به همه حال شاید حکومت فدرالی نایجیریا برای تأمین آشتی واقعی مردم ایبو و جلب همکاری آنها در حیات اجتماعی نایجیریا و بدانوسیله تقویه وحدت آنکشور حتی الامکان خواهد کوشید تدابیر مقتضی را برای مقابله با قحطی در بیافرا اتخاذ نماید. ولی باید مدنظر داشت که اگر چه قبایل ایبو مختصتهای گذشته را فراموش کنند و برای ایشان سهم فعال در پست های دولتی داده شود عقده مخالفت سایر قبایل ایالت شمالی و غربی نایجیریا صرف با همین حرکت از بین نخواهد رفت و این مخالفتها و مخالفت های داخلی باعث تحریک اختلافات دیگر داخلی شده میتواند. اکنون تعداد زیادی از جوانان نایجیریا بخدمت عسکری جاب شده اند و باید اکنون که جنگ داخلی خاتمه یافته ترخیص گردند اگر چنانچه معمول است این اشخاص با سلاح از خدمت اردو مرخص گردند و کار مورد نظر را هم خصوصاً در شرایط فعلی نامطلوب اقتصادی در نایجیریا پیدا کرده نتوانند امکان بروز اختلافات دیگر بیشتر میشود.

جنرال یا کو بو گوان اکنون موقف خود را در نتیجه درهم شکستن مقاومت بیافرا تقویت بخشیده است و بیش از پیش بر اوضاع مسلط است. موفقیت های آینده او مربوط به سویه پیروزی اش در تأمین وحدت نایجیریا و نزدیک ساختن قبایل مختلف آنکشور به همدیگر میباشد و از همین رهگذر او شدیداً درین راه فعالیت میورزد ولی اگر در طول این تلاش او نتواند چنین وحدت و همکاری مشترک را بوجود آورد رقبای زیادی در نایجیریا موجود اند که در راه از بین بردن او اقدام خواهند کرد. مگر از روی فعالیت های کنونی یا کو بو گوان میتوان چنین تخمین نمود که موقف او بحیث رئیس دولت فدرالی نایجیریا بیش از پیش تقویت یافته است.



طیاره جدید قوای هوایی امریکا کارسیر-7D-A که دارای قدرت عملیات تحت هر گونه شرایط جوی بوده و سهمت زیادی را نیز حمل کرده می تواند .

گردیده همراه با یک عده کندک های مستقل و دسته های معاونه ، و یونت های تعلیمی در مواقع اضطراری ۱۱ غنند های جنگی و یونت های معاونه که عده ۱۳۰،۰۰۰ نفری را تشکیل میدهد با این قوا همراه میگردد .

قوای بحری .

مجموع قوا ۷۰۰۰ نفر همراه با ۶۵۰ توپ ساحلی .
 ۱۵ تحت البحری ساحلی .
 ۵ کشتی سریع السیر جنگی .
 ۴ کشتی ماین فرش کن ساحلی .
 ۹ ماین پاك كن ساحلی .
 ۲ کشتی پیشقراول ساحلی .
 ۲۰ کشتی تفنگدار .
 ۱۴ کشتی معاونه .
 در حدود ۲۵ قایق تورپید و کمتر از یکصد تن .

وهم چنین یکعده کندک های توپخانه ساحلی را نیز مالک است .

قوای هوایی :

مجموع قوا ۹۰۰۰ نفر و ۱۳۰ طیاره جنگی .
 يك تولى طيارات تعرضی دارای قدرت عملیات تحت هر گونه شرایط جوی از نوع F-104G .
 ۴ تولى طيارات تعرضی بمبارد از نوع RF-48F .
 يك تولى طيارات اکتشافی عکس بردار از نوع RE-84F .

۱۸ طیاره کوچک گزومه در یائی از نوع HU-16
 ۱۵ طیاره ترانسپورت متوسط از نوع C-119, C-47 و تون آتر .

۳۰ طیاره هلیکوپتر از نوع ایرو کوپس HU-LB و ۲ هلیکوپتر از نوع بل ۴۷ .

چهار مرکز پرتاب راکت های نوع يك آجکزو نیک هر کولس در اطراف اسلو تعبیه گردیده (مرمی های ذروی ندارند)

قوای احتیاطی :

افراد احتیاطی تربیه شده از همه شقوق بیش از ۱۱۰۰۰۰ نفر بوده و گارمحتلی که امنیت داخلی را نیز عهده دار است تعداد شان به ۷۰۰۰۰ نفر بالغ میگردد .

پرتگال

معلومات عمومی :

تعداد نفوس : در ۹۵۰۰۰۰ نفر .
 خدمت نظامی اردوی زمینی ۱۸-۴۸ ماهه در قوای هوایی نیز ۱۸-۴۸ ماهه و در قوای بحری ۴۸ ماهه میباشد کل عایدات ملی در سال ۱۹۶۷ تخمیناً ۴،۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دالر امریکائی .
 مجموع قوای نظامی : ۱۸۲،۵۰۰ نفر بودیجه دفاعی سال ۱۹۶۸ کم از کم مبلغ ۳۰۲،۰۰۰،۰۰۰ دالر بوده که از این مبلغ دوثلث آن مصارف پرتگال را در افریقا تشکیل میدهد . (۲۸،۸ اسکو دلس پرتگالی = ۱ دالر امریکائی)

اردوی زمینی :

مجموع قوا ۱۵۰۰۰۰ نفر .
 جزو تانکهای دو لوای پیاده در حصص مرکزی پرتگال متمرکز شده . یکی از این دولوا که دارای تانکهای نوع M-41, M-47 بوده و برای فعالیت تحت اداره پیمان ناتو نامزد گردیده است و تا پنجاه فیصد با قدرت اعظمی مجهز میباشد . لوای دیگر که برای دفاع مجموعی ساحه ابران مشخص ساخته شده از لوای فوق الذکر در تعداد کمتر است که یونت های متذکره دارای بعضی آوان های ۱۰۵ میلی متری میباشد .

متباقی قشون (که تقریباً ۲۵ غنند را تشکیل میدهد) در ایالات های پرتگالی واقع افریقا متمرکز گردیده . در حدود ۵۵۰۰۰ نفر بشمول قشون داخلی در انگولا ۴۰۰۰ نفر در موزمبیق و ۲۰۰۰۰ نفر در گانای پرتگالی میباشد .

قوای بحری :

مجموع قوا : ۱۴۰۰۰ نفر بشمول ۲۵۰۰ نفر افراد دریائی ؛ تحت البحری .
 ۱۴ کشتی سریع السیر (با یک کشتی جنگی سریع السیر مجهز با سهمت ضد تحت البحری) .

۱۳ کشتی بدرقه کن ساحلی .

۴ ماین پاك كن بحری .

۱۲ ماین پاك كن ساحلی .

۱۵ پرتاب کننده پیشقراول .

۴ کشتی برای فرود از نوع LCT

قوای هوایی :

مجموع قوا : ۱۷۵۰۰ نفر و ۱۰۰ طیاره جنگی .
 ۲۰ طیاره بمبارد خفیف نوع پستون دار .

يك تولى طيارات شکاری نوع سا برز F-86F

يك تولى طيارات تعرضی بمبارد نوع تندرجت F-84G

دو تولى طيارات جنگی خفیف نوع G-91 .

يك تولى اکتشافى مجهز با مهمات
 ضدتحت البحرى از نوع پنتون-2 P .
 در حدود ۶۰ طياره ترانسپورتى
 متوسط که شامل ۱۲ فروند از نوع
 نارائلس ، ۴۰ فروند از الواع
 DC-6, C-54, C-47 می باشد.
 محض تولى پانتون تحت اداره ناتو
 سپرده شده است .

يك غند ۴۰۰۰ نفرى غير اردوى
 زمينى موجود است که تحت اداره قواى
 هوائى بوده يك کندک آن در هر يك
 از سه آيالت افریقاىى خدمت میکنند .

قواى غير نظامى :

گارد ملى عوام ۱۵۰۰۰ نفر .
 افراد احتیاطى با تعليمات نظامى
 بصورت مجموعى در حدود ۵۰۰،۰۰۰
 نفر .

ترکیه

معلومات عمومى :

تعداد نفوس : ۳۳،۰۰۰،۰۰۰ نفر
 خدمت نظامى : اردوى زمينى و
 قواى هوائى دو ساله و قواى بحرئ
 سه ساله .
 کل عایدات ملى در سال ۱۹۶۷
 تخمیناً ۱۰۱،۰۰۰،۰۰۰ دالر امریکائى

مجموع قواى نظامى : ۵۱۴،۰۰۰
 نفر .

تخمینات دفاعى ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹
 مبلغ ۳۹،۰۰۰،۰۰۰ دالر (۹۰۸
 لیره ترکی = ۱ دالر امریکائى)

اردوى زمينى .

مجموع قواء ۴۲۵،۰۰۰ نفر .
 يکک الوای ذرهدار باتانکهای نوع
 M - ۴۷ .

۴ فرقه زره دار باتانکهای نوع M-۴۷ .
 ۲ غند زره دار سواری .

۱۳ الوای پیاده ، يکى از ۳ این الوایها
 میکانیزه شده است .

۲ فرقه پیاده میکانیزه .
 ۲ کندک پراشوتى .

تانکهای خفیف نوع M - ۲۴
 و مخرب های تانک از نوع M - ۳۶
 (باتوپ های ۹۰ ملى متری) .

۵ راکت های زمين به زمين از نوع
 هانست جان .

آوان های ۱۰۵ ملى متری ، ۱۵۵
 ملى متری و ۲۰۳ ملى متری .

موترهای زره پوش برای حمل
 عساکر از نوع M - ۱۱۳ .

به استثنای برخى از غندهای محافظ
 و لنگه بانان دفاع سرحدى همه اردوى
 ترکیه به ناتو موظف گردیده است .
 تعداد احتیاطى های تعليم یافته اردو
 به ۴۵۰،۰۰۰ نفر میرسد .

قواى بحرئ :

مجموع قواء : ۳۹،۰۰۰ نفر .
 ۱۰ تحت البحرئ .

۱۰ مخرب .

۱۵ بدرقه کن ساحلى .

۱۴ ماین فرش کن ساحلى .

۸ قایق موتوردار تورپدو .

۸۰ کشتى فرود (برخى کمتر از ۳۰ تن)

قواى احتیاطى بحرئ ۷،۰۰۰ نفر

قواى هوائى :

مجموع قواء : ۵۰،۰۰۰ نفر و
 ۵۰۰ طياره جنگى .

يکک تولى طيارات شکارى از نوع

يکک تولى طيارات شکارى از نوع F-5A

۶ تولى طيارات شکارى از نوع

F-86D/E/K .

۲ تولى طيارات تعرضى بمبارد از نوع

F-104G .

۴ تولى طيارات تعرضى بمبارد از نوع

F-5A .

۱۰ - تولى طيارات تعرضى بمبارد از نوع

F-100C

۳ تولى طيارات اکتشافى از نوع .

F-84Q, RF-84F .

۴ تولى ترانسپورتى دارى طيارات

نوع C-130, C-54, C-47 .

(در يکک تولى جنگى ترکی تا ۲۰ طياره

شامل است .)

۲ کندک راکت های ضد طيارات

از نوع نیک هر کوس . (۶ بطرى) .

قواى هوائى ترکیه بشمول بطرى های

نیکک تحت اداره ناتو سپرده شده است .

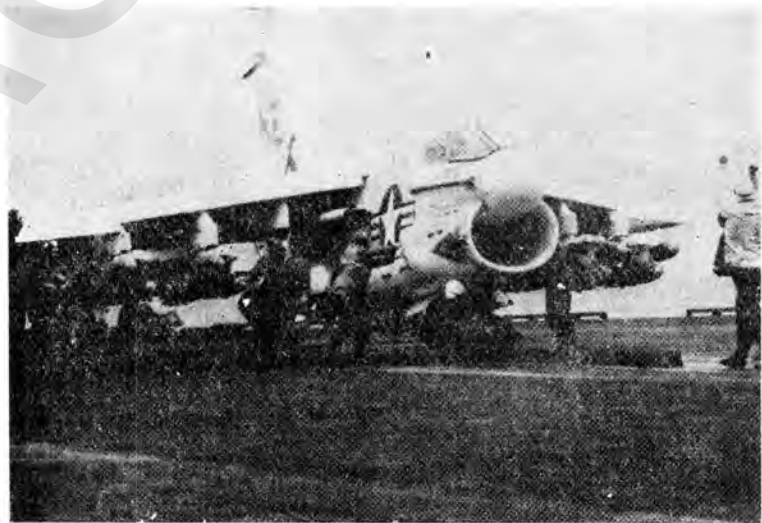
قواى غير نظامى :

ژاندارم : ۲۰/۰۰۰ نفر (بشمول

سه تشکيلیکه در فرقه های پیاده ایجاد

گردیده) .

گارد ملى : ۲۰،۰۰۰ نفر .



طياره نوع A-7A که به تمام معنى مصونيت پيلوت در آن
 تضمین گردیده چه شیشه های پیشروى و اطراف پيلوت همه
 از نوع ضد مرمى ساخته شده و تانکهای طياره مذکور نیز
 در صورت آسیب دیدن خود بخود محکم می شود طياره مذکور
 دارى ماشیندار ۲۰ میلى متری نیز می باشد



تانک خفیف نوع SS-11

اضلاع متحده آمریکا:

معلومات عمومی:

تعداد نفوس ۲۰۱۰۰۰۰۰ نفر
 خدمت نظامی انتخابی دو ساله
 کل عایدات ملی در سال ۱۹۶۷ تخمیناً
 ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار
 مجموع قوای نظامی ۳۵۰۰۰۰ نفر
 تخمینات دفاعی ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹
 مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار
 که از اینجمله تخمیناً ۲۵ الی ۳۰ میلیارد
 دلار برای عملیات جنگهای ویتنام
 تخصیص داده شده است.

قدرت های ذروی ستراتیژیکی:

قدرتهای ستراتیژیکی تهاجمی و
 دفاعی آمریکا بمنظور تأمین دو مرام
 اساسی عرض وجود نموده است:
 ۱ - جلوگیری و مقابله با حملات
 ذروی برخاک اضلاع متحده آمریکا
 و متحدین آن و در صورت مقابله ذروی
 وارد آوردن خسارات تحمل ناپذیری
 برجانب مقابل اگر یک دولت باشد
 و یا چندین دولت.
 ۲ - در صورت وقوع جنگ جهانی
 محدود ساختن خسارات بر افراد و نقاط
 حساس خاک آمریکا.
 در موقع تعرض شدید ذروی بر
 آمریکا طرق مناسب کنترول این قوتها
 نیز تدارک دیده شده است.
 در ماه سپتامبر ۱۹۶۷ تولید سیستم
 راکت های ضد راکت از نوع سپارتن
 و سپرنت در برابر تعرض های احتمالی
 راکت های قاره پیمای جمهوریت چین
 از طرف دولت ایالات متحده آمریکا

اعلام گردیده بود. سیستم کامل از
 این نوع دفاع تحت عنوان سنتینل
 Sentinel که شامل یک شبکه درست
 و صحیح رادار می باشد به زودی رویکار
 خواهد آمد اما ممکن تا قبل از سال
 ۱۹۷۰ امکان پذیر نباشد.
 قدرتهای ستراتیژیکی تهاجمی

راکت های پایگاه های زمینی.

در حال حاضر به تعداد ۶۵۰ راکت
 نوع مینوت من I و ۳۵۰ راکت نوع
 مینوت من II قاره پیمای که از مواد
 سوخت جامد در آن استفاده مینوت
 آماده عملیات موجود میباشد. راکت های
 نوع مینوت من II تدریجاً جای
 راکت های مینوت من I را میگیرند
 که در حقیقت هر شش غند راکت بانوع
 مینوت من II مجهز ساخته میشود. یک
 نوع دیگر اصلاح شده راکت های
 نوع مینوت من III در حال انکشاف بوده
 و از موتورهای نوع Mirv برای حمل
 راکت های مذکور استفاده خواهد
 شد. (۵۴) مرکز پرتاب (شش تولی
 هر یک دارای ۹ عدد راکت) راکت های
 قاره پیمای نوع تیتان II که از مواد
 سوخت مایع در آن استفاده میشود بحال
 خود باقی خواهد ماند چه این راکت ها
 دارای معیار طولانی تر و قوه تخریبی
 بیشتر از راکت های نوع مینوت من
 II میباشد.

راکت های پایگاه های بحری:

قوای بحری آمریکا در حال حاضر
 ۴۱ تحت البحری مجهز با راکت های
 ذروی قاره پیمای تحت اداره خویش دارد
 که هر یک از این تحت البحری ها ۱۶ عدد
 راکت بلاریس را حمل میدارد. (۳۲)
 عدد ازین تحت البحری ها در هر وقت
 و در یک لحظه قابل استفاده و عملیات
 است که ۲۵ غده در ساحه اتلانتيک ،
 قطبی و مدیترانه و ۷ عدد در بحر آرام
 جابجا ساخته شده است. منجمله ۴۱
 عدد تحت البحری تعداد مجموعی ۱۳
 آن با راکت های نوع 2-A (دارای
 معیار ۱۵۰۰ میل هوایی) و متباقی با
 راکت های نوع 3-A (بامعیار ۲۵۰۰



تانک زره پوش نوع SS-11

میل هوایی) مجهز میباشد. در حال
 حاضر قیصله بعمل آمده تا استحصال
 راکت های نوع بازیدان که قوه تخریبی
 آن تقریباً دو برابر راکت های نوع
 3-A میباشد آغاز و با عراده های نوع
 Mirv مجهز گردد.

که در حقیقت این راکت جدید جای
 راکت های بلاریس را که در ۳۱ عدد
 تحت البحری تعبیه گردیده نیز اشغال
 خواهد نمود. (متباقی ده تحت البحری
 دیگر دارای راکت های نوع 3-A
 خواهد بود).

قدرت های بمبارد:

قوماندانی ستراتیژیکی هوایی در
 حدود ۵۲۰ طیاره بمبارد تحت اداره
 خویش دارد که این غده شامل ۴۸۰
 طیاره معیار طویل از نوع B-52
 (با ۸۰ طیاره که در گدام است)
 میباشد. طیارات B-25 دارای
 راکت های هوا به زمین از نوع هوندداگ
 AGM-28B دارای معیار ۷۰۰ میل
 و سلاح ذروی میباشد. دو غند از
 طیارات نوع هوستلر B-25 که غده
 آن بطور مجموع ۴۰ فروند طیاره را
 تشکیل میدهد طیارات بمبارد متوسطه
 میباشد که شامل خدمت هستند.

در پلان است که ۲۱۰ طیاره بمبارد
 نوع FB-111A بین سالهای ۱۹۶۹ تا
 ۱۹۷۱ شامل خدمت خواهند شد.

در حدود ۵۷۵ طیاره تانکر نوع
 B-531 در قوماندانی مذکور شامل
 بوده و علاوه تا ۱۵ فروند طیاره اکتشافی
 ستراتیژیکی از نوع SR-71 داخل
 خدمت میباشند که یک غده از این طیارات
 در ویتنام استعمال شده اند.

۴۵ طیاره B-25 برای انجام ماموریت در جنگ‌های ویتنام جنوبی در اکیناوا متمرکز ساخته شده و برخی از اینها مؤظف اند عملیات خویش را از تایلیند و بعضی پایگاه دیگر در جنوب شرق آسیا انجام دهند .

تخمین شده که به تعداد ۱۰۰ طیاره تانکر قوماندانی ستراتژیکی هوایی بمنظور کمک در ماموریت‌های طیارات B-52، F-4، F-105 در جنوب شرق آسیا وظیفه دار گردیده‌اند.

قوای دفاعی ستراتژیکی :

قوماندانی مدافعه هوایی امریکای شمالی که مرکز آن در کولورادو سپرنگز - کولورادو میباشد یک موسسه مشترک کانادا و امریکا بوده و قوت‌های ایالات متحده امریکا که تحت اداره قوماندانی موصوف خدمت می‌کنند بنام قوماندانی مدافعه فضاء و قوماندانی اردوی مدافعه هوایی یاد میشود که عده ۹۰۰۰۰ نفر در آن شامل خدمت میباشد .

۲۶ تولى طيارات شكارى بترتيب ذيل در قوماندانى مدافعه فضا مؤظف ميباشند :

۱۱ تولى از نوع طيارات دلتا دارت F-106 A ، ۱۲ تولى از طيارات نوع وودوز F-101B ، ۲ تولى

از طيارات نوع دلتا دالگرز F-102A (پك تولى در آيسلند) و يك تولى از طيارات نوع ستار فايتر F-102 A راکت‌های هوا به هوا که و سیله طيارات فوق استعمال می‌شوند عبارت‌اند از انواع سايدوندر ، فالکون و جنى . يونت‌های منظم قوماندانى دافع هوائى فاروى توسط ۲۳ تولى شكارى گارد ملي هوائى مجهز گردیده که ۲۱ تولى مذکور داراى طيارات نوع F-102A و دو تولى داراى طيارات نوع سكاربينز F-89J میباشد . که در اينصورت مجموع طيارات شكارى قوماندانى هوائى امریکای شمالى بشمول يونت‌های کانادائى) به ۱۲۵۰ فروند بالغ میگردد .

قوای راکت‌های زمین به هوا از سه سیستم اساسی بنام‌های نیک، هاگ و بومارک تشکیل گردیده که ۱۶ کندک از نیک - هر کولس و دو کندک از هاگ تا هنوز داخل خدمت بوده که هر دوی این سیستم‌ها تحت اداره گروپ‌های اردوی قوماندانی مدافعه قضائی فعالیت می‌کنند .

عده ۱۸۸ موجوده راکت‌های سیستم بومارک معیار طولانی درشش تولى تعبیه شده و همه این راکت‌ها از نوع بومارک B بوده می‌باشند ۴۴



مادل طیاره مافوق سرعت صوت قوای بحری امریکا، از نوع F-14A طیاره مذکور داراى بالهای هندسی میباشد که در اثنای پرواز بمنظور کسب سرعت مافوق صوت جمع می‌گردد و قسمت دم آن نیز دو یونت دارد

میل و تا ارتفاع ۱۰۰۰۰۰۰ فـت مؤثر میباشد که اکثرآ در ایالت‌های شمال شرقی تعبیه شده اند .

دفاع زمین در برابر بمباردهای فضائی و جنگ‌های راکتی و سیله شبکه رادار و ستیش‌های تعقیب‌کننده بشمول سیستم اخبار قبلی راکت‌های رهبری شده که مراکز شان در الاسکا ، گرین لیند و انگلیند میباشد تقویه میگردد همچنان خطوط پاینتری و خط اخبار قبلی بعید الفاصله نیز در این امر شامل است . مراقبت و تعقیب اهداف در فضای امریکای شمالی و سیله سیستم نیمه اتومات آلات زمینی که در ۱۲ میلی تعبیه شده صورت میگردد (۱۱) مرکز مذکور با ستیشن‌های کنترول شكارى تقویه میشوند . برخی از ستیشن‌های رادار دافع هوا در سواحل شرقی ، غربی و خلیج امریکا بمنظور مراقبت راکت‌ها نیکه از تحت البحرى‌ها قیر می‌شوند تعبیه گردیده است .

اردوی زمین :

مجموع قواء : ۱۵۳۵۰۰۰ نفر تشکیلات اردوی زمینی عبارت است از ۱۸ لوی عملیاتی ، ۳۸ کندک راکت‌های زمین به زمین ، ۷ گروپ قوای خصوصی ، ۵ غنـد زره دار سوارى ، ۱۰ فرقه مستقل پیاده و پراشوتی و در حدود ۲۳۰ یونت مستقل هوائی . اردوی مذکور از تقریباً ۶۰۰ ، ۱۰۰ طیاره و هلیکوپتر استفاده می‌نماید .

قوای زمینی امریکا بشمول چهار لوی افراد دریائی در جولای ۱۹۶۸ به تفصیل ذیل وظیفه دار گردیده‌اند :

ایالات متحده قاره وی احتیاطی

ستراتژی : لوی دوم دریائی ، غنـد بیست و هشتم دریائی ، لوی هشتم و دوم پراشوتی (کم یک فرقه) فرقه یکصد و نود و چهارم زره دار ، فرقه‌های ۱۷۱ و ۱۷۲ پیاده ، غنـد ششم زره دار سوارى .

برای تجدید قوای اردوی نهم هفت در اروپا : لوی اول زره دار ، لوی دوم زره دار ، دو فرقه از لوی بیست و چهارم میکانیزه .



نوع دیگری از طیارات مدرن که در قوت‌های هوایی اردوهای امریکا استعمال می‌شود

لوای تعلیم و تربیه برای یوآت‌های اعزام شده به ویتنام : لوای پنجم میکائیزه .

منطقه کانال پانامه : فرقه یکصد و نود و سوم پیاده .

کوریا جنوبی : لوای دوم پیاده ، لوای هفتم پیاده و قوماندانی چهارم راکت .

هوایی اوکیناوا : یک گروه قوای خصوصی .

ویتنام جنوبی : لوای اول پیاده ، لوای چهارم پیاده ، لوای نهم پیاده ،

لوای بیست و پنجم پیاده ، لوای امریکائی لوای اول سواری (از طریق هوا)

لوای ۱۰۱ پراشوتی ، لوای اول دریائی ، لوای سوم دریائی ، لوای پنجم دریائی

(محض دوغند) فرقه ۱۹۹ خفیف پیاده ، فرقه ۱۷۳ پراشوتی ، غند یازدهم سواری

زرهدار ، گروه پنجم قوای خصوصی ، پنج گروه توپخانه ، یک فرقه هوایی و یک قوماندانی لوژستیک .

جرمنی : قشون نظامی پنجم : لوای سوم زرهدار ، لوای هشتم میکائیزه و غند چهاردهم سواری زرهدار .

قشون هفتم نظامی : لوای چهارم زرهدار ، لوای سوم میکائیزه ، لوای بیست و چهارم میکائیزه (کم دو فرقه)

و غند دوم سواری زرهدار . در برلن غربی : یک فرقه پیاده .

ایتالیا : قوای مؤظف اروپای غربی (محض اعضای هیئت آمه)

قوت‌هاییکه در جرمنی مرکزیت دارند . (اردوی نهم هفت) : اردوی

نمبر ۷ دارای تانک‌های متوسط نوع M-۴۸ (تفنگ‌های ۹۰ ملی متری)

و نوع M-۶۰ (توپ‌های ۱۰۵ یا ۱۵۲ ملی متری سیستم راکت شلیلاخ)

و تانک‌های خفیف نوع شریدان باشلیلاخ به شمول سه کندک (۱۲ مرکز پرتاب)

راکت‌های ذروی نوع پرشتک که از مواد سوخت جامد در آن استفاده

میشود میباشد . همچنان در این اردو از توپ‌های متحرک اقومات متوسط

بانوع M-۱۷۰ و توپ‌های ۱۷۵ ملی متری و آوانهای نوع M-۱۱۰

باتوپ‌های ۲۰۳ ملی متری استفاده شده و قرار است راکت‌های رهبری شده

نوع لینس جای نشین راکت‌های غیر رهبری شده نوع هانست‌جان و راکت‌های

جان کوچک گردیده و برخی از توپ‌های مربوط لیز تعویض گردد چه معیار

راکت‌های رهبری شده نوع لینس معیار اعظمی (۳۰) میل میباشد .

اردوی نمبر ۷ همچنان دارای شش کندک راکت‌های زمین به زمین

نوع سرجت با قدرت بمبارد ذروی دارای معیار اعظمی ۷۵ میل بوده

و در فواصل کوتاه از راکت‌های لکراس استفاده میشود . علاوه بر آن شش کندک

هر کدام مجهز با راکت‌های نوع هاک و نیک هر کوس نیز موجود است .

قوت‌های که در ویتنام مرکزیت دارند : مجموع قوت‌های زمینی امریکا

در ویتنام (بشمول یونته‌های قشون دریائی) در جولای ۱۹۶۸ به تعداد

۳۷۱۰۰۰ نفر بالغ میگردد که این تعداد شامل همه ویا برخی از گروه‌های لوای نه گانه که در بالاتر ذکر داده شد

از قبیل کندک‌های خصوصی هوایی که قوماندانی امریکا توجه خاصی بر آن

میدول داشته نیز شامل است (موضوع در یادداشت اخیر این مقاله مطالعه شود)

وسایط عبارت اند از همه تانک‌های خفیف و متوسط و آنهاییکه با اردوی

نمبر ۷ است و برخی از توپخانه‌های معیار کوتاه تاکتیکی همراه با راکت‌های

نوع هانست‌جان و لکروس ، آمارا کت‌های معیار طویل از قبیل سرجت و پرشتک

شامل نمیشد . قوای احتیاطی اردوی زمینی :

در حال حاضر پیشگویی شده میتواند که گارد ملی امریکائی شامل ۴۰۰۰۰۰

نفر بوده و قادر است در ظرف پنج هفته کاملاً مجهز گردیده هشت لوای مکمل

۲۱ فرقه جداگانه و یک تعداد یونته‌های کوچک دیگر را بصورت تشکیلات

یک اردوی منظم ایجاد نموده و برای دفاع هوایی نیز آماده‌گی گرفته میتواند

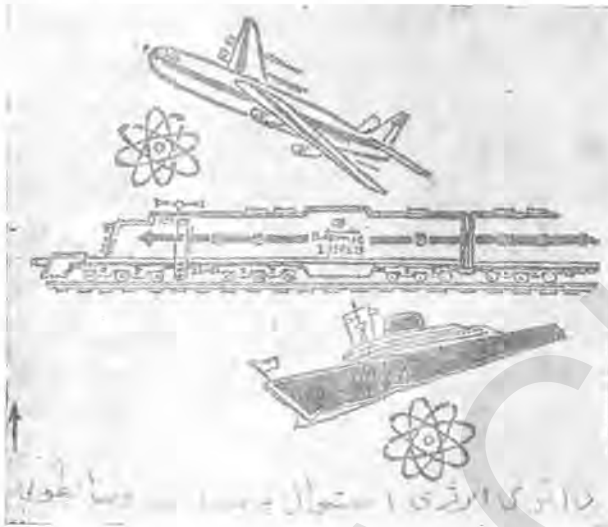
سه‌لوا و شش فرقه وقتاً بحیث احتیاط انتخاب گردیده و قادر است بسرعت

خیلی زودتر مجهز گردد . قوای موجوده گارد ملی در حدود ۱۵۰۰۰۰

نفری زمینی بایک قدرت ۲۶۰۰۰۰ نفری بحیث تقویه تخصیص داده شده‌اند . (باقی‌دارد)

اتوم او سمندر

سیانس پوهان دداسې ورځې په فکر کې دي چې د اتومي انرژۍ په کار اچولو سره وکړای شي د سمندر له «درونه اوبو» څخه بې حده او اندازه نه ډیره برقی انرژي لاسته راوړي په هغو پروژو کې چې تروی او به د چنبلو وړگرځوی اود ورځې ډیره اندازه بحری اوبه په کار اچول کېږي سیانس پوهان هیله لري چې ددغو بحری اوبو څخه یوازې د چنبلو او به حاصلې نه کړي بلکه د برقی انرژي ډیره اندازه هم پلاس وړولې. د اتومو نو تجزیه داو بو د تصفیې په غرض ډیره آسانه ده داو بو د تصفیې طریقې د اتومونو د ترکیبولو نه ډیره بسیطه ده او په آسانی سره ډیره انرژي چې د استفادې وړوي په وجود راوړي. داسې ورځ به راشي چې دنړۍ د چاپېرال ټولې ذره وی موسی وکړای شي د او بودلې والی مسئله حل کړي او ټوله تروی او به په صافو او بو سره واړوي .



په حقیقي توگه سره که داو بو مسئله ترڅیر نې لاندې و نیول شي غر گنده به شي چې نن ورځ د او بو اندازه د هغې ورځې له اندازه سره چې مېکه په وجود راغله کوم توپیر نلري یعنی داو بو اندازه تغییر ندي کړي مگر نور عوامل دي چې هغو تغییر کېږدي او په نتیجه کې داو بودلې والی سبب شو. د مېکې دخلقت له نېټې څخه تر اوسه پوری د تریوالو نفوس ډیر توپیر کېږدي او

نور به لاهم د مېکې اوسیدونکي ډیر شي له بلی خوا څخه وینو چې د انسانانو نه پرته صنعتي ماشینونه هم او بو ته تېری کيږي او بېله او بونه هېڅ کار نشي کولای، د صنایعو ځینې ډولونه هم سته چې او به پخوا لدې چې بیر ته وویالو - سندو ته ور سوي په توپن سره اړوي .

د اتانزوني په هیواد کې دیوی ورځې داو بو لگښت د ۳۵۰ بلیونو گلنو ته رسېږي په دوه زره کال کې به دغه اندازه دزر بلیونو گلنو ته اوخته شي، انسانان د او بو ذخیرو یا سمندرو ته تر پخوانه اوس په ډیر څیر سره گوري، اود اتوم پر لور نې سترگي کېږدي که چیرې دغه تروی او به د استفادې وړ وگرځوي .

داو بو لړ اندازه په ډول، ډول ،

اتومونو نه له تجزئې څخه پلاس راځي داو بو ډیر مقدار په توپن سره اړوي اودغه بدلون عمليه کېت مت د صافو او بو ایشولو ته چې په یو عادی لوشی کې صورت موسی ورته ده د مالگي رسوبات دریکتور په پای کې ذخیره کيږي .

دغه تمکيات او منرالونه چې داو بو له تصفیه کولو څخه پاته کيږي ټوله داسې شیان دي چې په کوم ځای کې د استعمال وړ ندي. ریکتورونه کولای سي چې برقی انرژي هم تولید کړي . اتومي انرژي به انسانانو ته داواک وړ کړي چې د سمندر ډېری حیرانو نکی برخی په نوو طریقو او میتودو سره تسخیر او کشف کړي لومړنی اتومي تحت البحری د نظامی مقاصدو لپاره جوړه سوه مگر نن ورځ داسې پلانونه په نظر کې دي څو یو حیرانو نکی

طریقو او مختلفو ځایونو کې تصفیه کیدلای شي حتی په ځانگړي ډول سره هر څوک دخپلې چای جوشی او لغری په مرسته سره د او بو لړ اندازه تصفیه کولای شي ، مگر د او بو د ډیری اندازه تصفیه کول دوسره مالی لگښت لري چې څوک ئي د تصفیه کولو اقدام نسي کولای .

مگر دغه پیچنی مسئله داسې ښکاري چې د ذروی د ستگه په مرسته سره په حل کولای شي پدغو دستگاو کې د ورځې په میلیونو گلنه تصفیه کيږي امکان لري د هغو اتومي موسسو څخه دورځې په میلیونو گلنه اوبه پلاس راځي کوم چې صلح ایز لپاره په وجود راغلی دي د اتومي تصفیه کار خانی په خپلو اتومي « ریکتورو » کې « یورانیم » او « توریم » استعمالوی هغه حرارت چې ددغو

تحت البحري د سمندري تحقیقاتو لپاره جوړه سې، داتحت البحري به وکړای سې چه دتول اتازونی په سمندري ساحه کی خپلو غیر لویه ادا مه ورکړی اوسنی تحقیقاتی کمنی په هره شیبه کی په یو ټاکلی سرعت او بوته شوخی، او بیر ته راوغی. هغه تحت البحري چه به ذروی انرژي سره تغذیه کیری کولای سې چه په ډیر لری او ارته ساحه کی غیږنی وکړی داتومی تحت البحري جوړول یو ډیر ستر گام دی چه داتوم څخه دصلح په لپاره کی کار اخیستل کیری. په هغه تحت البحري کی چه اوږده پزه لری او دیو سیگار په شکل جوړه سویده او داتازونی ملکیت دی چه د«ناتیلوس» په نامه سره یادیری ددغی تحت البحري نوم به ځکه دتل لپاره دخلقو په ذهنیتونو کی وی چه د لومړی لیل لپاره اتومی انرژي اوریکتور په همدغه تحت البحري کی دحمل ونقل لپاره پکار واچول سویده. د ۱۹۵۵ کال دجنوری به اوولسم ورځ اتومی انرژي دغه تحت البحري په سمندر کی په حرکت راوستل وروسته بیانوری ډیری تحت البحري په اتازونی او یوه اتومی تحت البحري چه دیک دما تولو لپاره و په شوروی اتحاد کی جوړه سوه.

په ۱۹۵۹ کی یو اتومی «کریسور» چه په رهبری سوی مرمیو سره مجهزه کړه شوی په اتازونی کی واوبو ته واچول سوه، دتجارت لومړنی اتومی بیړی هم چه (ن-س، سوانتاخ) نومیدل داتازونی له خوا او بوته واچول شول. داتازونی د(ناتیلوس) بیړی شپته

زره (ناتیکل) میله لار، په هوه یلا سره بیله دی چه خپل د سونک مواد تجدید کړی ووهله دغه ټوله لار د یورانیم دانرژي بواسطه ووهل سوه د یورانیم هغه مقدار د(گلف دتوپ) په اندازه ووه. چه ددغی کشتی انرژي ورڅخه پلاس راغلی و. دپطرو لودتوی ټانکو دانرژي معادل وه لومړنی اتومی تحت البحري دومره موفقانه وه چه داتازونی ټوله بحریه به لکه سل کاله پخوا چه دبخار په انجن سره مجهزه سوه، اوس به په اتومی انرژي سره تجهیز شی.

داسی ورځ به راسی چه داتازونی ټول کریسو نونه چه رهبری شوی مرمی فیر کوی یا بحری کپتسی چه الوتکی ولری یا نوری مخرب بیړی به په هغه انرژي سره فعاله شی چه اوس اوس داتوم په زره کی ذخیره شویده، ورو ورو په ټوله بحریه کی اتومی کپتسی داخلیری.

دهغو سړی افسانه چه به نه ستوما نیدونکی ډول سره کی داتومی تحت البحري دتولید لپاره کار کاوه ډیره عجیبه او دتاریخ دغلاندو پیښو څخه وه، شپږ کاله په هغو کسانو نه چه د موضوع له خصوصیاتو څخه خبرندی ډیره اوږده دوره پکاره شی مگر که دهغو پنځو سو کالو سره چه یوازی دهغو په اوږدو کی دسیانس پوهانو له خوا دا ډول امکان پیش بینی مقایسه شی نو ډیر لږ وخت به معلومه سې مگر دغه سیانس یوه دشپږو کالو په اوږدو کی اتومی تحت البحري په وجود راوړه داتومی تحت البحري پرزی داسی ټوټی ندی چه کومی فاریکی ته ئی دجوړولو

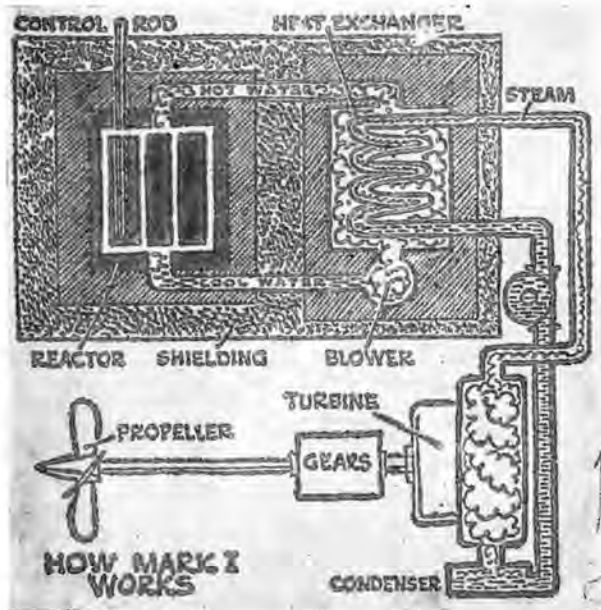
سیاریت وسی لازم دی چه دغه ټوټی طرح او ډیزاین سې-هیڅ یوشی ئی دلورو بیړیوله انجن څخه کاږی کید لای نسې ځکه دا بیړی دخپل نوع لومړنی بیړی ده دلومړنی اتومی تحت البحري انجن چه په (mark-1) سره ښودل سویده د (ایدا هو) د بیدیا له ډیرو پټو رمزو څخه گنل کیری.

(دایدا هو) په بیدیا کی یو ډیر پسو رور کانکریټی او بی کړکی مانی چه لس فوټه ئی بندوانی اواته پوره جگ والی در لودی دبیدیا پر مخ جوړه سوه ددغی مانی په دننه کی دتحت البحري دنس او څنگو ټوټی په دومره فاصله کی چه په زرهاو میله له سمندر څخه لیری وه بنده واچوی-ددغه تحت البحري اتومی کوره په مخصوص بحری برخه کی پرته وه چه پنځوس فوټه قطر او ۴۰ فوټه ئی ژوروالی و، ددغی اتومی دستگاه څخه دیو سوپچ په وهلو سره اتومی انرژي پلاس راتلائی سواي «mark-1» ددی لپاره جوړه سوه چه په یوی تحت البحري کی باید نصب سې هغه چه ددغه موډل څخه کټ مټ مشابه انجن د ناتیلوس لپاره جوړ سو-د ناتیلوس د(گروټون) په برخه کی وه اودالحای دایدا هو له بیدیا څخه دوه زره وپنځه سوه میله لیریدی.

هغه ټوټی چه په (۲۳) مختلفو ایالتونو کی جوړی سوی وی په ډیر دقت سره امتحان، تجدیدسولی وروسته بیاله هغه څخه مخکنی سو ډل چه (۱)- (mark) نومیدی جوړسواوله هغه څخه حقیقی انجن چه (mark 2) نامه یادی سوی، کاږی سو، دغه دوهم کاږی سوی انجن په لومړنی اتومی تحت البحري کی چه ناتیلوس نومیده الحای پر الحای کړه سو هغه پر ابل چه د (ادمیرال دایکورو) او دهغه دملگرو له خوا حل سو یعنی لومړنی اتومی تحت البحري په وجود راغله، دومره حیرانوکی وه چه د (اتومی انرژي کمسیون ویتنگ هوس الکتریک کور پوریشن) او الکتریک بوټ کمپنی، له خوا هیڅ نه منل کیدل او هغه ئی غیر ممکن گنل



په دغی مانی کی د لومړنی تحت-البحري اتومی انجن mark-1 په علامه جوړ شو



د «MARK-I»

د فعالیت ترتیب

رادیواکتیف یوه خاصه مسئله په وجود راورله ډیری عملی د بند کا نکریتی دیوال تر شا اجرا کیدلی-یوه مخصوص پرسکوپ چه حیرانوکی ساختمانی ئی درلودی و کارگرانوته داواکور کاوه چه خپل کار ووینی د موادو دپورولو لپاره میخانیکي لاسونه اوپنجی جوړی سوی وی، نور عملیات داوبو دتل په ورکشاپ کی چی له سطح څخه ئی ۱۲ توبه مسافه درلودل اجرا کیدل، دلته په آسانی سره دپوره امنیت باوجود کولای سوی چه په رادیواکتیف سره کار وکړی، دتنفس مخصوص آلی جوړی سوی وی خودا کسجن ذخیری باید خلاصی نسی، پداسی حال کی چه تحت البحری دډیر وخت لپاره تر او بو لاندی پاته شی

باید ترتیبات وجود ولری چه کاربن دای او کساید خارج او هلته اکسیجن تهیه کړی دتحت البحری له انجن څخه درادیواکتیف ایله کیدل د کبنتی وغړو او تیلو شاوخوا او بوتو ډیر مضر وی، نلونه، والونه اونور میخانیز مونه باید دومره قوی او محکم ویله ننگ سوی وی چه بالکل ضد دچاک اودرزوی او حتی دډیرو قوی ضربود تحمل سره سره باید سالم پاته شی، دسپولو سیستم ئی دومره دقیق جوړسوی و چه که چیری دهنکه سو کالو لپاره رادیواکتیف ددغه سیستم په او بو کی راتول سی نواندازه به ئی ډیر لږ او هیڅ خطر به ونلری .

دسپولو دسیستم فوق العاده دقیق والی یو دهغو زرهاو امنیتی تدابیر څخه وچه دناتیلوس دخلقو او مسافرانو د ساتنی لپاره نیول شوی ؤ .

په لومړی سر کی هیچاته په قطعې ډول سره باور نه کاوه چه اتوم دی دومره تر اداری لاندی را وستل سی غویو کبنتی په حرکت راوولی .

دا ډول بری پخوا دهیچا په برخه نه ؤ شوی دیورانیم هسته چه اریکتور لپاره جوړه سوی و دتولی پروژی زیره گیل کبیری، سر بیره پردی چه ددغی هستی درادیواکتیف دتاثیراتو خطر موجود ؤ

سره ډیر توپیر نلری. یوازنی بارز فرق ئی دا دی چه تولی برخی ئی ډیری پنډیدی دغه ساختمانی خصوصیت اواتومی انرژئ چه دډیر چټک سرعت امکانات په وجود راوړی وناتیلوس ته داواک ورکوی چه تر نورو عادی تحت البحری نه په ښه ډول سره د او بو په تل کی مانووری وکړی نن ورځ ذروی تحت البحری د اتازونی په بحریه کی شاملی کړی شوی دی د اتازونی د «بن بریج» تحت البحری خپل انرژئ ددواتومی ریکتورونو په واسطه توصیه کوی او دتحت البحری کولای سی چه سل څخه د اوقیانوس آرام څخه بیله د سونگ د موادو له تجدید څخه تیره سی .

آیاتاسی غومره علاقه لری چه په یوی اتومی کبنتی کسی سفر وکړی د «ساواتناح» اتومی کبنتی بیله کوم دود څخه کولای شی چه پنځلس واړه دتږی پرچارچار پیر بانندی بیله دی چه دسونگ مواد تجدید کړی را وگرځی پشائی چه ځنی کسان د بخار د کبنتیو دسفر لدی کبله غوره کړی چه درادیواکتیف له تاثیراتو څخه لیری دی . یو سیانس پوه اټکل کړیدی که چیری و مسافرته اجازه ورکړی سی (پاتی په ۶۹ مخکښی)

دا امکان ئی هم درلودی چه انرژئ پډیر سرعت سره خارج سی اوتول «ریکتور» دی له کاره وباسی Mark-I موډل په کابنی اندازه نیوترونوته تولید کړل او د ۱۹۵۲ کال د مارچ پر ۳۱ نیټه ئی وکړای سوی چه ځنځیری تعاملات په ښه توگه اجرا کړی اتومی کوری په نورو برخو کی د اتازونی جوړی سوی وی همدغه وظیفه ئی اجرا کول مگر دلته سوال داو چه آیا ممکنه وه چه داسی اتومی ریکتور دی جوړسی چه دبخار توربین دی په حرکت راوولی . ۱۹۵۳ کال د مارچ پر ۳۱ نیټه وچی جوړه سوی تحت البحری و سمندرته واچول سو دهغی یو «وال» سست شور ریکتور حرارت تولید کړل او توربین په فعالیت پیل وکړی گرځنده شافت په دورانی حرکت شروع وکړه او پدی ډول سره اتومی حمل و نقل په وجود راغی په ناتیلوس کی اوبه له ریکتور څخه حرارت اخلی اوتر «بایلر» پوری ئی سوی چه هلته غیر رادیواکتیف او د بخار د تولید په غرض وجود لری، دغه بخار توربین په حرکت راوولی او پخپله توربین شافتو ته څرخوی .

که چیری ناتیلوس له دبانندی څخه ولیدل شی نو دنورو عادی تحت البحری

بشر در سطح ماه - وضع مشکل کولمبس

هادرین ساحات از زمره چیزهای حتمی محسوب شده و دستگاه و وسائط حکومتی تنها و تنها میتواند که ستون تقاری همچو پروژه ها و تطبیقات همچو نظریات ساینس تئیک را تشکیل بدهد همچنان سرمایه های شخصی درین پروژه های دیو آسامشابه قطره در بحر بوده و نمیتواند عرابه این پروگرام های بزرگ علمی و فوق العاده عالی تخنیک را پیش ببرد. بطور مثال میتوان گفت که نظر به حسابات تخمینی موجوده برای انتقال دادن هر یک پوند در کیهان صرف ۱۵۰۰۰ دلار لازم است یعنی همین است نرخ نقلیاتی کیهان برای اجسامی که به آنجا پرتاب می گردد. پس حالا تصور نمائید که حاصل نمودن تماس در آن، یا آغاز حیات مجدد در بالای ماه، یا جمع آوری مواد خام در بالای آن جهت استعمال بر روی زمین خارج قدرت و رسانی اکثری سرمایه های موجوده افراد میباشد.

مستند به عین دلایل، مبرا از اینکه در مصارف این عملیات کدام تقیص فوق العاده به عمل آید، انسان بایست یک علامه سوالیه بزرگی را در مقابل این تخیلی که فشار های نفوس زمین توسط مسافرت های را کتی در بالای سفینه کیهانی می فلاور (Mayflower) که ماه، مریخ، زهره و اجرام سماوی ماورای آن را تسخیر نموده و آنها را از زمره کولونی های زمین داخل خواهد ساخت، بصورت برجسته رقم نمود. در اینجا باید گفت که نفوس دنیا بیک پیمانۀ حیرت آوری زیاده میرود چنانچه دیمو گرافرها (Demo Graphers) اعنی آنانیکه در قسمت احصائیه گیری نفوس زمین فعالیت مینمایند چنین تخمین می نمایند، که در سال ۲۰۰۰ عیسوی نفوس روی زمین به (۶) بلیون انسان بالغ خواهد شد. پس رقم مذکور طبیعی، برای اشخاص دقیق سنج و آنانیکه درین مسائل عمیقانه علاقه میگیرند، چنان تحریکی را موجب می گردد تا آنان در صد دریافت دیگر کرده از کرات نظام شمسی افتاده و برای رهایش اولاد آدم محلی را عیناً مانندیکه برای جا دادن نفوس دنیای قدیم یعنی بر اعظم های آسیا، اروپا و آفریقا، دنیای نوین و جدیدی مانند امریکا و آسترالیا که تا آن وقت برای بشر دنیای قدیم معلوم نبود توسط بحر پیمایان زمان کشف گردید، پیدا نمایند.

درینجا بایست خاطر نشان کرد که تنظیم، اورگانیزه نمودن و اجرای پروگرام پیاده ساختن بشر در سطح ماه به ذات خود یک دنیای جدیدی بوده که از طرف حکومت ایجاد و توسط همکاری های برادرانه ساینس دانان و تخنیکرها در پرتوان ترست های شخصی هیروها (Heroes) و ثوابخ خود آنها که می خواستند و آرزو داشتند این برادری را در یک فضای مؤفقیت مشترک ادامه دهند، بوجود آمده است.

همین موجودیت دنیای جدید که زاده مساعی مشترک عموم ساینس دانان و تخنیکرها و یک سوسایتی خاصی در بین سوسایتی بشری محسوب میشود شاید یک تاثیر و ضربه بزرگ سیاسی را در شکل آینده عیناً مانند دیگر قال اوت (Fall out) ذراتیکه از انفلاق بم اتوم و یا خود دیگر چیزها در روی زمین میریزد) پروگرام کیهان بار بیاورد. درین فرصت هنوز هم وقت خواهد بود اگر گفته شود که این ضربه سیاسی چه شکلی را بخود اتخاذ خواهد کرد مگر بیهوده نخواهد بود تا اظهار گردد که با این استقبال و توقعات آن دقت را توجیه نموده و تصور نمائید که در قرون گذشته چطور یک مفکوره عالی در قیادت یک تکنالوجی جدید جای تکنالوجی سابقه را اشغال نموده و بجه شکل آخر الذکر را در زوایای فراموشی و گمنامی ترک داده است که بالاخره در پرتو همین عمل و شروع از همین موقعیت فانقیت و برتری خود را برای حکم ساختن قیمت های خود در دماغ توده های بشری با ثبات رسانیده است.

دنیای جدید کیهان :

طوریکه اوضاع مطالعه میشود یک فردی از افراد و یا خود گروهی از افراد جرات این را کرده نمیتوانست که یک گروهی از ساینس دانان و تخنیکرها را تشکیل داده و بشکلی که تا کنون جریان داده شده قلب دنیای جدید کیهان را شکافته و در اعماق آن به مقصد کشف و مطالعات ساینس تئیک شتافته شود. سرمایه های شخصی در ساحه مخابراتی اعمار مصنوعی با اکثری حکومت مشترک سهم گرفته و درین حصه معبر همکاری های لازمه گردیده است مگر اجراء و پیشبرد پروژه های سفرهای کیهانی و قدم زدن در بین اجرام سماوی از قدرت و حوزه صلاحیت افراد و گروهی از افراد خارج بوده، پشتیبانی حکومت

Boost وجه در حال داخل شدن به اتموسفر **Atmosphere** زمین معروض نخواهد ساخت، دیزاین و نقشه این سفینه کیمائی به نحوی است که مخترعین آن عقیده دارند که این سفینه در اوایل دهه «۱۹۸۰» به فعالیت آغاز خواهد نمود.

کتابهای کربنکی **Critical Masses**:

یک سفینه کیهانی عملیاتی، بدون شبیه، حتماً مفهوم این را ندارد که یک سفینه تجارتي یعنی سفینه که مانند طیارات امروزی بمقصد تجارت و نقلیات از آن استفاده میگردد باشد مگر در حالت آنی، در صورتیکه اقتصادیات موضوع مساعدت نماید، بعداً نتایج سیاسی آن در حقیقت، فوق العاده بزرگ خواهد بود، این نوع نتایج همیشه چیزهایی را تعقیب می نماید که در مقابل مناسبات زمان-فاصله و آن چیزیکه حرکت و انتقال سریع انسان، مواد، میتودها و مفکوره ها را در مسافت طولانی و بعیده تامین می نماید، تناقضی را از خود نشان میدهد، این گفتار عیناً مانند آن گفته هائی نیست که صرف عمل نزدیک ساختن مردم به هم دیگر همواره یک خوبی سیاسی را بارمی آورد، مگر اگر توسط یک شانه بی جان در بین زنگوله های موی برق تولید می شود این حقیقت نیز حیرت آور نخواهد بود که کتابهای نزدیکتر مردم هم آن گونه اثرات الکتریکی را حاصل نمایند ولی به هر اندازه که این مردم باهم دیگر مالیده شده و تماس حاصل می نمایند به همان پیمانۀ احساس محبوبیت و بدام آمدن رانموده و بالنتیجه باهم دیگر خشمگین شده و بالاخره احساس ناراحتی را از خود نشان میدهند، از طرفی هم آنها متعادل باین امر می گردند تا فضای محوطه این کره یعنی اتموسفر اطراف زمین را به طوریکه انفلاق مدهش شیطان آسای کتلوی، عیناً شباهه به حرب خون آشامیکه هر فرد در مقابل فرد دیگر داخل پیکار می باشند، لگد کوب و امجا نمایند.

لکن اگر این دید آشکارا کننده را خارج این قضیه، محسوب نمائیم و همچنان درین معامله تمامی بی محلی ها و بی موردی های اقتصادی و سیاسی را که از متروک شدن و دیمودی گردیدن وسائل ترانسپورتی قدیم بعیدان می آید بطرفداری پروازهای ممکنه تجارتي کیهانی ذریعه راکت های سفینه های کیهانی قبول نمائیم، در آن حال ممکن است مواجهه به احتیاج سیاسی گردیم تا برای تنظیم و عیار نمودن تجارت دوباره، مارا بسوی دریافت اقتدار حکومت فیدرال متوجه و نگران گرداند، اگر این موضوع را مستقیماً مورد بررسی قرار دهیم در آن حال در پرتو قانون تشبیهات (آیا مقررات و قوانین موجوده خانگی در پرتو توسعه یافتن آنها میتواند که ثبت نام، تصدیق دادن و حفظ و مراقبت سفینه های کیهانی را بمقصد پروازهای بین کرات توأم با تصدیق نمودن کیهان نوردان، مقررات استفاده از کیهان و کنترل ترافیکی کیهان را انجام دهد؟ و آیا این قوانین و مقررات موجوده بایک سلسله تعدیلات میتواند این مرام مارا برآورده سازد؟ و یا خود اینکه آیا ایجاد نظم عامه مربوط به پروازهای سفینه های کیهانی به کدام چیزیکه کاملاً بصورت عمومی دارای پرنسیپ های نوین و تفصیلات

به آنهم مجموع مهاجرت هائیکه از دنیای قدیم بدنیای جدید در خلال یک و نیم قرن به عمل آمد در نقطه اوج مهاجرت ها محض (۵) میلیون، که یک درجه تزیید بسیار کمتر از درجه تزیید سالانه نفوس امروزه دنیاسی باشد، بوده که ازین نقطه نظر اگر تنها دیده شود، در آن حال مهاجرت به دیگر کرات یک راه حل ریالیستکی **Realistic** فشار نفوس روی زمین شده نمی تواند.

تنها بمقصد تدریس هم، ارزش خواهد داشت که یک سوال قیاسی، فرضی را که در بالای فرضیه های مقکوره وی استناد نموده باشد، برسان نمود، بطور مثال فرض نمائید که قردا «۵۰» ملیون نفوس برای مهاجرت به یک کره دیگر بطور داوطلبانه حاضر شدند، همچنان فرضاً «برخلاف اغلب احتمالات در وضعیت حقیقی» برای نقلیات این تعداد زیاد کدام بودجه و پولی موجود نباشد و نیز فرضاً همین نرخ موجوده که برای نقل قی پوند در کیهان ۱۵۰۰۰ دلار بمصرف می رسد، بدون تحول و تغییری ثابت بماند و فرضاً که ۵۰ ملیون نفری که برای مهاجرت دیگر کرات صف بسته اند هر کدام آن ۱۳۰ پوند وزن را دارا بود، حالا با قبول فرضیه های فوق برای نقل دادن کافه «۵۰» ملیون چه مبلغی ضرورت خواهد بود؟ این مبلغ بزرگ بالغ به نود و هفت تریلون **Trillion** و پنجصد بلیون دلار «۹۷۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰» خواهد شد که میتوان گفت هیأت عمومی این مبلغ یکصد و بیست و دو چند عواید عمومی سالانه اضلاع متحده امریکا می گردد، حالا همین عدد سرسام آور ماورای دیگر فکتورها و عواملی، از قبیل انطباق نمودن به دیگر کرات و قابلیت ادامه حیات در آنها بدون کمک ایجاد شرایط محیطی و وسائل صنعتی که در آنجا از طرف ساینس دانان کره ارض بوجود بایست بیاید می باشد، حال آنکه، تاجاتی که با ما معلوم شده است هیچ یک از کرات دیگر نظام شمسی تاکنون قابلیت و اوصاف انطباق و انس گرفتن بشری را دارا نمی باشد.

بعقیده ما این امر بیشتر جنبه ریالیستکی را دارا خواهد بود تا ما این موضوعات را از نگاه پروازهای عادی کیهانی توسط راکت های سفینه های کیهانی بحیث یک انکشاف نقلیات سوپر ساینک **Supersonic** (ماورای صوت) و هایپر سونیک **Hypersonic** در وسایط ایرو اسپس **Aerospace** یا هوا نوردی فکر و تدقیق نمائیم، آن شخصیت های محترم و صاحبان کربدیت های علمی که با آن قسمت پیشرفته کمپنی طیاره سازی دوگلاس **Douglas** که وسایط پرتاب را اعمال می نماید، تماس و مراوده را دارند چنان یک سفینه کیهانی را تعریف نموده اند که با ساختن آن (۱۷۰) نفر مسافر و (۱۸) تون کسار گو (مال التجاره یا محموله) **Cargo** به سرعت وسطی (۱۷۰۰۰) میل فی ساعت در ظرف ۴ دقیقه به هر نقطه زمین نقل داده شده می تواند و هم در آنای این نقلیات کیهانی انسان را در تحت بیشتر از سه نوع قوه جاذبه چه در آنای پوست

خاصی را در ایجاد داشته میباشند؟ در خلال سالهاییکه در پیشرو داریم ترتیب و نظام قانونی و مشروعی که با نظام سیاسی ارتباط بس نزدیکی را دارا میباشد ممکن است که یک سوال دیگری را پرسیده و بعداً آنرا جواب بگوید و آن اینست که: (آیا مفکوره (آدم معقول) نسبت به رویه و سلوک آن بر روی زمین در تحت شرایط پرواز کیهانی و یا خود حیات بالای کرات ایستاده میشود یعنی باقی میماند؟ و یا خود اگر اینچنین اوضاع و شرایط تغییری را در ماهیت دید و عکس العمل انسان وارد میسازد آیا ژورست ها (Jurists) یعنی طراحان قانون، مجبوریتی خواهند داشت که یک مفکوره نوی را نسبت به (آدم معقول) در حصر مسائل و وقایع کیهانی بوجود آورند؟ و یا خود چطور یک قاضی و طراح قانون در حالیکه خود آنها قدمی هم در کیهان نگذاشته اند می توانند بدانند که در کیهان چه چیزی معقول خواهد بود زیرا همان عقل کائونسیونی (Conventional wisdom) که کیهان برای درک این معقولیت به آنها خواهد داد هنوز هم در پرتو عدم موصلت آنها بدان ساحه و استحصال تجربه محیطی آن، کسب نگردیده است. همچنان در ماورای اینچنین سوالات، وقتاً دماغ انسان در باره انتخابات ریاست جمهوری در دیگر کرات فکر مینماید در آن حال فوراً بایک سلسله مجهولات دیگری روبرو میشود.

هرآن چیزیکه تا کنون بیان گردید، صرف در بالای اختلافات عمیقی که فی مابین کشفیات کولمبس و عوامل شامل پیاده شدن انسان به سطح ماه بوده تمرکز یافته بود. اکنون جای دارد که در راس این همه یک قری دیگری که وجود دارد نیز به آن همه قریها علاوه گردد:)

همین که کولمبس از اولین سفر دنیای جدید خود به اسپانیه برگشت پوپ الکزاندر ششم (Pope Alexander VI) مکاتیب رسمی را صادر و در آن ملکیت تمامی اراضی مکشوفه و آنچه را که در آینده بطرف غرب خط تثبیت شده سرحدی به اندازه سه صد میل در غرب بحیره ازورز (Azores) کشیده شده و مستند به عین شرایطیکه پرتگالی ها کولونی های خود را به امتداد ساحل افریقا تصرف شده بودند، به تاج و تخت شهزاده گان کاستیل (Castile) و لیون (Leon)، اعلام نمود گویا در چنین حالت کشفیات، مفهوم ملکیت ملی سلطنتی و ملکیت ملی سلطنتی بنوبه خویش مفهوم آزادی سلطنت را در قسمت اجرا آتی که در حوزه این ملکیت و مستعمره بعمل می آید دارا بود.

حاکمیت در کیهان :

در عصر کیهان:، برخلاف عصریکه در آن موجودیت امریکا بحیث بر اعظم نوبتی به جهان اروپا واضح گردید، کدام دستی وجود نخواهد داشت تاخطی را که بنام خط حاکمیت یاد شود، بر روی سطح مهتاب و یا خود دیگر کرات این بحر کیهان، رقم نماید. بلکه در عوض ترسیم چنین خطی در ۲۷ جنوری ۱۹۶۷ معاهده بنام معاهده کیهان در واشنگتن، ماسکو و لندن

از طرف شخصت ممالک به امضای رسید. مواد این قرارداد همانا تقلیل گردانیدن خطر تصادم را در بین ملل امضا کننده آن احتواء می نماید و هم علاوه بر مواد مذکور این تعهدات تمامی خطر آنیکه از ناحیه کیهان نوردی بر زمین و ساکنین آن فرا خواهد رسید، بطور قطع ممانعت و جلوگیری مینماید.

بدین ترتیب در زمره دیگر چیزها همین معاهده بوضاحت آشکارا میسازد که مهتاب و دیگر کرات سماوی معروض و تابع منظوری ملی از نگاه حاکمیت خاک، استفاده و استعمال تصرف و یا خود دیگر آلات نمی باشد. مگر اینقدر خاطر نشان میگردد که جمله متذکره مفهوم این را ندارد که ملتی نمیتواند دست موثر تصرفی را در یکی از قسمت های این کرات مانند مهتاب پیدا نماید، بلکه برعکس مفهوم این جمله آنست که هیچ یک ملتی نمیتواند حق ملکیت و تصاحب شدن را در آن قسمت های زمین کره که بطور موثرانه درید تصرف او میباشد ادعا نماید. درینجا اصل حقیقت را میتوان از جمله آتی استنباط نمود که گفته شده، (مهتاب ب همه کس متعلق بوده و مال مختص به ملتی و یا خود ذاتی نمیباشد.)

گرچه ناگفته نماند که بهترین اشیاء زندگی بمشکل آزاد مانده میتواند. یعنی چیزهای خوب بعد از کشف شدن مالکان زیادی را پیدا مینمایند.

معاهده فوق بیش ازین تاسیس یک دستگاه را در ماورای جو و یا خود نقل یک آله حامل سلاح ذروی و یا خود دیگر سلاح امحای کتلوی را در آنجا بصورت قطعی ممانعت مینماید و نیز درین معاهده علاوه گردیده که تاسیس هر گونه بیس های عسکری، تاسیسات تحکیماتی و تجربه نمودن اسلحه حربی بمقصد اجرای مانوره ها در بالای این کرات ممنوع میباشد البته استعمال و استخدام پرسنل حربی بمقصد ریسرچ های ساینتیفیکی و یا خود دیگر مقاصد صلح آمیز مجاز قرار داده شده است. همچنان استعمال دیگر وسایط و یا خود و سایطیکه برای کشفیات صلح آمیز در بالای این کرات طرف ضرورت می باشد نیز مجاز می باشد.

یک وجهه دیگر این معاهده تصریح می دارد که هرآن ملتی که یک تعداد اشیاء و پرسونل را که در قضای خارجی ارسال نموده و یا اینکه در بالای آن کرات پیاده نموده است حق کنترل و تصاحب قانونی خود را در بالای آنها دارا می باشد. مگر این کیفیت با حقائقی که خارج چوکات معاهده قرار دارد، باهم دیگر یکجا مزج گردانیده شده است. یکی ازین حقائق آنست که صنوف مختلفه عسکری یک ایالت حقوق قانونی را در بالای آن پرسونلی که داخل قوای مسلح میباشد میرا از اینکه در کجا قرار دارند دارا خواهد بود.

دگر اینست که قوماندانیت قوای مدافعه هوائی امریکا و یا خود قوماندانیت معادل آن در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و شاید دیگر ممالک این کره طور دوامدار ساحه جوی و ماورای جو را متماداً تحت ترصد و مراقبت خویش داده و وظیفه کنترل و مراقبت تمامی اجسامی که به هوا



پرتاب گردیده و بدور زمین و یا خود در کیهان در حال گردش اند بدون داشته می باشد.

این مراکز کنترل تمامی ترافیک های هوایی و ساواری جو را تحت رصدات را دارها و دیگر آلات حساس خود گرفته و اگر احیاناً کدام اشیای خصمانه از قبیل ارسال بم های اتمی و ذروری به مشاهده می رسد پیش از پیش در هوا تخریب و امحای می گردد. پس یکبار دیگر می باید خاطر نشان کرد که همان حالت خطر و اضطراری سابقه که ما مجبور بودیم در بالای کره ارض با موجودیت آن زندگانی را ادامه دهیم ، یکبار دیگر باز در فضای خارجی نیز مجدداً خود را ظاهر می سازد. گویا بار دیگر ما را با همان حاشیه باریک دیسپلین خودی (*Self Discipline*) ، معقولیت و محسوسیت های سیاسی متخصصین پروفیشنل (*Professional*) به شدت احیا می سازد. پس امکاناتیکه برای قوای مسلح سه گانه وجود دارد ، آنها می توانند در پرتو تصاحب حقوقیکه در بالای پرسونل خویش ، میرا از اینکه در کدام محلی وجود خواهند داشت ، دارند می توانند ماشه های تصادمات راحتی در فضای خارجی نیز کش نمایند که این کش کردن ماشه ها موجب هر گونه تباهی و امحای کتلوی در روی زمین خواهد شد.

سفرای بشری :

در معاهداتیکه فیما بین دول ، در قسمت پروگرامهای کیهانی ، به امضای رسیده چنین ماده وجود دارد که ممالک را در قسمت همکاری های لازمه در کیهان و فضای خارجی توصیه نموده و در پرتو آن بایست ممالک مختلف در بنحیصه از همکاری های لازمه خویش مضایقه ننموده و از اجرای چنین عملی که مخالف این نوع عملیاتهای کشفیاتی گردد خود داری نمایند. چنانچه کیهان نوردانیکه به فضای خارجی فرستاده می شوند مختص به یک مملکت واحد شناخته نشده بلکه اسم آنها را « سفرای بشری » می نامند که از خانه بشرانی زمینکه ما بحیث انسانی در آن زندگانی می نمایم بسوی کیهان و دیگر کرات برای اجرای پاره از ما موریت اعزام گردیده اند. پس وقتیکه این سفرا قدم خود را در بالای یکی از کرات دیگر می گذارند مفهوم موفقیت آنها درین کار معنی همکاری را به تمام ممالک روی گیتی دارد. همچنان اگر این کیهان نوردان در اثنای بازگشت به زمین ، بنا بر کدام معاذیر تخنیکي ، دریکی از ممالک غیر مملکت اصلی ، مجبوراً پیاده می گردند در آنحال مملکتیکه در آن این کیهان نوردان فرود آمده اند بایست مورد هر گونه کمک ، باشمول عودت محفوظانه اش به مملکت اصلی وی ، قرار داده شوند. درین معاهده این امر هم تصریح شده تا نباید ممالکیکه در قسمت های کیهان نوردی و فرستادن کیهان نوردان و دیگر اقامت مصروف اند ، چنان کاری را مرتکب شوند که باعث ملوث گردیدن و خراب شدن کرات و فضای ما حول زمین که در نتیجه آن به ضرر انسان های روی زمین منتج گردد اگر اختلالات و خلل های

مضره قوی در مقابل فعالیت های ممالک عضو این پیمان به مشاهده می رسد ، در آنوقت مملکتیکه فعالیت های کیهان نوردی آن معروض این خلل های مضره واقع شده باشد حق شکایت را در مقابل مملکت ایجاد کننده این خلل ها داشته و قبل از ادامه اینکار می باشد شکایت خود را به کمیته این پیمان تسلیم بدارد .

ممالک عضو این پیمان بایست از معاونت های خود در قسمت فعالیت های کیهان نوردی و ریسرچ های ساواری جو مضایقه ننمایند. اینها در روحیه يك مقوله بسیار قدیمی که يك الهام خوبی را که اکثر آفراموش خاطرها گردیده و انسان ها از آن فرو گذاشت می نمایند مشترك می باشند، مقوله مذکور اینست :

« از جائیکه شما چراغ دیگری را روشن می نمایند یقین داشته باشید که در درخشیدن چراغ خود شما تقلیلی بمیان نمی آید . »

هنوز ، تا وقتیکه انسان در آسمانها و بهشت ایدالی بهتر و شرافتمندانه تر از آنچه که در روی زمین رویه و عمایه را از خود نشان داده است ، ارائه ننماید ، روحیه معاونت های با همی و اشتراك مساعی که پیمان فعالیت های ساواری جو را با هم وصل می سازد تا وقتی دوام خواهد کرد که منابع طبیعی این کرات پوشیده بوده و یا خود استفاده جزئی از آنها بعمل آید یعنی وقتا منابع طبیعی کرات مکشوفه بکار انداخته میشود ، در آنوقت باز صدای دهشت افکنی بشر در آسمانها بلند خواهد شد ، فرضاً منابع قیمت بهائی در ساواری جو پیدا شد فرضاً وسائل استخراج این منابع پیدا و توسط بوجود آوردن کولونی ها در آن کرات ، استفاده از این منابع آغاز شد و یا اینکه مواد مذکور بر زمین نقل داده شد در اینحال چه رویدادی بعمل خواهد آمد ؟

طوریکه وضع کنونی جهان دیده میشود ، هیچ يك عاملی وجود ندارد که ما را از این اندیشه برکنار سازد که باز همان جدو جهد برای اشغال این منابع و یا خود استفاده از آن در ساواری جو شروع نخواهد شد ، بدیهی است که همان مجادلات و مسابقات روی زمین بسوی کیهان بلند خواهد شد .

حرص و آز بشریت مانند خیالات قرون متعادی او بر هوا اوج خواهد گرفت و قیل و قال بشریت فضای کیهان را احتوا خواهد نمود .

معمولاً ، این يك پروسیجر (*Procedure*) معقول است تا قوانین اداره عامه را برای کیهان طرح نموده و نظریه ایجابات کیهان چنان نظامات و قوانینی وضع گردد که بشریت را در آن اجتماع که سرزمین آن ساواری جو میباشد اداره نموده و نگذارد که فردی از افراد حقوق دیگران را سلب نماید ، مگر اینقدر علاوه باید نمود که حالت کیهان که در پیشروی بشریت قرار دارد يك حالت عادی

رادیوترانزیستور بقوه آفتاب

درین اواخر در بازار های اروپای غربی رادیوترانزیستورهایی با البتای های خشک عرض وجود نموده اند!؟

این البتای های عجیب بعد از زائل شدن قوه برقی و چارج شان دوباره توسط شعاع آفتاب چارج میشوند. جهت چارج نمودن این بطری ها اتموسفر فشار هوا از 26-18 درجه سانتیگراد حرارت آفتاب در صورتیکه هوا صاف و بدون ابر و غبار باشد دو ساعت وقت کافی میباشد. در صورتیکه در یک شبانه روز رادیوی دارنده بطری های فوق الذکر شش ساعت فعالیت نماید یک چارج دوماه دوام و بعد از ۲۲ مرتبه چارج یعنی پنج سال و چهار ماه وقت البتای ها از بین می روند:

ناگفته نماند که البتای های موصوف با جریان نورمال سیت برقی ۱۲۷/۲۲۰ نیز چارج میشوند

یک عصر نوین:

وقته مجادلات و بنام بهایان میرسد، تحول بزرگی در اذهان مردم امریکا پیدا خواهد شد و در آنوقت همان مفکوره عصر کیهان که فعلاً در دماغ مردم امریکا به آهستگی در حال رسیدن و تجر است بشکل قبول واقعیت درآید. تطبیق پروگرامهای عاجل بغرض مجادله در مقابل گرسنگی یکی از اساسات دیگری است که توجه آتی بشر اسروزی را به کار دارد. در خاتمه میتوان گفت که با گذشت زمان و نایل شدن بشر به موفقیت نوینی که در تاریخ معاصر ما بینظیر میباشد، امید است پیروزی بشر را بتواند به محل آتسمه پرا بلم هائیکه پیرامون او را اشغال نموده است مقتدر گرداند و یک جهان ایده الی و حیات مرفه و خوبی را برای خود و نژاد آینده خویش پیروزی نماید. و نیز امید است رفتن بشر در کیهان و پیاده شدن آن در سطح ماه باب نوین سعادت را بروی آن باز نماید تا در پرتو رسیدن به این همه موفقیت های خارق العاده زندگی نوین که در پیشرو است بایک جهان مسرت و بی آلاچی آغشته و مخلوط باشد. مایقین کامل داریم که خدای بزرگیکه این کائنات را از کتم عدم دروادی موجودیت کشانیده است از چنان اسرار خلقت متشکل باشد که هر کدام آن بنویه خویش در اثبات موجودیت آفرید گارش رول ارزنده را بازی نموده و مانند یک سدهی گفته است:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفترست معرفت کردگار

کشف مهتاب و پیاده شدن بان نیز باب نوینی را در کتاب قدرت های الهی علاوه نماید. « ختم »

نیست زیرا در کیهان چیزی نیست که ما آنرا از دست بدهیم، بل اگر ماقدمهای درستی را سر از حالا برداشته و راپور های را جمع به امکانات همکاریهای بین المللی را، که در یمان و معاهده طرز استفاده از ماورای جو شامل نمیشد بدقت خاصی مورد بررسی قرار دهیم در آن حال بسا چیزهای از آن استفاده خواهیم نمود، در زمره بسا چیز های دیگر یکی هم احتیاج کشف راه های ممکنه برای رسیدن به یک موافقه بین المللی - جهت استفاده اراضی کراتی میباشد که بشر در آینده آنرا محققاً بدست خواهد آورد، حق رسیدن و تصاحب شدن معدنیات و دیگر ذخایر، قواید و مجبوریت های متوطن گردیدن، حل مناقشات، نظام قوانین ملکی قوانین جزائی و سیستم ادارات حکومتی از زمره دیگر مواد طرف احتیاج است که بشریت قبل از همه برای رسیدن به یک موافقه در این راه بذل مساعی نماید.

اگر احیاناً هیچ چیز دیگری هم نباشد، همین مساعی شامل نصیحتی است که برای صاحبان ایدلوژی امریکائی ها و شوروی ها چنین مفکوره را خواهد داد که سیستم های اقتصادی و سیاسی آنها عبارت از همان سیستم مقدسی نیست که خدا برای بشر آنرا ساخته است بلکه این سیستم ها زاده خود بشر بوده که خواه از پرتو عقل و یا خود در پرتو غلطی او نشئت نموده است.

تبصره، آخرین نیز جا دارد و آن اینست در تدقیق رشته های سیاسی همواره مشکل خواهد بود که فیما بین حالات عبوری و جریانات عمیق الجریان فرق و مابینتی پیدا نمود پس این امر مشکل خواهد بود که اگر ما پرسش بعمل آوریم که آیا مردم امریکایه پیشرفت ها و تطبیق پروگرامهای کیهانی موافقه سیاسی خود را ارائه خواهند کرد یا خیر زیرا در اینجا ما به انجام یک کار مشکلی تصادف خواهیم کرد که آن عبارت از تمیز نمودن فی مابین هر آن چیزی که گذری بوده و چیزیکه در بین تظاهرات توده ریشه دوانده و یک مقاومت سیاسی را بر علیه پیشرفت پروگرامهای کیهانی عرضه نموده است.

ما میدانیم که قدمهای متوالی پروگرامهای کیهانی در مقابل مجاربات و بنام یک در زبسیار بزرگ بر خلاقی را خلق نموده است چنانچه این دو حقیقت فوق موجب تظاهرات و شورشها در بین یونیورستی ها گردیده است و هم صداهای که از حنجره ها بلند میشود بر مصارقات هنگفت پروگرام کیهانی امریکا تنقیداتی را به عمل آورده و بر عکس اظهار میگردد که میتوان با این صرف مبالغ ملیونها انسان را در خود امریکاً مادتا به پایستاده نمود این صداهای و تداها علاوه می میدارد که هیچ یک از موفقیت های کیهان وضع بهتری را در روی زمین بار آورده نمی تواند. این موفقیت های کیهانی جز اینکه شرارت را در روی زمین بیشتر سازد - دگر کاری را انجام داده نخواهد توانست زیرا وضع گیتی بنا بر اهمالیکه در اینتحصه بعمل می آید، رویه خرابی خواهد گذاشت.

نخستین قدم سیارات

First step to the stars

از منابع امریکائی
نو یسنده Walter Froehlich
مترجم: انجنیر خواجه یوسف (فقیر)



علمای اجسام سماوی مسائل امرار حیات را در سطح کره ماه کنار گذاشته بلکه می خواهند برای پیش برد و حل هر ایلم های تکنیکی و تاریخی با استفاده از کره ماه بذل مساعی نمایند ، تا یک راه ترفیکی را بین زمین ، مهتاب باز و مهتاب را به حیث یک پایگاه قراردادند تا بتوانند برای مطالعه و تحقیقات مزید راجع به سیارات دیگر از آن استفاده نمایند ، گرچه تا یک اندازه در این پلان گذاری موفق میباشند ولی در جستجوی آن میباشند که مهتاب را سروی و نقاط گذاری نموده و برای سفر به سیارات دیگر به قسم یک پایگاه مرکزی از آن استفاده نمایند .

به این اساس شعبه تحقیقات فضائی امریکا پلان و پروگرام های تأسیس پایگاه فضائی را در سطح کره ماه روی دست داشته که در سه سال آینده عملی خواهد شد ، و این پروگرام ها بعد از ماموریت اپولوی یازده روی دست گرفته شده است ، اپولوی ۱۲ به اساس تکنیک و تکنیک اپولوی ۱۱ دیزاین شده که برای چندین ساعت در سطح کره باقی مانده و بعد از سروی یک ساحه وسیع و جمع آوری یک مقدار معین سنگ و خاک برای معلومات مزید ساینس دانان توسط سر نشینان این سفینه به زمین آورده خواهد شد سر نشینان اپولوی ۱۲ روش و فعالیت های پرکتیک سر نشینان اپولوی ۱۱ را بخاطر سپرده و عندالموقع در معرض اجرا خواهند گذاشتند ، ارسترانگک نخستین

محلیکه برای بانین شدن آن تعیین گردیده بود ترجیح داده و ماموریت خود را مؤقانه انجام داد ، (در بحر آرام پیاده شد)

بلکه در ماموریت های مابعد رجلات دیگر سطح مهتاب به تحت بازرسی قرار خواهد گرفت ، سر نشینان سفاین بعدی به اساس اپولوی ۱۱ بعضی لوازم را که به آن ضرورت حس نمیکنند به سطح کره مهتاب بعد از عودت خواهند گذاشت ، بطور مثال از جمله سامان هائیکه سر نشینان سفینه ۱۱ در سطح ماه از خود باقی مانده اند یکی از آن جمله زلزله سنج (Saismometer) بوده که برای ثبت امواج زلزله و دیگر خواص جیولوجیکی بعد از عودت آنها به زمین فعالیت میکند .

سر نشینان اپولوی ۱۱ برای ۲۲ ساعت در سطح کره ماه باقی و برای سه ساعت در اراض منطقه که فرو و آمده بودند برای انجام ماموریت خود فعالیت نمودند موقعیکه سفینه اپولوی ۱۶ برای انجام یک ماموریت در اوائل ۱۹۷۱ به سطح کره ماه قراردادده میشود مدت ۷۰ ساعت در آنجا باقی خواهد ماند اپولوی ۱۷ که در اواخر ۱۹۷۱ به سطح کره ماه قراردادده میشود با استفاده از یک موتور برقی به یک فاصله معین برای اجرای ماموریت خود فعالیت خواهند نمود .

هدف عمده تمام این تحقیقات در سطح ماه این است تا علما کشف نمایند که خود کره ماه و پیدوار طبیعی آن دارای چه ماهیت میباشند هرگاه مهتاب دارای

منرال های باشد که امکان موجودیت آن در ترکیب ساختمان زمین کمتر باشد آن را به زمین نقل داده که در اینصورت حمل و نقل مواد خام کره ماه بزمین جنبه تجارتمندی را خواهد گرفت که این هم به نفع بشر می باشد ، هرگاه مواد دیگری که در ساختمان کره ماه حصه دارند تغییر پذیر بوده که تغذیه سر نشینان ، اساس فعالیت ها ، و امرار حیات آن ها را تأمین کرده بتوانند در اینصورت اقدامات جدیتری روی دست خواهند گرفته شد .

به اثر فقدان این مواد در ترکیب ساختمان کره ماه که به اثر تحقیقات پرکتیک جیولوجیکی بدست می آید برای معلومات مزید راجع به طرز تشکیل زمین و دیگر سیارات دارای اهمیت با رزی می باشد ، و در صورت بدست آوردن معلومات ، واضح ساختن دوره های جیولوجیکی *Processec* طرز تشکیل کره ماه که توسط تاثیرات جوی و ابجار مختل نگردیده ما را بیک طریقه جدید علمی (طرز تشکیل و به وجود آمدن زمین) واصل میسازد که برای شناخت و کشف مواد متعدد که در ترکیب آن حصه دارند و طرز استخراج آنها دارای اهمیت فوق العاده می باشد .

هرگاه تا اواسط ۱۹۷۲ موجودیت آب در کره ماه کشف نگردید و در اینصورت اقدامات جدیتری روی دست گرفته خواهد شد ، فعلا برای معلوم نمودن مقدار آب (فیصدی) در سنگ ها و خاک که توسط سر نشینان

اپولوی ۱۱ به زمین آورده شده از طریق های کیمیای استفاده گردیده که این تکنیک لابر توری برای استحصال آب از کتله های بزرگ (سنگ و خاك) نهایت مشکل و يك مصرف گداز را ایجاد میکند که برای رفع این مشکلات يك دستگاه بزرگ اتمی برای تولید چیز های مورد ضرورت دستگاه استحصال آب در کره ماه پلان گذاری خواهد شد، گرچه تا حال موجودیت آب در کره ماه کشف نگردیده اما بعضی از ساینسدانان معتقد اند که آب موجود میباشد.

کتله های بزرگ آب بادر نظر گرفتن مورد استعمال آن به سهولت به اجزای آن (اوکسیجن و هایدروجن) تجزیه میگردد که حیات بشر مدیون احسان *O2* و بر علاوه برای به وجود آوردن اتموسفیر مصنوعی از آن استفاده میگردد و به همین صورت هایدروجن نیز مورد استعمال زیاد رادار میباشد.

بعد از ختم پروگرام سفاین که تا اواخر سال ۱۹۷۲ به فضا پرتاب میگردد شعبه تحقیقات فضائی امریکا پروگرام دیگری را روی دست گرفته که در این ماموریت ها مدارهای مختلف زمین را تحت مطالعه قرار میدهند، طوریکه سر نشینان *Minus* برای ۲۸ روز و سر نشینان پرواز بعدی ۵۶ روز برای معلوم نمودن مقاومت قوای جسمی و فکری آنها در خلا به مدار زمین باقی خواهند ماند که این ماموریت های مشخص برای معلومات مزید راجع به سیارات دیگر، تحقیقات طبی و دیگر منابع طبی زمین (نقشه برداری بیش بود زراعت، شناخت مواد خام و استخراج آنها) دارای اهمیت زیاد میباشد، تحقیقات اجسام سماوی فاقد تاثیرات اتموسفیر بوده و نسبت اینکه اجسام وزن خود را در خلا میبازد نه تنها برای پیش برد ماموریت های بعدی مفید بوده بلکه برای تشخیص بعضی امراض در زمین از آن استفاده بعمل می آید.

پرسونل که در پایگاه های تحقیقات کره ماه وظیفه اجرا خواهند نمود به بعضی تحقیقات صنعتی نیز دست خواهند زد که ساینسدانان معتقد اند که در پایان این مطالعات به نتیجه بهتری رانست به زمین کسب خواهند نمود، قوه جاذبه زمین سبب آن میگردد مایعات که شکل جامد و دارای کتله های بزرگ میباشند تخشین گردیده و پارچه های کوچک بحال شنا باقی میمانند که این مایعات نسبت باختن و وزن خود در خلا سرد و منجمد گردیده و دارای لزجیت (*Consistency*) قوی میباشد که در این صورت سبب تشکیل لیزها و دیگر اجسام شفاف گردیده که در زمین امکان آن وجود ندارد.

در پرواز های بعدی برای پیاده نمودن انسان به کره ماه مناطق مختلف برای ماموریت های مختلف در نظر گرفته شده است، بحر آرام (منطقه که سر نشینان اپولوی نمبر ۱۱ برای اولین مرتبه در آنجا پیاده شد) احتمال میرود که برای همیشه بحال موجوده باقی خواهد ماند زیرا که در کره ماه هوا، باران وجود نداشته که باعث خرابی اجسامیکه در کره ماه قرار داده میشود گردد و تخریبات که هم صورت میگردد بسیار جزئی بوده که به اثر از دیاد درجه حرارت، تشعشعات منظم، باشیدن گرد و خاك توسط تشعشعات بالای آنها در سطح کره ماه میباشد لذا شعبه تحقیقات فضائی امریکا در نظر دارد که بحر آرام را به قسم پایگاه فضائی برای سیاحت و مسافرت به سیارات دیگر مورد استفاده قرار بدهد که بعد از آن بحر آرام یکی از جمله آثار تاریخی دنیا بشمار خواهد رفت.

پروگرام پرتاب سفاین بعدی به فضا :
اپولوی ۱۲ : که در نومبر ۱۹۶۹ به فضا پرتاب میگردد سر نشینان آن *Richard Gordon, Charles Conrad Alan. Bean*، تعیین گردیده است.

طوریکه فعلا در نظر گرفته شده است *Gordon* به مدار مهماب باقی مانده وظیفه کنترل سفینه را اجرا خواهد نمود و دو نفر دیگر که عبارت از *Bean* و *Conrad* به کپسول حامل آنها به سطح مهماب، داخل گردیده و در جستجوی سرویر نمبر ۳ امریکا که يك دستگاه تحقیقاتی بوده و در اپریل ۱۹۶۷ به فضا پرتاب گردیده فعالیت خواهند نمود دستگاه مذکور بعد از آنکه در سطح مهماب قرار گرفت ۳۶۰۰ قطعه عکس و نتیجه را که بالای نمونه خاك سطح مهماب توسط يك بازوی میخانیکي انجام داده بود به زمین مخابره نمود.

هرگاه سر نشینان اپولوی ۱۲ طوری فعالیت نمایند که سفینه حاصل ایشان را بصورت صحیح کنترل و به جوار سرویر ۳ به سطح کره ماه قرار بدهند برای اولین مرتبه سرویر را از نزدیک تحت مشاهده قرار داده که از سبب نبودن هوا و دیگر عوامل سطح کره ماه بالای آن چه تاثیرات وارد گردیده خواهد بود بعد از آن برای مدت ۲ الی ۳ ساعت برای اجرای ماموریت خود ها دور از منطقه فرود به سطح کره ماه برای اجرای ماموریت و تحقیقات دوام خواهند داد و بعد از آن *Conrad* و *Bean* برای تهیه اوکسیجن و چارج نمودن بطری ها به کپسول داخل گردیده و بعد از انجام این وظیفه دوباره از کپسول خارج میشوند و برای مدت ۲ الی ۳ ساعت دوباره به تحقیقات خود فعالیت میکنند مجموع اوقات را که سر نشینان اپولوی ۱۲ در کره ماه سپری خواهند نمود به ۲۸ - ۳۲ بالغ خواهد شد.

سفاین :- ۱۳، ۱۴، ۱۵ :-

ماموریت هائیکه در ۱۹۷۰ انجام داده خواهد شد تماماً (*Research*) (تحقیقات) جیولوژیکی بوده و موادیکه در ترکیب ساختمان کره ماه حصه دارند تحت تجربه قرار داده میشوند که مفید بودن کره ماه را در ساینس تکنالوژی، و علوم دیگر قیمت داده میتواند. (بقیه در صفحه ۲۹)

زمین شناسی و مطالعات آن

زلزله

قسمت دوم

برای تجزیه يك سطح لازم است بتوانیم زمان ورود دسته امواج را که به مراحل (فازها) موسوم اند بطور دقیق از روی منحنی ثبت شده بخوانیم و منظره منحنی زلزله های مختلف نسبت به یکدیگر تغییر میکند و در يك زلزله نیز منظره منحنی ها نسبت فاصله شان متغیر است ولی باوجود این زلزله شناسان معتقدند که تشخیص هنگام فرا رسیدن سه مرحله عمده آسان است:

۱- تشخیص رسیدن نخستین دسته موج به وسیله زلزله سنج های که دارای مؤلفه قائم هستند که طبیعتاً آسان است که نظر به ارانه این طرح بر حسب کانون زلزله نخستین حرکت از بالا به پایین و یا از باین به بالا است، دامنه امواج اولیه عموماً کم دوره آنها کوچک است و آنها را نخستین امواج ابتدائی گویند.

۲- چند دقیقه بعد (مثلاً ده دقیقه) اگر دستگاه زلزله سنج در فاصله ۹۰۰۰ کیلومتری مرکز زلزله باشد بی آنکه کاملاً دسته امواج ابتدائی قطع شود امواجی که دارای دامنه زیاد هستند ظاهر میگردد و این امواج را دومین امواج ابتدائی گویند.

۳- کمی بعد زلزله سنج امواجی را که دارای دوره طولانی بوده و مرحله اصلی زلزله را تشکیل میدهند رسم میکنند، در این مرحله دانه خیلی زیاد میباشد و امواجی که دامنه آنها بزرگ و ارتعاش آنها افقی معاسی است عمود بوده و آنها را امواج لوو $L_y O$ گویند.

سپس امواجی که دوره شان خیلی کوتاه است ظاهر میگردد بالاخره امواجی که حرکت قائم آنها آشکار بوده و حرکت افقی آنها در سطح انتشار قرار دارد و به ظهور می رسد - این امواج را امواج ری لی $Rayleigh$ یا امواج (L) گویند و منحنی آنها بشکل مارپیچ خیلی منظمی است که دامنه امواج از نقاط مرکزی که خیلی واضح و مشخص هستند میگردد.

منحنیهای امواج ابتدائی (p) و منحنیهای امواج ابتدائی

تکانههای زلزله در زمین اهتزازات را وارد میکند که سمت کیفی را دارا میباشد برای تحلیل مکمل يك زلزله زمین از زلزله سنج های عمودی و افقی استفاده میشود.

حرکت زمین توسط این آلهها در صورتی که ملاً معلوم خواهد شد که مؤلفه های حرکت در سه جهت قائم بر یکدیگر ثبت گردد و این سه جهت عبارت اند از جهت شمالی جنوبی جهت شرقی غربی و جهت قائم (مؤلفه قائم) از لحاظ فوق پسر دو نوع زلزله سنج پیدا میشود یکی آن زلزله سنج افقی و دیگری زلزله سنج قائم و در هر زلزله سنج دستگاه مخصوص که به وسیله آهن ربای الکتریکی کار میکند تعبیه کرده اند که در هر دقیقه مدت دو ثانیه حرکت قلم را بر روی کاغذ دوده اندود و یا اثر نور را بر روی دستگاه عکاسی متوقف می سازد و به این طریق ساعت ورود امواج مختلف بایستگاه زلزله شناسی بادقتی در حدود دهم ثانیه معلوم میگردد.

مراحل عمده زلزله خطوطیکه بوسیله زلزله سنج در روی کاغذ دوده می شده و یا در روی کاغذ عکاسی رسم میشود بطرح زلزله $(Seismogramme)$ موسوم است هنگام آرامش زمین در طرح زلزله خطی تقریباً مستقیم مشاهده میشود و گاهی ممکن است فقط بواسطه دسته بی امواجی که نشان ضعیف و مدت دوره شان ۶ ثانیه است قدری بهم خورده و نامنظم بنظر برسد که این امواج در حقیقت مربوط به زلزله های خیلی ضعیف زمین میباشد بر عکس هنگامیکه زلزله در بعضی از قسمتهای طبقات فوقانی پوسته جامد و وقوع میاید بد زلزله سنج در اثر رسیدن امواج مختلف به زمین رصدخانه خطوط در همی را رسم میکند که مدت آن خیلی کم و در حدود ثانیه است اما امواجی که در زمین انتشار می یابند و دارای مسیر مختلف هستند بی در پی در مدت دو تا سه ساعت پس از زلزله بوسیله زلزله سنجی که در حدود ۱۰۰۰۰ کیلومتر از مرکز زلزله فاصله دارد ثبت میگردد.

نخستین قدم به سیارات

(بقیه صفحه ۲۷)

اپولوی ۱۶ - در اوائل ۱۹۷۰ به فضا پرتاب میگردد و برای مدت ۷۰ ساعت در سطح کره ماه باقی و سر نشینان آن برای انجام ماموریت خود فعالیت خواهند نمود.

اپولوی ۱۷ - در اواخر ۱۹۷۱ به فضا پرتاب میگردد بعد از آن که سر نشینان به سطح کره ماه قرار گرفت توسط یک موتور برقی که بشکل مخصوص دیزاین گردیده به فاصله 16km دور از منطقه که در سطح کره ماه فرود می آیند برای انجام ماموریت خود فعالیت خواهند نمودند.

سقلین ۱۸، ۱۹، ۲۰ - ماموریت هائیکه درین پروازها در نظر گرفته شده تحقیقات راجع به سواندیکه در ساختمان کره ماه در مناطق *Shroeterss Valley Hills Marius* و *Hyginus Rill* سطح ماه که قبلاً پیش بینی گردیده است صورت خواهد گرفت و اپولوی ۱۹ که در وسط ویا اواخر ۱۹۷۲ به فضا پرتاب میگردد سر نشینان آن تحقیقات خود را برای اثبات نظریه بعضی از ساینسدانان که موجودیت آب را در کره ماه تأیید می نمایند فعالیت خواهند نمودند.

است چون اصلاً امواج زلزله در محیط های مختلف که دارای تشکیلات و خواص ساختمانی مشخص میباشند انتشار پیدا میکنند از این سبب دارای سرعت مختلف اند این محیط ها از یکدیگر مجزا بوده و بوسیله علم زلزله شناسی جدید میتوان عمق این طبقات مجزا را در داخل زمین حساب کرد.

قسمت داخلی کره زمین از طبقات یا محیط های بی دربی که دارای ضخامت مشخص بوده و خواص آنها خیلی زیاد نسبت به یکدیگر تغییر میکند تشکیل گردیده است.

راز تشکیلات و جنس قسمت داخلی کره زمین مدتها است که وقت ، کشفین را بخود جلب نموده و فرضیات متعدد زیادی درباره آن یکی پس دیگری وضع کرده که به زودی عدم صحت آنها اثبات شده و فرضیه دیگری جانشین آن گردیده است.

لرد کلون *Loydkelyin* به اتکای دو اصل از ترمو دینامیک که عبارت از انرژی و تکامل باشد و همچنین با استفاده از فورمولهای کلاهر و ن- تامسن *Clapeyron-Thomson* ثابت کرد که مرکز زمین با آنکه دارای درجه حرارت زیاد است معذالک بواسطه فشار فوق العاده بحالت جامد باقی مانده است ، وزن مخصوص کلی زمین که در علم هیئت بوسیله قانون جاذبه عمومی بدست آمده ۵،۵۳ است و وزن مخصوص طبقات اولیه پسته جاز به زمین فقط ۲-۷ میباشد بنابراین لازم است که وزن مخصوص قسمت داخلی کره زمین خیلی زیاد تر باشد و بدین ترتیب یکی از فرضیه های نزدیک به حقیقت این است که هسته سنگینی از جنسی اجسامی مانند آهن و نیکل در مرکز زمین وجود دارد ، هر موج زلزله از نقطه بی از سطح زمین خارج میگردد

دوم سی (S) مقعر اند و برعکس منحنی (L) مستقیم و سرعت امواج (P) و (S) بیش از پیش به نسبتی از مرکز زلزله دور شویم زیاد میگردد و برعکس سرعت امواج (L) ثابت میماند.

با اینکه زمین را نمیتوان مانند یک جسم سخت بکنواخت و همگرایی تصور نمود و با وجود این تقریباً نسبت فوق میان سرعت امواج (P) و سرعت امواج (S) موجود است ، اما امواج (L) که سرعت شان ثابت است امواج سطحی میباشند که در مجاورت سطح کره زمین انتشار یافته و در واقع مانند امواج هستند که در سطح آب در اثر انداختن سنگی ایجاد میگردد .

چون امواجیکه از مرکز زلزله انتشار میابند تعدادشان زیاد است که مطالعه تمامی آن درینجا خسته کن بنظر میرسد فقط همین قدر گفته میتوانیم که این مراحل عبارت از مراحل هستند که مربوط اند به امواجیکه بجای رسیدن به استگاه بواسطه مسیر منحنی خیلی کوتاه یک مرتبه در سطح زمین از وسط فاصله بین مرکز و استگاه منعکس میگردد و آنها را بنام امواج «PP» و «SS» گویند از مشاهده این امواج درک میشود که تاچه اندازه طرح یک زلزله پیچیده و درهم بوده و چقدر برای زلزله شناسی دشوار است که بطور صحیح و دقیق ۲۰ تا ۳۰ مرحله مختلف را در روی یک منحنی رسم شده تعیین و تشخیص کند .

مراحل مخصوص زلزله هائیکه دارای کانون عمیق هستند تا چند سال اخیر تصور میکردند که ما کمترین عمق زلزله ها از ۵۰ تا ۶۰ کیلو متر تجاوز نمیکند و وجود کانون های عمیق تا حدود ۷۰۰ کیلو متر زیر سطح زمین از کشفیات تازه و غالب توجه علم زلزله شناسی است فکرا مکان بروز زمین لرزه هائیکه کانون آنها در اعماق بیش از چند صد متر قرار دارد در سال ۱۹۲۲ بواسطه تورنر «Turner» در ضمن بررسی و تعیین دقیق از بعض زلزله ها بمیان آمد ، که این فرضیه در ابتدا موجب مخالفت بسیاری از زمین شناسان و ژئوفزیک دانان گردید زیرا این عده عقیده داشتند زلزله در اثر گسسته ها و ترکها در وسط زمین های سخت ایجاد میگردد و نمیتوانستند قبول کنند که گسله و رمبش *Effondrement* در زیر پوسته جامد نیز ممکن است ایجاد گردد . تصور میکردند که در عمق بیش از ۵۰ کیلو متر سنگها در تحت اثر فشار زیاد و درجه حرارت فوق العاده بحالت ، ابع یعنی خمیری شکل شبیه به قیر بوده و در نتیجه مانع ایجاد شکاف در آنها میگردد .

با وجود این به وسیله تحقیقات و اداتی *Wadati* در ژان ۱۵۲۸ وجود زلزله هائیرا که کانون شان عمیق تر از حد معمولی است ثابت گردید .

مسیر امواج زلزله امواج که از اعماق خیلی زیاد زمین میآیند بطبقات زمین برخورد کرده و در نتیجه بیش از پیش بطور سریع انتشار مییابند مسیر شعاع زلزله منحنی بوده و انحنای آن بسبب مرکز زمین است امواج زلزله و تشکیلات داخلی زمین کشف مراحل مختلف زلزله دارای اهمیت بزرگی در زمین شناسی

بازالت *Basalte* که گدازه اصلی کوههای آتشفشانی هستند تشکیل گردیده است در اینحالت قسمت بالایی مانتو که در سابق بطور عموم ماگما «*Magma*» نامیده می شود از سنگهای خیلی قلیائی از دسته دونیت *Dunit* تشکیل گردیده است که در آن مقدار زیادی پیروکسنت *pyroxenite* سیلیکات آهن و منیزی (یافت میگردد .

اما زمین شناس مشهور اطریشی بنام زوس نظریه داده است که پوشش های اولیه زمینی محتوی دو طبقه بوده است یکی طبقه زیرین زمین بنام سیال *Sial* (مرکب از دو حرف اول کلمه های سیلیسوم و آلومنیوم) و دیگر طبقه زیرین زمین بنام سیما *Sima* (مرکب از دو حرف اول کلمه سیلیوم و مانیزیوم) میباشد و وکنر آلمانی این فرضیه را تأیید کرده و علاوه میکند که قسمت سیال بنیان قاره ها را تشکیل داده و قاره ها مانند کوههای یخ (*Iceberg*) که از آب مشتق میگردند از سیما که خیلی سنگین و لزج است مشتق شده اند سیما که جنسش قلیلی است ممکن است همان طبقه وسطی را که زلزله شناسان تشخیص داده اند تشکیل داده و هر سال قسمت فوقانی مانند (دونیت) میباشد که کف (صحن) اقیانوس ها را تشکیل داده است قسمت سیال باطبقه خاراائی قابل تشبیه است .

فرضیه و اگنر *Wegener* که در ۱۹۱۲ بوجود آمد فرضیه پیدایش قاره و اوقیانوس ها» معروف گردید در دنیای علم تأثیری فراوانی کرده و در هر مورد فرضیه بسیار مفیدی برای کارهای عملی گردید گوتانبرگ به این نتیجه رسید که طبقات قشری که مشخص قسمت های زیرین قاره

که اغلب این نقطه دریکی از دو انتهای قطری است که از کانون زلزله میگردد و بدین ترتیب هر موج زلزله داخل زمین را طی کرده و حامل پیامی از اندرون زمین میباشد که ماهتوز نمی توانیم کاملاً آنرا تعبیر نمائیم .

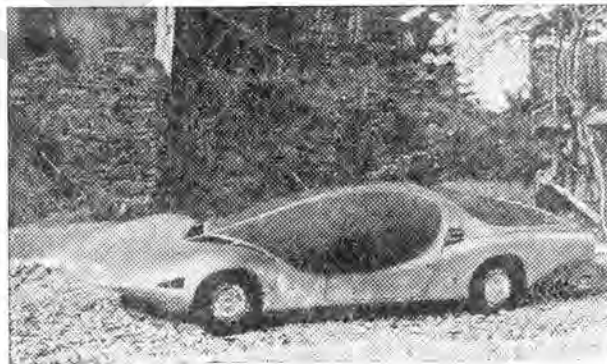
بطور شما تیک زمین از یک هسته و دو پوشش متحدالمرکز تشکیل شده که پوشش داخلی را مانتو *Manteau* و پوشش خارجی را پوسته *Lecoyce* گویند . دو سطح جدائی عمده یکی پوسته را از مانتو و دیگری مانتو را از هسته جدا میکند، سطح اول بوسیله موهورویسی *Mohorovicic* ضمن بررسی امواج زلزله های که مسافت آنها از مرکز کم میباشد و عمق آنها در حدود ۵۷ کیلو متری در زیر بالکان و آلپ و با عمق ۳۰ کیلومتری در زیر اروپای باختری (گراند برتانی) و در زیر کشورهای متحد امریکا در دره مسیسیپی قرار داشت کشف و بنام اومسمی شده است سطح دوم که هسته را از سائو جدا می سازد به وسیله حرف *C* (*Cey*) نشان داده میشود و محاسبات خیلی جدید گوتنبرگ *Gutenperq* نشان میدهد که در عمق ۱۹۲۰ کیلومتری قرار دارد .

در پوسته نیز دو طبقه مجزا که دارای ساختمان مختلف هستند در نظر گرفت، طبقه که به سطح زمین نزدیک است آنرا طبقه خسار جسی *Gyantipue* نامیده و ضخامت آن به ۱۰ کیلو متر در زیر جزایر بریتانیا میرسد ولی در زیر جبال آلپ ورشته کوههای مرتفع ضخامت این طبقه خیلی زیاد تر است و شبیه به فرو رفتگی لاشه دندان میباشد که ریشه دندان در آن قرار گرفته است پس از این طبقه طبقه بی است که میتوان گفت از سنگهای قلیائی مانند

هر صید من بنز

بار تقاع

۶۰۰۰ متر



تأمین میکند، جانب اینکه عراده ها درین ارتفاع مانند انسانان از ملت هوا متأثر میگرددند، هر قدر عراده ها بلندتر برود بهمان اندازه از تعداد دور آنها کاسته شده و قدرت انجن نزول میکند، در هر هزار متر قدرت انجن باندازه ۱۰ پائین میشود یعنی در ارتفاع ۶۰۰۰ متر قدرت انجن فقط ۴۰ قدرت اصلی آنست، با آنهم همین قدرت باقیمانده به تمام معنی کتاب میکنند که عراده ثقیل را باحموله سفر آن به پیش براند و مشکلات راه دشوار گذر را الی معدن گوگرد هموار بسازد .

باتوجه به حقایق فوق قدرت انجن این عراده ها را که قطعاً برای چنین ارتفاعات ساخته نشده اما با آنهم سحر آسا این ارتفاعات را طی مینماید.

کوه *Aucanquilcha* با یک خصوصیت خود امتیازی در قبال جبال دیگر دارد . پایانتز از قله این کوه یعنی در ارتفاع شش هزار متر معدن بزرگ سفرف قرار دارد. یگانه ارتباط بین این معدن و قرار گاهی را که بار تقاع ۴۰۰ متر واقع است عراده های بار بر مر سیدس بنز

بلندترین کوه اروپا مونت بلانک *Mont Blanc* بار تقاع ۴۸۰۰ متر است تقریباً ۱۴۰۰ متر بلند تر ازین کوه، قله کوه *Aucanquilcha* در سلسله کوه های *Kordillary* واقع چلی است. این کوه که دائم برف پوشیده است از جمله بلندترین کوه های امریکای جنوبی میباشد

زلزله سنج منحنی ارتعاشات مصنوعی را رسم مینمایند و به این روش موفقیت‌های زیادی بدست آورده اند. این طرز انعکاس زلزله مربوط به بعضی از قسمت‌های زمین میباشد که به خصوص از آهکهای متراکم تشکیل یافته اند و این مناطق برای امواج زلزله به منزله آینه‌های حقیقی انعکاس دهنده میباشد از درج امواج منعکسه توسط زلزله سنج‌های مخصوص که قابل حمل و نقل میباشد و در جوار انفجار قرار میدهند به بسیار آسانی عمق سطح انعکاس دهنده و تیب *pendape* آنرا که دو عنصر اصلی برای تشریح قسمت‌های زیرین زمین است میتوان حساب کرد. اطلاع از این دو قسمت به خصوص برای کشف معادن جدید نفت بسیار مفید و پر ارزش است. مخلوط نفت و گاز بیشتر در طاق‌دیس‌های *Lesanictinaw* مسدود یا تشکیلات گنبدی *dome* شکل جمع میگرددند.

بکمک روش زلزله میتوان میزان منحنی‌های از یک یا چند طبقه زمین رسم کرد و همچنین نقشه‌ی از زیر جاکه می‌که ظاهرش آرام ولی قسمت‌های زیرین آن متحرک است تهیه نمود از روی این نقشه‌های ساختمانی زمین میتوان محل طاقدیس‌ها را تعیین نمود و چاههای نفت را در محل مناسبی حفر کرد. با این روش در کشورهای متحده بین سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ بیش از پنج میلیارد چلک نفت خام کشف کردند چون بعضی از طبقات آهکی طبقه اوردو یسین *Ordoyicten* (قسمت زیرین دوره سیلیورین) امواج را فوق العاده واضح منعکس کرده بقسمی که میتوان با کمال اطمینان حدود طاقدیس‌ها را در روی نقشه رسم نمود.

باین روش زلزله‌های مصنوعی مانند زلزله‌های طبیعی برای تعیین ساختمانی درونی کره زمین مورد استفاده قرار میگیرد.

نواحیکه در آنها زلزله‌های مهم حقیقی ایجاد میشود در روی نقشه این نواحی تشکیل چندین منطقه مشخص را میدهد: ۱- در اطراف اقیانوس آرام زلزله‌های بزرگ بشکل نواری ولی تراکم دیده میشود این منطقه زلزله‌ها از کامچاتکا و جزایر کوریل *Kourile* و ساحل شرقی ژاپن گذشته پس از آن بدو ساحه تقسیم میگردد: یکی از این شاخه‌ها از جزیره فیلیپین و دیگری بر خلاف از قتل زیر دریایی مجاور باختری میگردد. این ساحه که به ساحه پلی‌نزی *polynesie* موسوم است دارای معنای زمین شناسی خاصی میباشد زیرا باخطی که از مشرق نمای *Affleuremet* سنگهای آتشفشانی آندزیتی *Andesite* میگردد تلاقی مینمایند.

این دوشاخه که یک ناحیه‌ی زلزله و قاره را که همان حوزه فیلیپین باشد از سایر حوزه‌ها قسمتاً مجزا کرده اند مجدداً در گینه جدید به یکدیگر متصل شده و بطرف جزایر فیجی *Fidzi* و تونگا *Tonga* و کرماک *Kermadec* و زلاله جدید و جزایر ماکاری *Macquarie* امتداد پیدا میکند. در مشرق اقیانوس آرام گاهی منطقه زلزله خوب واضح نیست و یک شاخه جزایر گالا پاگوس *Galapagag* به قتل

ها است به هیچوجه در زیر اقیانوس آرام وجود ندارد و ضخامت این طبقات را در زیر قاره آسیا و اروپا به ۶۰ کیلو متر نشان داده است و از طرفی ساختمان ناحیه پلی نزی « *Polynsic* بطور قابل ملاحظه با ساختمان حوزه اقیانوس آرام و اقیانوس اصلی فرق دارد زیرا زمین هائیکه بیشتر در مجاورت سطح قرار گرفته اند دارای خواص شبیه خواص سنگهای قشر قاره‌ها میباشد و مسیر زلزله هائیکه از ناحیه جزایر ماریان (*Marian*) میگردد به این نوع زمین‌ها تعلق دارد، در زیر اقیانوس اطلس و اقیانوس هند مقدار سرعت زلزله‌ها حد و سطحین سرعت زیر قاره‌ها و زیر اقیانوس آرام است، طبقات زیرین آنها شبیه اند به طبقات زیر قاره‌ها منتها خیلی نازکتر هستند سرعت‌های که ناحیه قطبی مورد آزمایش قرار گرفته نشان میدهد که قسمت زیرین قطب نیز نظیر قسمت زیرین اقیانوس آرام است نظر به خصوصیت اینکه یک موج بنام *PP* که در قسمت سیما منعکس میگردد دارای دامنه خیلی ضعیف تر از آنچه که در روی قشر قاره منعکس میگردد میباشد، که این موضوع در انعکاس‌های موضعی در زیر اقیانوس آرام صدق میکند، لذا ناحیه از اقیانوسیه که در جنوب جزایر گالا پاگوس قرار گرفته است جز دسته قاره‌ی میباشد عده از جزایر و قتل تحت البحری درین ناحیه یافت میگردد که به خصوص *Miriam Ridye* که در ۱۹۲۹ بوسیله *Garneyie* کشف گردید از همه مهمتر است.

از گفتار بالا چنین نتیجه میگیریم که قسمت‌های زیرین اقیانوس آرام نظیر حوزه قطبی بوده در صورتی که انعکاس در زیر قسمت شمالی گرو سنلند و در زیر دامنه آن خصائص قاره‌ی را نشان میدهد بنابراین احتمال داده میشود که قسمت اعظم حوزه شمالی قشر قاره‌ی حقیقی یافت نشود.

ممکن است بکمک طرح‌های زلزله حدود قاره‌ها را تعیین و آنرا در روی نقشه ترسیم نمود ولی آنچه تا کنون ترسیم شده بسیار مختصر و فقط حدود نقاط متفرق و منفردی را توانسته اند رسم کنند و میتوان امیدوار بود که آینده بوسیله این روش نقشه کالی از حدود قاره‌ها ترسیم گردد. امواج هسته زمین هسته زمین محیط مخصوص است که مانند آهن سخت بوده و از طرفی نیز کاملاً مایع نمیشود از آغاز قرن ۲۰ قبول کرده اند که هسته زمین دارای حالت خمیری شکل است که دارای قابلیت تراکم و انبساط میباشد وزن مخصوص در حوالی هسته تقریباً ۵۱۶ تا ۹۱۷ بوده و در مرکز زمین به ۱۲،۳ می‌رسد و میتوان حساب کرد که فشار در آنجا باید در حدود سه ملیون و نیم اتمسفر باشد. امواج زلزله‌ی که از کانون زلزله انتشار میابند میتوانند برای ما اطلاعات پربهای را بیاورند بنابراین زلزله شناسان باید با کمال حوصله متوجه آزمایش‌های طبیعت باشند چون این دوش مدت دراز را ایجاد میکند از این رودر این اواخر توسط انفجار زلزله‌های مصنوعی را بوجود میآورند و با

لطایف و ظرایف ادبی

(وقتی محمدامین خان) که یکی از امراء دربار هندوستان بود شخص وارسته‌ای را دید که ریش خود را صاف تراشیده است. پرسید: این کیست؟ گفتند: بیدل شاعر است. پس از روی غرور نگاهی بوی کرد و گفت: توئی که ریش خود را اینطور تراشیده‌ای؟ بیدل جواب داد: ریش خود را تراشیده‌ام ولی دلی کسی را نخراشیده‌ام. محمدامین خان که قاتل حسین قلی خان بود از این جواب کتابه آمیز عصبانی شد و کینه بیدل را بدل گرفت ولی وساطت (نظام‌الملک) نگذاشت آسیبی باو برسد.

از نواحی شمالی دیده می‌شود، برخلاف در تمام ناحیه سطح روسیه که طبقات سیلیورین *Silavien* و دونی و طبقات کرتاسه *Cretace* دوران سوم که آنها را می‌پوشانند و تقریباً دارای وضعیت افقی هستند زلزله تقریباً شناخته نشده است با وجود این میتوان گفت که ناحیه در سطح کره زمین یافت نمی‌شود که در آن گاهگاه تکانه‌های ضعیف ایجاد نگردد.

گوئنبرگ تعداد تکانه‌های زلزله بی را در سال به چندین هزار نشان داده و اگر تعداد تکانه‌های بعدی زلزله واسمها *Essaim* را نیز به آن بیفزائیم عدد آن تقریباً بر یک میلیون می‌رسد، چنانکه حساب کرده‌اند بیش از ۸۰ درصد کلیه زلزله ها کانونشان در روی دایره اقیانوس آرام و ۱۵ درصد آنها در روی منطقه آسیایی و ۵ درصد آنها در سایر نواحی قرار دارد و دایره اقیانوس آرام در زلزله شناسی مقام مهمی را اشغال میکند.

دانشمندان امریکا ثابت کرده اند که قطعاتی از گسله‌سان آندرا *San-Andrea* یعنی ریفت که در هنگام زلزله های بزرگ ۱۸۵۷ و ۱۹۰۶ به حرکت درآمده‌اند امروزه خیلی پایدار بوده و برخلاف عدد از مراکز در روی قطعات دیگر این گسله بزرگ یاد روی خطوط گسله‌های کوچکی که از آن منشعب گردیده است قرار دارند، پس چنین بنظر میرسد که ریفت به چندین قسمت تجزیه می‌گردد، قسمتهای که از سنگ‌های متراکم و سمند تشکیل شده شکستگی پیدا نمی‌کند به جز تحت تاثیر نیروی کشش نسبتاً زیادی قرار گیرد و در نتیجه در این قسمتها زلزله های اسف انگیزی ایجاد می‌گردد.

برعکس قسمت های دیگر آن که مقاومت سنگهایش کم است خیلی به آسانی شکستگی پیدا کرده و شدت زلزله های آنها کم ولی تعدادش خیلی زیاد است.

علل زلزله و رمز ایجاد کوهها پیر ترمیه، زمین شناس فرانسوی زلزله خیزی سطحی را علامت بارز چسپندگی عمق زمین می‌داند، کشورهاییکه زیاد در معرض زلزله میباشند آنها

جزایر هاگ «*Pague*» متصل کرده و شاخه دیگری که مبدأش در آنتیل *Antilles* های جنوبی است از ناحیه ساحلی امریکای جنوبی گذشته و آنتیل ها را در بر میگیرد و سپس متوجه قسمت ساحلی مکزیک و کالیفرنیا شده و بالاخره از جزایر آلتوسین *Spitzberg* عبور کرده و در کامچاتکا ختم میگردد. قابل توجه است که زلزله دایره اقیانوس آرام در مجاورت کورویل ها و حلقه جزایر قرار گرفته اند و تمامی این جزایر در واقع یک نوع بزرگ طاقندیس است که شکل آن بکمک تکانه‌های زلزله محسوس و قابل درک است.

۲- منطقه آسیایی: این منطقه از دایره اقیانوس آرام عریض تر است و تمام قسمتهای را که تحت تاثیر حرکت کوهزائی آلپ قرار گرفته اند شامل میشود و از اسپانیا و افریقای شمالی گذشته و در حوالی فلات پامیر عرضش خیلی زیادتر میشود و از برمانی و ساحل غربی هند - هند گذشته و در جزایر فلپین بدایره اقیانوس آرام متصل میگردد و هر قدر بطرف شرق پیش رویم به نسبتیکه رشته کوهها به اثر چین خوردگی جدید تشکیل شده نزدیک شویم فعالیت زلزله بیشتر میگردد.

۳- نوار باریکی از مناطق زلزله اسپتیز بزرگ به طرف اقیانوس منجمد جنوبی امتداد مییابد و شامل رشته بی از کوههای زیر دریایی است که تشکیل برجستگی و سط اقیانوس اطلس را میدهند.

شدت زلزله در این منطقه کمتر از دو منطقه اول الذکر است.

۴- نقطه بی در اقیانوس هند از نزدیک سواحل عربستان گذشته و تا جزایر بووه *Bouyef* در اقیانوس منجمد جنوبی ادامه می‌یابد این منطقه جدیداً بواسطه ایجاد استکهای خوب زلزله شناسی در هند وستان و مدعا سکر شناخته شده است.

بی شبهه این منطقه بایک رشته برجستگی های کف اقیانوس مربوط بوده و ممکن است که بوسیله چین مخصوص اقیانوس هند بدون سمت تقسیم شده باشد ولی نقشه زیر دریای این اقیانوس هنوز کامل نگردیده و نقاط مختلف آن خوب شناخته نشده است برخلاف این مناطق باریک که محل زلزله های بزرگ هستند قسمتهای وسیعی از کره زمین کمتر در معرض زلزله قرار گرفته که سهمتر از همه حوزه داخلی اقیانوس آرام و قسمت شمال شرقی قاره امریکا (ناحیه کانادا) و قسمت بزرگی از افریقا و برازیل است، در افریقا نواحی پر زلزله تنها در منطقه کسله های بزرگ مجاور دریای قرمز و قزو رفتگی دریاچه های بزرگ افریقا (ریفت افریقائی) میباشد.

قسمت شمالی اروپا دارای زلزله های ضعیف ولی متغیر است بقایای رشته کاله دولین *Caledonienne* در سراسر ناحیه اکس *Ecosse* و نروژ که در دولین *qeyonien* دو باره چین خوردگی یافته است زلزله های خیلی کم میباشد و در عمده از نقاط مانند لیم-انی *Limeyne* و درون *Rhin* در آلتاس و باد *Bade* که گسله ایجاد شده است زلزله بیشتر

تا حدیکه دیگر تاب مقاومت نیاورده شکستگی در آنها ایجاد گردد و موجب شود که طبقات وضع تعادل جدیدی، در طول سطحی گسله ناسیده میشود بخود بگیرد گاهی مانند سان فرانسیسکو این سطح در روی زمین بخوبی دیده میشود ارتعاشات حاصله در موقع لغزیدن سطح گسله زلزله‌های حقیقی را تشکیل میدهند. در اطراف نواحی که در حال چین خوردن هستند حرکت کوهزائی اغلب موجب از دیاد فشارهای میگردد که باعث گسله‌ها و تکه‌کنای زلزله می‌شود.

زلزله و آثار دیگر ژئو فیزیکی

فرضیه جریانهای تحدیبی: بین علل زلزله و آتشفشانها ارتباطی وجود ندارد ولی میتوان تصور کرد که زلزله‌ها و آتشفشان‌ها از یک نمود عمومی زمین که موجب رشته چین خوردگی‌های بزرگ و جدیدی در پوسته زمین میگردد مشتق میشوند.

چندین سال است که علما قبول کرده‌اند که در داخل پوسته و طبقات مانتو حلقه‌های از جریانهای تحدیبی وجود دارد که منشأ آن حرارت داخلی بوده و شاخه‌های از این جریان که در اثر غلیان بالا می‌رود و موجب میشود که ماگما باهستگی بطرف بالا آمده (مثلاً با سرعت یک سانتی متر در سال) و شاخه‌های که پائین می‌روند آنرا بطرف پائین می‌کشاند و جریانهای افق نیز حلقه‌های مسدود دیرا بوجود می‌آورند.

در این طرح عمومی گودالهای اقیانوس‌ها و بزرگ ناودیسها در نتیجه جریانهای پائین رونده ماگما (چون سنگهای که تراکمشان کم است جانشین سیما که سنگین تر میباشد میشود لذا تغییران منفی قوه ثقل مشاهده میگردد) بوجود آمده است و برعکس در نواحی مقابل آنها جریانهای بالا رونده ماگما را بار آورده و ایجاد برجستگی مینماید (تغییرات مثبت قوه ثقل) این جریانها در اثر اختلاف درجه حرارت ایجاد میشود و این اختلاف درجه حرارت نیز بواسطه تجزیه عناصر را دیو آکتیف است که در داخل طبقات تشر زمین یکسان پراکنده نبوده و تجزیه آنها متشأ حرارت سهمی میگردد.

در زیر قاره، هابطقه گرانتی خیلی بیش از طبقه بازالتی که زیر اقیانوسها را تشکیل میدهد محتوی رادیوم است و در قسمت زاین پوسته اختلاف درجه حرارت زیر قاره‌ها و زیر اقیانوسها باید در حدود ۲۰۰ درجه باشد.

حرکت دورانی که در اثر حرارت و بحالت خمیری بودن مایلاً در طبقات با مقاومت پوسته و در قسمت فوقانی مانتو تولید میشود فشارها را به وجود می‌آورد که موجب تغییر شکل تشر زمین شده (کوهها، قله‌های زیر دریائی، رشته‌های جزایر) و همچنین باعث زلزله‌های عمیق وسطی زمین میگردد.

یکی از منابع فشارهای داخلی تغییر حجمی است که در اجسام در هنگام ذوب و یا انجماد و تبلور حاصل میگردد.

جلی (Joly) و دیلی (Daly) نقطه ذوب نازالت مجاور ۱۱۵۰ درجه است.

آند که در زیر آنها توده‌های بزرگی در قسمت‌های عمیق در حال جنبش است، هر تغییر ناگهانی در سرعت این توده‌های متحرک تولید لرزش در زمین میکند، این توده‌ها می‌تواند بطور قایم بالا و پائین آمده و یا آنکه برخلاف بطور عرض و جانبی حرکت نمایند قسمیکه طبقات مجاور سطح بصورت رشته‌ها چین خوردگی پیدا کند که جستجوی علت زلزله در واقع امر عبارت از جستجوی این حرکات میباشد، ترمیمه گفته زمین شناسی در حقیقت باغی مسحور کننده است، ما نمیدانیم برای کوهها چین می‌خورند و برجستگی پیدا میکنند و هر اندازه که ما این موضوع را درک ننمائیم علت حقیقی اصلی زلزله را نمیتوانیم بشناسیم (برای توضیح علت آنها به تفسیرهای بسیاری تشبث جستند که عبارت از تئوریهای مختلف باشد که عده‌یی از آنها تا کنون از اعتبار افتاده اند مانند تئوری انقباض در اثر از دست دادن حرارت (سیبیکه چین می‌خورد) و عده دیگر هنوز جزء فرضیه علمی Hypothese میباشد.

عمق کانون زلزله‌ها: اگر سوالی پیدا شود که کانون زلزله‌های که امواج آنها تشعشع پیدا میکنند در چه عمق قرار خواهند داشت؟ جواب آن این است: مدت‌ها قبل زلزله شناسان و زمین شناسان فکر میکردند که ضخامت طبقاتی که در آنها از ارتعاشات زلزله انجام میگردد از حدود چند کیلومتر تجاوز نمیکند اما امروز به طرق متعدد عمقهای زیادی را محاسبه و یقین کرده‌اند که در صفحات قبل عده زیادی از آنها را مورد مطالعه قرار داده‌ایم و معلوم نشده است که زلزله میتواند در تمام اعماق واقع بین سطح زمین و ۷۵۰ کیلو متری زیر آن ایجاد گردد و ابتدا تصور می‌شد که زلزله‌های مخرب بطور عموم کم عمق باشد ولی زلزله‌های بعدی شیلان (۷۰ کیلومتر) و رومانی (۱۶۰ کیلو متر) نشان دادند که این تصور صحیح نبوده و بعضی از زلزله‌های متوسط هم میتواند با آثار شومی همراه باشد. اکثر زلزله‌ها در قاعده طبقه خساراتی واقع بین ۸ تا ۳۰ کیلومتر ایجاد میگردد و هر اندازه طبقات قاره‌ای ضخیم تر باشند عمق کانون‌های زلزله بیشتر خواهد بود.

در زمین به هر اندازه که چین خوردگی جدید تر باشد تعداد و شدت زلزله‌های که مربوط به ایجاد کوهها هستند بیشتر و شدید تر خواهد بود.

زمین‌های که حالت خمیری آنها، خواه بواسطه جنبشان و خواه بواسطه اینکه نیروی کوهزائی چین خوردگی، در عمق کمتری تأثیر میکند خیلی زیاد نبوده و بیشتر در مقابل این نیروها مقاومت میکنند و در نتیجه خرد شده و گسله در آنها ایجاد میگردد و به این ترتیب زلزله‌های مربوط به گسله‌ها خیلی شدیدتر از زلزله‌های مربوط به چین خوردگیها است زیرا نیروی که مجتمع میگردد تا گسله ایجاد گردد خیلی قوی تر میباشد. ساختمان زلزله‌های مربوط به گسله و نیروی محرک آن با تحت تأثیر نیروهای مداوم موادیکه طبقات عمیق را تشکیل میدهند فشار سرا تحمل میکنند که بطور تدریج افزایش یافته

مجازات از هلیکوپترها

شعبه تعقیب و مجازات ترافیک یکی از شهرهای بلجیم بنام گینلی *Genly* نسبت جلو گیری از وقوعات زیادی که از ناحیه خلاف رفتاری رانندگان وسایط موتردار متحمل می شد در مسیر قضائی سرک بین شهرهای گینلی *Genly* و *Amverp* گروه هلیکوپتر ۱۵ جهت تعقیب رانندگان موظف نمود.

در نتیجه کنترل فوراً روز اول ۳۰ نفر دربوران وسائط باربردار وشخصی جریمه شدند. ۷۰٪ فیصد این خلاف رفتارن نسبت غلط سبقت گرفتن در نقاط خطرناک وحساس و ۳۰٪ آن ها نسبت سریع رفتن متحمل به پرداخت جریمه شدند.

که در اثر جدا شدن ماه از زمین در اقیانوس آرام ایجاد گردیده است.

وجود رابطه بین زلزله ها و تغییراتی که در میدان مقناطیسی زمین پیدا میشود نیز شایان توجه میباشد.

در جاپان زلزله ها به کرات با تغییرات بزرگ میدان مقناطیسی زمین (انحراف، میل و مؤلفه قائم) توأم بوده اند.

همینطور دانشمندان جاپان مانند «*Kal*» و «*Nakamura*» تصور میکنند که تکان زلزله نقطه آخرین درجه یک فعالیت زلزله ای است که بواسطه تغییر مکان ماگما مثلاً تحت تاثیر جریانهای تبدیلی انجام میگردد.

این تغییر مکانهای ماگما موجب تغییرات میدان مقناطیسی میگردد. زیرا خواص مقناطیسی ماگما بر حسب تغییر سطح فشار و درجه حرارت تغییر میکنند. به این طریق ممکن است قبل از تکانهای زلزله انقلابات مقناطیسی مشاهده گردد. اینکه بعد از طی مراحل و بررسی آن توجه خوانندگان محترم را در کشور عزیز شان افغانستان معطوف ساخته و بصورت مختصر زلزله و رویداد های آنرا در سر زمین مطالعه فرمایند.

شدید ترین زلزله های افغانستان.

۱- نظر به نگارش لیدی سال (و کاپیتان ابر) به تاریخ ۱۹ فبروری سال ۱۸۴۲ زلزله شدیدی در کابل رخ داده است این زلزله که وقت وقوع آن مصادف به چاشت روز بوده تقریباً سه دقیقه طول کشیده که اثر شدت آن عمارات زیادی ویران گردیده است و میزان تلفات مالی و جانی

و این سطح هم حرارت بازالتی که وضع تعادلش در داخل کره زمین بر حسب طغیان گرمادراتر تجزیه مواد رادیواکتیف و جریانهای تبدیلی متغییر است سطحی است که زلزله هادر آن ایجاد میگردد. به همین ترتیب فراوانی زلزله را در حوالی عمق ۲۸ کیلومتری میتوان بدلت تغییر حجم کوارتز در حرارت ۵۷۵ درجه دانست.

نوت: امروز قبول کرده اند که کره زمین نه تنها سرد نمیشود بلکه در نتیجه ایجاد گرما بواسطه تجزیه عناصر رادیواکتیف گرم شده و این یکی از دلایلی است که موجب از بین رفتن ثنوری: (تشکیل چین ها بواسطه انقباض است که در اثر از دست دادن حرارت حاصل میشود) گردید.

راجع به کانونهای عمیق نیز میتوان بطریق زیر استدلال نمود: اگر بین پوسته و قسمت کم و بیش جامد زمین محیط واسطه حجیمیکه در اثر مایع شدن و یا جامد شدن قسمتی از آنها که در اثر حرارت مواد رادیواکتیف حاصل میگردد برای ایجاد فشارهای داخلی که منشأ زلزله هامیباشند کافی خواهد بود.

نظریه مشهور و اگنر (*Wagner*) طرز تشکیل بعضی از رشته کوهها را چنین توضیح میدهد: بشرح زیر هند پس از جدا شدن از مدغاسکر بطرف شمال شرقی متوجه شده و در اثر تلاقی با قاره آسیا طبقات کناری آن خورد شده و در نتیجه کوههای همالیا (*Himalaya*) از محل برخورد آنها از زمین بیرون آمده است.

همچنین قاره امریکای پس از جدا شدن به طرف غرب متوجه گردید و به توده سیمای اقیانوس آرام که در زمانهای خیلی پیش زمین شناسی سرد شده و دارای مقاومت گردیده برخورد کرده است.

بنابر این کناره باختری امریکا در اثر تصادم با سیمای اقیانوس آرام خرد شده و چین خوردگی یافته و در نتیجه کوردیار آندها که در طول اقیانوس آرام از آلاسکا تا اقیانوس منجمد جنوبی ادامه دارد بوجود آمده است. و طبیعی است که نواحی واقع در محل تلاقی این توده نواحی پر زلزله خواهند بود.

جفری (*Jeffrey*): عقیده انبساط و انقباض را در اثر حرارت رها نکرده و معتقد است که فشار افقی که علت چین خوردگی هاست تا عمقی در حدود ۱۰۰ کیلومتر اثر کرده و پس از آن انبساط و کشش افقی تا عمق ۷۰۰ کیلومتر تاثیر مینماید و این انبساط و کشش علت ایجاد گسله ها و کانونهای زلزله های عمیق میباشد.

برای اینکه هر نظریه بی کاملاً مورد قبول واقع شود باید به وجود کمر بندی متصل بهم از کانونهای زلزله در اطراف اقیانوس آرام اهمیت داده باشد. لذا عقیده تورنر (*Turner*) را درباره کمر بندی باید در نظر گرفت که طبق عقیده او کانونهای عمیق زلزله در محل خراشهای میباشد

می ۱۹۳۵ بقدرت ده درجه در محل احساس بوسعت ۲۶۰۰۰۰ کیلو متر بوقوع پیوست تقریباً پنجاه محل را تخریب و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر را تلف کرد، در ناحیه جنوبی افغانستان نیز تاثیر ناگواری کرده و محل وقوع آن تقریباً ۵۰ کیلومتر از سرحد کشور مافاصله داشت .

۵- به تاریخ ۴ مارچ سال ۱۹۱۹ زلزله که محل وقوع آن ساحه شمالی هندو کش بود رخ داد و مدت دودقیقه دوام کرد و در حوالی خان آباد و ایبک و سمنگان « شدیداً احساس گردید، در قسمت دو آب حصبه بی از کوه تخریب شده ساحه لرزش آن تا قسمت جنوبی افغانستان توسعه یافت در کابل لغمان و جلال آباد تخریباتی را نیز فراهم آورد و در خوست هم لرزش های زلزله مذکور به کمال وضوح احساس شد.

۶- زلزله نابود کننده دیگر یکه در کشور مارخ داد زلزله تاریخی ۱۰ جون ۱۹۵۶ بود که تقریباً مدت چهار روز متناوباً با تکانه های شدیدی صورت گرفت، مرکز وقوع زلزله مذکور ساحه لغمان کهمرد و بامیان را احتوا کرده و در آن قسمت ها « ۹ » مرتبه باعث سقوط کوه و همچنان باعث تخریب دره ها شد منازل زیادی منهدم و عده زیادی از انسانها تلف گردیدند.

تهایت بلند بوده است و تکانه های اساسی آن بعد از ظهر و شب همان روز احساس می شده است، محل وقوع این زلزله کابل بوده مگر شهر جلال آباد محل تکانه های حساس آن قرار گرفته و در اثر آن سوم حصه شهر مذکور و یران و ناحیه تیگری به خرابه مبدل گردیده است، ساحه اساس زلزله تا پشاور هم وسعت یافته و در آنجا نیز منازل تقریباً به طول نیم کیلومتر ویران شده بود .

۲- در عصر سلطنت امیر شیر علی خان نیمه اول ماه اگست ۱۸۷۴ زلزله شدیدی در ناحیه جنوب هندو کش بوقوع پیوسته که قسمت اعظم جبل السراج و گلپهار را تخریب کرد و آثار خرابه های زلزله مذکور تا امروز هم در نواحی آنجا به چشم خورده و قلب هر انسان وطن دوست را متاثر می سازد .

۳- تکانه های شدید زلزله بی را که تقریباً ده روز در اوقات مختلف و بصورت عمودی در ماه مارچ ۱۹۳۴ در شمال افغانستان رخ داد این امر سبب آن شد تا در میهنه که محل احساسی تکانه های شدید تر آن بود دهمه های زیادی بکلی تخریب شدند محل وقوع زلزله مذکور تقریباً در « ۱۸ » کیلو متر شهر میهنه در نشیب ها قرار داشت .

۴- زلزله مهم و نا بود کننده کویته که بتاريخ ۲۰

استقامت در سختی ها

مایه تضمین و حکمت رهبر آنهاست.
(ادیسن)
قدرت بر تحمل سختی همان اندازه نشانه شجاعت است که اقدام گستاخانه بکار های سخت چنین است .
(تکرمن)
آن کس که با عوسها میجنگد و بر آنها هیر و ز میشود، به بهترین فضیلت که استقامت است مجهز است .
(ج ، ویتیر)
استقامت مرد متدین در برد باری است، نه در اقدام بکارشاعران قهرمانی می لمانند و معمولاً از سود جوئی و غرور و رفتن درنی افتخارات دنیائی برمی خیزد .
(درایدن)

من استقامت را در این میدانم که آدمی مالک نفس خود باشد و وظیفه ای را که در پیش دارد، هر اندازه هم که سختی ها او را به ستوه آورده و خطر مائع راهش شود، به انجام برساند .
خود فضیلتی است اساسی و در عین حال رهبر آدمی به فضا ئل دیگر است (لاک)
اینبای بشر فرزندان غمند، و هر يك باید سهم خود را از آن بچشند کسانی که ناپخته اند، از غم میگریزند یا زیر بار آن خرد می شوند شجاع کسی است که غم را باروی کشاده تحمل کند .
(ماله)
استقامت و متانت در آن گوئه کار های بزرگ آشکار می شود که حقانیت

پارتیزان له غره څخه را کښته شول



هیاه کوو چه ددغه ناوړه امر په مقابل کی ټینگار وکړی او د خپلو دوستو هیوادو په مقابل کی مه جنگیږی . سوږ په جگړه کی نه بلکه په صلح کی ژوند کوو .
دغه غو بښنه د هیواد په میتخ کی د شبنامو په واسطه ورسول شوه .

کله چه شبنامی وویشل شوی د بلغارنی وگروهه دنازیانو په مقابل کی ودریدل .

د جگړی ډلی :

دغه اتحادیه د فاشیستانو په مقابل کی *Dimo Dichev* په مشری لاریږودنه کېدلله د نیمو دینو پخپله طوفانی دوره کی په خونمونو یوادیدلو . دغه د حزب نوم *Bai Stamen* وو . په هسپانیه کی د *Aragon* په جبهه کی د *Janoy* په نام یادیدلو . او ډیرو خلکو هغه د *Pesho* په نوم سره پیندللو . د بلغاری فاشیستانو هغه کسان چه د هغوی سره ئی مخالفت کولو په مرگ سره محکوم اعلان کړل . مگر د ډیرو پوځی او زیار ایستلو څخه وروسته هغوی وکړای شو چه فاشیستان په مرگ محکوم کړی *Dichev* ۱۹۴۱ کال د جولای او اگست میاشت کی په پایلخت کی وو . ډیر وخت ئی په زیرزمینی کی تیرو لور سعی استوگنخی ئی نژدی د استقلال پارک خواته وو له شپې به د خپلو ملگرو کورونو ته تللو او هلته به ئی استراحت کولو .

هغه خپلی جگړه ماری ډلی په داسی ډول سعی کړی وی :
لمړی محل څلورو ډلو چه له پنځوسو تر ډیر شو تپو پورنی تعداد رسیدو د جولای اگست میاشتو ۱۹۴۱ کی په فعالیت شروع وکړه دغی ډلی یوازی د کارگرو له جمعی څخه نه وی بلکه نورو حیوانانو هم چه د شهر په مختلفو محلو کی فعالیت کولو شامل وو . د هغو فعالیت له سبوتاژ ، ترور او دوسلی تښتولو څخه عبارت وو . اگر چه دوسلی تښتول ډیر مشکل کار وو . ولی په پای کی دغه کار ډیر آسان شو . د جگړی لمړی ډله د *Nikola BoTushey* چه خوموده پس ته له فاشیستانو خوا غره شوا اداره کیدلو . په نورو شهرونو کی هم په همدا ډول ډلی جوړی شوی .

هیڅ ښکاره سند او معلومات د اتوویستم لمبر کورچه په بولیوارو ستامبولیکی چه د صوفیی په میتخ کی پروت دی په لاس کی نشته . ددغه کوا لاندی دعطاری دوکان وواو په لور و دو طبقو کی داستوگنی کوتی وی . پخوا له انقلاب څخه پدغه کور کی یو معمول قانوندان چه تسوتیان پانتکوف *TsveTan Popeshkov* نومیده استوگنه کونه چه اوس هم د دروازی په سر د هغه نوم په یو لوحه کی غږیدلی دی . البته په اوسنی وخت کی یا پخپله او یا د هغه کورنی کوم سړی استوگنه کوی .

دغه سړی دخپل کور په زیرخانه کی یوه پټه مطبعه جوړه کړه چه په هغه کی دو کسانو چه *Stamokeregou* چه لاتراسه په صوفیه کی اوسی او پل ئی *Slovelko Nouanakg* چه د یو پولیس لخوا په هغه وخت چه غوښتل ئی زیرخانی ته ولاړشی ووژل شو کار کولو .

هغوی له ۱۹۳۹ څخه تر ۱۹۴۴ کال پوری پدغه مطبعه کی فعالیت کولو . پدغه مطبعه کی هغه اخبار چه *Celo Rahomlchesko Delo* نومیده په میاشت کی ایډیوخل چاپیدو تقریباً هر محل ئی درو څخه تر څلورو زرو پانو پوری به ئی بازار ته یستلی . ډیر سخت او مشکل کال چه د بلغاریایی خلکو ته وگڼل شو هغه دا وو چه د بلغارنی خارجه وزیر *FILOV* د المان سره د اتحادنی امضاء وکړه . همدا وو چه د المان قوتونه د مارچ په دوم تاریخ بلغاریایی ته ننوتل .

دغه فلاکت بارسیاست چه د بلغاریایی خلک ئی د حرب خواته خو غول د ټولو بلغارنی وگړو لخوا ناوړه وگڼل شو . مگر هر کله چه نازیانو په شوروی اتحاد بانندی تعرض وکړه هغه وو چه د بلغارنی مخالفینو تعداد د نازیانو په مقابل کی لازیات شو . هغه ورځ چه المانانو په شوروی اتحاد بانندی تعرض وکړه د بلغارنی کسارگر حزب هغو کسانو ته چه علاقمندول ئی یو پیشنهاد ئی پداسی ډول دلیرلو :

د بلغارنی شریکو خلکو ته ستاسی پداسی حال کی چه په زور د جگړی خواته سوق کبیری او د تباهی سره مخامخ کبیری

پس له ډیر فعالیت او کشمکش څخه دغه ډلی لوړ قدرت ته ورسیدلی بالاخره دغه ډلی د پارتیزالی په عناصرو بدلی شوی .

د پیچو په ۱۹۲۱ کال کې بندی او د بندیانو کمپ ته ولېږل شو. نوموړه وروسته له بندی خانې څخه وتښتیدل و د صوفی خواته ولاړ بیا وروسته د *Vratra* په منطقه کې د مرگزی کمیته نمایندې په حیث وظیفه اجرا کوله . وروسته له هغه د دولسمې نمره منطقی سیاسی کو سیار په حیث مقرر شو چه په هغه محای غلورو ډلو پار تیزانانو فعالیت کولو .

د مارگاش په غرو کې *Murgash*

د مارگاش غرونه په تاریخ کې د کیسی بنه لری . سپین زیری تل *Haiduks* د بلغاری ها ید و کسانو کیسی کوی چه هغوی څنگه دشمن په دغه بویو بشکار کړو شورویانو په څه ډول د جنرال گور کویه مشری د ترکانو په مقابل کې و جنگیدل . البته دهغو خبری اتری سل کاله پخوا یادونه کوی .

د مارگاش غرونه د صوفیه څخه شل کیلو متره لری دی په دغه غره کې دجون میاشتی ۱۹۴۲ کال د پارتیزانانو دله تشکیل شوه او خپله پایگاه هلته تاسیس کړه . لمړی محل خو کسان چه په تفنگچو ، چاقو مجهز شول په فعالیت ئی شروع و کړه لدی کبله چه هغوی مجبورول چه دشهر په هر گوت کې د محاصره شوو کسانو سره ارتباط ټوگ وساتی وظیفه ډیره مشکله وه . قرار قرار د وطن پرستی جبهی د کمیته زیاتوالی وسعت پیدا کړ .

تقریباً په یو کال کې هغوی و کړای شول چه د ډولی د *Boichoognano* *Bacho Kivov* په نمونو تشکیل

کړی ۱۹۴۳ کال د سپتمبر په میاشت ئی هر کله چه *Todor zhivkov* د کمیته نمایندې په حیث په موقیه کی مقرر شو *Oobri Dzhurov* د ملی دفاع اوسنی د زیر ئی د قوماندان په حیث مقرر کړ . پدغه ډو د چاودر *Chavdar* ډله ډیره قوی ډله و گڼل شوه او ډیر کسان دغی ډلی ته داخل شول . د ۱۹۴۴ کال د اپریل په میاشت کې دغه ډله *Chavder* په غنډ بدله شوه چه په دغه کندک څلور سوه کسان موجود وو *Zhelgazko kolev* د ۱۹۴۳ د دسمبر میاشتی جگړه چه په *Peak Svishtaplas*

کې پیښه شوه داسی یادونه کوی . په دغه جگړه کې چه ۱۹ نفره د چودر ډلی څخه چه په سپکه وسله مجهز شوی وو د المانانو څخه ئی یوتوپ چه تر اوسه ئی ۱۲۲۵ نمره چه زما په یاد دی وینو . په ۱۹۴۴ دی په میاشت کې داوول او دوهم کندک فدایانو دښمن د یومتر قوت چه لس چند د فدایانو څخه زیات وو سخته جگړه ئی و کړه او هر دښمن باندی غالب شول دښمن ته ئی ماتی ور کړه دغه جگړه د مارگاش غره په لمن کې د سهار د تپیر بچو څخه شروع تر ۷ بجو مازدیگر پوری دوام درلود او د غره بللی خواته سره وویتل جگړه خلاصه شوه . حکومتی قطعاتو ټولی دخلکو ډکی نقطی ئی د مارگاش په غره کې و نیولی ، د دغو محایو په نیولو سره د پار تیزانانو ډیر ستر خطر پیدا شو .

Todor Zhivkov قرار ور کړ چه د پارتیزانانو ستره برخه باید عقب نشی و کړی ولړه برخه زما د قوماندی د کمپ تر شاد دشمن د غلطو لولپاره محای پر محای شی . پخوا لدی څخه چه د عمليه ددسته اجرا شوی د دښمن په سخته

جگړه اخته شول . دا یوه ستره دپارتیزانانو جگړه وه چه د آزادی په کلونو کې د دښمن سره ئی و کړه .

یاتا کس *Yataks*

پدغه وخت کې *Slauch Trinsky* د ملی دفاع د وزیر سرستیال په صوفیه کې نه وو مگر دراتنگ هیله ئی وه . ترینسکی یو ژبر دست قوماندان وو چه به ترینسکی ئی د پارتیزانانو ډله سوق او اداره کوله .

هر کله چه دغه ډله په غنډ بدله شوه هغه د صوفیئی دخلکو د آزادی اول غنډ اداره کولو په ۱۹۴۴ د سپتمبر میاشت کې لمړی فرقی چه د صوفی فدایانو څخه چه تعداد ئی ۱۸۰۰ - ۱۵۰۰ کسان وو عبارت وه په پارتیزانی ترور فعالیت ئی شروع و کړه . لمړی محل دغه فعالیت په منفرد ډول شروع د ۱۰۰۰ کیلومترو رفتار په اجرا او سختو خونړیو جگړو حرب ته خاتمه ور کړه .

ترینسکی وائی چه مونږ د محکمې لاندی محانوته پت کړی نه وو بلکه دخلکو وطن پرستو خلکو په مینځ کې مو محانونه سترو اخفا کړی وو . پارتیزانانو د محان لپاره چقوری نه وی جوړی کړی بلکه دهاتیانو هغوی ته محای ور کولو دپارتیزانانو سره ئی تل ارتباط لرلو د پولیسو له راتنگ څخه به ئی پارتیزانان خبرول ، ډوډی او نور کمکونه به ئی ورسره کول . لدی لحاظ هغه قول همکاران او معاونان د یاتا کس *Yataks* په نوم یاد شول . بالاخره پارتیزانانو د یاتا کس په همکاری د آزادی جنبش ئی په ملی جنبش بدل کړ وو . فرقه په اردو بدله کړه او اخیر ئی د حکومت مهم محایونه و نیول په همدغه ډول ئی د وینو توپولو په قیمت سره خپل گران هیواد ئی د دښمن د پنجو څخه خلاص کړ . (ختم)

د فیلد مارشال پاولوس وصیت نامه



فرید ریچ پالوس د المان د شپږم اردو قوماندان هغه اردو چه په ستالینگراد کی محاصره او محاصره شو په لاندی کرښو کی دهغه د جمع شویو عقایدو او نظریاتو څخه په مختصر ډول بیان کیری .

د پالوس په باره کی وائی چه هغه یو ریښتی نازی و او مخنی وائی چه هغه بدغه لحاظ چه خپل اردوئی په شورویانو څرخ کړی

د شپږ اردو دحر کاتو په باره کی دشلک اظهار و کړ پالوس سمدستی هغه ئی تبدیل کړ. د پالوس مخالفت هغه وخت دلور مقام سره زیات شو چه شپږم اردو دستالینگراد په مخ روان وو او په یوه لویه جبهه تیت شوی وو. هغه وپوهیدو چه هغه مو ضعمکانی چه اوس زموږ په لاس کی دی دهغوی ساتل ناممکن دی نوله همدی سببه ئی دجنوبی گروپ اردو قوماندان فیلد مارشال مانستاین ته ددغو مشکلاتو په باره خبر ور کړ . مانستاین دغه موضوع هالدرته په غوږ ورسوله مگر کوم منطقی جواب ئی په لاس رانه ورو.

پدغه ضمن کی وضعیت ورځ په ورځ خپر کیدو ترڅو چه د نومبر په نولسمه د کال ۱۹۴۲ د شورویانو تعرض شروع شو او شپږم اردوئی په دام کی بند کړ . بدو بحرانی وضعیت کی هتلر د پالوس څخه دغه خواهش و کړ چه به هر قیمت چه کیری باید مقاومت و کړی. دیو پنځوسم قول اردو قوماندان جنرال فون سیدلیتز *General Von Seydlitz* تصمیم و نیو چه له چمبر څخه محان و باسی مگر بریالی نشو . پالوس نه یوازی د سیدلیتز تر فشار لاندی وو بلکه د شپږم اردو درستیز وال ارتس شمیت *General Arthur Schmidt* چه رشتنی نازی بلل کیدو او تل ئی هغه څوک تر کتنی نیول چه دهتلر له امر

Barbarossa plan (په شوروی اتحاد باندی تعرضی پلان) پایه ورته وسپارله شوه . هر کله چه المانانو په شوروی باندی تعرض و کړه هغه کوپش و کړی چه دا کمالاتوله لحاظه چه په ژمی کی ډیر مشکلات سینځ ته راوړی هتلر خبر کړی مگر هتلر ئی دراپور په لیدو سره ډیر سخت نارام کړ او وویل چه نه غواړم دغه رنگه خبری واورم. د المان شخړی باید تر ژمی پوری پاتی نشی. پالوس تر ډیره وخته پوری دهتلر دغه خبری په فکر کی گرنولی.

د جنوروی د کال په میاشت او ۱۹۴۲ کی جنرال پالوس ته د شپږم اردو قومانده وسپارله شوه . دغه انتخاب همداسی حال کی ضروری و گڼل شو چه فیلد مارشال فون ریچنوا مر او دهغه راپور هتلر ته وسپارل شو. د نوموړی اردو د قوماندی په اخستلو سره پالوس دغه رسواو بی شرمانه امر چه ټول د شوروی اردو کیمیران باید قتل شی حرکات ئی موقتاً معطل کړل. او هم ئی دغه امر (د قطعاتو اداره کول په شرق کی) چه ورته ویلی شوی وو چه د آسیا یهودیان تهدید او ټول بولشویکان له مینځه یووړ کی قبول نکړ البته تر دی وخته د نازیزم څخه دهغه جلا کیدل نه وو. کله چه د ۱۴۵ نمبر د تانک قول اردو قوماندان فون ویترسیم *Von Winterheim*

خان معرفی کوی . او مخنی نور داسی وائی چه له هغه وخته چه نازی رژیم سینځ ته راغلو هغه ئی ډیر سخت مخالف و.

حال دا چه له دغو ټولوتورو اوسپنو ټکو څخه هیڅ یوئی حقیقت نلری . مگر حقیقت دادی چه د پالوس نظر دوخت په تیریدو سره بدلون پیدا کړ. پالوس دیو منمنی رتبی حکومتی مامور زوی او خپل عسکری ژوند ئی په ۱۹۱۰ کال کی د قیصر په اردو کی شروع کړ هغه وخت چه دیو رومانی اشرافی سرمایه دار لور ئی و کړه په دغه وخت کی هغه د المان دارستو گرات انحصاری انجمن افسروو. پس له هغه چه قیصر له مینځه ولاړ د ویمه *Wemar* په اردو کی ئی عسکری ژوند ته دوام ور کړ. په ۱۹۳۳ کی په فعال ډول ئی د نازی ورمخت په تعمیر او تشکیل کی برخه واخستله.

دهغه څخه په دغه وخت کی دیو نمونه مثال او ماهر افسر په شان یادونه کیده د هپولیند او فرانسی په سفرونو کی ئی برخه واخسته د ۱۹۴۰ د کال د دسمبر میاشتی په شروع کیدو سره چه د تورن جنرالی رتبه ئی درلودله د اردو په قرار گاه کی ئی مهم هست و نیو .

په همدغه وخت کی هغه دهتلر د سیاست اوستراتیژی تکامل او بشپړتیا په باره کی هیڅ شک نه درلود او د بارباروسا پلان

فیلمد مار شال
پالوس



کمپ کی چه په ۱۲۵۷۵۰۷۵۰ Ivanovo
په منطقه کی نحای وړ کړی وواچولی
شوی وو.

دستمبر په ۱۹۴۳ کال کی جنرال
Seydlitz و Lattmann هم راغلل .

هغه وخت چه هغوی دفاشیست رژیم
په ضد خبری کولی دفاشیست رژیم
طرفداران به ډیر خفه کیدل . پالوس
هم پدغه فیصله کړه چه لدی لحاظ چه
محکومیتونه څوک علاوه مندوی باید
هر څوک د ځان لپاره قرار وړ کړی .

پدغه نسبت چه دالمان په اردو کی
دغتی رتی سپی قانون بال کیدو هغوی
نشوای کول چه د پالوس بی اجازی
کوم اقدام وکړی . اگر که پالوس
ځان لیری و نیو بیا هم هغوی ته ئی
اجازه وړ کړه چه دفاشیست رژیم په
ضد فعالیت وکړی . اما د هغوی د فعالیت
انکشاف به ئی تعقیبولو . پس له یو وخته
فون سیدتیز ، فون لتمان و فون دانلیز
او نور بندیان چه دفاشیست رژیم
مخالقان وودالمان دافسرانو اتحادیه
چه یو غوموده وروسته دالمان آزادی
ملی کمیتی سره یو ځای کړه جوړه کړه
پالوس د هغوی فعالیت او تشکیلاتو
سره ئی هیڅ مخالفت و نه کړ دغه

ثابته شوه چه پالوس بندی او زخمی
شوی هم دی امکان لری چه شورویان
د هغه د سرگ اعلان وکړی . هترهغه
او نورو جنرالانو ته شکنجلی وکړی
اوجمله ئی به دغه تمامه کړه . ترڅو
چه حرب تمام نشی زه به هیڅ چاته
د فیلمد مارشالی رتبه ورنکړم .
دغه احتمال ووجه ممکن دغه پیښه
به پالوس مجبور کړی چه دنازی رژیم
په ضد ودریری .

هغه وخت چه لمړی ځل ۶۴ اردو
قرارگاه ته اودوهم ځلی ئی دون Don
جیمبی قرارگاه ته دعوت شو اود هغه
څخه وغوښتل چه د شمالی قسمت قوتونو ته
امر وړ کړه چه د مقاومت څخه لاس
واخلی . هغه په خواب کی ورتو وویل
چه زه خوا سیریم زما امر نه چلیبری او په
هغو باندی یوازی دهتر امر نفوذ لری .

المانی جنرالان او افسران چه
داسیرانو په کمپ کی سره یو ځای
شوی ووه سیاسی مسایلو او عسکری
حر کاتو باندی به سره غږیدل . د جولای
دمیاشتی په ۱۹۴۳ کال کی دالمان ملی
ازاده کمیته ئی تشکیل کړه . پالوس
لمړی ځل له دغو موضوعاتو څخه ځان
لیری و نیو . ډیر جنرالان چه پالوس
هم د هغو په جمله کی ووه یو کوچنی

څخه به ئی سرکشی کوله د هغه تر فشار
لاندى هم وو . جنرال شیمت اصرار
کولو چه تر آخر ین سلگی پوری باید
مقاومت وکړ شی .

دجنوری په ۳۰ او په ۱۹۴۳ کال کی
د رادیو پیغام راوړسید چه پالوس
د تورن جنرالی څخه فیلمد مارشالی رتبی
ته ترفیع کړیدی . حال دا چه شیمت پدغه
فکر ووجه باید طول تور په پالوس ولگول
شی . هر کله چه هتر جنرال پالوس
ته ترفیع وړ کړه هغه وپوهیدو چه دغه
یو احتمالی دعوت د خود کشی په
هکله محسوسیدلای شی مگر زه نه غواړم
چه پدغه کار هغوی خوشحال کړم .

پس له هغه چه پالوس ته د نوی
رتبی مبارکی وړ کړ شوه جنرال شیمت
اعلان وکړ چه روسان د باندی ولاړدی .
دغه پیښه دسهار په ۷ بجو دجنوری ۳۱
اوپه کال ۱۹۴۳ کی پیښه شوه . دغه هغه
نحای ووجه په یو وخت کی دروسانو
یوه غته گدام خانه وه پالوس خپله
قرارگاه په همدی نحای تاسیس کړی وه
او بالاخره همدلته اسیر هم شو . ددغی
پیښی په خپریدو سره هتر داسی وویل
چه پالوس ولی خپل ماغزه ندی الوزولی
دغه هیله وه چه ممکن شورویانو دروغ
ویلی وی . خو په ډیر کم وخت کی

فعالیتونه دهغه په افکارو کې یو غټ پرمخ تګ بلل کېدو.

په ۱۹۴۴ کې پاولوس د جنرالانو کمپ څخه مسکو ته لږدی یو کوچنی ځای ته ولېږدول شو. هغه پرمخ تګ چه په جېمه او د المان په داخل کې لیدل کېدلو پاولوس له پوښتنې سره مخامخ شو چه کوم بلو ته ودرېږی. په همدغه وخت کې دى د وېلم-پیک وخت *Wilhelm pieck*، والتر اولبريخت *Walter Ulbricht*، یرېچ ونیرت *Ereh Weinert* او د المان آزادی کمیټې نور ورومېرانو سره په خبرو وخت شو. رسیره پردې د المان د افسرانو اتحادی سره ئې هم کتنه وکړه. ډیره مهمه کتنه چه د دغو اشخاصو په جمله کې وکړه د جنرال ادنوجې د ۲۵ تانک فرقی معاون و په ستالینګرا د کسی امیر شوی وو.

د هاولوس پخوانی ضابط امر د ګرمن آدم *Abam* هم خپل موقف ښکاره کړ او په ۱۹۴۴ کال کې د المان د افسرانو په اتحادیه کې شامل شو.

پلېدې په فیلډ مارشال پاولوس دغه خبره درک کړه چه نازیرمه موقف بایلی دی. بالاخره د المان د آزادی جېمې رادیو څخه ئې په لاسی ډول اعلان وکړ: المان باید هتله له سینه یوسی او دهغه پر ځای یوبل سړی باید و تاکی ترڅو چه حرب ته خاتمه ورکړی.

پس له دغه پاولوس د المان د افسرانو اتحادی غړی وبلل شو او په فعال ډول ئې د فاشیستانو په ضد فعالیت کولو. لدی خاطر ه چه المان ته نجات او حرب ته خاتمه ورکړی له عیخ ډول فعالیت څخه ئې سپما ونکړه. پاولوس هغو جنرالانو ته چه پېرنډل ئې ډیر پیغامونه او لیکونه ورو لېږل. د دسمبر د میاشتی په ۱۹۴۴ کال کې پنځوسو امیر شویو جنرالانو د پاولوس په مشرۍ ټولوشریفو المانانو څخه وغوښتل چه سره یوځای

شی او د هتله په ضد ودرېږی او دغه تېاه کن حرب ته خلاصون ورکړی.

دا دی چه حرب خلاص ، المان ئې قیدوشرط تسلیم شو. د مچر سواش خاصو مچا کمه هم جریان درلود. پدغه ټوله موده کې پاولوس هغه پیټی چه المان ئې د بدبختۍ سره مخامخ کړی وو د مطالعی لاندې نیولی او په یوه بیانیه کې پاولوس د شوروی وگړو ته ئې وویل نن و. چه حرب ختم شو د هتله او دهغه ملګرو جرمنونه قضاوت کېږی زه شخصاً لمان مجبور بوم چه د مجرو اشخاصو په باره د نور سړیک په مچا کمه کې په ډاگه معلومات ورکړم.

کله چه پاولوس د مچا کمه په میدان کې و شریسو د بارباروسا پلان د محتویات ئې چه په هغه کې د مسکو، لیننګراد او کراپین او بالاخره د قفقاز شمالي قسمت او د تیلو منابعو نیول وو. هغه وخت چه د نور سړیک څخه راستون شو

د حرب په باره کې په مطالعه بخت شو.

پخوانی دینه چه بیرته جرمنی ته ولاړ ئې د شوروی خلکو ته ئې داسی وویل: خو ورلخی مخکې چه زه دلته راتله ستاسو دینم وم اوس چه بیرته لمان دوست گڼم، پاولوس په یوه مطبوعاتی وینا کې داسی وویل: د المان شریفو خلکو ته دغه پټائی چه تل دپاره د صحیح قضاوت څخه کار واخلی المان ئې نه مځکله په زور بریالی نشی چه نور بیوانونه لمان ته تسلیم کړی اورمابه سټیده دایم تره ده چه المان د نورو صندوقو سره هیوادو سره دوستان او سی.

پاولوس د قبروری په لټی نیته ۱۹۵۷ کال کې مړشو مگر دهغه ټولی ویناوی چه د توضیحی په توگه ئې کړی وی لاتراسه پوری د خلکو په ماغزو کې پاتی دی.

خبرهای کن چوک از جهان بزرگ

اخیراً قدیمی کتابخانه تخنیکي جهان در صد و پنجاهمین سال تأسیس خود را برگزار کرد کتابخانه تخنیکي دولتي در پراگ با داشتن نیم میلیون کتاب خود از جمله بزرگترین کتابخانه های نوع خود در اروپا محسوب میشود.

به تقریب این سالگرد نظر به خدماتی که کتابخانه در بنمدت نموده بود از طرف حکومت چکوسلواکیا منتشر به نشان جمهوریت گردید. درین کتابخانه کتب ذقیمت و گرانبهای موجود است که سیر انکشاف تخنیک را از ازمنه قدیم تا امروز ارائه میکند.

جاپان از نگاه تو اند فولاد زنگ ناپذیر بعد از اضلاع متحده امریکا بدرجه دوم در دنیا قرار دارد در سال ۱۹۶۶ تولید فولاد زنگ ناپذیر *Stainless steel* جاپان نیم میلیون تن بود که این رقم ۲۰٪ تولید جهانی را تشکیل میکند.

در جاپان ټولنی زیر ساختمان است که از تحت بحر جزایر *Hokkaido, Honshu* را با هم وصل میکند. این ټولن که *36,4 km* طول خواهد داشت بطول *22km* تحت بحر واقع خواهد بود. ټولن را لخط آهن مجهز خواهند گرداند.

حقوق جزای عسکری

ماهیت حقوقی جرائم و جزاها در عسکری

(قسمت ۶)

اهمال و قصور در حصه مراقبت مادون :

قواعد حقوقی جزا به منظور اینکه از حقوق مادون حمایه کرده باشد در حصه مراقبت مادونان و جائب و مکلفیت های را برای آمر تحمیل کرده است که یکی از آن جمله مراقبت مادون است. مراقبت مادون شامل اوضاع اخلاقی روحی و بدنی اوشان می باشد هکذا بر آمر لازم است که در ضمن اجرای اینگونه و جائب شرف ، حیثیت صحت و حقوق ذاتی مادون را همیشه در نظر داشته باشد . این موضوع را از نقطه نظر عسکری و عسکریت با این مثالها تبارز داده می توانیم :

۵- قوماندان تولی مکلفیت دارد که در ایام زمستان از وضع تسخین اطاق های خواب و طعامخانه مربوطه شان و هکذا سایر مجلاتیکه بایست گرم نگهداشته شوند واریسی نماید اگر این وظیفه را اجرایی کند و افراد از شدت سرما مریض می گردند مسئول عواقب مریضی آنها شخص قوماندان تولی و سایر وظیفه داران خواهد بود این جا هم قوماندان تولی مرتکب افعال در حصه مراقبت مادون شده است .

۶- قوماندان تولی می باید در حصه توزیع طعام افراد و سایر استحقاق های شان جدا مراقبت داشته باشد در صورتی که درین وظیفه سهل انگاری و تغافل میکند باز هم مرتکب جرم افعال و قصور در حصه مراقبت مادون شده می باشد .

توجیه دشنام و حقارت از طرف آمر به مادون:

اولتر از همه باید عرض کنم که دشنام و حقارت نه تنها از طرف آمر به مادون

این کیفیت هم افعال و قصور قوماندان تولی را نشان میدهد.

۳- قوماندان تولی در اوقات فراغت می بیند که یکتن از افراد جمعیت او همواره وضع خمود و جمود را دارد و همیشه متفکر به نظر میرسد که این وضعیت افراد مذکور دلالت به یک مریضی روحی می باشد اما قوماندان تولی این مسئله را نادیده گرفته و به آن اهمیتی نمی دهد و بالاخره باعث مریضی افراد میگردد اینجاست که آمر یعنی قوماندان تولی باز هم در حصه مراقبت افراد جمعیت خود افعال کرده است .

۴- قوماندان به طرق مختلف اطلاع میگیرد که چند نفر افراد مربوطه اش به ضعف اخلاق مبتلا می باشند تولی آنها را نزد خود خواسته توصیه نمی کند و یا اقلابا به ایقاظ شان هم نمی پردازد اینهم نشانه غفلت قوماندان تولی در مورد مراقبت مادونانش بوده و هرگاه کدام واقعه ناگواری ازین ناحیه بروز می نماید مسئول آن قوماندان تولی خواهد بود .

۱- طوریکه معلومست هر قوماندان تولی مجبور است که نظر به پارچه سوق و دفتر معاملات هر نفر تاریخ (ترخیص) او را در نظر داشته و مطابق آن بایست ترخیص افراد خود را در وقت و زمان آن ترتیب و بعد از طی مراتب اصولی آن برایشان بپردازد . این مسئله یکی از جمله مکلفیتها بایست که حقوق جزای عسکری و یا بعبارة دیگر (اصولنامه جزای عسکری) به دوش آمر گذاشته است هرگاه در مورد اجرای این وظیفه افعال میورزد طبق احکام قانون جزای عسکری موثیده (در شماره های گذشته تصریح شده) جزائی بر قوماندان تولی تطبیق شدنیست و آنهم عبارت از جزای حبسی می باشد که در ماده «۱۳۰» قانون متذکره تبارز داده شده است .

۲- قوماندان تولی با آنکه چندین نفر افراد ضعیف البنیه و یا مریض را بارها مشاهده میکند اما آنها را به معاینه دکتور معالج رجعت نمیدهد و یا به شکایات شان وقتی را قایل نمیشوند

توجیه می‌گردد بلکه عین کیفیت از جانب مادون هم به امر توجیه شده می‌تواند هر دو کیفیت از لحاظ نوعیت کدام فرقی ندارد ولی از نگاه ماهیت فرق بارزی دارد بدین ترتیب که :

امر نسبت به مادون باید در هر مورد و از هر نگاه قدامت تربیوی مفکوره‌وی و اخلاقی داشته باشد و از هر بیک صاحب منصبی که صفت و صلاحیت امریت را بربیک کتله عسکری احراز میکند اوصاف فوق‌انتظار برده میشود بدین لحاظ است که اگر امر مادون خود را که در حقیقت مربی معنوی اوست حقارت و دشنام میدهد این حرکت او زینده نیست و مادون را بصورت نامرئی بسوی خلق بدرهنمونی میکند و افکار او را نسبت بشخص خودش و آمرینش دگرگون می‌سازد ازینجاست که علمای حقوق جزای عسکری حقارت امر را نسبت به حقارتیکه مادون مرتکب آن میشود سنگین تر و حتی ناشایسته تر میدانند و از همین جهت دشنام امر را که بسوی مادون متوجه ساخته میشود در ردیف اول قرار داده اند.

دشنام و حقارت عبارت از تظاهراتی است که تجاوزات قصدی را احتوا کرده شرف، حیثیت، ناموس و وقار شخص طرف مقابل را پامال می‌سازد. حقارت از نقطه نظر (حقوق) دو قسم است :

۱- حقارت عادی .

۲- حقارت موصوف .

۱- حقارت عادی : هرگاه حقارت

بصورت عمومی و بدون ذکر (الفاظ مخصوص) صورت بگیرد این نوع حقارت را حقارت عادی می‌گویند مثلاً یک قوماندان تولی در محضر افراد تولی چند نفر خورد ضابطان مربوط خویش را مورد تقیب قرار داده بد ایشان چنین خطاب میکند (شما مردم بسیار بد خلق و کج روش هستید) این حقارت چون کدام لفظ مخصوصی ندارد بنام حقارت عادی یاد میشود.

۲- حقارت موصوف : در صورتیکه

حقارت آمیخته به یک لفظ مخصوصی

باشد و مستقیماً بیک شخص متوجه ساخته شود اینچنین حقارت را حقارت موصوفه می‌نامند مثلاً قوماندان تولی میگوید که :

(احمد خان خورد ضابطا رادیدم که صابون افراد را میدزدید) این حقارت حقارت موصوفه میباشد زیرا درین حقارت لفظ مخصوصی نهفته است که آنهم عبارت از اطلاق دزدی به آن خورد ضابطا است .

در صورتیکه الفاظ و سخنان حقارت آمیز امر متوجه مادونهای مختلف باشد این قسم حقارت جرم علیحده را تشکیل میدهد و هرگاه این سخنان جدا جدا متوجه هر یک مادونها باشد در آن حال امر جرائم متعددی را مرتکب شده می باشد مثلاً :

قوماندان کندک در حین تفتیش تعلیم و تربیه در محضر افراد یک تولی این چنین خطاب میکند :

(تأسف می‌کنم به این تولی که تاحال تعلیم و تربیه درست ندیده است!) این جمله قوماندان کندک در حقیقت تمام تولی را مورد تحقیر قرار داده است نه یک نفر مادون منسوب آن تولی را - هرگاه قوماندان مذکور این طور بگوید که :

(خورد ضابطان این تولی بی تربیه هستند و اوامر داده شده را اطاعت نمیکنند) فهمیده میشود که قوماندان کندک صرف خورد ضابطان همان تولی را حقارت کرده است .

بعضاً آمرین مادون خود را مستقیماً مورد تحقیر قرار نداده و آنها را به جملات مخصوص حقارت مخاطب نمی‌سازند بلکه به مادون خود چنان الفاظی را به کار می‌برند که ظاهراً مفهوم حقارت را ندارد اما معنای ضمنی آن کاملاً به یکنوع حقارت (صریحه) دلالت میکند مثلاً :

(باز خواهی دید که عسکریت چیست؟) و یا (من همراهی تو کار دارم !...)

حقارت ها همچنانیکه بالموافقه و یا در غیاب صورت میگیرد توسط مکتوب ذریعه تلگراف و بالوسیله تلفون وغیره هم اجرا شده می‌تواند .

ترك کردن محل بهره (یا ترك نوگری)

این جرم نیز قصد ارتکاب می‌گردد . مرتکب جرم متذکره خواه برای ترك دادن محل بهره و خواه مؤقتاً جهت دور شدن از آنجا خود را کناره میکند در هر دو حال جرم تشکیل کرده میباشد ازین معلوم میشود که در ارتکاب این جرم صرف (قصد) موضوع بحث نیست . مرتکب جرم باید نوگریوال همان محل بوده و محل نوگری خود را ترك بدهد ولی باید متذکر شد که جرم (ترك کردن محل وظیفه) و جرم (فرار از محل وظیفه) فرق بارزی دارد مثلاً :

اگر بهره دارد و واژه قشله یا بهره داریک سلاح خانه محل بهره خود را ترك داده به اطاق خواب میرود و در آنجا استراحت میکند و بالاخره بخواب میرود این حرکت او جرم (ترك محل وظیفه) را تشکیل میدهد . اما اگر این بهره دار محل بهره خویش را ترك داده و راساً به نزد عائله و یا شهر مربوطه خود میرود این عمل او جرم (فرار از وظیفه) را بوجود می‌آورد .

مخالف تعلیمات بهره داری حرکت کردن .

این جرم یا قصداً و یا در اثر افعال و لایقیدی هم صورت گرفته می‌تواند . باید دانست که وظایف بهره داری و نوگری از نگاه عسکریت و حقوق جزای عسکری چنان خدمت مهمی به حساب می‌روند که ایفا کننده آن باید در انجام دادن این خدمت خلی ها دقیق و صبور و به اراده خود حاکم باشد زیرا کوچکترین اهمال و لایقیدی درین مورد نظربه وضعیت نتایج و خیمی را بار آورده

می‌تواند بدین لحاظ هر نفر عسکر بهره‌دار و یا صاحب منصب نو کریوال در اجرای این وظیفه آنچنان دقتی را بایست به خرج بدهد که گویا او سرحد مملکت خود را نگرانی و مراقبت می‌کند چه این وظیفه نظر به سائر وظایف یومیه او با شرف‌تر ولی بهمه ن تناسب سنگین‌تر و بهر مسئولیت‌تر میباشد اما در صورتیکه بهره‌دار یا نو کریوال با وجود دقت و حساسیت زیاد بنا بر سبب‌های غیر ارادی نتواند این وظیفه مهم را اجرا نماید و یا وضع و شرایط فعلی اجرای آن وظیفه را بروی گوارا نسازد جرم منظره نمیتواند تشکیل کند.

جرم (مخالف تعلیمات بهره‌داری حرکت کردن) زمانی بوجود می‌آید که بهره‌دار یا نو کریوال به وظیفه بهره‌داری یا نو کریوالی خود (شروع) کرده و بعداً محل بهره‌داری یا نو کری ترک داده شود جرم از آغاز بهره‌داری زمان ختم آن ارتکاب شده میتواند و ختم وظیفه بهره‌داری یا نو کری زمانی میباشد که وظیفه بهره‌داری یا نو کری به بهره‌دار یا نو کریوال خلف تسلیم داده میشود و یا از طرف امر مربوطه امر ختم آن به بهره‌دار یا نو کریوال ابلاغ میگردد.

عدم احضاریت به بهره‌داری یا نو کریوالی و یا ناوقت رسیدن به آن موضوع جداگانه‌ایست که به حیث یک جرم بی اطاعتی (که قبلاً تذکار داده شده است) تلقی میشود.

در محل بهره‌داری یا نو کری موجودیت (تعلیمات) یک شرط الزمست زیرا قانوناً ایجاب میکند که امور بهره‌داری یا نو کریوالی ذریعه تعلیمات مخصوصی باید تثبیت گردد تا حرکات مخالف آن جرم تلقی شده بتواند در غیر آن یعنی اگر تعلیمات وضع نشده باشد از حرکت مغایر تعلیمات هم بحثی شده نمیتواند. هكذا اگر تعلیمات ترتیب گردیده ولی در محلات

معینه آن تعلیق و به وظیفه داران ابلاغ شده باشد باز هم جرم عدم رعایت به تعلیمات موجود نمیشود. منظور از تعلیمات بهره‌داری و یا نو کریوالی همانا اوامر است که به غرض تنظیم امور بهره‌داری و یا نو کریوالی از طرف مقامات صلاحیت دار تنظیم و به امضای امر مربوطه رسانیده شده باشد.

شرط مهم دیگر احداث این جرم آنست که باید حرکت مغایر تعلیمات بوجود برسد و مقصد از حرکت مغایر تعلیمات این نیست که تمام مندرجات تعلیمات رعایت نگردد بلکه عدم رعایت بیک و یا چندی از احکام آن تعلیمات نیز جرم مطلوبه را بار آورده میتواند زیرا بهره‌دار و یا نو کریوال مجبور است که همه محتویات تعلیمات را رعایت کند.

بعضاً چنان احوال و شرائطی در برابر بهره‌دار و یا نو کریوال عرض اندام میکند که در صورت تطبیق شدن متن کامل تعلیمات بکنوع سکتگی به خدمات و وظایف عسکری و یا کدام تهلکة رخ دهد و یا اینکه تعلیمات موضوعه را مخالف روحیه خدمات عسکری می‌بیند در پنحالت بهره‌دار یا نو کریوال چه کند؟

در حالت اول بایست از موضوع به آمر نزدیکترین خود خبر بدهد و در صورت دوم بهره‌دار یا نو کریوال میتواند تعلیمات را مطابق شرایط فعلی تعدیل کرده و بعداً در معرض اجرا بگذارد ولی شرطست که ازین کیفیت در مرحله اول امر خود را مطلع سازد.

اگر این اقدام بهره‌دار یا نو کریوال موافق به ایجابات خدمت باشد با آنکه مخالف تعلیمات اول رفتار کرده است جرم شمرده نشده در غیر آن جرم محسوب میشود.

ایجاد نارضائیتی ها در جامعه عسکریت:

این جرم قصداً و یا با حرکتیهای

لاقیدی بوجود آمده میتواند عامل بوجود آمدن این جرم همان افعال و سخنانیست که اسباب ناراحتی ها را در اردو بار می‌آورد مثلاً انتشار اینچنین خبرها و آوازه‌ها از طرف افراد عسکری باعث ایجاد بی نظمی‌ها و نارضائیتی‌ها از عسکری شده میتواند.

— قطعه يك جامعه معلو از مشکلات و ناراضائیهاست.

— در حصه طعام افراد چندان توجهی به عمل نمی‌آید.

— رخصتی‌های رونی در زمانش داده نمیشود.

— میگویند دوره معینه عسکری تمدیدی باید.

— قوماندانی داریم که لت و کوب و دشنام دادن شعار اوست.

— خیال دارند قطعه ما را بدورترین نقطه مملکت انتقال دهند.

— يك عد افراد را بدون سبب اضافه‌بست می‌کنند و به عوض آنها افراد دیگری را استخدام مینمایند.

— تمام حرکات ما تابع حرکات پروگرام و يك مراقبت جدیست. و امثال آنها.

شخصیکه این قبیل خبرهای مغایر حقیقت را با آنکه به عنم و اطمینان آن بهره‌آگاه باشد در بین جامعه عسکری انتشار داده و عده را هم باین سخنان خلاف وقع قناعت میدهد و اوشان را از راه راست شان (اطاعت به اوامر و دستپایین عسکری) منحرف می‌سازد جرم (ایجاد نارضائیت‌ها در عسکری) را مرتکب شده میباشد. هكذا اظهار عدم رضائیت از آمران و با الفاظ بدو کلفت و انمود ساختن مشکلات و وظیفه و شکایت کردن از تطبیق جزایهای عسکری و دیگران را بالخاصه ازین راه دلسرد ساختن هم در چوکات جرم مطلوبه داخل است.

«باقی درآینده»

اپاندسیت

تعریف: التهاب اپاندکس را اپاندسیت می‌نامند. اپاندکس چیست؟ عضو سست مجوف بطول ۷ الی ۱۰ سانتی متر ولی در نشرات طبی اپاندکس بطول ۱۰، ۱۵ و (۲۰) سانتی متر نیز گذارش داده شده است که ۲ الی ۳ سانتی متر باین تر از محل اتصال امعاء رقیقه با امعاء غلیظه قرار دارد. این عضو نزد انسان و بعضی میمون‌های که شباهت بیشتر به انسان دارند و حیوان مخصوص بام *Wombat* موجود بوده حیوانات دیگر فاقد این عضو اند شاید نزد بعضی جانوران ساختمان شبیه اپاندکس دیده شود که در واقع اپاندکس نبوده بلکه انتهای محیطی چکوم است.

اپاندکس که از قاعده بطرف زروه باریک میشود موقعیت‌های مختلف را اختیار کرده میتواند مثلاً عمودی و یا مایل بقدام «اپاندکس پری چیکالس» و یا بخلف «اپاندکس روتر و چیکالس» و یا عمود به باین نزول نموده «اپاندکس حوصلی» هم‌چنان موقعیت دیگر از قبیل بین عرواق معائی تحت ایلوم و اطراف چکوم نیز تثبیت شده است.

این عضو توسط ورینه هریتوانی که بنام میزو اپاندکس یاد میشود گاهی تماماً و زمانی تا ۳ ابتدائی خود

پوشیده شده است و از داخل در محل اتصال خود با چکوم قوچه وجود دارد که حاوی التوای مخاطی بنام دمام گرلاش (*GERLACH*) میباشد، در قاعده خود دارای سه شریط عضلی (تینا لیبریا، تینا میزو و کولیکا و تینا اومنتالس) است و از خارج

بداخل دارای طبقات ذیل میباشد.
۱- طبقه مصلی، ۲- طبقه عضلاتی
۳- طبقه تحت‌المخاطی که دارای فولیکول‌های لنفاوی بزرگ است و مخصوصاً نزد اطفال و جوانان بوضاحت دیده میشود.

۴- طبقه محیطی مشابه مخاط کولون بوده اما تعداد کربیت‌های لیبر کون در آن کمتر مشاهده میشود. اپاندکس توسط شاخه از شریان ایلو کولیک از او شده که شریان مذکور در نزدیکی قاعده داخل میزو گردیده در کنار آزاد آن سیر میکنند در صورتیکه میزوتا راس اپاندکس نرسیده باشد شریان مذکور درین قسمت در تحت طبقه مصلی روی طبقه عضلاتی قرار میگیرد و رید این عضو به میزانتر علوی و بالاخره به ورید باب می انجامد الی ۶ بعضاً بیشتر مجرای لنفاوی لئف اپاندکس را به عقده لنفاوی ایلوچکان میریزد.

سوء اشکال و ولادی:

۱- آژنیزی *AGENISIE*:

تقریباً ۱۰۰۰۰۰ مردم اپاندکس ندارند که این حادثه بعضاً ولادی و گاهی جدا شدن این عضو از باغث *ANVAGENATION* است.

۲- وجود دو اپاندکس:

نشرات طبی از آن ذکر شده است حتی در صورت عفونت یکی آن دیگری سالم میباشد.

۳- اپاندکس طرف چپ:

در حالات که احشای داخل صدر و بطن تماماً موقعیت خود را تغییر داده

باشد یعنی احشای طرف راست بطرف چپ و از چپ بطرف راست طبعاً اپاندکس نیز بطرف چپ خواهد بود که این حادثه در مردها نسبت به زنها بیشتر دیده میشود. ولی این را باید بخاطر داشت در صورت مصاب شدن اپاندکس چپ به عفونت درد در طرف راست وجود دارد که علت آن تا حال ایضاح نشده است.

اسباب:

هنوز بصورت قطعی علت التهاب اپاندکس واضح نشده ولی نظریات متعدد درین باره وجود دارد که چندی ازین نظریات را بصورت مختصر تذکر میدیم.

۱- انسداد مجرای داخل اپاندکس

این انسداد توسط *Fecolith* سنگ‌های مدفوعی، و نادراً توسط کرم‌ها امعاء و یا اجسام اجنبی (دانه ریگ، سنگ‌های کوچک، سوی وغیر) بوجود آمده و اثر آن افزایش بداخل جوف اپاندکس تجمع نموده زمینه را برای نشوونمای مکرر و با مساعده میسازد. بعضی از علما ادعا دارند که در داخل این عضو بعضاً سنگ مدفوعی مشاهده رسیده است بدون اینکه کدام تیره التهابی بمیان آمده باشد.

۲- حساسیت فامیلی: یک تعداد

از علما عقیده دارند که نزد بعضی از فامیل‌ها استعداد مصاب شدن اپاندکس به التهاب بیشتر است که شاید الیومالی فامیلی نزد این فامیل وجود داشته باشد.

۳- وضع تغذیه و موقعیت اجتماعی:

یک احصائیه در انگلستان نشان میدهد که ۲۰٪ اشخاص متمول و سرمایه دار نسبت به کارگران مصاب التهاب اپاندکس میشوند همچنان آنها تیکه فعالیت روزانه بیشتر دارند نسبت به آنها که کمتر کار میکنند کمتر مصاب التهاب اپاندکس میشوند از این احصائیه چنین برمی آید کار و فعالیت

زمینه را برای ایجاد التهاب بر این عضو کمتر میسازد.

در ممالک معدن پیشرفته نسبت به ممالک عقب مانده این مریضی بیشتر دیده شده و حتی مهاجرین ممالک عقب مانده که به آن ممالک زندگی دارند نیز به تناسب باشندگان اصلی مصاب این حادثه میشوند که علت آنرا عدم استفاده از مواد سلولیزه میدانند این نظریه نیز توسط بعضی از دانشمندان رد میگردد زیرا بعضی از اقوام با وجود استفاده بیشتر از سبزیجات (عندوها که گوشت نمیخورند) باز هم مصاب التهاب اپاندکس میگردند.

۴- مسپلها :- چون مسپلها باعث شدت حرکات پرستالیتیک امعاء میگردد این حادثه بعضاً زمیند سوراخ شدن اپاندکس را فراهم نموده میتواند.

۵- در صورت آماده شدن شرایط توسط علل که در فوق ذکر شد میکروب های ذیل باعث التهاب این عضو میگردد ایشریشی کولی-انترکوکوس-استرپتوکوک غیر همولیتیک و غیر هوازی و یکتعداد میکروب های دیگر که بصورت طبیعی در جوف اپاندکس وجود دارد.

انواع اپاندسیت :

۱- اپاندسیت حاد

۲- اپاندسیت تحت حاد

۳- اپاندسیت مزمن

۱- اپاندسیت حاد تیز به و نوع

تقسیم میگردد .

الف: اپاندسیت غیر انسدادی :

ب: اپاندسیت حاد انسدادی .

الف: اپاندسیت حاد غیر انسدادی:

التهاب در طبقه مخاطی و یا ازیک فولیکول لنفاوی شروع شده منجر بیکي از حوادث ذیل میگردد .

۱- رشف میشود ۲- تقيح ميشنايد

۳- تفرح ميکند ۴- فيبروزي ميشود

۵- گانگرينه ميگردد .

از اثر عفونت فليکولها آماس و باعث ايجاد تخریبات در مخاط شده بالاخره آفت به تحتالمخاط ميرسد ترشحات و تقيح نسبت عدم انسداد به آسانی وارد چکوم گردیده لذا در صورت سوراخ شدن عضو مذکور خطر آن کمتر است . زیرا سرب کبير اطراف آنرا احاطه کرده در صورت تشکل پريتو نيت آفت مذکور محدود باقی خواهد ماند در صورت شفا در کمتر وقایع مخاط به حالت اصلی رجعت ميکند و قسمت انتهای اپاندکس بعد از کسب بهبودی فيبروزي ميگردد همچنان قسمت ابتدائی این عضو بعضاً فيبروزي شده که همین حادثه بعداً باعث اپاندسیت حاد انسدادی می گردد .

ب: اپاندسیت حاد انسدادی :

تقریباً در ۱/۳ وقایع اپاندسیت حاد

بشکل انسدادی تبارز ميکند که انسداد مذکور توسط یکی از عوامل ذیل بعیان می آید .

۱- مسدود شدن مجرای داخل توسط فیکولیتها ، جسم اجنبی و نادراً توسط کرم های امعاء .

۲- عوامل داخل جداري از قبیل آماس و یا کارسینوما .

۳- عوامل خارج جداري مانند چسبیدگیها و تاب خوردگیها .

در چنین حالات در صورت التهاب ترشحات در داخل عضو مجبوس ميشنايد سیر این نوع اپاندسیت سریع بوده در ظرف مدت کوتاهی محل التهاب حساسیت خود را از دست داده پرفور (سوراخ) میگردد ترشحات و گاز که تحت فشار قرار داشت به سرعت انتشار نموده باعث ايجاد پريتونيت منتشر شده ميتواند .

اعراض سریری :

نوع غیر انسدادی :

۱- درد : ابتدا در تمام بطن منتشر بوده بطرف ناف و یا هیپوگاستر انتشار می نماید و بندریج حتی در ۲۴ ساعت در ناحیه اپاندکس محدود میگردد ولی معمولاً بعد از ۱۲ ساعت در حفره حرقفی راست حساسیت و ریزیدیتی بعیان می آید که زیاد تر در ناحیه *Mcburney* تو ضیح دارد و با پیشرفت آفت در حالیکه التهاب به طبقات دیگر نیز سرایت کرده باشد در مثلث شرن (۱) هیپراستیزی پدید خواهد آمد .

در صورت فشار در حفره حرقفی چپ نسبت رانده شدن امعاء بطرف راست در حفره حرقفی راست در د تحریک می شود (علامه رو زینگک) ۲- اعراض هضمی: استفراغ در حالات شدید بعشا شده میرسد که منشه عکسوی دارد و با خالی شدن معده استفراغ از بین رفته صرف دلبدی و بی اشتهائی باقی ميشنايد ، گاهی قبضیت وزمانی اسمال نیز بعشا شده رسیده ميتواند .

۳- درجه حرارت و نبض : در ساعات اول کدام تغییری نشان نمیدهد ولی بعداً در ۲۰٪ موارد حرارت تا ۳۷٫۲ تا ۳۷٫۸ درجه سانتی گرید بالا رفته که توأم به آن نبض در حدود ۸۰ الی ۹۰ فی دقیقه میرسد در حالات شدید حرارت تا ۳۸٫۸ درجه رسیده نبض نیز توأم به آن صعود میکند .

۴- در ۹۰٪ واقعات در معاینه میکروسکوپیک خون تعداد کریوات سفید از (۱۰۰۰۰) فی ملی متر مکعب بالا میرود .

(۱) *James-sherren* (۱۹۴۸) (۱۸۷۲) جراح مشهور لندن بوده و مثلث شرن مثلثیست است که زروهای آن عبارت انداز :

ناف ، شوک حرقفی قدیمی علوی و تویر کولوم عانده .

نوع انسدادی :

۱- درد : شروع درد ناگهانی و وصف کولیک را دارد .

و بطرف ناف انتشار می نماید و بزودی در ناحیه Mcburney موضع می نماید ولی وصف کولیک و سباز مودیک خود را حفظ می نماید ، در ناحیه M.B بر علاوه در در پیژیدی می موجود بوده که بعد از یکی از عوارض ذیل از بین می رود .

۱- در صورت غلبه عضویت .
۲- در صورت پر فوراسیون (سوراخ شدن) .

۳- در صورت بمیان آمدن گانگرن .

۲- اعراض هضمی : استفراغ بزودی شروع عادتاً ۲-۳ بار است همچنان قبضیت و با اسهال بمشاهده می رسد .

۳- درجه حرارت و نبض در ساعات اول کدام تغییری مانند شکل فوق نشان ندهد .

۴- تعداد کریوات سفید خون نیز در این نوع بالا می رود .

در صورت اشتباه اهانسدیت لازم است تا موقعیت آنرا نیز تعیین نمائیم که اینک اعراض مخصوصه بعضی از آنها را تذکر می دهیم .

در صورت آتروچی کال .

نسبت قرار گرفتن چکوم در قدام اهانسد کس اغلب شخی جدار بطن موجود نیست ولی یافشار در کمر درد و حساسیت تعیین شده می تواند چون با عضله پسواس در تماس است لذا در عضله مذکور انقباض بمیان آمده اگر ان بحالت بسط تام آورده شود احساس درد و دلبدی بمیان می آید .

در صورت حرققی :

در این حالت شخی جدار بطن حتی در ناحیه M.B هم وجود نخواهد داشت گاهی در قسمت علوی و ارتفاق عانه طرف راست حساسیت عمیق تثبیت خواهد

شد. با توشی ریکتال در جوف دو گلاسی بطرف راست حساسیت موجود است عضله سدادی داخلی بحال قبض می آید از این رو پای مریض بر علاوه فلکسیون قدری بطرف داخل چرخش دارد ، در حالات که اهانسدکس با مثانه در تماس باشد تکرر ادرار و در صورت تماس با رکتوم اسهال بمشاهده خواهد رسید .

همچنان اهانسدیت نزد خانمهای حامله و پیران خصوصیتاتی دارد که ذیلاً تذکار داده میشود .

نزد خانمهای حامله : اهانسدکس

در قسمت فوقانی و وسط بطن رانده شده بنا بر ان در صورت سوراخ شدن این عضو خطر پریتونیت منتشر بیشتر است . بانزدیک بودن زمان حمل در صورت ثقب خطر سقط (۵۰٪) و قبل المیعاد وجود دارد و در صورت عدم سوراخ شدن خطر سقط به (۳۰٪) تقلیل می یابد . نزد زنان حامله اهانسدیت با هیلو نفریت تشخیصی تفریقی گردد .

نزد کهن سالان : چون جدار

بطن ضعیف و شل است اذاعلایم اهانسدیت کمتر تبارز می کند حتی در حالات که شخص مصاب اهانسدیت حاد و سوراخ شده بدون اینکه در بطن شخی و حساسیت وصفی بمشاهده برسد .

نزد اشخاص مسن نسبت آرترو سکلیروز ثقب و گانگرن بزودی بمیان آمده می تواند .

تشخیص اهانسدیت حاد .

نظربه علایم و اعراض که در فوق تذکر داده شده تشخیص آن به آسانی صورت میگیرد .

تشخیص تفریقی :

در نزد اطفال پنومونی ، تیفوئید پارانیفوئید باید در نظر باشد . همچنان ثقب زخم پپتیک ، کله حساسیت حاد سنگک حالب و گرده ، التهاب حویضه هیدرونفروز متناوب ، التهاب حاد

نفیرو امراض تخمه هان و رحم باید با اهانسدیت حاد تشخیص تفریقی گردد . که هر کدام این امراض اعراض و علایم مخصوص بخود دارند که از تشریح آن در اینجا خود داری بعمل می آید .

اختلاطات :

بعضاً عضویت انسان قدرت تجدید اهانسدیت سوراخ شده را نداشته و یا از سبب استعمال بی مورد مسهل ها در حین حمله اهانسدیت پریتونیت محدود و پامنتر بمیان می آید .

همچنان اهانسی تحت حجاب حاجز و هیلو فلیبیت ، امبولیزم ریوی از جمله اختلاطات اهانسدیت محسوب میشود .

تداوی اهانسدیت حاد :

یگانه و بهترین علاج اهانسدیت حاد عملیات یعنی برداشتن این عضو است در حین استطبای عملیات باید تیره های ذیل در نظر باشد .

۱- آیا اهانسدیت حاد ساده یعنی بدون اختلاط است .

۲- آیا اهانسدیت حاد سوراخ شده و پریتونیت محدود داده است .

۳- آیا اهانسدیت ثقب نموده پریتونیت منتشر داده است .

طرز عمل در صورت اول :

بعد از احتمالات لازم و تدابیر قبل از عملیات شق جلدی را بالای خط که در نقطه ۲ بر ۳ داخلی و ۱ بر ۳ خارجی خط که ناف را به شوك حرققی قدامی علوی وصل میکند عمود است اجرا می نمائیم شق مذکور بنام طریقه GRID-IRON یاد میشود که توسط مک آرتور جراح شفاخانه سنت لیوک شیکاگو (۱۸۵۸-۱۹۳۴) شرح داده شده است اندازه این شق مربوط است به سن ، چاقی و لاغری جدار بطن بعد از شق جلدی نسج تحت الجلدی را دور و صفاق عضله منحرقه کبیره را به امتداد لیاف

قطع و در تحت آن عضله منحرفه
صغیره را به سیرالیاف آن جدا و بعداً
عضله مستعرضه را توسط ایکارتور از هم
جدا (نباید قطع شود) و با لایحه
پریتوان را قطع نموده داخل بطن
میشویم .
اسلوب قطع اپاندکس :

به استگی چکوم را از بطن خارج
نموده اپاندکس را با فور سپس بیکر
گرفته میزوی آنرا کلامپ زده
قطع می نمائیم بعد از جدا شدن آن
در نزدیکی محل وصل با چکوم توسط
هموستات محکم گرفته دوباره رها
نموده پایا نتر از آن ناحیه هموستات
تثبیت میگردد روی ناحیه که اولاً
هموستات تثبیت شده بود لیکاتور
میگذاریم و عضو را قطع نموده در
ناحیه مذکور اندکی تیتوردیوید
زده بعداً روی چکوم اطراف قاعده
اپاندکس خیاط *Pursestring*
(مانند دهن خریطه) بشرطیکه از طبقه
عضلی عبور کند گذاشته قاعده را
بداخل چکوم فرو برده خیاطه را بسته
میکنیم (آنواژینه) در آخر میزوی
اپاندکس لیکاتور میشود. طبقات
جدار بطن را از داخل به خارج
می بندیم و عملیه ختم میگردد.

بعضی از جراحان از لیکاتور
اطراف قاعده خود داری میورزند
ایشان عقیده دارند که در بین لیکاتور
قاعده و خیاطه *P.S* آپسه های
کوچک تشکیل میکند. این امکان
خیلی ناچیز است در صورت تشکیل
کدام خطر متوجه مریض نمیگردد.
در حالیکه عدم لیکاتور امکان ایجا
خون ریزی شدید بداخل چکوم
را آماده میسازد که بعضاً خطر حیاتی
دارد.

یکتعداد از جراحان دیگر برای
جلوگیری از آپسی های که فوقاً
ذکر شد آنواژینه را انجام میدهند
ولی این عمل باعث التصاق شده
میتواند همچنان خطر پاره شدن چکوم
موجود میباشد در حالات استثنای

افکار بزرگان

از گام برداشتن با نومییدی
بهره میز. تاریکترین روز را بگذران
و خواهی دید که آن تاریکی از میان
رفته است. (کوپر)

آنکه نومیید شود، بایمان و محبت
نیاز مند است، چه ایمان و امید،
محبت سه مشعلی هستند که روشنی
آنها در هم می آمیزد و یکی از آنها
بی دیگر آن فروغی ندارد.
(مستازبو)

بشنو و بکار بند

انسان موظف است که عاشق
حقیقت باشد و اظهار حقیقت را بخاطر
عشقی که بدان دارد تکالیف حتمی
خود بداند.

اگر بخاطر اظهار حقیقت آزار
به بینید بهتر از آنست که حقیقت
بر اثر اظهار نکردن شما دچار
آزار شود.

شخص امین دشمن قلب است
راستگو مخالف دروغ گواست و
عادل دشمن ظالم است و باید دائماً
با آنها در جنگ و ستیز باشد و برای
غلبه و پیروزی بر آنها بکوشد.

تمام مصلحین بزرگ و دلیران
راه ترقی - دشمن واقعی دروغ و بد
کرداری بوده اند.

این عمل مربوط است به قضاوت
خود جراح مثلاً در حالتی که جدار
چکوم اودم محدود داشته باشد میتوان
خیاطه را کمی بالاتر زده و آنواژینه
را انجام داد، در صورتی که اودم
زیاد باشد صرف قاعده اپاندکس را
لیکاتور زده و برای جلوگیری از
التصاق با سرب پوشانده میشود در
صورتیکه قاعده اپاندکس دچار

آماس و تورم باشد هموستات زدن
و دو باره رها کردن آن استطبیب
ندارد زیرا زمینه انتشار عفونت
از طریق خون و یا لنف فراهم
خواهد شد بلکه بدون گرفتن آن در
قاعده لیکاتور نموده بعد از قطع
بداخل چکوم آنواژینه می نمائیم.

موقعی که قاعده اپاندکس
گانگرنی شده باشد از هموستات
ولیکاتور خودداری شده اپاندکس
را با قسمت از چکوم مجاورش
برداشته چکوم دوباره خیاطه گذاشته
میشود.

در صورت دوم.

شق بالای عضله مستقیمه را ترجیح
میدهند دریناژ و کشیدن اپاندکس
صورت میگردد.

در صورت سوم.

دریناژ صورت گرفته سلفا مید
و یا انتی بیوتیک تطبیق میگردد و
و مریض به وضعیت *Fowler* قرار
داده میشود.

۲- اپاندسیت تحت الحاد.

شکل خفیف اپاندسیت حاد بوده
توضیح بیشتر را ایجاب نمیکند.

۳ اپاندسیت مزمن.

بقایای اپاندسیت حاد بوده که
علامه آن در نقاط مختلف مثلاً
معدده، اثنا عشر کولون پیلور
کیسه صفرا بصورت عکسوی بمشاهده
میرسد از این رو تشخیص این نوع
اپاندسیت مشکل بوده را دیو
گرافی با سواد کشیفه نیز آنقدر کمک
کرده نمیتواند ولی سابقه حملات
اپاندسیت اندکی ما را به تشخیص
اپاندسیت مزمن کمک کرده میتواند
درین نوع عموماً بطن با شق
پارامدیان باز شده و کمتر ول
حشا صورت میگردد در صورت سالم
بودن اعضا داخل بطن قطع اپاندکس
صورت میگردد و عموماً ناراحتیها
که بصورت عکسوی در نقاط
دیگر تبارز میگردد از بین میرود.

طفل شهما

دكتور قمرالدين «اكسيري»

قسمت چهارم



مكیدن انگشت:

معمولاً اطفال انگشت خود را بدهن گذاشته و می مکند، بعضی از دكتوران عقیده دارند که مکیدن انگشت دارای اثرات بدی است مثلاً ممکن است فک عوض شده و در محل دندان های اصلی تغییراتی روی دهد مکیدن انگشت یکی از عادات طبیعی طفل است زیرا این موضوع با مکیدن شیر از پستان مادر شباهت داشته و باعث خوشحالی طفل میگردد، طفلیکه عادت بمکیدن انگشت دارد ممکن است مواقعیکه محتاج نوازش است و نمیتواند نوازش را دریافت کند برای تسلی خاطر خود انگشت خود را بمکد و یا اینکه وقتی حوصله اش سررفت اینکار را بکند زیرا بدینوسیله تسلی پیدا میکند.

در بین ساعات تغذیه که طفل خوابش نمیبرد برعلاوه نگاه کردن به سقف اتاق باید کدام چیز دیگری موجب سرگرمی او باشد بعضی مواقع باید او را از بستر بردارند و با او

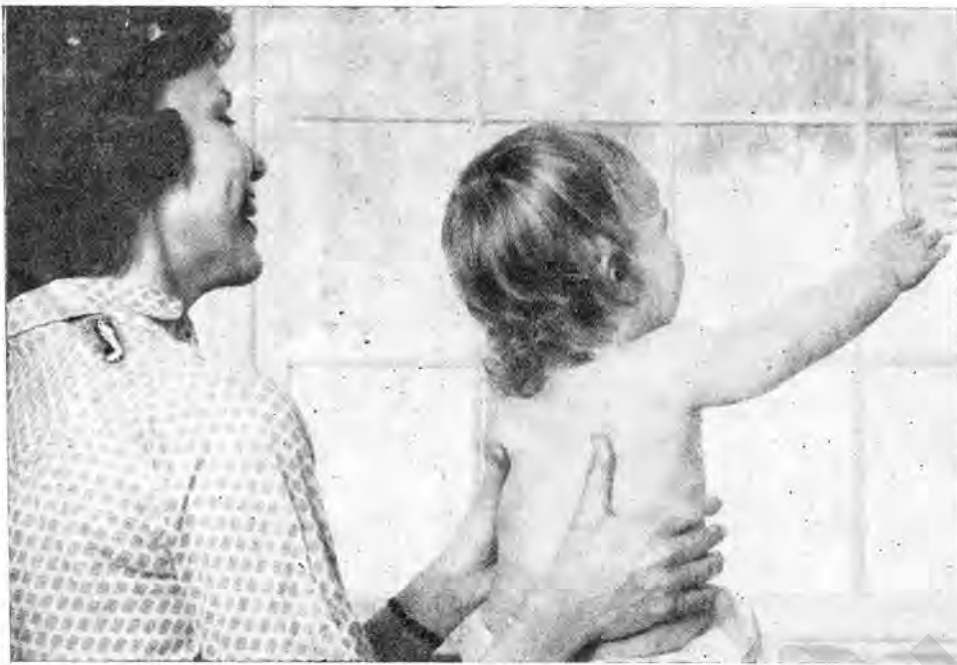
صحبت کنند و بدین وسیله با اشیا و محیط آشنایش کنند، بعضی از والدین در تنها گذاشتن طفل مبالغه میکنند و این خوب نیست، طفل احتیاج بنوازش دارد، او را بغل کنید و با او حرف بزنید طفل علاقه شما را حس میکند و خیلی خوشحالتر و بهتر بزرگ میشود طفلیکه محبت نبیند عبوس و ملول بار می آید.

گاهی اطفال بوسیله عدم دریافت غذای کافی انگشت خود را می مکند در این مواقع اطفالیکه از پستان تغذیه میکنند ممکنست دقایق تغذیه آنها را طولانی تر نمود و در باره اطفالیکه از شیر چوشک شیر میخورند مقدار شیر را کمی زیاد کنید.

بعضی از والدین با اصرار سعی میکنند مکیدن انگشت را از سر طفل رفع کنند ولی بهتر است بدون اینکه عصبانی شوند با دادن اسباب بازی بدست طفل او را از این کار منصرف نمایند، طفل سالم و خوشحال که مواظبت کامل در باره او بعمل آید و سرگرمی کافی

داشته باشد کمتر انگشت خود را می مکد.

اطفال مخصوصاً در وقت گرسنگی میل دارند انگشتان خود را بمکند، این نباید موجب پربشانی فکر مادر بشود اما وقتی در غیر موقع گرسنگی طفل این عمل را انجام میدهد باید دانست که عادت او شده و ممکن است ساختمان انگشت و سقف دهن او غیر طبیعی گردد، برای رفع این عادت نباید مادر او را تهدید و تنبیه کند بلکه بهتر است آستین لباس او را بلند دوخته و هنگام خواب دستهای او را ببندد، اگر باین وسیله ترك عادت نشد یعنی تکرار این عمل را انجام داد بهتر است مادر قطعه مقوای نازکی را که اندازه آن از آرنج تا سچ دست باشد به اطراف دست طفل تاب داده درسه یا چهار محل بانخ ببندد در این صورت طفل قادر نخواهد بود که دست خود را حرکت داده بدهن بگذارد و متدرجاً عادتش در روز ترك خواهد شد، از این گذشته ممکن است از دستش نیز استفاده



نمود موعیکه طفل دست در دهن نمیگذارد باید او را تخسین و تشویق کرد گاهی در حین مکیدن انگشت با دست دیگر آلت تناسلی خود را گرفته و بازی میکند این کار چون اعصاب را تحریک میکند موجب عصبانیت طفل خواهد شد باید دقت کامل برای ممانعت او بکار برد اگر طفل کوچک است ممکن است بوسیله بکار بردن کهنه های کلفت عادتش را بر طرف نمود البته مادر بهتر است هیچگاه اهمیت زیادی بدین مطالب ندهد، زیرا که در بدو امر ممکن است محرك طفل حس کنجکاو و شناسائی اعضای خود بوده و یا اینکه اتفاقاً دست طفل به آلت تناسلی برخورد نموده و چون حس مطبوعی در او ایجاد کرده است به تکرار آن مبادرت نموده است در این قبیل مواقع تنبیه طفل غالباً نتیجه بعکس میدهد، زیرا که طفل را وادار میکند که این کار را بتنهائی و پنهانی صورت بدهد، البته رفع این قبیل عادت مشکل تر خواهد بود راه صحیح آن است که حواس طفل را بپایزهای مختلف و اسباب و مشغولیات دیگر سرگرم نمود و باین عمل طبیعی که عبارت از دست زدن با عضاء بدن است اهمیت زیادی قائل نشد، اگر چنانچه پس از پایان دوران شیر خواری باز این عادت باقی ماند میتوان گفت که کودک به علتی ناراضی و آند و هناك است کودک باین وسیله میخواهد عدم رضایت خود را ابراز کند ولی باید کاری کرد که طفل آسایش و رضایت خود را در سرگرمی های دیگر جستجو کند، باید در این مورد یاد کتور مشورت و نظر او را اجرا کرد. بنابراین نباید بدون تجویز دکتر برای ممانعت طفل از مکیدن انگشت موصول به تنبیه و یا اقدامات سخت شد.

کار هائیکه طفل یاد میگیرد و مورد استفاده قرار میدهد:

نسبت به کار هائیکه طفل از قبیل راه رفتن، حرف زدن، جلو گیری از

صداهای بلند و ناگهانی میترسد و از ۳ الی ۵ ماهگی صداهای آشنا را درک کرده و از شنیدن آهنگ موسیقی محظوظ میشود. زبان باز کردن طفل مربوط به حس شنوائی اوست، در بدو امر احتیاجات خود را بوسیله گریه کردن ظاهر میسازد، باختلاف مختصری که در گریه های او مشاهده می گردد صادر طفل میتواند گرسنگی، تشنگی، نا راحتی و دردهای دیگر او را احساس نماید، گاهی هم طفل بوسیله گریه کردن میخواهد جلب توجه نماید. در چهار ماهگی با طرق دیگری احتیاجات خود را می فهماند، با خنده و حرکات خود نشان میدهد که خیالی چیزها نظر او را جلب کرده و در یک سالگی گذشته از کلمات پدر و مادر میتواند چیزهای دیگر را نیز بگوید. خلاصه اگر تمامی احتیاجات طفل را رفع کنند زودتر زبان باز میکند، ممکنست طفل از ماه نهم الی دهم شروع به راه رفتن کند ولی مشروط باینکه زیر بغلش را بگیرند تا پاهایش با زمین تماس پیدا کند و قدم های اولیه را بردارد، گاهی هم طفل بکمک صندلی میاستد و راه می رود در پانزده ماهگی طفل خودش میتواند راه برود ولی نسبت باین موضوع

ادرا و غیره یاد میگیرد نمیتوان فانون کلی قائل شد، اگر طفل نتواند از ادرا خود جلو گیری کند نباید ناراحت شد، مثلاً در اوایل راه رفتن او می بیند که دچار اشتباهات و افر میگردد تا اینکه کم کم موفق بر راه رفتن میشود، همچنین سایر کار های او بهمین قسم تکمیل میشوند. باید دانست که در وهله اول اعضای حواس پنجگانه او هنوز تکمیل نشده ولی بسرعت تمام چشم، گوش، دماغ، زبان و پوست بدن او نموی خود را تکمیل نموده و طفل هم از راه تجربه و تکرار عمل حرکات خود را کامل میکند.

طفل از بدو تولد روشنائی را از تاریکی تشخیص میدهد و در دو ماهگی با چشمش حرکات اشخاص را تعقیب میکند و صدای غیر عادی نظرش را جلب مینماید، در آخر ماه دوم صورت اشخاص و اشیاء را می شناسد و در ماه ششم از اشخاص بیگانه خجالت میکشد. اگر آشنایان جدید زیاد با او اهمیت نداده و برای او دست نزنند خجالت او بر طرف شده و بدیدن اشخاص جدید عادت می کند.

طفل در دو روز اول بعد از تولد گوشش کاملاً می شنود و از شنیدن

نمی‌توان قاعده کلی درست کرد زیرا ممکنست بعضی از اطفال دیرتر و یازودتر راه رفتن را یاد بگیرند .

چگونه ممکنست طفل را سالم نگه‌داشت :

طفل سالم دارای پوست بدن صورتی رنگه و چشمان براق بوده، اشتهای او خوب است و خواب خوبی دارد و مرتباً به ورزش اضافه میشود. نظم و ترتیب در خواب و خوراک و آزادی و اجتناب از هیجان‌ات و رعایت نظافت و جلوگیری از ابتلا به امراض و نظارت مرتب طبی و آرامش و صلح و صفای محیط خانواده عوامی است که باعث سلامتی طفل گردیده و او را همیشه خوشحال و بشاش بارمی‌آورد. فعلاً میتوان اطفال را از ابتلا بچند بیماری مصئون داشت خصوصاً بیماریهاییکه در طفلی خطرات آنها زیاد است. وقتی طفل چهل روزه شد او را آبله کوبی میکنند وقتی که ششالی نه ماهه است دوکتور میتواند با تلقیح واکسینهای ضد بیماری‌های دیفتتری، سیاه سرفه طفل را مصئون نماید، اغلب دکتوران واکسینهای فوق را یکجا تزریق میکنند، این اقدامات

مربوط به مصئونیت کاملایی خطر بوده و در روزهای اول و دوم بعد از تزریق ممکنست طفل موقتاً راحت شده و تب نماید. چون سرخکان یکی از بیماریهای عادی و معمولی اطفال است حتی الامکان باید سعی نمود طفل را از ابتلا باین بیماری حفظ نمود. و بوسیله احتیاط‌های لازمه از قبیل جلوگیری از تماس طفل با اطفال مبتلا و تزریق واکسینهای ضد بیماری او را از این بیماری مصئون داشت :

خلاصه خال کوبی طفل یکی از اساسی‌ترین طرق جلوگیری از امراض است. اولین واکسن تهیه شده واکسن چیچک است که بموقع اجرا گذاشته شده است بتدریج واکسین‌های دیگر مانند دیفتتری، سیاه سرفه و تفوئید و واکسن فلج و در این اوخروا کسین سرخکان نیز تهیه شده است. برای کودکان تاریخ زدن واکسین بشرح زیر است : واکسین چیچک از ۳-۹ ماهگی تکرار آن در ۱۲ سالگی هفته اول واکسین ضد سل ب، ث، ژ و تکرار آن در ۶ و ۱۴ سالگی. در ماه ۴-۶ واکسین ترکیب دیفتتری، سیاه سرفه درسه نوبت بفاصله



یکماه و ۱۵ روز تکرار آن در ۲-۱۲ سالگی، فلج اطفال نیز بترتیب فوق . واکسین فلج اطفال خوراکی نیز موجود است این عمل را دانشمندان شوروی ابتکار کرده اند و بیشتر درجه‌ایر شوروی مورد استفاده است.

علامت ناخوشی طفل :

۱- قرمز شدن صورت و بالا رفتن حرارت بدن طفل که باید توسط درجه معلوم کرد .

۲- بیخوابی ، ناراحتی ، خواب بی‌اندازه .

۳- قی، البته نباید خارج شدن طبیعی شیر را باقی‌اشتباه کرد .

۴- اسهال - در اینجا مدفوع غیر طبیعی شده دارای خون یا چرک یا بلغم خواهد شد .

۵- گاهی نخستین علامت ناخوشی طفل نخوردن غذا میباشد در این صورت نباید او را مجبور بخوردن نمود .

۶- درد- اگر طفل زانوهای خود را بطرف شکم جمع کرده و بیقراری میکند معلوم است درد دارد. در اینجالت حتی اگر ما درد دست بیای او بگذارد گریه اش بیشتر میشود. اگر درد در گوش باشد سر را بیشتر تکان میدهد. یکی از علامات درد طفل گریه اوست ، ولی نباید گریه طبیعی را با گریه درد اشتباه کرد .

۷- اگر طفل سرماخوردگی یا تب پیدا کرد ، باید خیلی متوجه بود چون ممکن است که این سرما خوردگی شروع مرض دیگری باشد .

۸- صدای او گرفته میشود و یا سرفه میکند. این هر دو اهمیت دارد، چون ممکن است مبتلا به دیفتری شده باشد .

۹- ظاهر شدن جوشها در پوست بدن طفل .

۱۰- حالت تشنج - البته در این حالت فوراً باید به دکتور رجوع نمود اطفال کوچک یا اشخاص بالغ در حال مرض سخت ممکن است دچار تشنج شوند. البته والدین در این حالت بسیار



با کمال دقت یاد داشت نموده به دکتور بگوئیم .

۵ - نمونه ای از مدفوع طفل را برای نشان دادن به دکتور نگاه داریم .
۶ - اگر شکم طفل نفخ دارد و بزودی دسترسی به دکتور میسر نیست، هرگز نباید مسهل بدهیم، بلکه با کمی آب نیمگرم تشویه باید کرد .

ناگفته نماند که گریه جهت انبساط ششهای طفل میقد است ولی اطفال اغلب در اثر گرسنگی، تشنگی درد و ناراحتی نیز گریه میکنند . بعضی مواقع گریه طفل برای اینست که مادرشان متوجه شده و آنها را بغل کنند . اگر طفل بمحض بلند کردن آرام شد باید دانست که گریه او علت دیگری نداشته است ولی اگر گریه طفل ادامه پیدا کند باید به دکتور مراجعه نمود . ولی اطفال سالم اگر همه احتیاجاتشان مرتفع گردد باز مشاهده میشود که گریه میکنند باید دانست که این گریه فقط برای جلب توجه مادر و خانواده میباشد .

و در نتیجه خفگی عارض شود . این قبیل تشنجات باعث زبانی در سلولهای مغز طفل نخواهد شد .

علل تشنج بقرار ذیل است :

- ۱ - گرمها ۲ - سیاه سرفه سخت
- ۳ - ضربدهای سخت بکاسه سر که سبب خرابی مغز شده باشد .
- ۴ - خفگی بعلت بخارات سمی از ذغال و غیره .

بعضی اقدامات پیش از آمدن دکتور:

- ۱ طفل را در مکانی کاملاً خلوت بی سرو صدا و راحت نگاه میداریم تا بخوابد .
- ۲ - ابتدا نباید باو غذا داد . مخصوصاً هنگام اسهال یا استفراغ .
- ۳ - هر ساعت کمی آب جوشیده باید باو داد ، جز در موقع استفراغ که باید دو ساعت پس از استفراغ باو آب داد و بعد ازین فاصله باید هر نیمساعت یکمرتبه باو یک قاشق آب داد .
- ۴ - دفعات استفراغ و درجه حرارت و دفعات اجابت مزاج را

ناراحت شده و از عواقب اطفال خود میترسند .

خوب است که مادران بدانند که این قبیل تشنج ها خیلی بندرت منجر بمرگ طفل میشود .
بنابر این لازم است که مادر خونسردی را از دست نداده و بعوض گریه و زاری و بیطاقتی ، مراقبت از طفل خود بنماید و نگذارد که حادثه سوئی اتفاق بیافتد .

باید دانست که تب های شدید غالباً تولید تشنج مینماید . تشنج عبارت است از انقباض ناگهانی اعصاب غیر ارادی . در این قبیل مواقع عضلات صورت و دست و پای بیمار منقبض و منبسط شده و ناظرین را سخت بو حشت میاندازد . گاهی علت تشنج سبب کم شدن رطوبتی است که در نتیجه تب شدید ایجاد شده . عمل دیگری نیز دارد که ذیلاً گفته میشود . مادر باید در این قبیل مواقع مواظب باشد که طفل زبان خود را گاز نکیرد، یا اینکه زبان بعقب برانگشته و مجرای تنفس را ببندد

چطور باید به طفل یاد داد که

مواظب ادرار و فضولات خود باشد :



این عمل حوصله و وقت زیاد لازم دارد و تا زمانی که طفل خودش قادر نیست ابرازی در این قسمت بکند جلوگیری از آن کار آسالی نیست ولی در دو سالگی خوب و بد را می فهمد و در عین حال در آن سن هم ممکنست اتفاقاً اشتباه کرده و فراموش کند خیر دهد معذالک در ماه نهم و دهم میتوان تا حدی تخلیه امعاء طفل را مرتب نمود . در مواقعی که دیده شد طفل کهنه خود را کثیف میکند یک چیز گرمی زیر او بگذارید بعد از آنکه با این طریق موفق به تخلیه امعاء او شدید طفل عادت میکند در ساعات معین عمل تخلیه را اجرا کند و این ممکنست روزی یک یا دو مرتبه و یا بیشتر باشد تا یکسال ممکن است باز طفل اشتباه کند ولی در دو سالگی تقریباً میتواند موقع ادرار خود را اطلاع دهد. تخلیه امعاء طفل را میتوان با غذا مرتب نمود ، اگر طفل مختصری قبضیت داشته باشد آب اضافی با او بدهید و از دادن دواهای ملین بدون دستور دکتور خودداری کنید و غذای او را طبق دستور دکتور مرتب کنید. جلوگیری از ادرار طفل مشکلتر از تخلیه امعاء اوست ممکنست در ساعاتی که معمولاً طفل ادرار میکند او را روی لگن قرار دهید تا بلکه عمل تخلیه امعاء انجام گیرد ، ولی در شب نباید برای ادرار کردن طفل را بیدار کرد زیرا این عمل باعث اختلال خواب او شده و طفل را ناراحت میکند. هنگامیکه طفل مشغول ادرار و تخلیه امعاء است نباید اسباب بازی با او داد چون ممکن است اسباب بازی را با این عمل مربوط نموده و نداند کار عمده اش چیست و برای چه منظور روی لگن نشسته است . نباید بیشتر از پنج دقیقه طفل را روی لگن نشاند زیرا ممکنست حوصله اش سررفته و از این کار متنفر شود . برای سلامتی طفل لازم است که مزاجش بطور مرتب و منظم و طور کلی از روی

به نوبه خود در دراز شدید تر مینماید . گاهی کودک آن چنان سرگرم بازی میشود که نمیخواهند آنرا قطع کرده و به مستراح بروند . بنابراین اگر کودک هنگام بازی خود را مرطوب میکند باید مرتباً مثلاً هر دو ساعت یک بار او را به مستراح برد چنانچه یکی از هم بازیها صحبت کرده با او در این سفر کوتاه همراهی کند طفل با رغبت بیشتری باشما همگامی خواهند کرد . نباید کودک را که از ادرار در محیط نا آشنا خود داری میکند سرزنش کرد . در چنین مواردی یک حمام گرم ناراحتی او را برطرف میسازد . اغلب کودکان بین دو تا سه سالگی شب بدون مرطوب کردن جا میخوانند ولی بد نیست که از نظر احتیاط ، شب ساعت ده کودک را سر پا گرفت . چنانکه طفل از این عمل ناراضی باشد او را بحال خود بگذارید زیرا ضرر آن بیش از نفعش خواهد بود . باید بخاطر داشت که کودک شخصاً خودش را تربیت میکند و بنا بر این هرگاه وجودش آماده گردید دیگر خود را مرطوب نخواهد کرد . هر چند که

برنامه عمل کند . مادر در حالیکه مواظب این امر است باید از اظهار دل واپسی خود داری کند زیرا ممکن است اظهار توجه بیش از اندازه طفل را سرعناد بیاورد رفتار با محبت مادر بهترین نتیجه را میدهد معمولاً اطفال در دو سالگی آمادگی خود را به نحوی اطلاع میدهند . درین موقع باید مادر طفل را به مستراح ببرد . چنانچه طفل از مستراح سترسد باید برایش لگن گذاشت . اگر اتفاقاً طفل خود را تر کرد باید مادر بدون توبیخ و سرزنش و خیلی عادی او را پاک کند . گاهی طفل سه چهار ساله در اثر ناراحتی های عصبی چون ترس در وضع تازه و یا حسادت نسبت به نوزاد جدید ممکن است خود را خراب کند . در این موقع مادر نباید با او خجالت بدهد بلکه با اظهار محبت اطمینان او را جلب کرده و راه سازگاری با مشکل جدید را برایش هموار کند . اگر طفل هنگام دفع مدفوع ناراحت میشود باید فوراً به دکتور اطلاع داد زیرا این ناراحتی موجب خودداری طفل از دفع شده و باعث بروز قبضیت میشود و قبضیت نیز

تربیت طفل در این زمینه بنفع کسیست که شست و شوی او را به عهده دارد ولی ممکن است زیاده روی در آن اثر معکوس داشته و دیرتر طفل را از این عادت بیندازد.

جدول رشد و نمو ی کودک:

کودک یکساله:

۱- تنها می ایستد ، گاهی برآه هم می افتد .

۲- از کارهای سنگین از قبیل کشیدن و حرکت دادن اشیاء لذت میبرد .

۳- یکی دو کلمه حرف میزند و لغات را با اشیاء مربوط ارتباط میدهد .

۴- باید قاشق را بدستش داد بتواند کم کم خودش غذا خوردن را یاد بگیرد .

کودک دوساله:

۱- میدود و از پله ها بالا میرود . اگر در طبقات فوقانی زندگی می نمایند جلوی پنجره ها را باید حفاظ های قرار داد .

۲- از کارهای ظریفتر از قبیل بکار بردن مدار و نخ کردن دانه هایی مثل تسبیح و یا گردن بند لذت میبرد .

۳- ممکن است از بعضی غذاها خیلی خوشش بیاید و بعضی دیگر را اصلاً لپ نزند خوابیدنش رسم و رسوم فوق العاده دارد و میل دارد او را با تشریفات بخوابانند .

۴- جملات ساده بکار میبرد .

۵- جهاز دفع خود را در زمان بیداری کنترل میکند و ترجیح میدهد که در مستراح تنها باشد .

۶- لباسش را شخصاً در می آورد ولی هنگام پوشاندن آن معرکه بها میکند .

۷- غذاهائی که دوست دارد خودش می خورد ولی در خوردن غذاهای دیگر به او کمک کرد . آداب و رسوم غذا خوردنش را مراعات کنید .

۸- اغناب حس مالکیت آنها شدید بوده و چون دیکتاتوروی کوچک همیشه در حال امر و نهی هستند .

کودک سه ساله

۱- کودک در این سن خیلی فعال است و توازن بدن و حرکاتش به بزرگسالان شباهت پیدا میکند .

۲- قادر به انجام کارهای ظریف

از قبیل چسپاندن عکسها و لغ کردن دانه هایی چون تسبیح و گردن بند میشود .

۳- از شنیدن قصه و آهنگهای بچگانه خسته نمیشود .

۴- جملات کامل بکار برده و با دقت به مکالمات بزرگتران ، زبان او می آموزد .

۵- خودش غذا می خورد ولی حوصله اجرای آداب و رسوم بزرگترها را ندارد .

۶- دوست دارد که لباسش را خودش برتن کند .

۷- کاملاً قادر به نگاهداری ادرار خود است ولی ممکن است اتفاقاً شبی خودش را مرطوب بکند .

کودک چهار ساله:

۱- از نظر جسمی خیلی فعال است و به عملیات بدنی جدیدی مانند بندبازی و تان بازی علاقه پیدا میکند .

۲- بر حرف شده و پرسه های او را پایانی نیست و مشتاق آموختن لغات جدید است .

۳- هر چند که لازم است در مدت روز کمی تنها بماند ولی بازی با دیگران

را بر بازی انفرادی ترجیح میدهد .

۴- اگر لباسهایش را منظم بچینند میتواند خودش لباس بپوشد .

کودک پنجساله:

۱- در انجام کارها مهارت یافته و میتواند به تنهایی لباس بپوشد و غذا بخورد و به مستراح برود .

۲- هر کاری را که اطرافیان میکنند او هم میتواند انجام دهد .

میتوان انجام بعضی کارهای خانگی کوچک را با او واگذار کرد .

کودک را با او واگذار کرد .

(بقیه در صفحه ۶۱)



تسخیر ماه

تسخیر ماه سوژه ایست که شاعران جهان را بطبع آزمائی واداشته وشاعران کلبه مال در این زمینه اشعاری سروده اند اتای برق موسوی شاعر دری زبان هندوستان نیز تسخیر ماه را بهانه سرودن اشعاری قرار داده اند شاعر در این چکامه از غفلت بشری استفاده کرده و بر آن است تا کار زمین آیکو ساخته نشود ، آهنگ سفر به ماه چندان خوشایند نیست .

تسخیر نفس خویش نکرد ، امت تا کثون
السان اگر چه همت تسخیر ماه کرد

آهنگ ماه کرد چو این خاک تیره را
آلوده جرایم و جنگ و گناه کرد

آب و هوای روی زمین را ز ظلم و جور
بهر حیات نوع بشر اشک و آه کرد

چون آب زیر گاه ، گهی دام مگر چید
گاهی چو غول بادیده ، آتش بکاه کرد

از چشم دل جمال نگار ازل ندید
از چشم سر بچهره زهره نگاه کرد

عرفان ذات خویش نکرده است تاهنوز
هر چند درک ماهیت مهر و ماه کرد

افسوس سوی منزل جانان سفر نکرد
هر چند بر فراز فلک قطع راه کرد

اقرار ذات صانع مطلق نکرد حیف
گر چه بسی نظاره صانع الله کرد

سخنان آموزنده

ثروت دردست کسانی که صاحب اراده قوی و تملک نفس نیستند و یا نمیتوانند امیال و هوسهای نفسانی خویش را اداره کنند ، بمنزله سر چشمه بلا و مصیبت است ، چه برای خودشان و چه برای دیگران .

اخلاق - قسمتی از ثمول و دارائی است و از همه مایملک انسانی شرفتر و ارجمندتر است کسانی که از این سرمایه سهمی دارند ، هر چند ممکن است سود مادی از دنیا نصیب شان نشود ، ولی در عوض بهره شایان از احترام و شهرت و نیکنامی خواهند برد .



شیرک او ورخ

چیرته چه دنیا ده بل غوک نشته هلته بی
کوم لحای کبئی چه ته بی هلته جوړه دادبهاده
ورانه ورائی ده آبادی یو تصور دی
هیخ نشته که شته دی دغه واره ستا بقاده
ورخ دشوی به غیر کبئی شپه په ورخ کبئی دو به شوی ده
ورخ کبئی که تیاره ده نو په شپه کبئی هم رناده
کله لیدل کبیری خو انسان پری غولیدی دی
هسی یو احساس دی که ژراده که خندا ده
ورک که شو (ضعیف) دزور و په هلو نو کبئی
دی ورو (ذرو) کبئی زور ورو ته فناده
« گل » که دغاروی گیده کبئی هضم شونابودشولو
نن وینم چه پیښه په « بخاروی » دمرگ غوغاده
(یو) په « بل » مدغم شی نابودی و او فنانه می
لحمکه قتل گاه شوه ربه سخنه تماشا ده
ژوند دمرگ د گردی مرگ د بل ژوندون سائیت کوی
دغه لوخی هوخی بس انسان ته مشغولا ده
کله شته ملگری خو که شته ستا به رحمت کبئی دی
ستا نظر چه نه وی هسی پر خه د سبایدی

هجرا ن

در شعر شاعران

فراق یار که پیش تو هر گاهی نیست
بیاوردل من بین که کوه الو نداشت
« پارسا تو سیر کانی »

عاشق نشدی ، محنت هجران نکشیدی
کس پیش تو غمنامه هجران چه گشاید
« صبحی »

گفتم به بلبلی که علاج فراق چیست ؟
از شاخ گل بخاک فتاد و طپید و مرد
« حزین »

امان نمیدهم گریه آنقدر که پیاسی
بخاک پای تو از چشم اشکبار تو بسم
« محتشم »

شد سپید از غم هجرت و مرادیده ، کجاست
آنکه میگفت که بالای سیه رنگی نیست
« یار »

نفرین

— از سیر افشار —

نفرین خدا برمن اگر بازسوزم
پروانه صفت در دل آتشکده عشق
نفرین خدا برمن اگر قصه بگویم
از این دل دیوانه سودا زده عشق
* * *

نفرین خدا برمن اگر رو بتو آرام
گر رشته جان بگسلد از حسرت دوری
نفرین خدا برمن اگر با تو دوباره
گویم سخنی زین همه اندوه صبوری
* * *

نفرین خدا برمن اگر شعله کشم باز
چون شمع شب افروزی و مستانه بخندم
نفرین خدا برمن اگر پیش نگاهت
چون قطره‌ی، بربل پیمانہ بخندم
* * *

نفرین خدا برمن اگر چشم سیاهم
در مردمک خویش کشد نقش تراباز
نفرین خدا برمن اگر باز به شبها
با این دل سودا زده خویش کنم راز
* * *

نفرین خدا برمن اگر نام تو گویم
نفرین خدا برمن اگر راه تو بویم
نفرین خدا برمن اگر ازل رسوا
نام تو و یاد تو و مهر تو و نشویم
* * *

نفرین خدا برمن اگر پر بکشایم
بر بام تو بیگانه کنم باز همائی
نفرین خدا برمن اگر باز بجویم
راه دیگری پیش تو جز راه جدائی
* * *

چراغ راه زندگی

*- اخلاق آدمی از رفتار و اعمال
او مشهود میگردد و عالیترین نمونه آن
اراده انسانی است که تحت تاثیر مذهب
و معتقدات درست قرار گیرد .

* هر چند سرمشق و نمونه تاثیر
عمیق در ساختمان اخلاقی دارد ولی
شالوده آن باید متکی بقوای روحی خود
شخص باشد .

* اگر انسان نتواند خودش را
از آنچه که هست، بمقامی والا تر رساند
موجودی حقیر و ناچیز خواهد بود .

گفتار بزرگان

از سخنان

پیغمبر اسلام

شش چیز را برای من تعهد کنید
تا بهشت را برای شما تعهد کنم، وقتی
یکی از شما سخن گوید دروغ نگوید
و هنگامی که وعده دهد تخلف نکند
و وقتی امانت با او سپارند، خیانت
نکند، دیده خود را ببیند و دست خود را
نگهدارد و قدرت خود را محفوظ دارد.
در کار دانش یار یکدیگر باشید
و دانش خود را از یکدیگر پوشیده
مدارید که خیانت در علم بدتر از خیانت
در مال است .

پیش از آنکه مرگ فرا رسد توبه
کنید و پیش از آن که گرفتار شوید
کارهای نیک انجام دهید .

* هدیه بیک دیگر دهید تا رشته
محبتتان استوار شود زیرا هدیه محبت
را میافزاید و کینه و کدورت را از
میان میبرد .

* آنکه از گناه توبه میکند مانند
کسی است که مرتکب گناه نشده است
و وقتی خدا بنده ای را دوست
داشت گناه او را زیان نمیرساند .

فروتنی آنکس را سزاوار باشد که
خدواند بر مردمانش برتری داده است .



* - از دشمن دانا مترس و از دوست
نادان بهره‌زیرا دانائی و عقل راراهی
است و دیوانگی گوناگون .

* - از خرد مندان نومید مشو و با
ابلهان دوستی مکن .

* - اگر میخواهی ترا بشناسند هر چه
بر نیرو و بزرگی تو افزوده شود، بر فروتنی
بیفزای .

* - داناترین دانشمندان کسی است
که عقل و دین را با هم دارا باشد .

* - هر کس عقل و خردش از مقام
او کمتر است بزرگی مقام، مایه نابودی
اوست .

* - نادانی است که دل از یاد خدا
تمی دارد .

لطائف و ظرائف

اولی

کار نیک

مردی از پیاده روی جاده می گذشت
دید بچه ای که با مادرش می رود و
گریه میکند پیش رفت و گفت :
خانم ... چرا بچه شما گریه میکند ؟
مادر بچه گفت :

یک شربتی پشت دکان شربتی
فروشی دیده است و آنرا میخواهد .

آن مرد بلافاصله دست در جیب کرد
و یک نوت پنجاه افغانیکی به بچه داد تا
برود و آن شربتی را بخرد ... بچه رفت
و بعد از چند دقیقه خوشحال در حالیکه
شربتی در دستش بود برگشت و بقیه پول
رابه آن مرد داد ... و بعد آن مرد رو
بمادر بچه کرد گفت :

- من امروز چهار کار نیک انجام
داده ام، اول بچه را به آرزویش رساندم
دوم شما از دست گریه این بچه آسوده
شدید، سوم شربتی فروش فروش خود
را کرده و چهارم منم نوت قلبی خود
را چلاندم .

* * *

روزی (هلالی) که از شعرای بسیار
ظریف و مشهور است در مجلس (میرزا
کامران) نشست بود، ناگاه (ترگس)
که او نیز از شعراء لطیف طبع بود بمجلس
در آمد و بالای دست هلالی جای گرفت
و نشست .

هلالی از روی تعرض و تویخ پرسید
که تو کیستی که از من بالاتر نشستی ؟
ترگس گفت، من شاعرم و نامم
ترگس است و ترگس را شباغت بچشم
است و چشم بالای همه اعضا است، از
ایشرو بالاتر نشستم !

هلالی گفت : منم شاعرم و نامم
هلالی بر آسمان است و تیز هلال را با برو
نسبت میدهند و ابرو بالای چشم جادارد
از این سبب مرا از تو بالاتر باید نشست !
ترگس گفت، هلال نام غلام است .
هلالی گفت ترگس هم نام کنیز است .
میرزا کامران و اهل مجلس بسیار
خندیدند و هر دورا تحسین بسیار نمودند !

د کيمياوې او بيولوژيکي وسلو داستعمال

او توليد د مخنيوي مسئله

په عمومي توگه بايد وويل شي چه ټول وسلې او نظامي تجهيزات انسان وژلای شي او دهغه ژوندانه ته خطر لري مگر بيولوژيکي او کيمياوي د نورو وسلو او نظامي تجهيزاتو په نسبت زيات خطر لري او داځکه چه دغه راز يو ازني آلات او وسايل دي چه د انسان په ژونديو سلولونو او ورسونو باندې ناوړه اغيزه کولای شي او د ارگونيزم د ډنگولو دپاره زمينه برابروي. دغه نظريه او ايديالوژي چه بيولوژيکي او کيمياوي وسلې او تجهيزات د ناروغيو د پيدا کيدو او د هغو دخپریدو په برخه کېښي پوره قدرت لري نن سبا د نړيوالو په نژد يوه نوي مخاطره د عمل ډگر ته وړاندې کړيده - مونږ ټول بايد پدې پوره عقیده او باور ولرو چه بيولوژيکي او کيمياوي وسلې د انسان د وژلو او تباه کولو دپاره خورا مؤثر آلات او تجهيزات دي او د همدې له کبله د ملگرو ملتو سرمنشي په دې نژدې ورځو کېښي د کيمياوي او بيولوژيکي وسلو او تجهيزاتو د خطرونو او په راتلونکو تودو جگړو کېښي دهغو د پکار اچولو په باب يو راپور خپور کړ او د ملگرو ملتو د منشي د ټولو غړو هيوادونو توجه ئې دغې لايحې ته را وگرځوله. په راتلونکو جگړو کېښي د کيمياوي او بيولوژيکي وسلو او تجهيزاتو په باب دا و تانت دراپور په جوړولو او برابرولو کېښي د ملگرو ملتو د ديارلسو غړو هيوادو

نامتو پوهانو ، ناکترولوجستانو، کيميا دانانو او مايکرو بيولوجستانو ، برخه واخسته او سرخر گنده شوه چه کيمياوي او بيولوژيکي وسلې او تجهيزات د انسان د ژوندانه دپاي ته رسولو دپاره څوسره اغيزه ناکه ده او څه ډول دغه راز وسايل او منابع که لای شي چه په بيساري توگه د رازاز مکروبي ناروغيو په خپرولو سره - د بشري ټولنو د ژوندانه مانيو ته زيان ورسوي .

تر کومې اندازې چه په دغه باره کېښي معلومات لرو له څومو دې راهسي د ملگرو ملتو د بي وسلې کولو کميته د بيولوژيکي او کيمياوي وسلو او تجهيزاتو د خطرونو په باب په يولي کتنو او تحقيقاتو لاس پوري او تراوسه پوري په دغه باره کېښي يو زيات شمير راپورونه خپاره کړي شويدي نوموړي کميټي زيار ياسي چه د بي وسلې کولو د نورو پراېلمونو دخپرولو په لړ کېښي د بيولوژيکي او کيمياوي وسلو او تجهيزاتو عوارض او ناوړه اغيزي هم تر څيړني لاندې و تيسي او په دغه باره کېښي دخپلواجر آ تو او فعاليتونو راپور د ملگرو ملتو سرمنشي ته وړاندې کړي . شوروي اتحاد د ملگرو ملتو د منشي د نورو ديارلسو هيوادو په جمله کېښي نوموړني هيواد دي چه کوشيش کوي د بيولوژيکي او کيمياوي وسلو او تجهيزاتو دپاره ساحه محدوده شي او د انسان ژوند په دايمي توگه

د دغه راز وسلو له خطر مخخه وژغورل شي . شوروي اتحاد ددې غوښتونکي دي چه په بشپړه توگه د ټولو بيولوژيکي او کيمياوي وسلو داستعمال او پکار اچولو دپاره زمينه محدوده او په دغه باره کېښي د دغه راز وسلو ولرو نسکو هيوادونو تر مينځ يو تړون لاس ليک شي. د بي وسلې کولو په جرگه کېښي د شوروي اتحاد نماينده څو مود. پخوا وويل چه : د ژينو د ۱۹۵۲ کال د پروتو کول له مخه ټول غړي هيوادونه بايد چه يو لوژيکي او کيمياوي وسلو د بنديدلو په باب يو تړون لاس ليک کړي او هغه هيوادونه چه په دغه باره کېښي د ژينو پروتو کول نه دي لاس ليک کړي بايد ډير ژر دغه پروتو کول لاس ليک کاندې .

د يو رتني اصل په نظر کېښي نيو لوسره مونږ دې نتيجې ته رسيدو چه داسرېکي شوروي اتحاد او د نړي نور ستر هيوادونه کوشيش وکړي د بيولوژيکي او کيمياوي وسلې روښان گودا سوله له مينځه يوسي او په آ ينده کېښي هم د دغه راز وسلو او تجهيزاتو د توليد څخه ځان وژغوري بايد وويل شي چه د بيولوژيکي او کيمياوي وسلو داستعمال او توليد د کنترول او مخنيوي په برخه کېښي د نړي يو زيات شمير نور هيوادونه هم لکه د شوروي اتحاد پشان په دغه باره کېښي انديښنه څر گنده کړي او په بشپړه توگه د دغه راز وسلو او

تجهیزات و تولید د مخنیوی غوښتنه‌ئی
کړیده .

دملگرو ملتو ۱۹۶۹ کال دعمومی
ټولنی په غوللو کښی او دغه راز د
ژینو دبی ولسی کولو په خبرو کښی
دبیولوژیکی او کیمیاوی وسلو په باره
کښی تر اوسه پوری پیری خبری
شویدی مگر له بده سرغه تر اوسه پوری
په دغه باره کښی کوم تړون نه دی
لاس لیک شوی .

دژنیو ۱۹۵۲ کال دتاریخی پرو
تو کول له مخه باید وویل شی چه تر اوسه
پوری په زیاترو بحرانو او تودو
جگړو کښی دبیولوژیکی او کیمیاوی
وسلو او تجهیزاتو استعمالولو او پکار
اچولو مخه نیول شویده او دغه پروتو
کول په دوهمه جهانی جگړه کښی زمینه
برابره کړه چه دغه راز ولسی او تجهیزات
په بشر باندی استعمال نه شی، پښائی چه
آپی والوته غر گند شوی وی چه ددوهمی
جهانی جگړی څخه وروسته تر اوسه
پوری یوزیات شمیر نور هیوادونه د
ژنیو پروتو کول لاس لیک کړی او
دغه په غږیتوب کښی شامل شویدی
دغه پروتو کول از زښت او اهمیت
هغه وخت زیات شو چه په ۱۹۶۶ او دغه
راز ۱۹۶۸ کښی دملگرو ملتو مؤسسه
دعمومی ټولنی په غوللو کښی دبیو
لوژیکی او کیمیاوی وسلو دخطر وئو
په باب بحث وکړ او په دغه باره کښی
دغړو هیوادو نوله خواتصمیمونه و نیول
شول، په ۱۹۶۶ او ۱۹۶۸ کالو کښی
دملگرو ملتو سر منشی دعمومی ټولنی
دټولو گډون کوونکو هیوادونو څخه
وغوښتل چه دبیولوژیکی او کیمیاوی
وسلو خواته خپله پوره پاملرنه را
وگرزوی .

اوس اوس چه دنړی په بیلو بیلو
برخو کښی تودی جگړی او بیساری
بحرانونه روان دی دایو ضروری کار
دی چه دژینو دپروتو کول مواد عملی
شی او ددغه پروتو کول دموادو او
مندرجاتو په ملاتړ باندی سر بیره دبیو
لوژیکی او کیمیاوی وسلو دښودلو
دپاره دیو تړون زمینه برابره شی، دبیو

لوژیکی او کیمیاوی وسلو دکنتر ول
او مخنیوی په باب تر اوسه پوری دبی
وسلی کولو په جگړه کښی زیات عقاید
او موفقونه غر گند شویری چه دهغو په
جمله کښی یوهم دانگلستان حکومت
موقف دی - دانگلستان حکومت په دغه
باره کښی پیشه کوی او وائی چه
یوتړون لاس لیک او په هغو کښی یوازی
دبیولوژیکی وسلو استعمال بندشی غر گند
چه دکیماوی وسلو اغیزی دبیولوژیکی
وسلو داغیزو څخه کمی نه دی بودا
به غوره رویه په غای عمل وی چه
دکیمیاوی وسلو دښودلو په باب هم یو
تړون لاس لیک شی .

دوسلو او نظامی تجهیزاتو ددغو
دوو شکونو دمساهلو په باب خبری
همدا وس په ژنیو او نیویا ک کښی
روانی دی ، دملگرو ملتو دمووسی
دسر منشی په رایور کښی وبل شویدی
چه هیڅکله نشی ددای ددغو دواړو
وسلو ترمنځ تو پیر موجود شی او باید
وویل شی چه تر اوسه پوری هیولیند سویدن
او دبی ولسی کولو په کمیسیون کښی
یوزیات شمیر لورو نمایندگانو دپنځون
گړی تو که یوازی په بیولوژیکی وسلو
باندی غیر بدل کړی او له
دغه کار سره بی دخپلوسر بو طو حکومتونو
مخالفت غر گند کړیدی، دژینو دیوی
مؤقری ورځپانې دخبرو له مخی چه په
۱۹۲۵ کال کښی هم دوسلو دواړه
ډولونه په مساوی تو که خطر ناک ښودل
شوی او په مخانگړی ډول دهغو
دښودلو سره مخالفت شوی و .

سره ددی چه دامریکی دمتحده
ایالاتو حکومت تر اوسه پوری دژنیو
پروتو کول نه دی لاس لیک کړی او له
بلی خوا دویتنام په خونړو جگړو کښی
داوښکی توپوونکو گازاتو څخه استفاده
کړیده بیام دبی ولسی کولو د کمیسیون
غړی هیوادونه (دشوروی اتحاد په
گډون) هیله کوی چه امریکه هم پیر
ژر نوموړی پروتو کول لاس لیک او
دبیو لوژیکی او کیمیاوی وسلو په باب
خپل دریځ غر گنده کړی باید وویل شی
چه په انگلستان او لویدیک المان کښی

هم دبیو لوژیکی او کیمیاوی وسلو او
تجهیزاتو په باب یو شمیر مخا لفتونه
روان دی .

په دی حقیقت باندی باید چه اعتراف
وکړو چه همدا اوس دبیولوژیکی او
کیمیاوی وسلو دمخوه کولو او دهغو
داستعمال دښودلو دپاره په کافی اندازه
شرایط او امکانات شته دی، محوموده
پخوا دشوروی اتحاد حکومت په عقیده
د بین المللی سولی او امنیت داسا ساتو
دتمنکیدو او د بشری ټولنو دژوند
دتیا کولو دمخنیوی دپاره اوس له هر
وخت نه زیات دایو ضروری کاردی
چه دبیو لوژیکی او کیمیاوی وسلو او
تجهیزاتو دتولید او استعمال مخه
ونیوله شی .

دباکتریایمیا بیوت او کشف چه دانسان
په بدن کښی دراز راز ناروغیو دپاره
زمینه برابروی په رښتیا سره چه
دبشری ټولنی دپاره یو سخت او ویرونکی
چلنج گډل کبیری د (۱۰۰) کالو
څخه په لږه موده کښی بشر ته موقع
برابره شوه چه د (باکتریایمیا) باکتریای
چه په حقیقت کښی دساری ناروغیو سبب
گرخی (او دفنکس او ویروسونو څخه
عبارت دی) په بشره تو که مطالع شوه .
دفنکس او ویروس دناروغیو د
تداوی او معالجی دپاره ډول ډول
واکسینونو جوړ او د استفادی ډگرته
وراندی شول او دباکتریائی رنځونو
دتشخیص او معالجی کولو په برخه
کښی دکمیو تراپوتیکی عواملو او
اساساتو څخه هم استفاده وشوه .

اوس اوس لکه چه معلومات لرو
په شوروی اتحاد، امریکي او دغه راز
مخ په انکشافو هیوادونو کښی د
ویروسونو او باکتریائی رنځونو د علاج
او تداوی کولو دپاره زمینه په پوره
وجه برابره شویده، دساری ناروغیو
د مبارزی دپاره ضرور دی چه په جهانی
سویه دویروسی رنځونو په مقابل کښی
په مبارزه لاس پوری شی او دا کار
اوس دنړی دروغتیادمووسی په مرسته
ترسره کبیری. شوروی اتحاد په دی
خو وروستیو کلونو کښی دکوی سره

د مبارزې دپاره په يو جهاني فعاليت لاس پورې كړې او په دغه اړخ كښې دنړۍ دروغتيا دپروگرامونو سره هر ډول مادې او معنوي مرستې كړيدي . بايد وويل شي چه تر اوسه پورې يو زيات شمير ميكرو بونه شته دي چه بشر دپاره دزيان په محاي گټه رسولي شي دمثال په توگه دسيكرو بونو غځه وپتاسمينونه او دانتي بيوتيكك دواگانې جوړيږي او هم له ميكرو بونو شته په يو شمير نورو علمي او تحقيقاتي اړخونو كښې كار اخيستل كيږي . دسيكرو اړگونيزم په مرسته دپتروليم او نورو خاصو موادو غځه په مصنوعي ډول دغذايي موادو د برابرولو او جوړولو مسئله اوس حل شويده . يا په بل عبارت سيكرو بيوالوژي په روان عصر كښې دبشر د ژونداند خدمت دپاره داستفادي دگرته وړاندي شوي ده . دپورتني اصل سره اوږه په اوږه بايد وويل شي چه له بده مرغه د ميكرو اړگونيزم دمحينو انكشافاتو او علمي برياليتوبونو غځه د بشر دتباه كولو او وژلو په لاره كښې استفاده كيږي اودمخربووسلو په غير انسانان پري وژل كيږي . خوكلوانه كيږي چه بخيني هيوادونه كوشش كوي په جگړو كښې دبيولوژيكي او كيمياوي وسلو او تجهيزاتو غځه استفاده وكړي او ددغه عمل په تطبيق كولو سره دوي نه يواځي د(بوتانك) بكتريا او ورسونه دانسانانو دوزلود پاره په كار اچوي بلكه په كرونه او باغونو كښې زراعتي حاصلاتو ته هم زيان رسوي . سربيره په دي لكه چه معلومات لرو له خو كولو غځه را په ديخوا دبكتريائي او بيولوژيكي وسلو او تجهيزاتو غځه د جگړود دگروونو او سنگرونو د مقاومت او قدرت د معلومولو په برخه كښې استفاده صورت ليسي . دسوق الجيشي پلانونو او عملياتو له مخي بيولوژيكي وسلې او تجهيزات دانسان ژوند ته ډير ژر خاتمه وركوي . بيولوژيكي او بكتريائي عوامل په حقيقت كښې لكه دكوي - كولرا او داسي نورو

ساري ناروغيو په غير په جهاني سويه خلك تباه كوي - د بيولوژيكي وسلو او عوالمو دنورو خصوصياتو غځه يوه مهم دادې چه په پټه سره خپرېږي او يواځي هغه وخت خړگنديږي چه ديوي ټولني ټولو اوسيدونكي ورباندي اخته شوي وي . دوروستيو څيړنو او علمي تحقيقاتو له مخي د كيمياوي عصري او مېرني وسلو او تجهيزاتو ناوړې اغيزي دلومړي جهاني جگړي داغيزو غځه خوځو واري زياتي دي او دغه وسلې ډير ژر په ملكي افرادو باندي اغيزه كوي . لكه چه مولر ټولونه خړگنده او روپانه ده تر اوسه پورې دوپتنام په جگړو كښې په زرگونو تنو ملكي شهوتارينه وو او كوچنيانود كيمياوي وسلو په واسطه مړه شويدي . دغه راز د دغو جگړو په دوران كښې يوزيات شمير مخكلونو اودوريجو كرونه وته زيان اوپتني دي . خړنگه چه يو شمير هيوادونه د بيولوژيكي او كيمياوي وسلو او تجهيزاتو په جوړولو او توليدولو لاس پورې كړي او تر اوسه پورې ئي له دغو سونو غځه گودامونه جوړ شويدي دا په خورا يو ضروري كاروي چه د بيولوژيكي او كيمياوي وسلو دپراېلم غم وخوړل شي او د روغي له لاري د حل چاره ورته پيداشي . كه چيري د بيولوژيكي او كيمياوي وسلو دتوليد د كنترول او مخنيوي دپاره اقدام ونه شي او كه چيري د بيولوژيكي وسلو اوسني گودامونه محوه اوله منځه يونه وړل شي يقين دي چه ټول بشري مدنيت د نابودي - اوتباهي كندې ته ورو لويږي اودانسان تاريخي مدنيت ته زيان ورسېږي . زيات كلونه كيږي چه مايكرو بيولو جستان او نور پوهان د بيولوژيكي او كيمياوي وسلو د كنترول په باب مظاهري كوي او وائي چه نه يواځي دغه راز وسلې استعمال نې شي بلكه ددغه راز وسلو دتوليد او انكشاف د پاره هم زمينه محدودده شي . د(۱۹۲۵) كال د جون د مياشتي په ۱۷ نېټه په

ژليو كښې يو پروتوكول لاس ليك شو چه دغه غلامه مخي په جگړو كښې دگاز او بكترياميتودونه منع گرځول شوي دي . - دغه پروتوكول ديو زيات شمير هيوادونو له خوا لاس ليك شو (د امريكي غځه پرته) او دادې چه ئن گورو په زياترو جگړو كښې دگاز او بكتريائي عواملو غځه كار اخيستل كيږي . د مايكرو بيولو جستانو په جهاني كانگرس كښې چه په ۱۹۶۶ كال كښې په مسكو كښې جوړ شو فرانسوي نامتو بيولوجست «الدرې ليواف» دنړي دټولو بيولوجستانو غځه وغوښتل چه د بين المللي سولي او امنيت تامين او ټينگيدودپاره د بيولوژيكي او كيمياوي وسلو د استعمال ، توليد او مخنيوي دپاره اقدام وكړي . خو موده پخوا دشوروي اتحاديو شمير ساينس پوهانو ديوه ليك په ترڅ كښې دشوروي اتحاد اود نړي دنورو سيمود ساينس دانانو او بيولوجستانو غځه وغوښتل چه كوښښ وكړي دبشري ټولنو دمرگ دخطر دمخنيوي دپاره سوله همدا اوس له ديولوژيكي او كيمياوي وسلو د كنترول او بندولو په باب اقدام وكړي بايد وويل شي دملگرو ملتو دموسسي له لاري غځه كيداي شي چه بيولوژيكي او كيمياوي وسلې او تجهيزاتو دتوليد او استعمال د پاره زمينه محدودده شي خو په يو شرط چه دنړي ټول كامونه او هيوادونه په دغه مبارزه كښې د ملگرو ملتو له موسسي سره مرسته وكړي . اوس هغه وخت رارسيدلي دي چه بشر بايد د بيولوژيكي او كيمياوي وسلو په خطر ونيو باندي پوه شي اودټولو امكاناتو غځه په استفادي كولو سره كوښښ وكړي چه كه نورغه نه شي كولي خولپ تر ليره دداسي يوي وسلې د استعمال مخه ونيسي . اساسي اقدام به داوي چه بيولوژيكي او كيمياوي وسلو اوسني گودامونه له منځه يووړل شي او په آينده كښې ددغه راز وسلو او تجهيزاتو د توليد دپاره زمينه محدودده شي .



فرشته صلح

بود که برای تامین معاش خود درصدد یافتن وظیفه ساده و منشیگری بود. اودختر «کیتسکی» بود که با درجه قیلمدسارثالی دراردوی اتریش خدمت میکرد. وقتی که «برتا» دیده بجهان کشود، پدرش ازجهان دیده فروبست وخانواده خودرا در فقر و تنگدستی رها کرده بود. «برتا» در نیمه قرن نوزدهم که حکومت اشرافی دروین روبرو بود، پرورش یافت و به چند زبان آشنائی پیدا کرد و در زمینه درام نویسی نیز طبع خود را آزمون نمود. بعداً برای تحصیل آواز زوین به پاریس رفت اما در سال ۱۸۷۳ که دارائی خانواده اش بکلی خلاص شده بود در خانه «بارون ساتنر» معلم چهار فرزند او گردید در آنجا برتا، پسر جوان و زیبای بارون و ن ساتنر را که «آتر» نامیده می شد دید... و بعدها نوشت:

وقتی آتر وارد گردید، اتاق یکدفعه گرم و پرنور شد و شور و دلدل من بپا کرد. بدین ترتیب گل عشق دلدل برتاشکفت، اما ساد «آتر» با این عشق و پیوند سخت مخالف بود، زیرا برتانه فقط نادار و بی چیز بود، بلکه هفت سال از پسر ۲۶ ساله اش

«الفرد نوبل» مخترع دینامیت است و از اختراع دینامیت و فروش آن به ممالک مختلف ثروت هنگفتی بدست می آورد، زنی در زندگی الفرد نوبل وارد میشود که سرشار از حس بشر دوستانه است و همیشه نوبل را برای ایجاد صلح در دنیا تشویق می کند. الفرد نوبل هم تحت تاثیر احساسات پاک این زن قرار میگیرد و در آخر حیات خود طی وصیت نامه تمام ثروت خود را در اختیار اشخاصی میگذارد که در راه صلح قدم مثبت بر میدارند.

تبع و نگارش: دوهم بریدمن محمد اعظم (ذائق)

با اختراع دینامیت ثروت سرشاری بدست آورده و بعد کفاره این اختراع را با تعیین جوایز نوبل پرداخت دیده می شود... و در پشت قیافه الفرد نوبل چهره زنی فراموش ناشدنی و خستگی ناپذیر بنام «بارون برتاون ساتنر» چشم می خورد، که مدت ۲۰ سال علیه جنک عبارت از پرداخت و با مبارزات پیگیر و سرسخت خود، نوبل را تشویق به تعیین جایزه صلح و تخصیص ثروت خویش در راه خدمت بشر کرد.

«برتاون ساتنر» برای اولین بار که نوبل را دید، زنی جوان و تهیدست

در دهم دسامبر، در «اسلو» پایتخت ناروی در برابر عده ای از شخصیت های برجسته و معروف: «فایپ نوبل بیکر» نماینده مجلس عوام انگلوس، بخاطر فعالیت های که برای خلع سلاح عمومی بعمل آورده بود بدریافت جایزه صلح نوبل نائل گردید. در همان روز در «استکهلم» مرکز سویدن برندگان جوایز در پنج رشته که تعیین شده بود جوایز خود را گرفتند.

در پس جایزه صاحب قیافه شکفت انگیز و عبوس «الفرد نوبل» که

بزرگتر بود. بر اثر فشار این زن، برتاتصمیم بااستعفا وتترك شاگردان وعاشق دلسوخته اش گرفت. مادر آرترا که از این تصمیم خوشحال شده بود، اعلانی را که «الفردنوبل» در روز نامه کرده بود، نشان برتاداد. در این اعلان اینطور نوشته شده بود: «یک مرد من و ثروتمند و با معلومات که در پاریس زندگی می کند در صدد استخدام زن میانسانی است که با چند زبان آشنائی داشته باشد و علاوه بر منشیگری اداره خانه را نیز بعهده بگیرد.» «برتتا» نامه ای در جواب این اعلان نوشت و جواب گرسی نیز از نوبل دریافت و بعد برای ملاقات مردی که مادر «آرترا» می گفت مخترع دینامت است، روان شد.

هر دو از ملاقات يك ديگر سخت خوشحال شدند زیرا مردی که با استقبال «برتتا» آمده بود چندان مسن نبود و فقط ۳۴ سال داشت و چهره سياه چرده و پریش او را مردی مهربان و خجول جلوه میداد نوبل نیز بجای «زلی میانسال» زن ۳۳ ساله و جوانی را در برابر خود دید که اندامی دلفریب و خوش ترکیب داشت نوبل که با اختراع دینامت ثروت سرشاری بدست آورده بود، او که مجرد میزیست تمام وسایل راحت و آسایش را فراهم ساخته بود و چون دستکاه ها ضمه اش به علت بلعیدن دود و بخار «نیتر و کلسیرین» که در ساختن دینامت یکار میبرد، مختل و خراب شده بود يك آئینز ماهر نیز استخدام کرده بود برای خود اسب های چابک و گادی مجالی نیز خریداری کرده بود و در باغ عمومی شهر با گادی شاهانه اش بسواری و گردش می پرداخت در کتابخانه خود بعضی اوقات مجلس بحث ترتیب میداد و اطلاعات جدید در زمینه ادبیات و فلسفه که سخت مورد علاقه اش بود، بدست می آورد. «نوبل» با ادب و تشریفات بسیار منشی اشرف زاده خود را به هوتلی

که برایش اتافی باهمه وسایل ریزرف کرده بود هدایت کرد و بعد او را برای صرف نان چاشت همراي خود برد، پس از صرف آن نوبل برای منشی خود به تشریح سیاست هنر، مسئله حیات، آینده بشر بصحبت پرداخت و او را مستمع و عم صحبت خوبی یافت در با مداد روز بعد «برتتا» در دفتر نوبل مشغول کار شد و با اصطلاح با و هم منزل شد.

«برتتا» در دفتر کار نوبل با صنعت اسلحه سازی و تولید مواد منفجره آشنا شد و از این بابت نفرت و انزجار شدیدی در خود احساس کرد، نوبل مخترع دینامت با محافل سیاسی جهان ارتباط داشت و با حفظ بیطرفی اهر دو طرف که با هم اختلاف و نزاع داشتند مواد منفجره می فروخت.

اما با وجود این او مرد رؤف و رفیق القلب بود و برای اینکه خدمتی به بشریت کرده باشد مرتب چک های با ارقام درشت برای موسسات خیریه می فرستاد ولی اعتقادی باین قبیل موسسات نداشت و معتقد بود که وضع دنیا و بشریت در صورتی بهبود خواهد یافت، که مردمی با مغز سالم و افکار درست متولد بشوند و این عقاید را هنگامیکه مطالبی را دیکته می کرد تا «برتتا» بنویسد، برای او می گفت و در پیرامون آن به بحث های مفصل و دقیق میپرداخت.

گرچه «برتتا» از زندگی با نوبل و وظیفه جدیدش راضی اما هرگز نتوانسته بود که «آرترا سانتز» را فراموش کند و هر روز نیز نامه ای از طرف «آرترا» برای «برتتا» می رسید که بسیار پرسوز و گداز و شورانگیز بود، یگروز خواهر آرترا ضمن نامه ای برای برتتا نوشت که آرترا از دوری او سخت رنج می برد و اغلب بدون اینکه لب به سخن بگشاید در گوشه غمگین و اندوهناک می نشیند و بفکر فرو میرود.

بدین سبب روزی که نوبل برای تأسیس يك کار خالنه جدید تولید دینامت به استکهلم رفته بود برتا نامه ای تشکر آمیز برای نوبل نوشت و فقط قطعه جواهر کوچکی که داشت برداشت و تکت تهیه کرد. و باریل سریع السیر را وین را در پیش گرفت و بسراغ محبوبش رفت. چند هفته بعد، «آرترا» و «برتتا» در کلیسای کوچکی میوند ازدواج بستند و آنگاه به «مینگرلها» از شهر های کوچک قفقاز رفتند. ماه عسل ایشان در این شهر کوچک ۹ سال طول کشید و در این مدت زن و شوهر جوان بطور بخور و نمیر روزگار را گذرانند. روزها آرترا بعنوان دقتدار در يك فابریکه کاغذ سازی کار می کرد، و برتابه فرزندان اشرف درس آواز و پیانو میداد.

در سال ۱۸۷۷ که روسیه تزاری به ترکیه اعلان جنگ داد، قفقاز بصورت ذخیره مخانه مهمات درآمد، برتا اچشمان مضطرب شاهد وقوع جنگ خونین بین دو دولت متحد گرد بود و میدید که از يك طرف جوانان رهسپار جبهه می شوند و از سوی دیگر زخمی باز می گردند، احساسات باک و حس بشر دوستانه اش و ادارش ساخت که در محل تجمع سربازها به تداوی و التیام سربازها بپردازد. و بدین ترتیب خواست احساسات نیک خود را عملی بسازد.

در زمان جنگ شوهرش به نوشتن يك سلسله مقالات اقدام کرد و آنها را در روز نامه های وین برای نشر میفرستاد. وقتی جنگ خاتمه یافت آرترا در قفقاز و آرتراش شهرتی از راه نویسندگی کسب کرد. برتا نیز برای اینکه از شوهرش عقب نماند، مقاله ای بنام مستعار برای یکی از روز نامه های آتریش نوشت و از بابت آن چند پولی پیدا کرد. بدین ترتیب زن و شوهر جوان در راه نویسندگی طبع خود را آزمودند و در این زمینه مهارت و معرفیت قابل ملاحظه ای بدست آوردند.

طفل شما

(بقیه صفحه ۵۳)

۳- طالب دوستی است و از کارهای خارج منزل لذت میبرد و با بچه های دیگر همکاری میکند.

تأثیر و نفوذ خانواده در رفتار و کردار طفل:

توجه جسمانی طفل باعث راحتی و سلامتی او میگردد. پایه و اساس رفتار و کردار طفل منوط بر رفتار و کردار والدین و سایر افراد خانواده میباشد. طفل شما مانند گلی که باران و آفتاب را بخود جذب میکند اعمال و کردار شما رایاد میگیرد.

باید او را طوری بار آورد که بیموده ترس بدل خود راه ندهد. راست گوئی و عدالت را سرمشق خود قرار دهد و در مقابل مسائل زندگی خود رانبازد، باید با کمال دقت مواظب نشوونمای او بوده کارهای خوب او را تشویق و اعمال بد و ناپسندیده او را از راه تدبیر و عقل از او دور ساخت. در تربیت طفل باید کاملاً دقت نمود تا در عین اینکه علاقه خود را باو نشان میدهد و باو میفهمانید که همه او را دوست دارند خود خواه و لوس بار نیاید بطوریکه او فکر کند هم وسایل منزل و افراد خانواده برای خاطر او بوده و دیگران حقی با آنها ندارند و بالاخره باید او را برای جامعه عضوی مفید بار آورد، اگر شما مادران عاقلی باشید نباید مانع آزادی او بشوید باید او را آزاد بگذارید تا بتواند یک زندگی با سعادت و آتیه درخشان برای خود بدست بیاورد. در موارد لزوم نصیاحی که بافهم طفل نزدیک باشد از هر قبیل باو بدهید و او را رهنمائی کنید، طفل هرچه بزرگتر میشود باید بیشتر باو حرف زد و او را مشغول کرد. (پایان)

عالمگیر شد و از همه بیشتر الفرد نوبل او را مورد تشویق قرار داد و تلاش وی را برای حفظ صلح ستود. «برتا» که نظر موافق نوبل را جلب کرده بود، از او تقاضا کرد که در کنگره صلح «برن» اشتراک کند. نوبل با نام مستعار به برن رفت و گرچه در جلسات کنگره شرکت نکرد. اما تقاضا کرد که او را از تصمیمات کنگره مطلع سازند تا آنچه از دستش بر می آید بخاطر ایجاد صلح انجام دهد... در اواخر سال ۱۸۶۹ که وضع صحنه نوبل روبه وخامت گذاشته بود ضمن نامه ای برای «برتا» نوشت: «آرزوی من اینست که نهضت صلح کاملاً نضج بگیرد و بهدف خود برسد» سه هفته بعد الفرد نوبل مخترع دینامیت از جهان دیده فرویست و بر طبق وصیت نامه اش ثروت خود را برای اعطای جوایز نوبل تخصیص داد. اولین جایزه نوبل در ۱۹۰۱ داده شد. «هنری دو نانت» اولین برنده جایزه صلح نوبل ضمن نامه ای به «برتا» نوشت:

«این جایزه به اثر فعالیت شما میرسد گرامی بمن تعلق گرفت. زیرا تحت تأثیر افکار شما نوبل به نهضت صلح توجه پیدا کرد و به پیشنهاد شما، طرفدار آن شد.»

البته شرط عقل نیست که بگویم نوبل، مخترع میلوئر، باصرار «برتا» و صرفاً بخاطر او و ثروتش را بجوایز نوبل تخصیص داد. اما نمیتوان منکر شد که فعالیت های صلح جو یانه این زن فداکار تحول فکری شگرفی در الفرد نوبل بوجود آورد و او را با ابتکار تشویق کرد... و به همین جهت بود که در دهم دسامبر ۱۹۰۵، در اوسلو، نخستین زنی که برای دریافت جایزه صلح نوبل قدم پیش گذاشت، کسی جز «برتا» نبود! (پایان)

در سال ۱۸۸۵ که برتا و آرتر با موفقیت به وین مراجعت کردند با استقبال گرم پدر و مادر خود روبرو شدند و پدر و مادر برتا آنها را بخشیدند و در تصر خود ایشان را جای دادند.

در این ضمن برتا و الفرد نوبل بوسیله مکاتبه روا بط خود را حفظ کرده بودند و از حال یکدیگر خبر داشتند. به همین جهت وقتی برتا و آرتر به پاریس رفتند، نوبل که از موفقیت ادبی برتا خوشحال شده بود، قدم ایشان را گرامی داشت و در آزمایشگاه شخصی خود، درباره تجربیات تازه ای که بدست آورده بود با آنان صحبت کرد و پذیرائی گرمی از مهمانان خویش بعمل آورد.

در این هنگام، صحبت های درباره «بیسمارک» و وقوع جنگ دیگری در اروپا بر سر زبانها افتاد و برتا که از جنگ خاطرات وحشتناکی داشت، سخت ناراحت و مضطرب شد... و چون شنید که برای حفظ صلح مجلسی بنام «مجلس حکمیت و صلح بین المللی» در لندن تشکیل شده است، فوراً با این مجلس ملحق شد. نوبل در عین حال که افکار «برتا» را می ستود، معتقد بود که برای حفظ صلح باید سلاحی اختراع شود که قدرت تخریبی آن فکر جنگ را بکلی از بین ببرد، اما برتا معتقد بود که برای حفظ صلح باید کتابی نوشته شود که همه مردم دنیا را متقاعد کند برای نوشتن چنین کتابی برتا کمر همت بست و برای اینکه این کتاب برواقیت متکی بوده و قرین به حقیقت باشد با بسیاری از اشخاص بزرگ عسکری به گفتگو پرداخت، بحث های جنگی فراوانی را مطالعه کرد و بعد کتاب موثر و مهمی تحت عنوان «اسلحه خود را بر زمین بگذارید» نوشت. این کتاب با استقبال فراوانی روبرو شد و به ۱۲ زبان ترجمه شد. با انتشار این کتاب، شهرت «برتا»

مذاکرات هلسنګی در باره محدود کردن

سلاح استراتیژیکي

Strategic - arms Limitation

قدرت های بزرگ تماماً موجبات رافراهم کرد تا هر دو طرف به این مسئله حیاتی دلچسپی گرفته و نظریات شان به هم توافق پیدا کند. مگر با وجود آن گفته نمیتوانیم که در این راه موفقیت های فوق العاده نصیب شده و راجع به تمام پروبلمهای مربوط به این موضوع توافق کلی بین طرفین به عمل خواهد آمد بلکه منظور اصلی مذاکرات فعلی جلوگیری از توسعه روز افزون مسابقات تسلیحاتی و ثابت نگه داشتن موازنه فعلی در تولید سلاح استراتیژیکي مانند راکت های دور پرواز ، طیارات بمبارد بزرگ و پیشرفته و سیستم های دفاعی ضد آنها می باشد وزیر خارجه امریکا و لیام راجر *William Roger* ضمن اظهار نظر گفت: (چیزی را که ما توقع داریم می توانیم عملاً انجام دهیم) وی اضافه کرد: هدف مذاکرات راجع به محدود ساختن سلاح استراتیژیکي رسیدن به موافقه ایست که ما را به موقف های نسبتی فعلی نگه داشته و برای طرفین قابل بررسی باشد .

اولین وظیفه هیئت های طرفین در مذاکرات هلسنګی این است که ایشان صریحاً فیصله نمایند تا بالای کدام مواد مباحثه صورت گیرد و بعداً مطابق آن اجندای مذاکرات را ترتیب نمایند .

ریاست هیئت امریکارادر مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاح استراتیژیکي گیرارت سمت *Gerard Smith* رئیس اداره کنترل و خلع سلاح ایالات متحده به عهده دارد سمت که یک دیپلومات سابقه دار و باتجربه است رول مهم اساسی را در برقراری لین گرم (ارتباط مستقیم تیلیفونی بین قصر سفید و کریملن) بین واشنگتن و مسکو بازی نموده است رفقای معیتی وی در این مذاکرات عبارت اند از فلیپ فارلی *Philip Farley* معاون اداره خلع سلاح ، پاول نیتز *Paul Nitze* معاون سابق وزارت دفاع امریکا، هارولد برون *Harold Brown* رئیس استیوت تکنالوژی کالیفرنیا و یک تکنسین مجرب و عالی رتبه و بالاخره تامسن *Llewellyn thompson* مسابق

مسئله مهم و قابل تذکر در باره مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاح استراتیژیکي که چندی قبل در هلسنګی افتتاح شد موافقت هر دو طرف برای شروع آن است . طی بیست و چهار سال جنگ سرد اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا هیچگاه به پیمانۀ توافق و خوشبینی پیدا نکردند تا آنچه مذاکرات را ترتیب دهند که هدف آن بطور واضح جلوگیری از توسعه و انکشاف روز افزون سلاح بسیار قوی و تباه کن ذروی باشد .

در گذشته همیشه هر یک از دو قدرت بزرگ خود را به قدر کافی قوی و پیشرفته قلمداد کرده و نمیتوانستند در شروع مذاکرات راجع به خاتمه بخشیدن مسابقات تسلیحاتی ذروی و استراتیژیکي پیشقدم شوند و بدین ترتیب در نتیجه خود را ضعیف تر نسبت به طرف مقابل جلوه دهد .

مگر در این اواخر بعد از انکشافات محیر العقول تکنالوژیکی و علمی در ساحت سلاح ذروی و علاوه شدن و تکامل یافتن سیستم های جدید و پرمصرف مانند راکت های قاره پیمای بالستیکي *Intercontinental ballistic missile (ICBM)* و سیله مخصوص و مجهز با سر گلوله های مستقل و قابل رهنمائی ذروی (*MIRV*) *entry Vehicle* و *Multiple Independently Targetable Re-entry Vehicle (MIRV)* و بلاخره سیستم های دفاعی ضد مرمی های بالستیکي (*ABM*) *Anti - Ballistic Missile* در قاموس دیگر سلاح نظامی



سمیفوف رئیس هیئت شوروی

سفیر ایالات متحده در مسکو شخص که تجربه طولانی در تحلیل و تفسیر مفکوره های شوروی دارد.

رئیس هیئت شوروی در مذاکرات مذکور سیمینوف یکی از سیاستمداران مدیر و آزموده شده بعد از جنگ عمومی دوم و متباقی اعضای هیئت را عده از جنرالهای باصلاحیت و مقتدر وزارت دفاع شوروی تشکیل می کنند. همچنان شخص با موقف مشابه تا مسن در هیئت مذکور شامل است این شخص گیورگی کورنین کور *Georgi Kornienko* آمر بخش امریکائی وزارت خارجه شوروی است مردی که در میان دوستان خویش به متخصص پسیکولوژی امریکا شهرت دارد بر علاوه اشخاص فوق او نفر سیا تیست ورزیده نیز از جمله هیئت شوروی اند.

مذاکرات فعلی نسبت به مذاکرات خلع سلاح که در سالهای قبل صورت گرفته فرق اساسی دارد زیرا تغییرات زیادی در سالهای اخیر در زمینه صورت گرفته - از آنجمله یکی هم تمایل شوروی راجع به خاتمه دادن به مسابقات تسلیحاتی ذروی است زیرا شوروی ها بالاخره حاضر شدند تا مسابقات تسلیحاتی استراتژیکی را ختم کنند.

اولین پیشنهاد در باره جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی بعد از جنگ عمومی دوم از ابتکارات رئیس جمهور آنوقت ایالات متحده ترومن *Truman* بود که توسط *Bernard Baruch* به عمل آمد و هر گاه طرفین در زمینه به توافق میرسیدند شوروی ها چانس آنها را از دست میدادند تا اولین بمب اتمی خویش را توسعه و تکمیل کنند طبق پیشنهاد مذکور قرار بود ایالات متحده تمام ذخائر سلاح اتمی خویش را بدسترس و کنترل موسسه ملل متحد بگذارد چون در آنوقت امریکا و متحدینش در موسسه مذکور اکثریت مطلق داشتند طبعاً پیشنهاد رئیس جمهور امریکا به مخالفت شوروی ها روبرو گردید.

پیشنهاد های بعدی در اثر عدم توازن که در قدرتهای ذروی طرفین خواه به صورت حقیقی و یا تخیلی محسوس میشد رد میگردد بالاخره بعد از اینکه امریکا و شوروی در انکشاف ذروی به پیمانیه مشابه رسیدند نظریات شان به هم نزدیکتر شد.

قرار داد منعقد شده سال ۱۹۶۳ که آزمایش های اتمی را



گیر آرت سمیت
رئیس هیئت
امریکا



تظاهرات مردم
امریکا بر علیه
تأسیس سیستم
دفاعی ضد مرمی
های بالسنهکی

در اتومسفر زمین منع قرار داد، بهترین و بزرگترین دلیلی بود که طرفین خطر انهدام و سقوطی را که به طرف آن در مسابقه بودند درک کردند.

همچنان معاهده منع انتشار ذروی در ۱۹۶۸ دلیل دیگری از علاقه طرفین در باره محدود نگاه داشتن سلاح اتمی و جلوگیری از رسیدن آن به ممالک دیگر محسوب میگردد طبق معاهده مذکور باید سلاح اتمی منحصر به چند مملکت شامل گلپ اتمی باشد.

در این اواخر امکانات برای خاتمه بخشیدن به مسابقات تسلیحاتی ذروی به پیمانیه بی سابقه به وجود آمده و هر دو کشور دارند سلاح ذروی یعنی شوروی امریکا دارای قدرت های مشابه ذروی اند می توانند در صورت وقوع کدام جنگ از خود دفاع نمایند همانطوریکه چندی قبل وزیر امور خارجه امریکا اظهار کرد (امریکا قادر است به هر گونه تجاوز طرف خصمانه که درین راه قدم اولی را بردارد جواب مقتع بدهد.

امروز هر دو قدرت بزرگ به چندین پروبلم خارجی مواجه اند، شوروی با چین و پروبلمهای از ناحیه ممالک اروپای شرقی و ایالات متحده از ناحیه ویتنام و بدن ملحوظ هر دو طرف از توسعه روز افزون مسابقات تسلیحاتی خسته شده اند.

چنانچه ویلیام راجر وزیر امور خارجه امریکا ضمن اظهار عقیده در این موضوع گفت (مصارف و انکشاف امور نظامی اگر بعضی منافع کوچک را هر دو بردارد از نظر اقتصادی منابع بزرگی را که شاید در قسمت های دیگر انکشاف حیاتی و مدنی ضرور باشد غیر از راه اصلی آن به مصرف میرساند) بادرک حقیقت فوق اتحاد شوروی حاضر شد که در اواسط سال ۱۹۶۸ مذاکره در اطراف محدود کردن سلاح استراتژیکی را شروع نماید و با استفاده از مساعدت مذکور لیندن جانسن رئیس جمهور سابق ایالات متحده میخواست تادر روزهای اخیر حکومتش به یک سلسله موافقات عمده و اساسی درباره مسائل نظامی با اتحاد شوروی برسد مگر جریانات آنوقت چکوسلواکی تشنجات را در روابط مملکتین

به وجود آورد و امریکارا سبجوربه صرف نظر نمودن از مفکوره مذاکره در باره محدود ساختن سلاح استراتژیکی نمود . در روز های تحلیف پرزیدنت نکسن شوروی ها دوباره آمادگی خود را برای مذاکره اظهار کرد مگر ایالات متحده همچنان به موضوع مذکور قسماً علاقه نمیگرفت زیرا نکسن در شروع حکومت خود به معضله جنگ در ویتنام ، مسایل خلع سلاح و غیره پروبلمها مواجه بود . بالاخره وقتی چندی قبل نکسن فیصله کرد که مذاکرات در باره محدود کردن سلاح استراتژیکی باید شروع شود و بدینترتیب دو دولت امریکا و شوروی در این راه قدم عملی به جلو برداشتند با وجود این توافق مذاکره در باره محدود کردن سلاح استراتژیکی به -والها و پروبلمهای پیچیده و مشکل بیشمار روبرو خواهد شد از آنجمله یکی آن پروبلم آجنده مذاکرات بود که فعلاً طرفین راجع به آن به توافق رسیده اند . همچنان مشکلات دیگری نیز در زمینه موجود است به طور مثال شاید عوام این طور تلقی کنند که - اسلحه نوع (MIRV) اضلاع متحده و راکت های عظیم الجثه و با قدرت نوع SS-9 شوروی هر دو تقریباً سلاح مشابه اند و بدینترتیب هر دو سلاح مذکور میتواند از قلموس سلاح استراتژیکی به صورت معامله متقابل یک مقابل یک بیرون کشیده شود مگر این مسئله غیر عملی به نظر میرسد که یکی از این دو کشور قبول کنند که دو اسلحه فوق الذکر به کلی با هم قابل مقایسه اند . به نظریات ایالات متحده راکت های قاره پیمای SS-9 شوروی با قدرت حمل حجم خیلی بزرگ سلاح ذروی و وظیفه دارد تسلیوها و مخازن راکت های قاره پیمای امریکائی را امحاء نماید در حالیکه راکتهای قاره پیمای نوع (Minuteman III) و Poseidon نوع (MIRV) امریکا دارای قدرت حمل حجم کوچکتر سلاح ذروی بوده و برای تخریب شهر ها و مناطق صنعتی در نظر گرفته شده نه برای مخازن سلاح استراتژیکی . هر گاه اتحاد شوروی بخواهد با محدود ساختن سیستم (MIRV) امریکا اقدام بالمثل کرده باشد باید سیستم دفاعی ضد سرمی های بالستیکی خویش را که در اطراف مسکو تعبیه شده محدود نماید زیرا ما موریت اصلی و عمده سیستم مذکور با وجود تهدید که از طرف جمهوریت مردم چین متوجه شوروی است هنوز هم مقابل راکت های قاره پیمای امریکائی است .



راکت شوروی
در سیمبلی
مخصوص آن

پرو بلم مشکلتر و دامنه دار در مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاح استراتژیکی عبارت از تعیین مبرحد بین سلاح استراتژیکی و تکنیکی و تمیز آنها از یکدیگر است که باید طرفین در این اصل مهم به موافقه برسند .

اتحاد شوروی فعلاً دارای ۷۰۰ راکت قاره پیمای دارای منزل انداخت متوسط میباشد که هر یک آن قابلیت رسیدن به اهداف خویش را در شهر های مختلف قاره اروپا دارند . مگر ایالات متحده راکت های دارای منزل کوتاه را که در پایگاههای نظامی آنکشور در اروپای غربی متمرکز اند سلاح تاکتیکی می شمارد نه استراتژیکی و ادعا میکند که موضوع راکتهای مذکور در مذاکرات هلستنگی مطرح شده نمیتواند در حالیکه از قراین برمی آید شوروی هاشدیداً توقع دارند تا راکت های امریکائی واقع در پایگاههای اروپائی آن در مذاکرات مربوط شامل ساخته شود .

مسئله توازن قوه در اروپا رول عمده را در توافق مذاکرات مربوط به محدود ساختن سلاح استراتژیکی دارد ، زیرا مساعی روز افزون برای تقلیل قوت های نظامی پیمان ناتو (NATO) ممالک ذی علاقه آن پیمان را متعایل میسازد تا در پلانهای دفاعی آینده بیشتر بالای سلاح ذروی تکیه کرده و شمول آن را به پیمانته وسیع تر در قدرتهای نظامی شان تأیید نمایند .

(حقیقت فوق چندی قبل وقتی به میدان آمد که یکی از کمیته های ناتو خطوط اساسی و پلانهای معینی را برای استعمال سلاح ذروی در موقع وقوع کدام جنگ احتمالی ارائه کرد ممالک عضو پیمان ناتو همچنان در نظر دارند تا به هیئت امریکا در مذاکرات هلستنگی خاطر نشان کنند که در حین مذاکرات یک تقلیل دو جانبه را در قدرتهای استراتژیکی در پیمان نظامی اروپائی یعنی ناتو و وارسا در نظر داشته باشد



راکت نوع
Sprint
امریکائی

آن مدنظر است طیارات مذکور که به نوع B-1 مشما خواهد شد طیارات B-52 را که فعلا مهمترین بمبارد اضلاع متحنه را تشکیل میکنند خواهد گرفت .

طیارات انکشاف یافته و جدید استراتژیکی حامل انسان نظر به طیارات B-52 مزایای زیادی دارد سرعت آن مافوق سرعت صوت خواهد بود ، چون در ارتفاعات خیلی پست پرواز کرده میتواند قابلیت آنرا دارد که از تأثیرات امواج را دار دشمن به نسبت پرواز خیلی پست خود را محافظه کند ، بمبارد جدید بر علاوه قدرت حمل بمب های ذروی میتواند مو شکهای نوع (SRAM) یعنی دوشکهای هوا به زمین دارای منزل انداخت کوتاه و بعضی انواع دیگر را کتهای استراتژیکی را به هدف برساند .

مخالفین و انتقاد کنند گانی پروژه ۱۲ بلیون دولاری (AMSA) عقیده دارند که بمبارد جدیدی حامل انسان با پیشرفت ها و تکامل پروژه های را کتی اهمیت خویش را از دست دانه و در آینده متروک خواهد شد .

II-مجاریه ضد تحت البحری (ASW):

Anti-Submarine Warfare دو قدرت بزرگ جهانی یعنی شوروی و امریکا برای کشف و تخریب تحت البحری های حامل مو شکهای ذروی که موقعیت آنها در ابجار به شکل تثبیت شده میتواند راههای مختلفی را توسعه و جستجو میکنند و برای رسیدن به این هدف به پیمانہ خیلی وسیع و مصارف بولی را منظور کرده اند ، با وجودیکه بعضی موفقیت های تخنیککی و علمی در زمینه صورت گرفته مانند ایجاد دستگاه های حساس و متعلق Sonar برای این مقصد باز هم تحت البحری های نوع پولاریس (Polaris) امریکائی و به احتمال قوی تحت البحری جدید روسی نظر به دستگاه های موجود دفاعی که به مقابل آنها تهیه شده تا اندازه زیاد آسیب ناپذیر و مقاوم معلوم میشوند .

باید متذکر شد که با موجودیت تحت البحری های پولاریس ضمانت شده نمیتواند که آنها معافیت خود را با وجود پیشرفت های تکنالوژیکی و میانسی برای همیشه حفظ کنند در آینده امکان دارد توسعه سیستم های دفاعی ضد تحت البحری کریدت و معافیت فعلی آنرا به پیمانۀ تلافی ناپذیری تقلیل دهد . و بدینتر تیب دشمن را جسارت خواهد داد تا به حمله اولی اقدام کند .

III- سیستم بمبارد مان از یک مدار نامکمل (FOBS) Fractional Orbital Bombardment System

عبارت از راکتهای قاره پیمای بالستیکی اند (ICBM) که قابلیت استعمال را در مدار های نامکمل و خط السیر های رهنمائی شده دارند .

این میتود جدید پرتاب راکتهای قاره پیمای بالستیکی از طرف شوروی ها کشف و توسعه داده شده که در این اواخر در صحنۀ مسابقات تسلیحاتی شامل گردیده، درین سیستم راکتهای ذروی را در یک مدار نزدیک به سطح زمین قرار

تابدینتر تیب راه برای قبول پیشنهاد شوروی راجع به یک کنفرانس امنیت اروپائی هموار گردد .

طوریکه از بیانات فوق برمی آید در مذاکرات تجدید سلاح استراتژیکی طرفین به پروبلمهای خیلی مهم و بغرنج روبرو خواهند شد که برای رسیدن به توافق باید حقایق در زمینه بدقت باز رسی شود. هیچ يك از دو قدرت بزرگ جهانی تمایل ندارند تا مسئله انکشاف و آزمایش سلاح جدید در مذاکرات مربوط لاینجل باقی بماند زیرا توازن موقتی و مشکوک علمی و تکنالوژیکی فعلی که امکانات مذاکرات را فراهم کرده شاید برای همیشه به شکل موجوده آن باقی نماند طوریکه ویلیام فوستر W.C. Foster آمر سابق اداره کنترل و خلع سلاح ضمن اظهار نظر گفت :

(ستاره ها و سیاره های تکنالوژیکی فعلا در یک موقف خیلی مساعدی باهم روبرو هستند و شاید در موقعیت فعلی برای مدت زیادی باقی نماند) .

درین وقت که بالاخره دو قدرت بزرگ جهانی حاضر شدند تا در بارۀ محدود کردن سلاح استراتژیکی مذاکره کنند بی مورد نخواهد بود اگر انواع مهم سلاح ذروی را که تا الحال به میدان آمده یا در آینده انکشاف آن مدنظر است با سلسله های دفاعی که برای مقابله با آنها توسعه داده شده به صورت خلص مورد بررسی قرار دهیم .

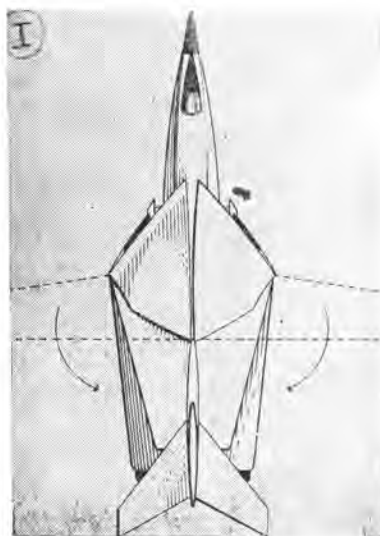
در مسابقات تسلیحاتی ذروی و استراتژیکی

تا کجا رسیده ایم

I- طیارات انکشاف یافته و جدید استراتژیکی حامل انسانی . (AMSA)

Advanced Manne Strategic Aircraft

(AMSA) طیارات خیلی جدید و مدرن مخصوص بمبارد مان است که در این اواخر برای قوای هوائی امریکا ساخته



V راکت‌های قاره‌پیمای بالستیک نوع *Minuteman*:

راکت‌های خیلی عمده و اساسی اضلاع متحده آمریکا بوده که فعلاً در حال توسعه و انکشاف بیشتر است. راکت مذکور دارای دو مرحله بوده و منزل انداخت آن در حدود ۸۰۰۰ میل است. فعلاً ایالات متحده آمریکا به تعداد ۱۰۵۴ راکت قاره‌پیمای بالستیک به اختیار دارند.

اتحاد شوروی ۱۳۰۰ راکت قاره‌پیمای بالستیک آماده نموده است. اما راکت‌های شوروی قدرت حمل سلاح اتومی را به حجم بزرگتر داشته و بدینصورت شوروی‌ها برتری خویش را با بدست داشتن راکت‌های ذره‌وی که قوه تخریبی آن‌ها به سیگانی نسبت به راکت‌های مشابه آمریکائی آن زیاد است حفظ کرده اند.

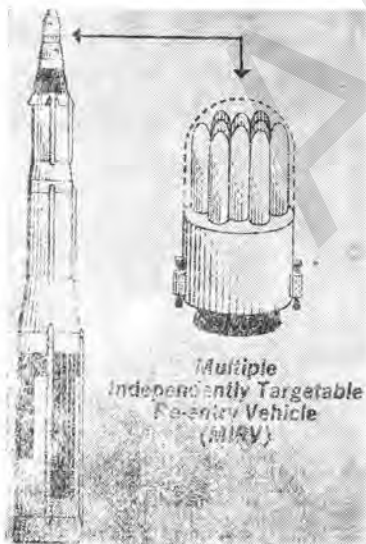
راکت‌های قاره‌پیمای موسوم به *Minuteman* قدرت آنرا خواهد داشت اتومی نوع (*MIRV*) را حمل و به هدف برساند.

VI وسیله مخصوص مجهز با سر گلوله های مستقل

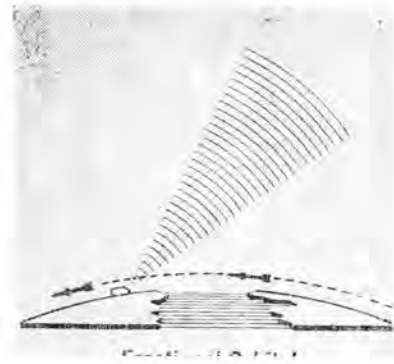
و قابل رهنمائی ذره وی: (*MIRV*)

Multiple Independently Targetable Re-entry Vehicle

مجموعه یادسته، از سر گلوله‌های ذره‌وی است که در انتهای مخروطی شکل یک راکت قاره‌پیمای بالستیک قرار دارند. هر یک از سر گلوله‌های مذکور قابلیت مانور و رهنمائی را به اهداف جداگانه و مختلف دارند. سر گلوله‌های نوع (*MIRV*) دارای دو امتیاز مهم اوپراتیوی است. اولاً از یک راکت قاره‌پیمای بالستیک استفاده وسیع برای ازین



بردن چندین هدف صورت می‌گیرد و ثانیاً با پراکنده ساختن یکتعداد زیادی از سر گلوله‌های ذره‌وی حقیقی و سر گلوله‌های غیر حقیقی زمینه اشتباه رادار دشمن را در وقت تمیز نمودن سر گلوله‌های حقیقی و غیر حقیقی مهیا ساخته و سیستم‌های دفاعی دشمن را بی کفایت می‌سازد.



داده و قبل از تکمیل نمودن دوره مکمل مداری دوباره آنرا به داخل اتموسفر زمین رهنمائی و بعد تحت یک زاویه معینی می‌توان آنرا به هدف اصابت داد.

راکت‌های قاره‌پیمای که در مدار نامکمل (*FOBS*) قرار گرفته می‌توانند مزایای نسبت به دیگر راکت‌های قاره‌پیمای دارند مثلاً آن‌ها در ارتفاعات خیلی پست فرار گرفته می‌توانند (به ارتفاع ۸۵-۱۰۰ میل از سطح زمین) در حالیکه راکت‌های قاره‌پیمای بالستیک معمولی در یک مدار به ارتفاع ۶۰۰ از سطح زمین قرار می‌گیرند.

برای رادارهای دشمن تشخیص راکت‌های سیستم (*FOBS*) خیلی مشکل نسبت به راکت‌های قاره‌پیمای معمولی است اما نسبت به راکت‌های معمولی قاره‌پیمای کمتر دقیق بوده و قابلیت حمل حجم کوچکتر سلاح اتومی را دارد.

در فکتور فوق ایالات متحده را واداشت تا از انکشاف و تعقیب پروگرام سیستم (*FOBS*) چندین سال قبل صرف نظر کند.

اما اتحاد شوروی تصمیم گرفت تا یک مدل اوپراتیوی این سیستم را توسعه و انکشاف دهد و به این ترتیب به تأسیس یک شبکه وسیع سیستم (*FOBS*) بپردازد. این مسئله ایالات متحده را مجبور می‌سازد تا در زمینه تجدید نظر کرده و مؤثریت سیستم بهیچادمان از یک مواد نامکمل را نسبت به سیستم دفاعی ضد مرمی‌های بالستیک (*ABM*) در پلان‌های موجوده نظامی در نظر بگیرد.

IV سیستم دفاعی گالوش *Galosh*: گالوش اسم

کوئدست که از طرف پیمان نظامی ناتو برای سیستم دفاعی ضد مرمی‌های بالستیک شوروی استعمال میشود. فعلاً اضافه‌تر از ۶۷ شبکه آن در اطراف مسکو اعمار گردیده است، گرچه قراری که گفته میشود فعلاً سیستم دفاعی گالوش کهنه و غیر مؤثر است اما شاید قدرت تحفظی آن در آینده تحکیم بیشتر منزل انداخت، دقت، حساسیت و بالاخره قدرت حمل سلاح اتومی سیستم مذکور توسعه یابد این مسئله ایالات متحده را تحریک می‌کند تا در آینده راکت‌های تعرضی خویش را انکشاف و توسعه دهد.

در این تدابیر پرتاب سر گلوله های غیر حقیقی توهم با سر گلوله های حقیقی ذروی، استعمال کتلوی ذرات فلزات برای منعکس ساختن سیگنالهای پخش شونده از دستگاه های رادار طرف مقابل و گول زدن آنها، بی اثر ساختن فعالیت های رادار دشمن به طرق مختلف توسط دستگاه های الکترونیکی و بالاخره انفجارات ذروی در ارتفاعات خیلی بلند برای تولید ایونهای که تشخیص و تعقیب اهداف را برای طرف مقابل مشکل سازد شامل میباشد.

Penetration aids محاسبات و قرار های هر دو طرف یعنی تعرض کننده و دفاع کننده را مشکل و مغلق ساخته و برای یکی از آنها این امکان را نمیدهد تا متین شوند که کدام معیار و ارتقاء تکنیکی و علمی کفایت می کند تا بتواند قدرت های ذروی خویش را علیه سیستم های دفاعی طرف مقابل آزمایش کنند.

IX سیستم دفاعی سیف گارد Safeguard

عبارت از سیستم جدید دفاعی ضد مرمی های بالستیکی است که حکومت نکسن در نظر دارد برای محافظه شبکه های راکتهای قاره پیمای بالستیکی ایالات متحده به اعمار آن اقدام کند. (نا گفته نماند که سیستم جدید دفاعی ضد مرمی های بالستیکی سیف گارد به عوض مستم دفاعی ضد مرمی های بالستیکی سنتینل *Sentinel* که حکومت جانسن میخواست تاسیس آنرا عملی کند در نظر گرفته شده است.)

در مرحله اول پروژه ۱۰۴۸ بلایون دولاری سیف گارد برای محافظت دوسیلوی راکتهای نوع «*Mnuteman* واقع در مونتانا *Montana* و داکوتای شمالی *North Dakota* به کار رفته و در مراحل بعدی شبکه های متحده سیستم سیف گارد به دوازده نقاط مهم دیگر در سر تا سر ایالات متحده به شمول عاوانی و الاسکا توسعه داده خواهد شد.

سیستم دفاعی ضد مرمی های بالستیکی سیف گارد دو نوع راکت مشهور را بکار خواهد برد یکی راکت دور پرواز نوع *Spartan* با سوزن انداختن ۴۰۰ میل و راکت دارای سوزن انداخت کوتاه نوع *Sprint* که قادر خواهد بود راکتهای بالستیکی دشمن را در ارتفاعات در حدود ۲۰۰۰۰ فوت از بین ببرد.

سیستم ضد مرمی های بالستیکی وظیفه دارد تا موفقیت اطلاع متحده را در مقابل حمله اولی راکتهای قاره پیمای دشمن گزنتی نموده و پلانهای دشمن را ناکام و خنثی سازد فعلاً سیستم مذکور برای رد حمله احتمالی جمهوری چین در نظر گرفته شده است.

مخالفین پروژه سیف گارد پیشگویی میکنند که پروژه مذکور بی کفایت بوده و غیر قابل اعتماد می باشد انکشاف پروژه سیف گارد مسابقه تسلیحاتی را شدت بخشیده و اتحاد شوروی را تحریک می نماید تا ظرفیت سیستم های تعرض خویش را به پیمان و وسیع بلند ببرد انتقاد کنندگان پروژه سیف گارد عقیده دارند که ایالات متحده ده ها بلایون دالر را مصرف می کند

را کتهای قاره پیمای بالستیکی نوع *Mnuteman III* که فعلاً در مراحل آخر بن انکشاف خویش راسی پیماید قادر به حمل مجموعه از سر گلوله های موسوم *Mark-12* نوع (*Mixv*) میباشد. سلاح ذروی مارک ۱۲ متشکل از سر گلوله ذروی هر کدام دارای قوه تخریبی ۱۷۰ کیلو تن (هر کیلو تن معادل ۱۰۰۰ *Tnt* است) و یادوسر گلوله ذروی بایک دسته از مرمی های غیر حقیقی برای گول زدن و غیر مؤثر ساختن سیستم های تدافعی دشمن میباشد.

اتحاد شوروی تا الحال مالیک کدام نوع سلاح اتومی نوع (*Mirv*) فعال نمی باشد مگر تست های آخرین بالای سر گلوله های (*Mirv*) ایالات متحده نظریه پلانهای مرتبه شاید در ماه های جون یا می سال ۱۹۷۰ تکمیل شود. سر گلوله های *Mirv* فکتور مغلق و پیچیده را برای مذاکره کنندگان در مباحثات مربوط به محدود کردن سلاح استراتژیکی به وجود خواهد آورد. زیرا اعمار مصنوعی استخباراتی قادر نخواهند شد تا این حقیقت را تشخیص دهند که آیا دریک سیلوی که راکت های قاره پیمای ذخیره شده است دارای راکت های قاره پیمای معمولی است و یا اینکه راکت های مجهز به سلاح ذروی (*Mirv*) در آن انبار شده است. عده را عقیده بر آنست که انکشاف و توسعه (*Mirv*) حسن تفاهم و توافقی موجوده بین اضلاع متحده و شوروی را متأثر خواهد ساخت.

VII معاهده منع انتشار ذروی Nonproliferation Treaty

در موافقه که در سال ۱۹۶۸ عیسوی بین قدرتهای دارای سلاح ذروی به عمل آمد فیصله شد تا از انتشار این نوع اسلحه جلوگیری شود طرفین تعهد نمودند تا به ملل که هنوز این نوع سلاح را در اختیار ندارند از رسیدن آن جلوگیری خواهند کرد.

سند مربوط به این معاهده را تنها سه کشور دارنده سلاح ذروی یعنی اضلاع متحده اتحاد شوروی و برطانیه امضاء نمودند مگر دو قدرت دیگر ذروی یعنی فرانسه و جمهوری چین از امضاء معاهده مذکور ابا و رزیدند همچنان برخی کشور های دیگر که گفته می شود شاید در آینده نزدیک مؤفق به تولید آن گردند مانند هند، جاپان و اسرائیل نظریه موقف های سیاسی و نظامی خویش به آن دلچسپی نشان نمی دهند زیرا در صورت امضاء معاهده مذکور برای همیشه مجبور خواهند بود تا دریناه قدرت های بزرگ ذروی به سر برند.

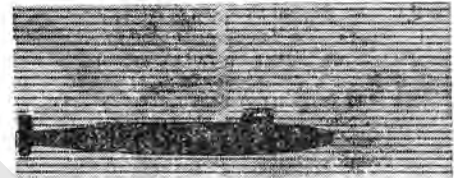
VIII تدابیر معاونه برای تقوذ کردن به استحكامات دشمن Penetration aids

عبارت از مجموع تدابیر و تکنیک هائست که برای کمک و موفقیت فعالیت های جنگی راکتهای قاره پیمای و طیارات مخصوص بمباردمان مورد استفاده قرار می گیرد تدابیر مذکور شبکه الکترونیکی دفاعی طرف مقابل را فریب داده و از فعالیت مؤثر آن جلوگیری به عمل می آورد.

تا خود را در یک مسابقه خطرناک با اتحاد شوروی برای توازن و برابری در یک کشتار دسته جمعی آماده سازد .
X راکت‌های بالستیکی که از تحت البحری‌ها پرتاب می‌شوند [Slbm].

Submarine - launched ballistic missiles

ایالات متحده امریکا مالک ۴۱ تحت البحری‌ذروی نوع پولاریس است که مجهز با راکت‌های دارای منزل انداخت متوسط (بالاتر از ۲۸۰۰ میل) بوده و قابلیت پرتاب راکت را از تحت آب دارند از آنجمله در نظر است ۳۱ تحت البحری آن با راکت نوع Poseidon مجهز ساخته شود راکت‌های جدید Poseidon دارای منزل انداخت بعیدتر بوده و نسبت به راکت‌های پولاریس خیلی دقیق تر است راکت‌های مذکور قدرت حمل چندین سر گلوله نوع mirv (۱۰ سر گلوله) هر یک قدرت تخریبی ۴۰ کلوطن را دارد .



در آینده توسعه سیستم راکت‌های [Ulmh]

Under Water Long range mis Silesystem

در نظر است سیستم مذکور این اسکان را برای تحت البحری‌های امریکائی میسر می‌سازد تا راکت‌های قاره پیمای بالستیکی دارای منزل انداخت خیلی طویل را از آب‌های ساحلی آنکشور به هدف پرتاب نمایند .

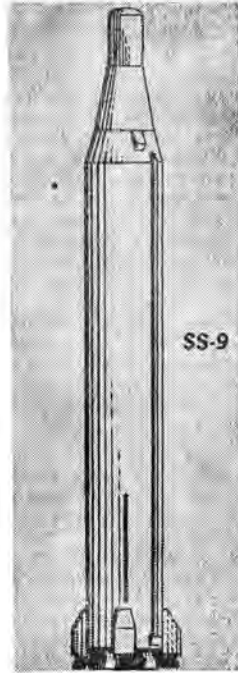
اتحاد شوروی دارای ۱۰۵ تحت البحری مجهز با راکت‌های منزل انداخت کوتاه (اضافه تر از ۷۰۰ میل) میباشد بر علاوه هشت تحت البحری مشابیه به تحت البحری‌های امریکائی که قدرت حمل و پرتاب راکت‌های مشابه به پولاریس امریکائی را دارند در قوای بحری اتحاد شوروی خدمت میکنند .

محافل مطلع پنتاگون عقیده دارند که در پروگرام‌های عسکری شوروی تولید سالانه ۸-۱۲ تحت البحری مشابه به تحت البحری‌های امریکائی شامل است .

راکت‌های بزرگ قاره پیمای روسی نوع SS-۹ :

راکت‌های نوع SS-۹ روسی از جمله راکت‌های خیلی بزرگ قاره پیمائی بالستیکی شوروی است. راکت‌های مذکور قدرت حمل یک سر گلوله ۲۵ میکاتنه و یا سه سر گلوله پنج میکاتنه نوع MIRV را دارد اما سلاح اتومی مجهز با چندین سر گلوله مستقل شوروی از سر گلوله‌های مستقل و قابل رهنمائی نوع MIRV امریکائی فرق دارند زیرا مرمی‌های آن به طور مستقل قابلیت رهنمائی را به اهداف مختلف ندارند .

راکت دیویبیکر SS-9 دارای ۱۲۰ فوت ارتفاع بوده و منزل انداخت آن ۷۰۰۰ میل است و چنانکه ادعا می‌شود خیلی دقیق و قابل اطمینان است. اتحاد شوروی فعلا از ۲۷۵ - ۳۰۰ راکت نوع SS-9 تکمیل شده و یا تحت ساختمان دارد همچنان در حدود ۱۰۰ راکت مشابه آن هم در اردوی شوروی شامل است . حلقه‌های مربوط نیت گون هراسی دارند که شاید راکت‌های فوق‌الذکر شوروی کفایت کند تا در اولین حمله ۹۵٪ ذخیره راکت‌های نوع minuteman اضلاع متحده را امجا کند مگر مقامات مسئول [DIA] و محافل مطلع وزارت خارجه امریکا این برآورد را در باره راکت‌های شوروی تردید مینمایند .



انکشاف و توسعه راکت‌های قاره پیمائی نوع SS-9 شوروی فکتور مهمی بود در اتخاذ تصمیم امریکا برای تاسیس یک سیستم دفاعی ضد مرمی‌های بالستیکی که به سیف گارد مشهور است .

راکت‌های قاره پیمای جدید امریکائی نوع WS-120 یک سیستم جدید سلاح ذروی امریکائی است که در آینده جای راکت‌های قاره پیمای بالستیکی سلسله minuteman را خواهد گرفت .

راکت‌های قاره پیمای WS-120 دارای منزل انداخت

طویل تر بوده و قدرت حمل حجم بزرگتر سلاح ذروی را نسبت به راکت‌های minuteman دارا میباشد .

از جمله صفات بارزی راکت‌های فوق دقیق بودن آن است راکت‌های مذکور دارای یک سستم رهنمائی جدید و انکشاف یافته است که می‌تواند تولید انس دقیق بودن آنرا بجای صدها یارد به صدها فوت پائین بیاورد .

هرگاه طرفین در مذاکرات محدود کردن سلاح استراتژیکی در قسمت راکت‌های قاره پیمای بالستیکی بکدام موافقه نرسند بدون شک اتحاد شوروی مجبور خواهد شد تا در آئینده سستم‌های دفاعی ضد مرمی‌های بالستیکی خویش را بطور روز افزون توسعه و انکشاف دهد .

د غلیمان ماتوم



افغان زلمی یکه سنگر کښی غلیمان ماتوم
لکه محمري یکه مخگل کښی رقیبان ماتوم
پشتنی موری په ورتی کښی راله درس را کړی
د غلیمانو ماتول ئی را له درس را کړی
مقاله کښی ترشاتلو ئی را له ترس را کړی
کله و بیرهم بهیدان کښی حریفان ماتوم
د تاریخ پاڼی لوم مخنی عبرت اخلمه
افغانانو کار نامو مخنی لذت اخلمه
یم هوا باز په روغو کوتل پرواز کومه
پک افتخار نه په میروء نخری د بار کومه
چمتو و لاریم په دگر د محرو ساز کومه
دامی عادت دی په هوا کښی شهیدان ماتوم
نوره اوډال دی ده گانه کرم افتخار بهیدان
مقابلی له چه راجی وی بدلما په لبران ماتوم
له خپلی و ینی مخنی تیر یکه کومه جولان
د تاریخ پاڼو را بیو ولی ماهران ماتوم
د جنگ دگر کښی د غزا ناری و همه پجوش
که شوم شهید دشهادت د میوجام به کرم نوش
نیشه به گرجم د محشر به ستر میدان کښی نیموش
التظار باسم زه محروم خپل بد خوادان ماتوم

په محلی نباتاتو باندی تاثیر کوی او
هغه د استفادی څخه یاسی پداسی حال
کی دغه ډول وایه د منطقی حیواناتو
لپاره یه غذا گڼل کیږی ، او پخپله
حیوانان د قطبی انسانانو یعنی «اسکیمو»
لپاره د غذا حیثیت لری .
امکان لری چه په نورو مناطقو کی
هم مشابه تاثیرات له مخانه سره راوړی
دا معلومه نده چه د رادیو اکتیف
تولیدات به کله او په څه ډول چه اوس
په محیثو لخواو کی په تجربیوی ډول
سره په وجود راجی و خلقوته ورسیدی
یا پرهغوی باندی تقسیم سی مگر امکان
لری چه څو کلونه تیرسی څو انسانان
و کړای سی .
د اتومی انرژي په کمک سره
بحری تاسیسات او اتصلا لاتو ته تغیر
او پراختیا ور کړه سی .

دوسره ساده ندی لکه په خوله چه ویل
کیږی په یوه تجربیوی انفلاق کی
به تر انفلاق وروسته دوسره لخوا
خراب سی چه بولدوزروله په میاشتیو
میاشتیو دهغو خاورو لیری نه کړای سی .
پخوا له دی چه اتومی انرژي په
کیندلو کی پکار و اچول سی لازم دی
چه یو لړژوری او دقیقی تجربی اجراسی .
پخپله رادیو اکتیف یوه بله موضوع ده
باید پخوا له هغه چه د اتومی انرژي
پواسطه سره یوسمندر له بله سره وصل
سی دغه رادیو اکتیف ترموثر کنترول
لاندی راوستل سی ، یوی پروژي چه
هغی په امتحانی توگه سره غوښتل
دالاسکاپه بندر کی یو اتومی چاودنه
و کړی ، د رادیو اکتیف په ابله دوسره
جدی وه چه ددی ډول چاودنی څخه
با لکل لاس واخستل شو ، رادیو اکتیف

چه د رادیو اکتیف په خوا کی یو انرژدی
کښی نودی به له دغی کښی څخه
دوسره رادیو اکتیف واخلی
لکه یو سړی چه دخپل لاسی ساعت
څخه ئی اخلی که چیری دی د ریکتور
په خوا کی دوسره لږ رادیو اکتیف
واخلی نو د کښتی په نورو برخو کی
به طبعاً تر دغه لاهم لږ دی د کښتی
ریکتور ته دوه زره تنه دروند پوښ
د کانکریټو او ویسوخه ور کپه سویدی
همدارنگه ددو قوتو به اندازه سره
د فولادو او پیر محکم لږگی د یوال
دامنیت په غرض جوړ سویدی . اتومی
سیانس پوهان لکه افتخار کوی چه
ددوی د زحمته اثر په سمندر کی ډیر
پرمختک راغلیدی ددغوسیانس پوهانو
څخه ئی محیثی کسان د اتومی انرژي
له کبله با لکل و سمندر ته په بل نظر
گوری ، نوموړی سیانس پوهان له هغو
ماهری کسانو څخه عبارت دی چه
غواړی په اتومی انرژي سره د سمندر
زړه و کښی دوی هڅه کوی چه د زړوی
چاودنو پواسطه سره بندرونه نور هم
لوی کړی او پانامی ته یو بل لوی
کانال جوړ کړی دا ډول کانال به
ډیر مالی او زمانی لگښتونه کم کړی
سیانس پوهان عقیده لری هغه کانالونه
چه په اتومی انرژي سره کیندل کیږی
د اوسنی معمول سیستم څخه ارزانه
تعمیری .

خه وخت په اتومی انرژي د کیندلو
لپاره په کسار و اچول سی پدی ډول
عملیاتو کی به د رادیو اکتیو خطر پټ
نوی ؟ په اتازونی کی «دپلوشیر پروژه»
کوښښ کوی چه د پورتنیو سوالوته
مخواب برابر کړی . دخو کلونو دپاره
سیانس پوهانو د زړوی انفلاق په اثر
خندقونه جوړ کړل . دیوه کانال دپاره
باید ډیری کیندنی وسی څولوی شیلی
پوجود راسی مگر دا کار په عملی توگه

مدافعه شب

ترتیب و تنظیم سیستم آتش برای يك بلوك پیاده موتور ریزه درمدافعه شب

يك بلوك پیاده موتور ریزه عیناً مانند روز، در شب نیز به عرض (۳۰۰) متر و عمق (۲۰۰) متر در محلات مقاومت مدافعه مینماید. در چنین یک محلات مقاومت حفر خندقها در محله مدافعه قبلاً از طرف قطعه اصلی ادامه یافته و تفنگهای ماشیندار متناوباً قرار داده میشوند. دورتر از آن خندق به اندازهی محل تردد و قومانده، و خندقهای دیگری برای تفنگچه های ماشیندار، مواضع مدافعه فردی و طاقچه محافظه چیه خانه حفر میگردد. ارتباط با قدمه عقب بوسیله خندقهای ارتباط تأسیس میشود. علاوه، پناه گاه های متناوبی برای زره پوشهای نقل پرسونل از طرف قطعه اصلی تهیه خواهد شد.

بعجرد رسیدن اوامر بعهد گرفتهن مدافعه پیشبینی شده در عملیات شب قوماندان بلوك پیاده موتور ریزه قبل از همه يك سیستم آتش را در پیشروی کنار پیشترین محلات مقاومت و جناح هاتشکیل میدهد.

بوسیله استعمال و تشکیل یک سیستم آتش ماهرانه و جایجا کردن سلاح های آتشدار بلوك در محلات مقاومت، و تکثیر آتش شدید منطقوی در پیشروی کنار پیشترین، بالای جناح ها و در عمق محلات مقاومت و تمرکز آتش بالای هر یک از خطوط تهدید شده و سکتورها (قوصها).

در آتش محلات مقاومت، با توجه و تصمیم قوماندان، سلاح هابراه های متفرقی یعنی در شیله های پیشرو و عقب تپه ها و نظر به موقعیت اراضی جایجا شده تا تمامی کنارهای پیشروی، جناح و عقب را از تقرب و از زیر تأثیر آتش جناحی محافظه نماید.

مؤثریت آتش به کنترل صحیح و تمرکزیت آن مربوط میباشد، برگشت آخری با بدست آوردن معلومات و بازدید خوب و با انتخاب موقعیت بعضی سلاح های مناسب و اوامر باز شدن آتش با صحت آتش و مهارت مالور مربوط میباشد.

این یک مثالی است که چطور یک سیستم آتش در زمان مشق و تمرین تا کتیکی تنظیم میگردد:

از طرف شب بریدمن قوماندان بلوك پیاده موتور ریزه جهت گرفتن اوامر به محل تردد و قومانده تولى احضار گردید. قوماندان تولى چنین اوامر داد:

« محلات مقاومت را بهر قیمتی محافظه نمائید ». در شریدمتعلقه بلوك بریدمن یک تعداد دشمن را که در امتداد یک بوته مصروف بستن نقطه اصلی محلات مقاومت بوده و احتمال تقرب را داشتند مشاهده نمود. درین سکتور خندقها به سرایشی يك تپه که در شمال واقع بود امتداد یافته بودند.

بنابراین قوماندان بلوك تصمیم گرفت تا دلگی های خود را چنان داخل موضع نماید که با آتش غیر مستقیم جناح هارا نیز حمایت کرده بتوانند. بر علاوه او تصمیم گرفت که جناح ها و قدمه عقب را ذریعه آتش زره پوشهای نقل پرسونل پیوشاند.

همچنین بریدمن یک میل تفنگ ماشیندار تولى و دو میل تفنگچه های ماشیندار را جهت اجرای آتش لیسنده و مؤثر جایجا نمود. و ذریعه تفنگ ماشیندار دیگر تولى در سرایشی قسمت شمالی تپه جهت تعقیب جناح ها و آتش غیر مستقیم در پیشروی کنار پیشترین دلگی های اول و سوم. و همچنان تفنگ ماشیندار خفیف را جهت اجرای آتش غیر مستقیم و مؤثر در پیشروی کنار پیشترین دلگی دوم و جناح ها جایجانمود. بعد از آن بریدمن سکتور تمرکز آتش بلوك را تعیین نمود. این تصمیم های او مطلق صحیح و تا کتیکی بود.

در نزدیکی محوطه خندق محلات مقاومت، توپهای دافع تانک و تانکها که به تحت امر قوماندان بلوك نمیشند داخل موضع شده اند. بنابراین قوماندان بلوك عملیات خود را با قوماندان های سلاح های مربوطه و توصل با او شان را در تنظیم تمرکزیت و دوام بار از بالای مناطق هست کوردینه نمود.

برای تأسیس مانور یک آتش عرضانی و قابلیت انجمن و اعتماد سیستم آتش قوماندان بلوک به قوماندانهای دلگیها امرداد تا دوویسه موضع آتش متنوایی را حاضر نمایند. زمانیکه مذاقعه تنظیم گردید. بریدمن . . . در حصه آتش بالای دهندهها با همجواریها موافقت کرد، همچنان آتش منطقه میجاور بهریک از اهداف دیگری لغزائیده شده بود.

درمبارزه شب پیشینی شده، آتش سلاح های صرف برای حرکات تاریکی شب آماده خواهد شد.

— درمبارزه مودرن افزایش قابلیت مانور و ظهور احتمالی اهداف ناگهانی از گذاردن سلاح مقدماتی از محتمل ترین استقامت های حرکت دشمن خارج نیست. درمبارزه شب اجرای آتش صرف بالای اهداف روشن نه تنها بعضی اوقات ضرورت میافتد، بلکه بالای اهداف تاریکتر نیز. طبعاً، اجرای آتش ذریعه سلاح های که مشکل نیست. چنین تدابیر برای حرکات اتخاذ شده قبلاً تهیه میگردد؛ اینها بالای سلاح های خود حاکمیت داشته و نظریه و موقعیت شان چک شده اند.

کارها وقتی متفاوت اند که همه سلاح ها مالزمه انداخت شب را در زمان تمرینات نداشته باشند. درتعلیمات قوماندان بلوک تمام تفنگ های ماشیندار و تفنگچه های ماشیندار را چنانچه تعقیب شده آماده انداخت میگرداند. در اوقات روز، هر فرد مالزمه انداخت شب را که از طرف قوماندانهای دلگیها برای انداخت سکتور اولی و دومی نشان داده شده بود آماده نکرده و تنظیم و آتش به اوامر (تمرکز دهید آتش را) باز میگردد. بعداً عساکر تفنگ های ماشیندار و تفنگچه های ماشیندار خود را مطابق به خط آتش با وسایل تخته ها و پایه های تثبیت شده مانند بالای سنگرها سوار مینمایند.

این مالزمه حرکت تفنگچه های ماشیندار و تفنگ های ماشیندار را به یک سطح افقی و عمودی محدود میسازد این لوازم چوبی چنان ترتیب میشود که بعضی از آنها مرمی را به نخستین فیر به هدف اصابت میدهد، فیرهای دیگر به راست و یا چپ و یا اینکه در استقامت تمرکز آتش دلگی اصابت میکند، برای انتقال آتش در شب، جایجا کردن سلاح بالای چوب های مناسب و تقرر آن بالای اشکال «۷ مانند» کافی است. که این بواسطه تماس باسانی اجرا شده میتواند. باین ترتیب تنظیم یک سیستم جناح و اجرای انداخت در تاریکی مطلق امکان پذیر مییابد. بریدمن. . . همچنان امکانات تعرض احتمالی دشمن را در حسابات خود درج نمود. و بمقابل آن آماده گی گرفت، او ترصدات ثابت دشمن را تنظیم نموده بود. هر دلگی مترصد تطبیق یک سکتور مختلف با سکتور آتش خود بود. بعداً قوماندان های دلگیها مترصدین را (بهر دلگی یک نفر) اعزام نموده و حدود مرئی را باوشان در شب، با جاها و سکتور های ترصد نشان داد. بر علاوه قوماندان بلوک آخذها را نیز تشکیل نمود.

ترصدات و اخذ اطلاعات به کشف دشمن کمک نموده، فهمیدن مقصد و نوع اهداف را معلوم مینماید.

وقتی که سیستم آتش جهت مدافعه شب تشکیل میشود، نداشتن دقت مواضع آتش را کموفلاژ خواهد داد، بریدمن درین حصه به مادونان مفکوره عالی داد، به نسبتیکه درمبارزه مودرن محض اعتماد به تاریکی غلطی فاهش خواهد بود. عقیده بر تدابیر موجودیت رویت شب حالا صرف به بد هیت آن در شب امکان پذیر نیست، حتی به عکاسی مواضع تدافعی نیز مبادرت باید ورزید.

قوماندان بلوک مواضع هر نفر را که آیا بدرستی کموفلاژ شده است یاخیر کنترل نموده و اشارات انداخت

را قبل از شروع محاربه مشخص نمود برای تغییر دادن تنظیم سیستم آتش، قوماندان بلوک دو میل ماشیندار خفیف را متنوایاً جهت انداخت بالای متقرین کنار پیشترین مواضع مختلفه توظیف نمود. قوماندان های دلگیها به پرسونل موظف مترصد اطلاع داد تا دقیقانه ترصد نموده و بالای ایقاص خود ها ثابت باشند مخصوصاً قبل از طلوع صبح در شروع عملی نمودن امر بریدمن

. . . برای تنویر مناسب اراضی توسط مترصدین مقیاس گرفت تمامی قوماندانهای دلگیها جهت احاطه عملیات دشمن و مجاورین شان از شروع شدن تدارک فوری طو پچی و بمبارد هوائی به مترصدین خویش تعلیمات دادند ایشان هر یک بامر قوماندان بلوک آتش را باز و تمرکز آتش را در استقامت های که دشمن بظهور میرسند اراه نمودند و ضمناً اجتناب ایشان را از فیر ساده و بی تاثیر و آتش پراکنده تا کید نمود.

بعداً بریدمن راجع به بعضی خصوصیات انداخت شب به زیر دستان خود مختصراً توضیحات داد.

او ایشان را نصیحت کرد تا از بنظر سنک نگریستن با اهداف مانند کور ها اجتناب نموده، و بزودی بالای منظر روشن و مهمترین هدف فشار وارد آورند بریدمن همچنان تشریح کرده که بهتر خواهد بود تا سلسله آتش بالای اهداف غیر مرئی ادامه نیافته، نشان گرفتن سلاح در موسم هدف و در استقامت ظهور آن باوازه های مختلف از مواضع دشمن (انواع آتش ها بقوماندانها سرعت حمل و نقل وغیره) منحصر خواهد بود.

قبل از انداخت تمامی سلاح ها بصورت درست در مواضع شان ترتیب و برای انداخت های مقروضه آماده آماده شوند، بریدمن آماده گی سیستم آتش را بقوماندان تولی راپور داد. شب فرا رسید، ولی فعالیت محلات (بقیه در صفحه ۷۵)

سوق و اداره دقیقانه قوت‌ها ضامن موفقیت

در محاربه است

شکل و شرایط سوق و اداره قطعات تا اندازه مربوط به شکل محاربه است. فرماندانان اوامر خویش را به صورت جدیانه با مساعدت فرماندانان و قرارگاه‌های جزوتام‌های مادون خویش ابلاغ می‌دارند برای اینکه در اثنای محاربه حمایت و امنیت قطعات به طور لازم صورت گیرد باید این مسأله از طرف فرماندانان و قرارگاه‌های آن‌ها به آن صورت که محاربه را ایجاب می‌کند حل و فصل گردد بدین واسطه حمایت قطعات در تمام جریان محاربه مدنظر گرفته شده و امنیت شان تأمین می‌گردد و ضمناً یک قانون بزرگ پیروزی بالای دشمن نیز شمرده می‌شود.

محاربات امروزه تشریک مساعی متین را بین پیاده‌های موتردار، تانک‌ها و دیگر جزوتام تحت امر چه در اثنای تماس مستقیم بدشمن و یا حمایت در حین جریان فعالیت محاربه‌ی مطالعه میدارد و یا به عبارتی دیگر هر فرماندان باید در خصوص تشریک مساعی آتشی و غیر آتشی دارائی معلومات کافی باشد. این چیز ایجاب می‌کند که فرماندان باید پیش از محاربه با یکدیگر داخل مفاهمه گردیده و یک قرار مشترک را در خصوص تشریک مساعی به میدان بکشند.

این همه امور در محاربات امروزه مربوط به مشق و تمرین متداوم قطعات در طول چندین سال است همیشه مشق و تمرین قطعات باید در محلات صورت گیرد که فعالیت را مطابق به وضعیت حقیقی محاربه تمثیل بدارد. قرارگاه‌ها وظایف خویش را نظریه‌زمان اعیار سازند و فعالیت بدارند. هوامانند روز تطبیقات مدنظر گرفته شود فرماندانان بالفعل امر محاربه‌ی خویش را در اراضی به جزوتام‌های مادون خویش نظریه وضعیت تعیین شده بدهند مشق و تمرین محاربه‌ی طبیعتاً دارائی خوبی و نواقص می‌باشد که این نواقص به میدان کشیده شده تنقید به عمل آمده و غلطی‌ها اصلاح می‌گردد. بعداً فرماندانان نظر به وضعیت‌های آینده که ظهور خواهد

سوق و اداره محاربه بطور منظم یکی از طرق اساسی محاربه است که از طرف قرارگاه‌ها و فرماندانان به صورت مستقیم بالای قطعات اجرا می‌گردد. موفقیت در محاربه مربوط به سعی و کوشش فرماندان و قرارگاه در محاربه است. حمایت و تأمینات محاربه‌ی و لوژستیک در اثنای محاربه مربوط به اندازه استخدام قواء و وسایط است.

به مقصد اینکه سوق و اداره قوت‌ها در جریان محاربه به طور منظم و خوب جریان نمایند بهتر است که فرماندانان از خود ابتکار نشان بدهد و دشمن را بطور با صقین تحت تاثیر بگیرد زیرا دشمن هم می‌خواهد هر کار خویش را مستورانه اجرا و از خود فعالیت‌های کوناگونی به مقصد نجات نشان بدهد. وهم باید در اثنای محاربه برای از بین بردن دشمن از تمام سلاح‌های داخل اردو ناحتی الامکان استفاده گردد.

در اثنای محاربات و تطبیقات‌های تجربی قوای شوروی نتیجه ذیل بدست آمده است:

« همه امور سوق و اداره در اثنای محاربه مربوط به حسن تفاهم و کنترل جدیانه می‌باشد »

از سبب اینکه سلاح‌های مخوف و بزرگ روبرو افزایش بوده طبعاً این سلاح‌های مدرن از طرف فرماندانان سوق و اداره خصوصی را ایجاب می‌نماید. باید فرماندانان امروزه دارائی نبوغ باشد که این نبوغ به مطالعه زیاد، تجارب و مشق و تمرین زیاد مربوطیت دارد. استفاده از اسلوب فوق الذکر موفقیت قطعات را در محاربه تأمین می‌نماید.

یکی از وظایف مهم صاحب منصبان در اثنای محاربه سوق و اداره قطعات است. بر هر فرماندان است تا سوق و اداره قطعات را نظریه‌زمان محدود سازد این راهم باید در نظر گرفت که امروز وظایف فرماندانان تنها منحصر به لوازم حربی نیست بلکه از فرماندانان ایجابات دیگر را نیز مطالبه می‌دارد.



آشنا ساختن افراد به تکنیک یکی از اساسات های مهم
تعلیم و تربیهٔ تکنیکی است

نشده و هم جریان فعالیت محاربه از آن بصورت درست
تعقیب شده بتواند .

بعد از ترتیب کارهای خصوصی اوتر از هر کار محلات
مقاومت تعیین و تثبیت میگردد. مقاد در این کار نیست که وحدت
و هم آهنگی فعالیت در بین قطعات نظر به وقت بصورت درست
ترتیب و تنظیم میگردد .

قوماندانان تولى ابتدا، در خصوص وظیفه و فعالیت تولى
خویش به تولى معلومات داده بعداً در امور دیگر که برای
فعالیت شان ضروری است معلومات میدهد . دربارهٔ تشریک
مساعی جزو تام های آن که بحیث پیشقراول وظیفه دار گردیده
تشریحات لازم داده حمایت و محافظه شان را از حمله ناگهانی
دشمن منجیده بعداً امور تکمیل، اعاشه، خوراک، اسلحه
و غیره آنها ترتیب و تنظیم میدارد تا طوریکه لازم است
وظایف خویش را به حسن صورت اجرا بدارند .

جزو تام های خویش را کنترل می نماید تا برای محاربه
حاضر باشند تا بتوانند در اثنای پیشرفت در عمق دشمن بطور

نمود بطور ماهرانه قرار را اتخاذ و اوامر را به وقت و زمانش
به قطعات تبلیغ میدارند .

قطعات نظر بوضعیت برای مشق و تمرین احضارات
محاربوی را گرفته و به مطالعه اراضی که فعالیت آینده آن
در آن صورت خواهد گرفت (بالعقل از روی اراضی و یا از
مطالعه خریطه) میگردانند . قوماندانان باید همیشه در
صرفه جوئی وقت دقت لازم را نشان بدهند و هم اوامر محاربوی
را برای کندک ها، تولى ها و بلوک ها در وقت و زمانش ابلاغ
بدارند تا همه پرسونل برای فعالیت حاضر باشند .

بصورت عمومی در مشق و تمرین محاربوی وضعیت های
مختلف داده می شود که اوامر آن یکی بعد از دیگری گفته
شده و نظر به هر اوامر احضارات و فعالیت پرسونل دیده
می شود و قدرت محاربوی کنترل میگردد و ضمناً تشریک
مساعی شان همه وقت دیده می شود .

معمول است که وظایف در اثنای مشق و تمرین از طرف
قرار گاه به قطعات ابلاغ میگردد و وضعیت های محاربوی
مستقیماً در اراضی به آنها داده می شود در صورت اینکه
وضعیت های محاربوی در اراضی به قطعات داده شده نتواند
این اوامر از روی خریطه داده می شود .

در جریان محاربه از قطعات جدیت و فعالیت خاصی در
در استقامت های ضربه اصلی و محلات مقاومت مطالعه میگردد
بر هر قوماندان کندک، تولى و بلوک است تا در اثنای فعالیت
در خصوصی سوق و اراده توجه خاصی را مبذول بدارند به
سوق و اداره و تشریک مساعی قطعات در اثنای محاربه
در محلات مقاومت توجه نشان داده شود زیرا که سوق و اداره
و تشریک مساعی قطعات در از بین بردن محلات مقاومت فعالیت
خاصی نسبت به دیگر فعالیت های محاربوی ایجاد میکند و
نظر به ایجابات فوق الذکر اوامر خاصی به قطعات برای
برقراری تشریک مساعی منظم حرکات قوتها داده می شود
و قتیکه سخن در باره حرکات و تشریک مساعی بطور منظم
به میان می آید باید گفت که تشریک مساعی و اوامر راجع
به فعالیت هم آهنگ بوده و فرق نداشته باشد . تشریک مساعی
بصورت عمومی بعد از دادن وظیفه از طرف قرار گاه به
قطعات داده می شود تا قطعات یکدیگر خود را در اثنای
فعالیت خوبتر حمایت نموده بتوانند ، تشریک مساعی بین
جزو تام های تانگ پیاده و دیگر وسایط آتشدار باید بطور
خاصی ترتیب گردد قوماندان بعد از دادن وظیفه اوامر خود
را باید با انجام جزئیات آن کنترل بدارد ، باز و قطع آتش
در از بین بردن هدف باید به وجه احسن صورت گیرد .

سیستم مخابره در امور سوق و اداره طوریکه لازم است
فعالیت بدارد، کود های مخصوص مخابره به همه جزو تام
های دوست داده شود تا امنیت به طوری خوبی تامین گردد .
مدافعه ضد هر نوع سلاح و وسایط آتشدار باشد، محلات
مقاومت ، محلات قوماندان و دیگر محلات مهم بصورت
خوب ستر و اخفا گردد . تا در مقابل کشفیات هوایی کشف

الستیکی فعالیت بدارند باید همه فعالیت جزو تام و جزو تام های تحت امر بطور مخفی صورت گیرد .

کنترول نمودن فعالیت قطعات و سوق و اداره آن درائتای مجاربه :

اولتر از همه قوماندان کنترول میدارد تا وظیفه داده شده آن از طرف قطعات بطور خوب فهمیده شده است و یاخیر . در مجاربه همیشه اشکال آن مطابق به خواهش و پلان مظاهر نمی گردد بلکه بعضی اوقات دور از تصور مابطور مشکل و بیچیده ظهور میگردد . اما باید گفت که ظهور چنین وقایع در جریان مجاربه آنقدر هم مهم نیست زیرا در جریان مجاربه قوماندانان بزودی طرز فعالیت را به مقصد پیشرفت جزو تام خوش بزودترین فرصت درك کرده کرده قرار لازمه را داده تشریک مساعی را برقرار میسازد . علت اصلی آن اینست که درائتای مجاربه تمام افکار قوماندان در یک نقطه تمرکز داشته که آنهم پیشرفت بالای دشمن است .

باید بخاطر داشته باشیم که بهترین فعالیت درائتای مجاربه اینست که امنیت بیشترین تأمین شده باشد این چیز در موفقیت و کامیابی مجاربه بطور اطمینان بخش تأثیر دارد بدین مقصد



اگر معلومات تخنیکي افراد بیک سطح عالی اراة نماید تشریک مساعی در بین صفوف مختلف در هر ساحه امکان پذیر میباشد

باید درائتای مجاربه و درختم آن باید این امنیت گرفته شود .

طرز سوق و اداره الستیکی بودن قطعات :

عبارت از تغیر وضعیت به خاموشی و بطور باصتین بوده که این تغیر نظر به زمان به سرعت ممکنه اجرا میگردد . بر هر قوماندان است که سوق و اداره شکل جدید مجاربه و حمایه قطعات را بطور دقیق بسنجد و تشریک مساعی درست را در بین قطعات برقرار سازد . که این تشریک مساعی از طرف هیأت قرار گاه ترتیب و تنظیم میگردد و نظر به آن قوماندان و به تدبیر صحیح و به سرعت تغیر وضعیت را اعلان میدارد قطعات به سرعت بطور الستیکی امر قوماندان خویش را تجزیه و تحلیل نموده به سرعت و جسارت تام شکل جدید وضعیت مجاربه را میگیرند و برای از بین بردن دشمن شروع می نمایند

طرز سوق و اداره قطعات در جریان مجاربه :

مربوط به نفوذ، پایداری و اثبات قوماندان در طول جریان و اتمام اجرای وظیفه میباشد . علاوه بر موفقیت قطعات بطور مؤثر مربوط به وضعیت تکنیکی (مخصوصاً وضعیت و فعالیت دشمن) حمایه و تشریک مساعی بین قطعات همجوار مربوط میباشد ضمناً ختم جریان مجاربه بطور مؤثر مربوط به حمایه راهای مواصلات میباشد . در این حال فعالیت قطعات استحکام بطور فعال خیلی مهم است . در طول جریان مجاربه باید دیپوها نیز تشکیل گردد که این خود یکی از موفقیت مجاربه است هر قوماندان به مقصد فتح و پیروزی باید در طول جریان مجاربه اراضی را بطور ماهرانه انتخاب نموده و ناآثیر نفوذ خود را بالای دشمن زیاد کرده و در انکشاف مجاربه و تشریک مساعی دوامدار به مقصد از بین بردن دشمن در تمام جریان مجاربه اقدام نمایند .

به مقصد حمایه و کنترول و سوق اداره دوامدار قطعات بیک هیئات اداری از طرف قوماندان که مرکب از خود قوماندان نماینده های صفوف مختلفه ، قرار گاه مخبر دچی ها و کارد میباشد تشکیل میگردد که اینها در بالای یک موتور زرچپوش سوار و از راهای تجمیر شده حرکت نموده سوق و اداره اساسی مجاربه را بدست میگیرند البته همه میدانند که قوماندان (بنوک ، تولی ، کندک) قطعات خویش را از محل قوماندان سوق و اداره نمود . حمایه شان را کنترول و صورت فعالیت شان را در میدان مجاربه در نظر میگیرد . و به حمایه محلات مقاومت توجه خاصی را مبذول و به حمایه راههای مواصلات که از طرف قوماندان مافوق و همجوار را بوجود آورده شده کوشش می نماید .

در تعرض قوماندان کندک درائتای تشریک مساعی مجاربه جدیت سعی و کوشش زیاد را بطور مستقیم در بالای مواضع مدافعه دشمن تمرکز داده ، سیستم مدافعه آنرا به میدان کشیده و صورت تجهیز آنرا کشف میدارد و ضمناً قوماندان وضعیت های محتمله که رخ خواهد داد پیش بینی نموده پیشرفت و نظام مجاربه جزو تام های خویش را محافظه میدارد . این یک

چیز هویدا است که در جریان مجاربه جزو تهمها به حال تولیها بلوکها فعالیت نموده و حمایه میگردند.

در هر وضعیت مجاربه ضروری است که قوماندان قرار خویش را اتخاذ بدارد. و بعداً امر مجاربوی رابه آنها تبلیغ بدارد زیرا سوق و اداره قطعاً بدین ترتیب تأمین شده میتواند. امر مجاربوی شقاهاً و یا تحریری داده میشود امر مجاربوی بطور شفاعی بالفعل در محل موجود آن به قوماندان مادون و یا درجا های معینه آن بواسطه مخابره داده میشود.

قوماندان کندک سوق و اداره جز و تام های تحت امر خویش را بالفعل توسط بی سیم اجرا میدارد.

مهم ترین طریقه دادن ادای مجاربوی به مقصد سوق و اداره در طول جریان مجاربه از راه وسایط مخابره است لذا باید تمام صاحب منصبان و قرار گاه بی سیم های خویش را در اثنای مجاربه بحال فعال نگاه بدارند زیرا توسط بی سیم و تلگراف اوامر به سهولت انتقال میگردد و توسط تلگراف اوامر داده شده به سهولت یاد داشت می گردد (خصوصاً در مدافعه و در اثنای حرکت از مواضع)

قوماندان به مقصد تشریک مساعی اکثر آ کوشش میدارد تا او امر مشابه از محل قومانده یا محل ترصد خویش به سرعت برای جز و تامها و تمام جز و تام های تحت امر خویش بدهد. به مقصد تشریک مساعی با تانکها تحت امر و حمایه باید به وقت و زمان آن به قوماندان کندک، تولی، راجع به وضعیت مجاربوی قطعاً خویش معلومات داده شود. گرچه ارتباط توسط بی سیم بین پیاده و تانک مشکل است باز هم تا حد امکان کوشش گردد که از وسایط مخابره بدین مقصد استفاده گردد و هم در صورت لزوم از وسایط روشن انداز فشنگ اشاره و فیر تفنگ استفاده به عمل می آید.

قوماندان در حین مجاربه مجبوریت دارد تا جز و تامهای تحت امر و همجوار خویش را کنترل نموده وضعیت مجاربوی شان را تدقیق و قرار لازم را اتخاذ بدارد.

چیزی اصلی که در مجاربه ظفر را کمائی می نماید قواء و سلاح در مجاربه است این دو چیز لازم و ملزوم یکدیگر میباشند. در اثنای مجاربه باید قطعات و جز و تامهای مختلف با هم تشریک مساعی بدارند یعنی باید جز و تامها و قطعات چه در حال تماس مستقیم و چه در اثنای پیشرفت در عمق باید از طرف قوای هوائی، توپچی دیگر سلاح های آتشدار حمایه گردند و دشمن در وقت لازم کاملاً توسط آتش این سلاحها تحت تاثیر قرار بگیرند و در هر نوع شرایط دشمن کاملاً از بین برود. طبعاً موفقیت جز و تام مجاربه کننده به موفقیت جز و تام همجوار آن مربوطیت تام دارد.

یعنی اگر خلاصه بداریم بگوئیم که:

دشمن در وقت و زمان آن توسط توپچی و دیگر سلاحهای آتشدار تحت امر و حمایه، مورد فشار قرار داده شده بعداً جز و تامها به حمایه وسایط آتشدار به تعرض پرداخته در ازین بردن دشمن با هم تشریک مساعی نموده و تعرض رابه عمق دشمن انکشاف میدهند باید گفت که در این موارد تمرکز دادن آتش سلاح های آتشدار بالای اهداف و تجرید قوت های دشمن فوق العاده مهم است. که این خود یک فعالیت سوق و اداره در اثنای مجاربه بوده و فوق العاده دارای اهمیت است در عصر حاضر اردو های جهان با وسایط مدرن و سلاحهای مخوف مجهز گردیده است که استعمال این همه سلاح و وسایط به تجارب مجاربوی سوق و اداره قوماندان مربوط است. یعنی قوماندانان امروزه باید معلومات مکفی در باره قواء، سلاح و وسایط دشمن داشته باشند و هم در اثنای حاضر تجارب زیاد نیست مشق و تمرین مجاربوی بدست آورده و در استعمال سلاحهای مدرن تجارب کافی را کسب نموده باشند.

مجاربات امروزه از قوماندان امروزه ابتکار، فعالیت، جسارت، هایداری، عزم راسخ را طلب مینماید تا بسرعت وضعیت مجاربوی راحل و فصل قرار را اتخاذ نموده امر مجاربوی را تبلیغ و به سوق و اداره قطعاً خود دوام بدهند.

مدافعه شب

(بقیه صفحه ۷۱)

مقاومت قطع نشده، مترصدین تماس چشمی شان را بالای دشمن محافظه کرده اند در حوالی ساعت (۰۲۰۰) دشمن بواسطه تفنگها و هاوانها بالای کنار پیشترین محلات مقاومت آتش باز نمود.

بعبر از مترصدین بقیه افراد بلوک خودها را پناه ساختند و آتش سلاحها را تشخیص مینمودند با حمایه آتش توپچی، دشمن همزمان بطرف کنار پیشترین محلات مقاومت در امتداد

خط مدافعه و مواضع قطعاً همجوار به پیشرفت خود شروع نمودند، بمجرد شنیدن صدای ماشین و موتور تا نکهای دشمن خسارات محتمله دشمن از خندق های بلوک همجوار چیده میشد، که بعداً بواسطه احتیاط کندک از خندق خارج میگردد ساعت (۰۵۳۰) به تحت حمایه آتش توپچی عقب نشینی شروع شد.

با این ترتیب، در نتیجه مجاربه مدافعه شب بلوک پیاده موتور ریزه که بریدن . . . و وظیفه مجاربوی خود را موفقانه بی پایان رسانیده و تعرض دشمن را در تپه های دفع نموده که



برتراند راسل

برتراند راسل فیلسوفی که

برای صلح تلاش مینمود

و بشر را دوست داشت

لایب نیتز Leibniz را انتشار داد به همراهی دوست خود «وایت هید» در انجمن ریاضی دانان در پاریس اشتراک ورزید و با «پیتو» و افکارش آشنا شد. پیتو که جز، ریاضی دانان مشهور ایتالیا شناخته میشد توانست راسل را بطرف خود جذب نماید و برای همین بود که راسل با همکاری وایت هید، منطق پیتو را انکشاف داد.

سه سال بعد در ۱۹۰۳ کتاب معروف خود را بنام «اساسهای ریاضیات» *The Principles of Mathematics* برشته تحریر در آورد و پس از ازدواج در آمریکا در سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۳ بزرگترین اثر علمی و فلسفی خود بنام اصول ریاضی را در سه جلد در معرض افکار عامه قرار داد.

راسل پس از حرب بین المللی اول عوض شد

مادر او زنی مبارز بود که در راه آزادی زنان تلاش فراوان نمود.

راسل از آوان* طفولیت بر ریاضیات علاقه مند شد و با پیشرفت درین علم بزودی در صف ریاضی دانان مشهور قرار گرفت. وی در سال ۱۸۹۵ یعنی در بیست و سه سالگی اولین اثر خود را بنام «تحقیقی درباره اصول هندسه» تالیف نمود، پس از اینکه با اعداد و ارقام خوب آشنا شد و تحصیلات ریاضی را بپایان رسانید بسوی فلسفه جذب گردید.

او ابتدا بطرف فلسفه هگل کشانیده شد ولی چون خودش را پیر و منطق خاصی احساس میکرد پس از مطالعه آثار هگل ناچار شد تا برای همیشه افکار این فیلسوف را از خود دور سازد. ولی با همه گرایشش به فلسفه، ریاضی را از یادبردوری ریاضی و فلسفه رایج مطالعه مینمود چنانچه در سال ۱۹۰۰ کتاب فلسفه

جهان ما میگرداند. در چنین حالاتی، مردمی بر میخیزند که بی اعتنا به منافع دولت شان صلح را می ستایند و با نیروی منطق و با سلاح دانش حرب را محکوم میسازند و علیه آن تلاش مینمایند.

یکی ازین مردان بزرگ و نامور عصر ما، فیلسوف شهر برتراند راسل بود که شب چهاردهم دلو ۱۳۴۸ در خانه خود در منطقه وبلز واقع انگلستان وفات نمود. این مرد که در قطار ریاضی دانان، فیلسوفان و نویسندگان جهان موقعیت ممتازی داشت همه اندیشه اش آن بود که بشر را وارد تا دست از مجاریه و ریختن خون برادران خود بکشد و بجای آن، صلح و صفا را حکمفرما سازد برتراند راسل در ۱۸ مه می ۱۸۷۲ در انگلستان در خانواده رسل ها که همه لارد بودند متولد گردید.

دنیای ما قرن پرمیچان ما و جهان تب آلود ما، فصل جدیدی از تاریخ بشریت بشمار میرود، چون همه چیز این قرن با گذشته ها تفاوت دارد. با آنکه افتخارات ملت ها، بیشتر از گذشته، و دور انیکه جنگجوه و کشور کشایی جز و قهرمانی ها بحساب میرفت سرچشمه میگردد ولی امروز از همان ملت ها، از همان کشورهاییکه با غرور ادعا میکردند که آفتاب در قلمرو شان غروب نمیکند مردانی میخیزند که اینهارا ناچیز می شمارند و صلح را برتر از هر حرب و فتوحات میدانند.

با اینهمه می بینیم، دنیای ما با تمام قوا، بسوی یک حرب بی سرانجام و قابل پیش بینی بجلو کشانیده میشود مسابقات تسلیحاتی و اعمال سلاح های تباه کننده، خوف و وحشت یک نابودی عظیمی را جایگزین تصورات مردم

و باروحيه از ادمنشی که داشت عليه حرب و طرفداران آن قیام کرد. با اینکه ارزش کارهای فلسفی و علمی راسل را در منطق او میدانند. اما منطق او با منطق عصری فرق داشت، راسل با اتکا به منطق خود از طبقه بندی معمولی فلسفه «ایدیالیزم ریالیزم» منصرف شد و موضوع «اتمیزم منطقی Atomism Logical» را مورد بحث قرار داد.

بطوریکه گفتیم راسل در حرب بین المللی اول مثل همه مردم آن زمان توجه مسایل مربوطه به حرب شد ولی بر عکس دیگران که در هیجان قهرمانیها و فتوحات و او طلبانه در اردوها شامل میشدند نفرت عمیقی را در خود احساس کرد.

راسل در سالهای دوام حرب مذکور (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴) علیه حرب بفعالیت آغاز کرد و چنان بر ضد آن قیام نمود که بالاخره او را بجرم تحریر مقاله در باره عدم ادامه حرب به شش ماه حبس محکوم ساختند راسل کتابهای زیادی نوشت از آن جمله میتوان از کتابهای خطوط اصلی فلسفه، کتاب تصوف و منطق، کتاب ازدواج و اخلاقات، کتاب دولت، کتاب تاریخ فلسفه غربی ها، کتاب قلم و دانش بشری و بالاخره کتاب «جهانی که من میشناسم» را میتوان نام برد کتاب اخیر او یکی از مهمترین کتابها نیست که افکار و اندیشه راسل را بخوبی انعکاس میدهد و ما هم در تحلیلی افکار وی از این کتاب استفاده نموده ایم. راسل بیشتر

از چهل کتاب نوشته و چهار بار ازدواج نموده است، مرگ او بیشتر مردم جهان را متوجه افکار و اندیشه های انسانی وی گردانید جهان نیان بیشتر از یک ربع قرن است که راسل را می شناسند چون این فیلسوف دانشمند در سال ۱۹۵۰ جایزه ادبی نوبل را دریافت نموده و مورد تحسین فیلسوفان و دانشمندان قرار گرفت، وقتی راسل در ۹۷ سالگی در سوم ماه فبروری ۱۹۷۰ وفات نمود دانشمندان و شخصیت های زیادی او را مورد تبصره قرار دادند، میرمن اندیرا گاندی صدر اعظم هند ضمن تحسین از فعالیت های صلح طلبانه راسل وی را دوست استقلال هند و مبارز راه صلح دانست.

دو کنورهای یکی یاوای جاپانی که خود جایزه نوبل را در فزیک گرفته است گفت:

لارد راسل نمونه وجدان بشر بود، همچنین «تسوزور» رئیس انجمن جاپانی او را بزرگترین فیلسوف قرن بیست خواند، راسل جنگ ویتنام را محکوم کرد و مسابقات تسلیحاتی ذروی را ناجایز دانست چنانچه همین مبارزات او علیه حرب اسلحه ذروی و علیه تبعیض نژادی باعث شد تا چندین بار مجبوس گردد راسل با همه مخالف ها، پیروان زیادی را گرد آورده بود که افکارش را انتشار میدادند بهمین جهت روحیه صلح طلبی که از عمق اندیشه های او سرچشمه میگرفت وضع آنالیکه از دوام مسابقات تسلیحاتی و از محاربه های ویتنام و شرق میانه حمایت میکردند

به مخاطره می افتاد و اذهان طبقات عامه علیه آنان برانگیخته میشد. افکار راسل را میتوان درد و موضوع قابل بحث قرار داد، موضوع اول در باره زندگی و مشکلات آن میباشد و موضوع دوم تلاش او را برای متوقف ساختن حرب و تا مین صلح و صفا مینمایاند.

در قسمت اول راسل در قیافه یک انسان نیکوکار و یک فیلسوف بشر دوست که مانند یک برادر دلسوز دوستان خود را رهنمایی مینماید ظاهر میگردد.

وقتی از وی سوال کردند که فایده عملی فلسفه شما برای کسیکه بخواد دروش عاقلانه ی را در زندگی اتخاذ کند چیست؟ جواب داد:

فلسفه ای که من پیشنهاد میکنم دارای این مزیت است که ضمن اعطای قدرت در اتخاذ تصمیم همیشه مردم را متنبه و آگاه میکند که بصحت رفتار خود ایمان نداشته باشند.

توقع من از فلسفه آنست که در مردم آن چنان شوق و شجاعتی ایجاد کند که انسان بتواند بدون دانستن اطمینان و علی رغم شک و تردید قاطعانه عمل کند.

زمانیکه از وی در باره زندگی پرسید نگفت. بدترین دوران زندگی من دوران جوانی و بلوغ بود من مصدم که اصولاً خیلی از جوانان تیره ای دارم، در آن زمان من بیدوست و تنها بودم و هیچکس را نداشتم که با او درد دل کنم. اغلب میخواستم انتحار کنم

گاهی این فکر بقدری شدت می یافت که تصور میکردم قادر نیاشم در مقابل ایده خود کشی مقاومت نمایم، اما در حقیقت چنین تصویری صحت نداشت مسلماً خود را خیلی تیره بخت تصور میکردم ولی حقیقت آن بود که بدبختی من جنبه اساس و کلی نداشت و این حقیقت از برکت خوابی که دیدم برایم روشن گردید و يك وقت خواب دیدم بشدت مریضم و میخواهم بمیرم عجیب است پروفیسر ژووت *Jowett* (۱۸۹۳ - ۱۸۱۷) مترجم آثار افلاطون که دانستند بزرگی بود و با دوستی خانوادگی داشت کنار تخت من نشسته بود من باهیجان و احساسات زیادی با میگفتم، «کم از کم برای من يك تسلی وجود دارد و آنهم اینست که عنقریب از همه اینها خلاص خواهم شد» و او هم با صدای بلند جواب داد: زندگی را میگوئید؟ گفتم: «آری زندگی» پروفیسر گفت:

وقتی که با بسن گذاشتی ازین مهملات نخواهی بافت. در همین موقع از خواب بیدار شدم و در حقیقت هم از آن بعد دیگر از این قبیل مهملات نیافتم. راسل در باره خوشبختی خود توضیح میدهد که:

آن قسمت از خوشبختی من مربوط بکارم باشد اکتسابی و اداری است ولی در سایر موارد تسلیم حوادث و پیشامدها بوده ام. در هر حال نقشه را که برای وصول بخوشبختی طرح کرده بودم بخوبی تعقیب کرده ام.

وی در جواب يك سوال که پرسیده شده بود :
آيا شما تصور میکنيد که اگر انسان خوشبختی خود را موکول به پيش آمد ها و تصادفات کند نتیجه ای بدست می آورد ؟ جواب داد :

اینجا دیگر مسأله چانس مطرح میشود بعلاوه آنهم در مقیاس وسیعی بموقیت انسان در کار بستگی دارد چندسال پیش از دوران جوانی که قبلاً راجع بان صحبت کردم ، بامر حله درد ناکی مواجه شدم . علت این امر آن بود که : در برابر حل يك شکل که بدون حل آن کوچکترین اقدامی نمیتوانستم بکنم متوقف شده بودم . دو سال طول کشید و من هنوز ، بدون اینکه کمترین پیشرفتی کرده باشم همچنان بان مسأله گرفتار بودم این حادثه مرا خیلی رنج داد .

راسل عقیده داشت که عوامل اصلی خوشبختی چهار چیز است : تندرستی ، داشتن وسایل لازمه برای رفع حوائج داشتن روابط حسنه با دیگران و بالاخره مؤقیت در کار ، وقتی از وی پرسیدند : اگر شما میگفتند خوشبختی در بی شعوری است چه عکس العمل نشان میدادید ؟ گفت :

مخالفت میکردم ، حتی من حاضرم برای بدست آوردن شعور از لذات خود چشم پوشم ، نه میدانید مطلب چیست ؟ هرچه فکر میکنم شعور را ترجیح میدهم .

راسل عقیده داشت که علاوه بر چهار عاملی که مغایر عوامل چهارگانه فوق الذکر مربوط بخوشبختی میباشد و

خوشبختی را زایل میکند عوامل دیگری نیز وجود دارد که خوشبختی را ازین میبرد .

وی اصرار میورزد کسانی که بخواهند خوشبخت باشند باید از يك چیز بپرهیزند و آنهم «خودخوری» است یکی از علل ناراحتی ما اغلب عبارت از نیست که غالباً در باره اوضاع بدتری که ممکن است پیش آید کمتر فکر میکنیم .

راسل میگفت : اگر بخواهیم خوشبخت باشیم بهتر است بعمل و عواملی که ما را وادار بعمل میکند و قوف یابیم تا بدینوسیله از انحراف خودمان هم جلوگیری کنیم من اشخاصی را سراغ دارم که انگیزه و عامل اصلی اعمال آنها بغض و کینه است و واقعاً تصور میکنند در طریق نیل به ایده آل خود در افتانند اگر رفتار مینمایند . اینان اگر متوجه میشوند که انگیزه و عامل اصلی حرکات آنها کینه ای است که نسبت بیک شخص و یا يك گروه دارند آنوقت امکان داشت بخوشبختی نزدیکتر شوند .

وقتی از وی سوال شد : آيا شما معتقدید هدفی که انسان برای آن یا بوسیله آن زندگی میکند میتواند در خوشبختی انسان مؤثر باشد ؟ جواب داد :

بلی ! بشرط آنکه انسان کم و بیش مؤقیت بدست آورد . وقتی که انسان هدفی را از دست بدهد خوشبختی نصیبش نخواهد شد . در صورتیکه مؤقیت هر وقت بانسان رو کند دارای تأثیر زیادی است این

بود شمه از نظریات و عقاید راسل بحیث يك فیلسوف و عالم اجتماعی و اینکه میپردازیم به بررسی موضوع دوم که در باره محاربات و توسعه سلاحهای وحشتناک و تباہ کننده امروزی از طرف راسل نظر بان اظهار نظر بعمل آمده است .

راسل بعنوان يك فیلسوف خیلی عادلانه موضوع حرب و طریق وقوع آنرا در بین ملتها طرف مباحثه قرار میدهد . وی درین مورد میگوید :

میتوان حربهای را بخاطر آو ، که از نظر قانونی قابل توجیه اند ، محاربات زیادی بوجود پیوسته است که در آنها یکی از متخاصمین نمیتوانسته است محاربها را فقط از نظر قانون توجیه کند ولی ما میتوانیم در باره محارباتی هم صحبت کنیم که منافع منتظره از آنها بیش از زیانشان می باشد و در بحالت موضوع يك طبقه بندی کاملاً مختلفی بعیان می آید .

راسل عقیده دارد که حربهای مؤقیت آمیز و ثمر بخش هم وجود داشته است . میگوید : بیانیته تاریخ قدیم برگردیم اسکندر و سزار از جهان نگشایان بزرگ جهان بودند . آنها محاربات غیر قانونی و برخلاف حق بها کردند ولی فتوحات آنها نتایج و تأثیرات ثمر بخشی داشت .

محاربات اسکندر موجب توسعه فلسفه یونان در سراسر مشرق نزدیک شد و زبان یونانی را با طرف منتشر ساخت و بدین ترتیب کلتور و ثقافت یونان بعنوان يك میراث وارمغان نصیب ما گردید .

باحتمال قریب یقین میتوان ادعا کرد که اگر اسکندر وجود نداشت امروز خدماتیکه یونانیها به تمدن بشری کرده اند مجهول و ناشناخته مانده بود .

راسل در حرب بین المللی اول علیه حرب قیام کرد و مقالات شدیدی برضد آن نوشت اما در حرب دوم اینکار نکرد بنأی وقتی از وی پرسیده شد که شما در حرب اول جهانی طرفدار صلح بودید ولی در حرب دوم بین المللی صلحخواه نبودید آیا درین مورد خود را ذیحق میدانید ؟ پاسخ داده است :

من يك لحظه هم نمیتوانم فکر کنم که اشتباه کرده باشم من هیچوقت نمیتوانم بگویم که عمده حربها از روی عدالت بوده اند و یا اینکه همه آنها برخلاف عدالت واقع شده اند . هرگز چنین چیزی نمیتوانم بگویم درین مورد تنها چیزی که احساس میکنم این بود که برخی حربها ، از نظر حق و عدالت قابل توجیه بودند و برخی دیگر قابل توجیه نبودند . حرب اول بین المللی از نظر عدالت و انصاف قابل توجیه بود ولی حرب دوم برخلاف عدالت بوقوع پیوست ، من فکر میکنم که اگر هیتلر بر جهان مسلط میشد و مسلماً چنین هدفی را هم دنبال میکرد دنیا به چه جهنمی تبدیل میگردد . ما وظیفه داشتیم از خطر وحشتناکی جلوگیری کنیم ، این اقدام ضروری بود . زمانیکه از راسل پرسیده شد : آيا شما معتقدید که مردم حرب را دوست میدارند ؟ وی بصراحت جواب داد :

چیز جالبی است. خیلی از مردم از حرب خوششان میآید. این یکی از مسایلی است که در سال ۱۹۱۴ باعث تعجب من شد. تمام اشخاص صلح جوئی که من با آنها سروکار داشتم معتقد بودند که دولت‌ها حربها را بر توده های ملت تحمیل میکنند. ولی وقتیکه در جاده های لندن قیافه مردم را تماشا میکردم بوضوح میدیدم که شادی مردم بیش از ایام قبل از اعلان حرب بود.

من این عقیده را کماکان برای دوستان صلح طلبم اظهار داشتم و این قضیه موجب ارضای خاطرشان نشد خیلی ها از شنیدن این گفته های من ناراحت شدند. هنوز هم معتقدم که عده زیادی از مردم محاربه را می پرستند، البته بشرط آنکه میدان محاربه در مملکت آنها نباشد و خساراتی از آن نبینند مسلماً وقتی که آتش حرب در مملکت شما مشتعل شود آنوقت مطلب شوخی بردار نیست.

از وی سوال شد: حالا که میگوئید تعداد جنگ طلبان ایتقدر زیاد است این قبیل احساسات تهاجمی آنها در زمان صلح بچه ترتیب دفع میشود؟ گفت:

در اینجا مسأله تهاجم مطرح نیست. بلکه موضوع ذوق حادثه جویی باین دسته از مردم که والله آئند شایان اهمیت زیادی است. با استفاده از این احساسات و قوه ها میتوان بدون تحمل شدن مصارف

زیاد بقلل مرتفع صعود کرد و بقطب شمال یا جنوب دست یافت.

وقتی از راسل پرسیدند: آیا تصور میکنید اهالی اسکاتلند ناوی یعنی سوئدنیها از یتکه مدت های طولانی در صلح زیسته اند خوشبخت باشند؟ جواب داد:

کاملاً همینطور است. مردم سوئد از سال ۱۸۱۴ تا اکنون روی محاربه را ندیده اند و تا جائیکه اطلاع دارم سوئد یکی از خوشبخت ترین ممالک جهان است. در آنجا مردم از زندگی حداکثر لذت رامیبرند و هیچگاه ندیده یا نشنیده ام که خاطر سوئدنی ها از یتکه در حرب نبوده اند رنجیده باشد.

برتراند راسل بجواب این سوال که آیا تصور نمیکنید اگر سوئدنیها بحرب کشیده شده و عواقب دردناک آنرا چشیده بودند ملت خوشبخت تری بودند؟ چنین اظهار نظر کرد:

هیچگونه دلیلی برای پذیرفتن این حرف مشاهده نمیکنم. در زمان کنونی میتوان گفت که تمام ملل روی حرب را دیده اند و هیچیک از آنها باندازه مردم سوئد خوشبخت نیستند، این مطالب نتیجه مشهودات مسافرت خود من میباشد.

وی در برابر این موضوع که چرا مردم برای حرب دوم جهانی چندان اهمیت و ارزش قایل نبودند؟

میگوید:

علت این مساله آنست که طرز جریان حرب دوم با حرب اول فرق داشت. کسانیکه در سال ۱۹۱۴ عازم جبهه میشدند تپسیمی بر لب نداشتند زیرا با احتمال قریب بیقین معلوم بود که باید در میدان محاربه بمانند و این مساله را همه میدانستند ولی در عقب جبهه این تاثر و بدبین وجود نداشت، حرب دوم کاملاً قیافه دیگری داشت. مردم در یک حال رخوت و سستی قرار داشتند، آری مردم بیست و پنجسال قبل مژه تلخ جنگ را چشیده بودند.

راسل درباره وضع کنونی دنیا چنین عقیده دارد:

خطری که ما را تهدید میکند کمتر از سابق نیست اکنون دیگر مردم، همه، از نعمت سواد بهره مندند و مطبوعات هم در تشدید این هیستری نقش عظیمی بازی میکنند. ولی یک چیز هست، کم کم تمایل مخالفی در حال بوجود آمدن میباشد و عده اصلی آنها هم پیدایش تلویزیون است. امروز، دیگر مردم در خانه های خود روی کوچ ها پای تلویزیون نشسته و اخبار جهان را گوش میکنند دیگر آن اجتماعات و سیعی که برای اجتماع اخبار جدید تشکیل میشد و مردم را وادار بابرار احساسات و داد و فریاد میکرد و جود ندارد. این اجتماعات عامل اصلی هیستری میباشد. من عقیده دارم هر چه تظاهرات و اجتماعات عظیم بیشتر نقصان یابد از هیستری

مردم نیز بهمان نسبت کاسته خواهند شد.

باین ترتیب راسل باینده با عهه نگرانیهایش خوشبین بود او ادعا میکرد که مردم آهسته آهسته، یکمک علم و دانش بخاطر رفاه و حفظ بقای خود بالاخره از محاربه روگردان میشوند ولی باز هم به نظر او گرایش مردم باین کنده و بطاقت کافی به نظر تعیر رسید. رمانیکه باو گفتند اکنون مدت زیاد است که میکوشند ملت ها را متقاعد سازند که با عه به جنگ بر نخیزند و پیشرفت هائیکه درین زمینه حاصل شده خیلی کند و ناچیز است راسل در جواب بصراحت تمام گفت:

مادر متقاعد ساختن مردم کوششی بعمل نیآورده ایم درین مورد فقط چند فقره اقدامات محدود بعمل آمده است اما هنوز اکثریت بدان دست نزده اند.

او حق داشت چنین اظهار نظری بنماید چون میدید هر روز در هر گوشه و کنار کشورها دست بگریبان میشوند و آزمایش های اتمی همچنان ادامه می یابد برای همینست که برتراند راسل میگوید:

وقوع حرب های درو جنی بمنزله پایان زندگی نسل بشر خواهد بود.

هنگامی از و پرسیدند: آیا شما تصور مینمائید که روزی حرب های درو جی در خواهد گرفت؟

وی چنین جواب داد: (باقی دارد)

قوانین حرب های مسلحانه و مربوطیت

آنها به سیاست و اقتصاد

قانون عبارت از وجود رابطه ذاتی بداخل حوادث و رابطه بین حوادث طبیعت و اجتماع است که نظر به ترقی و تکامل جامعه تغییر و تکامل مینماید. قانون خود بخود از مغز بشر نشئت نگرفته از پروتسس حوادثی که در جهان رخ می دهد بوجود می آید.

تکامل زندگی در اجتماع از ابراز فهم و دانش و اراده قوی مردم و کار و زحمت کشی آنها سرچشمه گرفته که بصورت عمومی گفته میتوانیم عبارت از اعمال و کرداری است که از طرف هر فرد جامعه به اشکال و انواع مختلف ظهور میکند.

قوانین منظم عبارت از مجموع اثرات ذاتی و معنوی است بداخل اجتماع. چنانچه کمائی کردن فتح نتیجه تأثیر حرب های مسلحانه، عزم راسخ، دانستگی و فشار بالای دشمن مربوط به قوانین منظم است.

حوادث حمايت اجتماعي با در نظر گرفتن حرب های مسلحانه بی نظم و بی ترتیب نبوده بلکه ظهور آن مطابق تاثیر قوانین معین میباشد.

واضح است که بین مردم ابتدائی و مغاره ای تعصبات نژادی، حاکمیت بالای اراضی و تضادهای ایدیولوژیکی و بالاخره هیچ حکومتی خصوصاً حکومت های استعماری موجود نبود. بنابراین حرب های مسلحانه و تباہی دسته جمعی و دشمنی های آشتی نا پذیر هم وجود

نداشت. بایک برخورد مختصر دریک مغاره مانند زد و خورد های امروزی امواج عظیمی از بهران در همه نقاط جهان پخش نمی گردید و بافشردن یک دکمه بدست چند نفر محدود خطر از بین رفتن موجودات روی زمین و آتشین ساختن کره زمین نمیگردید. ازینجاست که ماتمدن امروزی را تمدن جهانی و پیشرفت مردم را محض استفاده های مادی گفته میتوانیم و بس. از طرف دیگر واضح است که حص بلند پروازی و حرص انسانی آنها ندارد، زیرا اگر چنین نمی بود ممکن بشر عزم تسخیر کرات دیگر رانمی کرد.

در حالیکه نزد بشر از رسیدن به کرات دیگر بکمال مطلوب و سعادت دایمی آسان تر است ولسی افسوس و صد افسوس که خودشان نمیخواهند ازین حالت موجوده ارتقا کنند.

تا جائیکه دیده شده در جریان تاریخ جنگ از طرف طبقه استعمارگر صورت گرفته است و نظریه سنجشی که چند سال قبل در سوئیز کرده اند: در ظرف ۵۰۰۰ سال اخیر بشر در حدود ۱۴۵۱۳ جنگهای خورد و بزرگ را متحمل شده که در نتیجه آن سه میلیارد و ۶۴۰ میلیون نفر یعنی بیشتر از ساکنین موجوده کره زمین تلف گردیده.

باز هم تکرار می کنم که حرب در شرایط امروزی یک حادثه اتفاقی و به خواهش خود مردم نبوده سبب

آن منافع اقتصادی است که به نوبه خود عوامل سیاسی را بار می آورد. طبعاً حاکمیت حاصل نمودن یک ملت بالای منافع اقتصادی دیگران باعث ظهور اختلافات سیاسی طرف مقابل شده سرانجام به جنگ و زد و خورد می گردد.

سیاست حرب سرد امروزی که بین ممالک خورد و بزرگ دوام دارد شاید نتیجه حرب مسلحانه و یا حرب اتمی شود اگرچه حرب سرد هم به اساس منافع اقتصادی استوار است ولی امروز زیاد ترجیه ای ایدیولوژیکی را بخود گرفته که از نگاه سطحی درک آن مشکل بنظر میرسد.

حالات و اوضاع بحرانی از زمان صلح تشخیص شده شامل عوامل سیاسی و خصوصی است که سیستم قوانین حرب را تشکیل میدهد. این قوانین از شروع جنگ الی ختم آن دوام میکنند و به سه گروه تقسیم میشود:

۱- شروع و ختم حرب مربوط به اقتصادیات جوانب متخاصم، نوع سازمان اجتماعی و سیاسی، احساسات و مورال مردم وارد و، سوبه ترقی علمی و قواعد استعمال سلاح.

۲- رابطه قواعد و اشکال حربهای مسلحانه به ماهیت سیاسی حرب، خواص سلاح و تکنیک حربی، وسایط ارتباط و مخابرات، زمان و مکان و غیره.

۳- قوانین حرب شامل روابط داخلی از قبیل عوامل ستراتیژیکی، اوپراسیونی

تکنیکی و فعالیت های حربی جزو تام های قطعات مختلف است .

بعضی مولفین تمایل خود را زیادتر به حرب های مسلحانه نشان می دهند ازینکه شروع و ختم حرب های مسلحانه شروع و ختم حرب است . بنابراین سیاست را علامه حرب ندانسته فشار های مسلحانه را ماهیت حقیقی حرب می شمارند .

بعضی دیگر ماهیت حقیقی حرب را عوامل سیاسی تشخیص داده اند نظریات فوق طور جدا گانه مطابق قانون نبوده درك قوانین مسلحانه را مشکل میسازد . اما حقیقت اصلی آن اساس حوادث مهم سیاسی و علامات خصوصی شمرده میشود . اگر هدف حقیقی حرب را سیاست بدانیم در آن صورت از قوانین خصوصی حرب های مسلحانه انکار کرده میباشم در حالیکه حرب های مسلحانه خصوصاً حرب های اتمی عواقب وخیمی را بار خواهند آورد .

پس گفته می توانیم که حرب عبارت از دوام سیاست است با استعمال قوا . از تعریف فوق برمی آید که حرب دارای چند مرحله است : مرحله اول عبارت از رسیدن به هدف سیاسی است که در وقت حضر بنظر گرفته شده .

در مرحله دوم حرب عبارت از دوام سیاستی است که از طرف یک طبقه مردم و یا حکومت به صحنه بین المللی کشانیده میشود . در مرحله سوم حرب عبارت از دوام سیاست است بشکل مسلحانه اکنون برای اینکه موضوع را خوبتر درك کرده باشیم راجع به حرب آینده اعراب و اسرائیل حدس می زنیم !

در مرحله اول سیاست حامیان و طرفداران اسرائیل این رد که بقدمه اول قبایل یهودی را در منطقه فلسطین جاگزین ساخته و بعد از آن سرحدات اسرائیل را تا اندازه توسعه بخشند تا بقرار گفته خود شان دولتی بنام اسرائیل بزرگ تشکیل شود . چنانچه امروز اسرائیل و طرفدارانش به هدف موقتی خود رسیده اند .

مرحله دوم که بعد از ماه جون ۱۹۶۷ تا حال جریان دارد شامل کنفرانسهای دول عربی ، فیصله های ملل متحد و کنفرانس سران و نمایندگان دول بزرگ (امریکا ، شوروی ، فرانسه ، انگلستان) است که هیچ یکی از آنها به نتیجه مثبت و قناعت بخشی نرسیده اند و نه خواهند رسید .

مرحله سوم طبعاً مبارزه مسلحانه خواهد بود که سرنوشت اعراب فلسطین را تعین و اراضی اشغال شده را از طرف اسرائیل آزاد خواهند ساخت . ماهیت سیاسی حرب به لوبه اول تشخیص می دهد که حرب به مفاد کیست ؟ هدف از حرب چیست ؟ یا اخذ کدام نتیجه فتح نصیب ما خواهد شد ؟

حرب بادر نظر گرفتن ماهیت سیاسی آن به حرب های مترقی و حرب های ارتجاعی ، حرب های عادلانه و غیر عادلانه تقسیم میشود . مثلاً ماهیت سیاسی حرب اول جهان حا کومت پیدا کردن بالای تمام ملل بود ازین سبب حرب اول جهان غیر عادلانه بود .

ماهیت سیاسی حرب و فشار مسلحانه باهمدیگر ارتباط ناگسستنی دارد . زیرا که حرب بدون اقدام مسلحانه و یا ماهیت سیاسی نبوده و نه خواهد بود . یعنی حرب تنها سیاست و یا تنها مبارزه مسلحانه نبوده بلکه حرب عبارت از سیاست و مبارزه مسلحانه است . تناسب ماهیت سیاسی و فشار مسلحانه در حرب رابطه جوانب داخلی است که در صورت وحدت و یکانگی آنها حقیقت حرب تشکیل می نماید .

ناپلیون می گوید : اگر ما قصد آ به مجاریه اقدام می کنیم در آن صورت لازم است که تمام قوای خود را متمرکز نموده بالای دشمن حمله کنیم . در قرن ۱۸ و اوائل قرن ۱۹ تشکیل قوای ستراتیژیکی احتیاط نسبت عدم پیشرفت تولیدات تا اندازه مشکل و تعداد عساکر بداخل اردو بسیار کم بود . ازین سبب امکان موفقیت در حرب

توسط یک و یا چندین مجاریه بزرگ وجود داشت . کلاً اوزیوتیس نیز اساس قوانین حرب را به استعمال آتی تمام قوای دست داشته می دادند . ناگفته نماند تحت شرایط میعان اگر جانین قوای احتیاط نداشته باشند فشار آتی توسط تمام قوای اردو موثر واقع میشود . البته در حرب های اتمی که که بسرعت اجرا میشود شرایط فوق قابل تطبیق است . اما اگر حرب طولانی و دنباله دار باشد استعمال قوا در یک وقت نتیجه منفی خواهد داد . مثلاً حمله اسرائیل بالای اعراب در ۱۹۶۷ نسبتاً بوقت کم و بشکل با صقین بود ازین سبب نتیجه خوب گرفتند ولی امروز که حرب اعراب و اسرائیل شکل طولانی و دنباله دار را بخود گرفته استعمال تمام قوا در یک وقت شاید کدام نتیجه خوبی ندهد .

اگر اعراب مبارزه خود را بشکل پارتیزانی منظم و مدافعه اطمینانی دوام بدهند ممکن مانند ویتکانگ ها دشمن را ضعیف و بالاخره نابود سازند . اما هر قدر که به اسرائیل وقت داده شود تا اندازه ممکن بهتر تر تیبیکه لازم شود خود را تقویه میکنند ازین سبب دول عربی خصوصاً آ ناپیکه با اسرائیل هم شرح دهند باید از چهار طرف بیک وقت فشار آورده سرعت تعرض خود را زیاد کنند تا از یک طرف مورال دشمن ضعیف و از طرف دیگر اسرائیل را به عقب نشینی مجبور کنند .

در نتیجه استعمال تمام قوا بیک وقت کم که بتواند اساس قانون حرب را تشکیل بدهد غیر ممکن است . پس اساس قانون حرب را چنین تعریف کرده می توانیم :

ماهیت سیاسی حرب بالای خواص عمومی مبارزه مسلحانه قواعد و اشکال تصدی حرب و انواع استعمال سلاح تاثیر قاطعی دارد . رابطه اصلی بین سیاست و فشار مسلحانه در حرب از سببی قانون سیاسی شمرده میشود که تاثیرات آن بالای تمام پروتسس مبارزه

و چیزه‌ها

بختیاری پیوسته با کوشش همراه است و همان اندازه که در گادی شش اسپه می‌لهد، با چرخ زباله کشتی نیز بگردش می‌درآید (گولد اسمیت)

- متکرر این نمی‌توان شد که حوادث خارجی بسیار مایه رسیدن به دولت است، وضع مساعد فرصت و مرگ دیگران شایستگی آدمی را آشکار می‌سازد ولی اساساً قالب بخت آدمی بدست خود او ساخته میشود. (بیکن)
- ما طالع خود را می‌سازیم و نام آن را سرنوشته می‌گذاریم. (الروی)
- دولت و اقبال به بازاری می‌ماند که اگر حال ماندن در آن را داشته باشیم، به تدریج بهای اجناس آن پائین می‌آید، ولی نیز گاهی به بازار دیگری می‌ماند که هر چه جنس عای خوب آن را می‌برند، باز قیمت بهمان صورت اول برقرار است. (بیکن)
- زندگی آدمی بیش از آنکه در فرمان عقل باشد در فرمان طالع است (هیوم)
- دولت و مکتب مردمان را تغییر نمی‌دهد، بلکه تنها نقاب از چهره آنان بر می‌دارد. (یکوبینی)

- راه دولت و مکتب همچون راه شیری کهکشانی است، ستاره قروانی از ستارگان کوچک است که جدا جدا دیده نمی‌شوند ولی باهم نور افشانی میکنند، ستاره‌ای از ماکات و عادات یا فضایل کوچک است که بندرت تشخیص داده می‌شوند و از همانها بخت و دولت آدمی پدیدار می‌آید (بیکن)
- باید همانگونه از بخت خود بهره‌گیری کنیم که از تندرستی خویش چنین می‌کنیم هر وقت خوب است از آن لذت می‌بریم، و هر وقت بد است با آن بسازیم و هرگز جز در وقت ضرورت با استعمال داروهای تندنبردازیم (لاروشفو کو)

مسلحانه از عملیات بزرگ ستراتیژیکی گرفته تا روش و رفتار یک فرد عسکر نفوذ دارد یعنی قانون مذکور مانند محوری است که قوانین دیگر نظامی بدوران می‌چرخند. تاثیراتی که ماهیت سیاسی حرب بالای خواص عمومی مبارزه مسلحانه دارد همیشه از طرف تواریخ حرب تأیید شده است. حرب‌های که بدون در نظر گرفتن جوانب اهداف سیاسی آن واقع شده طبق معمول بسیار پژمرده و عاطل بظفر رسیده و حتی در جریان حرب چندین مرتبه دسته بندی و طبقه بندی قطعات و جزو تام‌ها بدخل اردو صورت گرفته تا اینکه رهبران و قوماندانان بدون اقدام به جنگ دشمن را ترسانده باشند. چنانچه گوردن و اتریلد در کتاب خود بنام (درفرانسه چه دیدم) می‌نویسد: قبل از اینکه المان‌ها در حرب دوم جهانی بالای فرانسه حمله کنند هر دو جانب آمادگی می‌گرفتند. درین وقت فرانسوی‌ها می‌گفتند که اگر المان‌ها بدخل خاک ما شوند خواهند دید که چه حالی بالای شان خواهد آوردیم. ولی المانها چنین جواب دادند: همین اختاریه بذات خود دلیل انحطاط است زیرا علاج واقعه را قبل از وقوع آن باید کرد.

تاثیر ماهیت سیاسی حرب بالای خواص مبارزه مسلحانه شکل و طریق تصدی آن نظر به مورال و سیاست هر فرد اردو تشخیص میشود. قوای مسلح زمانی مورال و روحیات عالی می‌داشته باشد که اخلاق و کرکتر عادلانه سربازان به صفات مترقی سازمان اجتماعی دولت شان که خواهان مجاربه است مطابقت داشته باشد شاید یکی از علل عدم موفقیت متفقین با المقابل و یتکانگ‌ها در ویتنام جنوبی همین بوده که ویتکانگ‌ها برای آزادی وطن خود می‌جنگند ولی امریکائی‌ها برای حفظ منافع اقتصادی و ایدلوژیکی خود و ویتنام جنوبی تحت تاثیر مورال و

سیاست عالی افراد و صاحبمنصبان اردو امکان استعمال سلاح و تکنیک حربی طوریکه لازم است می‌رونتکتیک‌های جدید در صحنه مجاربه بکار انداخته میشود.

مثلاً تکنیک استعمال سلاح و بصورت عمومی مبارزه آزادی خواهی و یتکانگ‌ها مردم جهان را به حیرت و تعجب انداخته که صفات برجسته و شجاعت آنها در مجله‌های دنیا ذکر شده است من در یک مجله مطالعه کردم که سبب شجاعت و یتکانگ‌ها نسبت به متحدین اینست که حتی یک دختر و یتکانگی در مقابل هیچ نوع شکنجه ای تسلیم نمیشود و علاوه از آن هر روز یک دام جدید از قبیل تی‌های چاهای مرگ، تخته‌های چوب و غیره اختراع میکنند.

ماهیت سیاسی حرب عمومی در آینده که بین ممالک بلاک شرق و بلاک

غرب واقع خواهد شد هر یکی از طرف مقابل برای از بین بردن دشمن به استعمال مد هش ترین سلاح موجود دست خواهند زد ازین سبب سران بلاک مذکور در ظاهر برای آرامی خاطر و نجات از ترس دایمی دور یک سیز کنفرانس نشسته راجع به خلع سلاح و تقلیل سلاح اتومی بحث میکنند ممکن اگر به کدام نتیجه قاطعی نرسند اقلأ از تشویش شان کاسته خواهد شد، قراریکه مبصرین سیاسی حدس می‌زنند کنفرانس هلسنگی که چند هفته قبل نمایندگان اتحاد شوروی و امریکاراجع به کم ساختن سلاح اتومی دایر نموده‌اند به نسبت مصارف خیلی زیاد پولی و جانی از سلاح مذکور میباشد، نظر به سنجشی که کرده‌اند شوروی و امریکا هر یکی در صورت وقوع جنگ خاک یکدیگر را ۵۰ مرتبه ویران و نابود خواهند کرد.

مشا هیر جهان نامه

خلالک تاسیخ

(قسمت هفتم)

ارسکین کالدول :

ارسکین کالدول - داستان نویسنده معاصر امریکائی متولد (۱۹۰۳) فرزند یک روحانی (پرسبیری) است که از طفولیت باید، و مادر خود بقاره نو مهاجرت کرده همین اختلاف محیط و تفاوت سنخ فکر ذوق نویسنده گی او را برانگیخت و بدامان شهرت و آبروش کشاند تا سرانجام ویرا در شمار داستانسرایان نامی در آورد. او از دو دانشگاه بزرگ (ورجینیا) و (پنسلوانیا) شهادتنامه گرفته و مطالعات فراوانی در آثار نویسندگان مشهور کرده است.

کالدول مدتها در کشورهای امریکای مرکزی به جستجوی اقبال حادثه جوئی پیشه خود ساخت. چندی فوتبالیست پرو فسیونال شد و از این طریق اعاشه کرد و زمانی خبرنگاری روزنامه ای را پذیرفت ولی کاری از پیش نبرد عاقبت مایوس و از همه چاره انده قلم بدست گرفت تا بلکه نویسنده شود پیش از هفت سال متوالی کاغذ سیاه کرد تا اولین داستانش مورد قبول ناشرین واقع گردد و به چاپ

رسید. این اثر که عنوان (کشور پر از سوئدیها) نام دارد در سال ۱۹۳۳ در مجله (Vale Review) طبع گردیده است. از آن زمان تا کنون وی متجاوز از یکصد داستان کوتاه و چندین ناول بزرگ انتشار داده است.

الکسانس :

از جمله بوجود آورندگان اصول تعاون و شرکتهای تعاونی المان و نویسنده سر لوحه مرامنامه کمونیستی موسوم به (مانیفست) همکار و دوست کارل مارکس.

الکساندر دوما :

یکی از مشهورترین رمان نویس های فرانسه است وی که پسریکی از جنرالهای این کشور میباشد در سال ۱۸۰۳ درویلر کوترت بدنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات چون دارای خطی خوش بود، ابتدا دریک دفتر بکار متشیگری پرداخت و سپس باز بعنوان منشی وارد خدمت یکی از بزرگان آن دوره گشت جزئیات انقلاب کبیر فرانسه را از زبان پدر خود شنید

وبعدا در زمان های خود توانست صحنه های مهیج و مخوف آذرباقلم سحر خویش مجسم کند. اسناد و مدارک و یاد داشتهای خصوصی نیز که در طی سنوات مختلف بدستش افتاد او را در نوشتن رمان های متعددی که زمینه های همه آنها تاریخ فرانسه است بسیار کمک کرد .

الکساندر دومادارای تخیلی قوی قلمی روان سبکی بسیار زیبا و دلپذیر است هیچکدام از رمان های او بهم شباهت ندارد و با وجود آثار متعددی که خود تشکیل یک کتابخانه میدهند هرگز دچار فقر مضمون نشده است و همیشه با همان قدرت صحنه ها را پرورانده و حوادث را بیان کرده است .

آثار دراماتیک او که در زمان خود نیز شهرت بسیار داشت عبارتند از سه تفنگدار بیست سال بعد و یکونت پراژاوان ، گردن بند ملکه ، خانم مونسورو ملکه مارگو خاطرات یک طبیب یا ژوزف بالسامو انژیینو (الکساندر دوما در این کتاب از مولد خود نام می برد و قهرمان کتاب خود را در همانجا درس میدهد و تربیت میکند و تمام خاطرات کودکی خویش را بازببائی بسپار تشریح می نماید) پاسداران چهار و پنج گانه پاران پجوه ، سوالیه دار منتال دودیان (که گویا بنام اصرار قصر صیاه ترجمه شده است) و کنت دومونت گریستو اموری ، لاله صیاه قاترات سفر گودال جهنم ، خدا و سیله ساز است ، ابوالهول سرخ - اسکانیو... و کتب متعدد دیگر که ذکر آن از حوصله این مختصر خارج است مرگ الکساندر دوما در سال ۱۸۷۰ اتفاق افتاد زندگانی او بطور تفصیل در کتابی که اخیرا بنام (زندگانی پرتلاطم الکساندر دوما) توسط لئون تورن بزبان فرانسه نوشته شده شرح داده شده است .

اسکندر:

اسکندر کبیر پادشاه مقدونی و بعد از فتح پایتخت هخامنشیان در پارس فاتح ایران و دیگر ممالک آسیای غربی در حال مستی بخواش معشوقه خود (تائیس) قصر باشکوه پادشاهان ایران را آتش زد . تولد این پادشاه در سال ۳۵۶ قبل از میلاد و مرگ او در ۳۲۳ قبل از میلاد اتفاق افتاد .

ابراهام لینکلن :

ابراهام لینکلن بزرگترین شخصیت امریکائی و نجات دهنده بردگان در امریکا بسال ۱۸۰۹ در یک خانواده فقیر بدنیا آمد

و پس از مهاجرت های بی دربی خانواده خود بوسیله مادرو پس از مرگ مادرش توسط نامادری مهربانی که داشت خواندن و نوشتن را فراگرفت از کار در مزرعه و شاگردی مغاز و بالاخره بباشرت چند نفر سرمایه دار به و کالت و ریاست انجمن های محلی رسید . بعلت استعداد و فعالیت زیادی که داشت و در سایه تشویق همسر دوستن پیشرفت کرد و سرانجام بریاست جمهوری امریکا نایل آمد . در زمان تصدی لینکلن جنگهای شدید داخلی امریکارا تهدید میکرد . لینکلن با گذراندن قانون لغو بردگی در سراسر امریکا محبوبیت و افتخار جاویدان برای خود کسب کرد و بالاخره بوسیله یک هنر پیشه دیوانه در سالن فرد هنگام تماشای تیاتر مقتول شد .

تاریخ مرگ ابراهام لینکلن بزرگترین شخصیت بشردوست تاریخ امریکا ۱۵ آوریل سال ۱۸۶۵ است .

الفرد دوموسه :

الفرد دوموسه *Musset* (۱۸۱۰-۱۸۵۷) از نظر زندگی شاعرانه خود (رمانتیکترین) شعرای فرانسوی است و سراسر حیات او مظهری از رمانتیسیم بشمار میرود . زندگانی کوتاه موسه سراسر با عشق و غم و بیماری بسر رفت و محصول این عشقها و غمها آثار ادبی بسیار ظریفی بود که هنوز زیباتر از آنها سروده نشده است .

قطعات موسه در عین آنکه لطف و زیبایی کامل لامارتین را دارد بازندگی نزدیکتر است زیرا موسه بخلاف لامارتین که همیشه در آسمان بسر میبرد خیلی زمینی بود و با هوسها و هیجاناتهای روزمره زندگی آشنائی بیشتری داشت . موسه تقریبا تمام اشعار عالی خود را قبل از سی سالگی سرود و بعد از این تاریخ تقریبا هیچ اثر برجسته ای پدید نیآورد . نخستین اشعار او هنگامی سروده شد که وی ۱۹ سال بیشتر نداشت ولی بهترین اشعار وی مربوط بدوران بعد از ماجرای عاشقانه معروف و بد عاقبت او با ژرژ سان خالم نویسنده عاشق پیشه و نامدار فرانسوی است موسه همیشه میگفت که برای شاعر جز قلب او سرچشمه الهامی وجود ندارد . و این نکته در تمام اشعار او پیداست

الفرد دوموسه از استادان درجه اول مکتب رمانتیک بود ولی بخلاف لامارتین و هر گو هیچولت بدلبال سیاست نرفت و سراغ و کالت و وزارت و ریاست جمهور نگرفت .

اشتراوس : Straurs

هوهان اشتراوس از جمله نزر گترین آهنگسازان جهان بشعار سیرود. موطن او اطریش است. بسال ۱۵۲۵ متوله ودر سال ۱۹۴۹ میلادی وفات یافته است .
معروفترین اثر او دروالس اشتراوس (نام دارد .

همچنان ریشارد اشتراوس یکنفر دیگر رهبر ارکستر و آهنگساز معروف المانی است تولد او در سال ۱۸۶۴ و مرگش بسال ۱۹۴۹ اتفاق افتاد. چندین اپرا از او باقیمانده است .

انشتن : Einstein

البرت انشتن بزرگترین فیزیک دان قرن بیستم بود عقاید و افکار و تحقیقات بی سابقه او در علوم فیزیک و طبیعی و ریاضی تحول فوق العاده بوجود آورد. فرضیه نسبیت و تز (بعد چهارم) و نظریات اتمی و موضوع قابلیت تجزیه اتم و کشف انرژی اتمی او را در سراسر گیتی مشهور ساخت انشتن در سال ۱۸۷۹ میلادی در المان متولد و در سال ۱۹۵۵ میلادی در امریکا بدرود حیات گفت .

القونس دوده : Alfhouse, Dandet

داستان نویس و درام نویس مشهور فرانسوی متولد سال ۱۸۴۰ و متوفی ۱۸۹۷ میلادی آثار این نویسنده زبردست متنوع و عموماً سرشار از عواطف و احساسات انسانی است .

اری پید :

اری پید یاری پیدس شاعر بزرگ و معروف یونان باستان است که در سال ۴۸۰ پیش از میلاد در سالامین متولد شد. آثار مهم او داستانهای (ایفی ژنیادارالینس) و (ایفی ژنیادرتورید) و الکتر است که عموماً اثری غم انگیز هستند دارای معلومات وسیع فلسفی و عقاید جدیدی بود و افکار خود را در لافاهه نمایشنامه از ترس سجا کمه و تبعید ابراز میداشت و بالاخره شعرای فکاهی سرای زمان او با انتقادات خود موجب شدند که جلای وطن کند. بروایتی این شاعر بزرگ در مقدونیه بسن ۷۱ سالگی مرد و بروایت دیگر بوسیله چند زن به انتقام اهانت هائی که در آثار خود نسبت بزنان روا داشته بود او را کشتند و روایت سوم اینکه سگها او را در راه پاره کردند .

اناکرئون : Anacreon

نام او در ادبیات دنیای کهن باخاطره غزل سرائی و ذوق و ظرافت توام است. اناکرئون در غزل سرائی در ادبیات یونان قه یم مقام بسیار برجسته و ممتاز دارد. وی

همواره مظهر برجسته روح تغزلی و ظرافت هنری و شعری در یونان و دنیای قدیم بشمار رفته و از این حیث او را در میان مردان همیشه بابیای سافو در میان زنان آورده اند شاعری را که میخواستند باذوق و ظرافت بستانند انا کرئون یک کشور لقب داده اند .

اناکرئون در سال ۵۵۹ پیش از میلاد مسیح یعنی پیشی از دوهزار و شصده سال قبل در یکی از نواحی مغرب یونان متولد شد. از دنیاچندان بهره ای نداشت و از جاه طلبی و بلند پروازی نیز برکنار بود. بدین جهت بقول یکی از منقدین معروف فرانسه از اول شرایط لازم را برای خوشبخت بودن و فارغ از غم زیستن دارا بود عمری نسبتاً دراز داشت که قسمت اعظم آن را در دربار (پولیکرات) پادشاه معروف جزیره (سامسوس) گذراند اما رفتار او طوری بود که هیچکس از وی توقع رعایت مقررات درباری را نداشت یکبار پادشاه بدو پنج تالان طلا (تقریباً یک میلیون افغانی بیول امروزی ما) هدیه کرد انا کرئون که عادت بداشتن این همه پول نداشت دوشبانه روز بخاطر حفظ آنها از خواب و خوراک باز ماند. روز سوم بنزد پادشاه رفت پولها را بدو پس داد و گفت . ترا بخدا پولت را بگیر و آسایش خیالم را پس بده) این ماجرا زمینه بسیار داستانهای منظوم و منثور ادبیات شده است .

ارتور شنیستلر :

نویسنده اطریشی در ۱۹۳۱ متولد و در سال ۱۹۶۲ وفات یافت وی در نوشتن نمایشنامه های يك پرده ای *Einaktau* که در ادبیات معاصر المان رواج بسیار دارد استاد بود و بعضی از اینگونه آثار او تا کنون انتشار یافته است درین نمایشنامه ها قدرت نویسنده در تحلیل افکار و عواطف قهرمانان و نیز در گفت و شنودهای موجز و کوتاه و موثر آنها جلوه بارز دارد .

اشخاص اینگونه نمایشنامه ها غالباً معدود هستند و حادثه ناگهانی و شور و هیجان دراماتیک نیز در آنها نیست معهداً غالب آنها بطور دلپذیر یا شکفت انگیزی تمام میشوند در بیان خطاهای طبع انسانی شنیستلر قدرت خاصی دارد و هیچیک از درام نویسان روح انسان را بخوبی اوبی نقاب و برهنه جلوه نمیدهد شوخی و ظرافت در کلام او گاه به سنگدلی و بیرحمی میکشد و بهرحال شیوه نگارش نمایشنامه های يك پرده ای او جریان تازه ای در ادبیات معاصر پدید آورده است .

اقبال:

محمد اقبال شاعر پاکستانی اهل پنجاب هندوستان، مردی اهل ادب و سیاست بود، بیشتر اشعار خود را بزبان دری سروده است.

در سال ۱۲۵۲ شمسی متولد شد و تحصیلات خود را در لاهور و اروپا بانجام رسانید، در راه آزادی هند و تشکیل دولت پاکستان کوششهای زیاد کرد، از جمله یاران محمدعلی جناح رهبر مسلمان هند و عضو مؤثر حزب (مسلم لیگ) بود مرگ اقبال در سال ۱۲۱۷ شمسی اتفاق افتاد.

افلاتون:

افلاتون از فلاسفه بزرگ یونانست وی در سال ۴۲۹ با ۴۲۷ پیش از میلاد مسیح در جزیره راژنیا تولد یافت و در سال ۳۴۷ در گذشت.

پدر افلاتون اریستن و مادرش پر یکسیونه نام داشت نسب او از جانب پدر به کدروس و از جانب مادر به سلن (قانون گذار و شاعر معروف آتن و یکی از عقلاهی هفتگانه) میرسید، افلاتون نخست از یستو کلس نام داشت هنگام جوانی در آتن تحصیل علوم و شاعری پرداخت و با آثار سوفسطائیان آشنائی حاصل کرد و سپس بسقراط گروید افلاتون چون سقراط از سیاست دوری میگزید، پس از مرگ سقراط افلاتون به مگارا (از شهرهای قدیم یونان) و از آنجا به ارا (شهری در شمال افریقا) رفته و به تحصیل علوم ریاضی پرداخت، و پس از بازگشت بیونان بتدریس حکمت مشغول شد.

محل تدریس او باغی در بیرون شهر بود که (اکادامیا) نام داشت و بهمین سبب فلسفه افلاتون معروف بحکمت اکادیمی شد، اکادیمی افلاتون شهرت بسزائی یافت و شاگردان زیادی استادی افلاتون را پذیرفتند، افلاتون، در ریاضیات و نجوم سرآمد بود و میگویند بر سر در باغی که در آنجا بتدریس فلسفه اشتغال داشت نوشت: هر کس هندسه نمیداند وارد نشود افلاتون با اینکه معتقد به احتراز از الایش بود معیناً در امور معاش و سیاسی نیز تحقیق بسیار میکرد و همچنین غایت اصلی حکمت را حسن سیاست میدانست و عمل سیاست را تنها در خور حکیم می پنداشت و مایل بود آرا و عقاید سیاسی خود را بمورد عمل بگذارد و برای ایجاد و استقرار عدالت که جز ثمر حکمت نمیتوانست باشد میکوشید ولی چون محیط فاسد آتن را شایسته نمی

دانست با بعضی از حکمرانان زمان در خارج از آتن بنای دوستی نهاد و بدان خطه مسافر تنها نمود اما آنهاهم پیش از مردم آتن استعداد نداشتند.

از افلاتون سی رساله باقیمانده است که یادگار حکمت و بلاغت بشمار میرود تولد افلاتون در شهر آتن بسال ۴۲۷ پیش از میلاد گفته اند او با اقلیدس و چند فیلسوف و حکیم دیگر معاشر بوده است مرگ او بسال ۲۴۷ قبل از میلاد اتفاق افتاد.

المارگرین:

المار گرین - الکساندر واسیلیویچ یا کیویوف - داستان نویس معاصر شوروی در سال ۱۹۰۹ یعنی چهار سال پس از نخستین انقلاب روسیه علیه حکومت های تزاری - انقلابی که توسط نیروی مسلح تزار در هم شکسته شد - بدنیا آمد. خانواده وی از طبقات پایان اجتماع بود. پدرش کفاشی میکرد - و مادر او نزد ملاکین بزرگ روس در تسکه کارلی (قسمت جنوب شرقی دوک نشین بزرگ فنلاند که اکنون در تصرف اتحاد جماهیر شوروی و کشور فنلاند میباشد) رعیت بود. گرین هنوز دوران کودکی را میگذراند که پدر خود را از دست داد و بناچار شش سال تمام - از ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۲ در پرورشگاه ایتام لنین گراد زندگی کرد. پس از آن مدت هفت سال بنام کارگر کشاورزی نزد خرده مالکین (کولاک) های نواحی (نوکورود) (پسکف) (او کرائین) و قفقاز شمالی کار کرد.

او از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۴ خدمت عسکری خود را روی کشتی های جنگی دریای بالتیک پایان رساند و از سال ۱۹۵۳ در کارهای بهره برداری از جنگلهای نواحی لنینگراد شرکت کرد.

نخستین داستانهای این نویسنده - پتر - انو خانواده باز یافته بسال ۱۹۳۷ در مجله ادبی (لیترا تور نی - سوور مئیکه) بچاپ رسید و سه سال بعد در مجموعه جداگانه ای انتشار یافت. در طی جنگ بزرگ میهنی و حمله المانها (المار گرین - که نخست سر باز ساده بود بعدها بقو ماندانی یک دسته ارتباط رسید و در عین حال صمت خیر نگار ای جنگ را برای چندین روزنامه بهعهده داشت.

داستان مشهور او بنام (باد جنوب) که بسال ۱۹۴۶ انتشار یافت برنده جایزه اول استالین شد. داستانهای کوتاه این نویسنده پرتجربه بزودی جای وسیعی در میان مردم باز کرد و چون با استیصال پرشوری روبرو شده بود چندین بار بچاپ رسید.

کورس جو دو

وسمبو

در قوماندانی

عالی

قوایمرکز



والاحضرت سردار عبدالولی قوماندان قوای مرکز
با معلمین و مشمولین کورس

بتاریخ ۱۳ دلو ۱۳۴۸ خبریال ما از جریان تدریس و تمرین عملی و نظری کورس جو دو و سمبو در قصر تاج در قرارگاه قوماندانی عالی قوایمرکز بازدید بعمل آورد.

این کورس اخیراً در اثر توجه و علاقمندی خاص قوماندانی قوایمرکز در قرارگاه آن افتتاح شده است.

مشمولین این کورس که مشتمل از صاحب منصبان جوان قطعات قوایمرکز میباشند بطور عملی و نظری زیر نظر یک نفر متخصص خارجی سپورتهای اردو و لمپی بریدمن غلام ذکریا سعدزوی متخصص سپورتهای قوای مرکز جو دو و سمبو را می آموزند.

علاوتاً در هفته سه روز آمران قرارگاه ق، م نیز تمرینات عملی سپورتهای مذکور را فرا میگیرند.

کورس مذکور در اتاق مخصوص سپورت که بشکل مفید و مجهز ترتیب شده همه روزه دوام مینماید ضمن مصاحبه که نامه نگار ما با الاحضرت

قوماندان قوایمرکز بعمل آورد. ایشان در باره افتتاح و لزوم تدویر آن همچنین تقویه و تصمیم سپورتهای بخصوص جو دو و سمبو در قوایمرکز چنین گفتند:

در داخل اردوی شاهی افغانستان سپورت بصورت عمومی، جو دو و پهلوانی بصورت خصوصی باید تقویه گردد تا مربوطین اردو جسماً و روحاً برای مجادله حاضر باشند.

والاحضرت علاوه کردند:

اولاً باید اشخاص با استعداد تحت تعلیم و تربیه سپورتهای گرفته شوند تا بعداً از بین آنها اشخاص مستعدتر انتخاب گردد تا در کورس تربی (معلمی) شامل شده از نتایج آن همه قطعات قوایمرکز استفاده نمایند. زیادتراً مفکوره ما اینست که یک فکر سلیم یک دل شجاع در یک بدن سالم بوجود آید.

لمپی بریدمن سعدزوی متخصص سپورتهای ق، م در مورد لزوم تدویر

کورس مذکور چنین گفت:

چون از یکطرف سپورت برای تقویه وجود و حفظ صحت منسوبین اردو بخصوص صاحبمنصبان مهم بارزی را ایفا مینماید از طرف دیگر در محاربات بخصوص مبارزات تن به تن فن جو دو و سایر سپورتهای انفرادی موفقیت را بهتر تامین کرده میتواند بنهائاً افتتاح این کورس در اثر لزوم دید قوماندانی عالی قوایمرکز یک قدم بسیار مفید شمرده میشود.

لمپی بریدمن سعدزوی بجواب یک سوال دیگر توضیح داد:

درین کورس که اخیراً افتتاح شده است پهلوانی سمبو و جو دو با استفاده از اساسهای جدید بین المللی برای مداومین آن بصورت عملی و نظری تدریس میگردد.

همچنین درین کورس که نظریه توجه و علاقه خاص والاحضرت قوماندان قوای مرکز دایر شده است علاوه بر مداومین و آمران قرارگاه،



صحنه از فعالیت بهلوانی جودو

خودشان شخصا نیز به کورس مذکور بصورت عملی و نظری اشتراک ورزیده و نتایج بسیار عالی را گرفته اند و این يك نمونه مثال بزرگی برای اردو میباشد. وی در مورد مشمولین کورس گفت :

مشمولین این کورس جهت پیشبرد و تقویۀ نظری و عملی سپورتهای و تأمین سلامتی و آمادگی افراد در حضر و سفر بمدت سه و نیم ماه که کورس ادامه می یابد بحیث ترینر تربیه میشو ند و در ختم کورس به اشخاصیکه مؤفقا نه کورس را پیاپی برسانند تصدیقنامه داده میشود و البته طبق پروگرام آمریت ورزشی قوایمرکز دوره دوم شروع شده و تا زمانیکه ترینر بقدر کافی در قطعات تربیه شود تدویر این کورس دوام خواهد کرد در نظراست بعد از جریان کورس مذکور کورسهای دیگر بنام کورس مافوق ترینر نیز افتتاح و تدویر گردد .

لمپی بریدن سعدزوی دوام داد :



صحنه از فعالیت اردو تن از مشمولین کورس

و تربیت بدنی جوانان و منسوبین قوایمرکز نصیب گردد .

اساساً سپورت در اردو ونه تنها برای تقویۀ و وقایه صحت افراد مؤثر است بلکه برای آمادگی و استعمال قابلیت سلاح و وسایط دست داشته و همچنین کمایی نمودن مؤفقیت در مباررات تن به تن و بکار بردن حدا کثر نیروی بدنی در محاربات نیز خدمت بسزا وشایسته انجام میدهد .

نامه نگار ما علاوه میکنند که فعالیت سپورتهای اردو در تحت قیادت اعلیحضرت معظم همایونی سر قوماندان اعلی اردو ، توجهات مزید مقام وزارت دفاع ملی و دایر کتیبهای متر درستی بصورت همه جانبه بطور قابل توجهی افزایش یافته و ریاست کمیته ورزشی اردو و همچنین آمریت سپورتهای ثقیله گامهای مؤثری در راه تقویه و تصحیم سپورتهای انفرادی و اجتماعی برداشته اند ، کذا یکعده از جوانان اردو که برای آموختن سپورت بصورت علمی و تکنیکی بخارج اعزام شده بودند بصفت معلم و ترینر در قطعات و کورسها ابراز جدیت و مساعی مؤثری نموده اند .

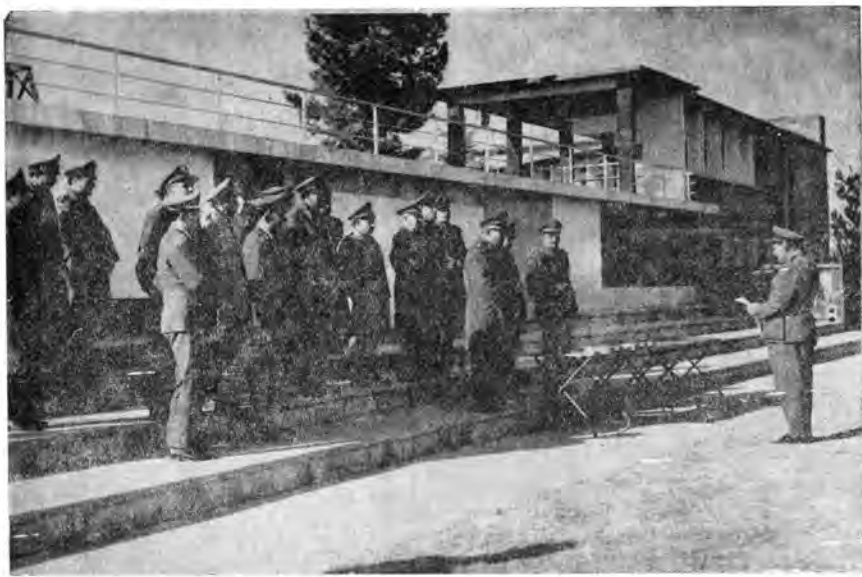
با توجه باین امر امید این میرود که در کنار سایر فعالیت های تعلیم و تربیه اردو بتواند قهرمانان شایسته برای اردو و مملکت عزیز ما تقدیم نماید و گامی دیگر در راه حصول افتخارات ملی ما برداشته شود .

فدراسیون سپورت جودو رسمیت بین المللی داشته و در گذشته در المپیادها منجمله المپیای توکیو نیز قهرمانانی تقدیم کرده است ، اکنون هم این سوال موجود است که چون سمبو و جودو از نقطه نظر اساسهای فنی بهم نزدیک است باید یک فدراسیون بنام فدراسیون سپورت متحد (پهلوانی با لباس) تشکیل گردد تا بتواند در المپیای ۱۹۷۲ مونشن نیز اشتراک ورزد .

معلم سپورت ق ، م در اخیر گفت : نظر باینکه سپورت سمبو و جودو بخصوص در هنگام محاربه نقش مهمی را بعهده میگیرد بناً باید باین سپورت در کنار سپورتهای سروجۀ کنونی اردو حق قدامت داده شود تا اعلی العموم صاحب منصبان در فرا گرفتن آن همت بخرج دهند .

قراریکه خبر نگار ما از جریان تمرینات کورس باز دید بعمل آورد نظم و ترتیب خاص اتاق سپورت از هر لحاظ قابل یاد آوری بوده و فعالیت محسوس و قابل توجه معلمین در تدریس نظری و آموزش عملی سپورتهای مذکور بخوبی مشهود میباشد .

با اینکه مدت کمی از افتتاح کورس مذکور میگذرد باز هم نتایج آن بطور واضحی آشکاراست و امید میرود با ختم کورس همانطور که آرزوست توفیقات بیشتری در امر انکشاف و تقویۀ سپورت



دگروال شیرافضل کفیل پوهنچی هوایی راجع به طرز تدریس خورد ضابطان هوایی توضیحات میدهد

توزیع مدالها انعامات وشهادتنامه های

دوره

هفتم

خورد

ضابطان

قوای

هوایی

خواندن تعلیمنامهها و تطبیق درسهائی میباشد که در مکتب فرا گرفته اید .
رفقا ملتفت باشید که وظیفه شما یک وظیفه خطیر بوده و موفقیت شما در اجرای آن خواهد بود .

برای اینکه رول خود را خوب انجام دهید باید کوشش کنید پایند و وظیفه شناس باشید در غیر آن عدم پایندی و نارسایی شما یک مشکل بزرگی برای دیگر همکاران تان تولید خواهد کرد .

نصایح من اینست که در دوره عملی به دیسپلین و انتظامات متوجه بوده و با سر آمرین اطاعت تام داشته باشید .

من از قوماندانی هوایی پوهنچی ، معلمین و همچنین متخصصین خارجی

روزیکشنبه ۱۹ دلو ۱۳۴۸ ساعت سه بجه بعد از ظهر ضمن محفلی مدالها، انعامات و شهادتنامه های دوره هفتم خورد ضابطان قوای هوایی توسط ع، ع ش دگر جنرال عبدالرزاق قوماندان عمومی هوایی و مدافعه هوایی ضمن محفلی که در چمن قهوه خانه کلوپ عسکری انعقاد یافته بود توزیع گردید .
بعد از توزیع شهادتنامه ها دگر جنرال قوماندان عمومی هوایی و مدافعه هوایی بارغان را مخاطب قرار داده و بعد از تبریک این موفقیت به ایشان گفتند :

برادران من ! شما امروز دوره نظری تعلیمات را موفقانه پایان رساندید اکنون در ساحة عملی موفقیت شما مربوط به مطالعه نوتهای درسی مکتب،



صحنه از مراسم تحلیف
فارغ التحصیلان

فرا گرفته اند بحضور تقدیم نمود .
قبل از آن ساعت دو نیم بعد از ظهر
مراسم تحلیف در حالیکه برید جنرال
گنیهار قوماندان قوای هوایی حاضر بود
در صحن کلوب عسکری اجرا گردید .
درین مراسم ع. ش. قوماندان عمومی
تویچی و ع. ش. رئیس تعلیم و تربیه عده
از جنرالان و جمعی از صاحب منصبان
حضور یافته بودند محفل ساعت چهار
عصر باسلام پادشاهی خاتمه یافت .

دوره هفتم خورد ضابطان پیونجی را
مؤفقا نه به پایان رسانیده و تقدیم جامعه
نماید در حاتمه میگویم . زنده باد
پادشاه محبوب ما پاینده باد افغانستان
عزیز و مؤفق باد اردوی شاهی افغان .
در آغاز دگروال شیر افضل کفیل
قوماندانی هوایی پیونجی و پیونجی
هوایی ضمن ابراز خیر مقدم مطالبی را
راجع به دروسی که فارغان ضمن تحصیل

که در راه رساندن شما زحمت کشیده اند
و عکذا از قوماندانی هوایی تشکر
مینمایم .
جای مسرت است که در عصر فرخنده
اعلی حضرت معظم همایونی سر قوماندان
اعلی اردو و توجه جلالتمآب ستر جنرال
وزیر دفاع ملی و دیر کتیف های مقام
عالی ستر درستیز قوماندان عمومی
هوایی و مدافع هوایی مؤفق شد که

فارغ التحصیلان دوره هفتم
خورد ضابطان هوایی .



توزیع شهادتنامه ها و جوایز کورس

سپورت حربی بنو و نخی



تورن جنرال غلام علی پنجشیری آمر سپورت های ثقیله اردو در حال توزیع شهادتنامه بیکی از مستحقین

ساعت چهار عصر روز دو شنبه ۲۰ دلو ۱۳۴۸ شهادتنامه ها و جوایز کورس سپورت حربی بنو و نخی توسط ع، ش تورن جنرال غلام علی پنجشیری رئیس زره دار و آمر سپورت های ثقیله اردو توزیع گردید.

در آغاز تورن جنرال محمد عثمان قوما ندان حربی بنو و نخی ضمن بیانیته مختصری راجع بکورس توضیحاتی داده و از تورن جنرال پنجشیری آمر سپورت های ثقیله اردو خواهش کرد تا شهادتنامه ها و جوایز فارغان کورس را توزیع نمایند.

بعد از توزیع شهادتنامه ها بیاغلی آمر سپورت های ثقیله اردو راجع به سپورت پهلوانی وجود و سمبوی عسکری بیانات مفصلی نموده ضرورت و اهمیت آنرا در اردو از رهگذر تعلیم و تربیته واضح ساخت.

بعد از بیانات فوق مداومین رامورد هدایت و توصیه قرار داده و از ایشان خواهش نمود، زمانیکه به قطعات خود بر میگردد باید چیزها نیکه نظر او عملاً درین کورس فرا گرفته اند در قطعات بالفعل تطبیق نموده و باسرع زمان راندمان آن را ارائه کنند.

همچنین بیاغلی موصوف تمنا نمود تا فارغان بحیث یک تریئر لایق و ورزیده عملاً در قطعات ایفای وظیفه و ابراز

لیاقت بدارند تا وسیله تشویق گردند. تورن جنرال رئیس زره دار بیانیته خود را با کلمات خدا، پادشاه، مملکت و وظیفه خاتمه داد.

قبلاً بساعت ۱۰-۱۱ حضار در اتاق سپورتها از جریان فعالیت های عملی کورس دیدن کردند. درین کورس که مدت هفت ماه بطول انجامید و بکته عدد لازم صاحب منصب و خور دضابط از قطعات مختلفه سر بوط وزارت دفاع ملی و پولیس در آن شامل بود

چهار نوع پهلوانی که عبارت بودند از پهلوانی بدون لباس (پهلوانی آزاد کلاسیک) و پهلوانی بالباس (جودو و سمبوی

و هکذا دونوع سپورت جودو و سمبوی محار بوی که بصورت متودیک، تیوریک و پراتیک آموختانده می شد.

درین کورس که فارغان بحیث تریئر و معلم سپورت نیز میتوانند اجرای وظیفه نمایند طرز جریان مسابقات اصول حکمیت و ریفری گری و سیستم پهلوانی به سویه بین المللی تحت نظر یک ترفر متخصص و ورزیده سپورت نیز تدریس گردید.

قراریکه خبرنگار ما اطلاع میدهد طرز فعالیت های دست جمعی فارغان که چند نوع از سپورتها و حرکات یاد



گرفته شده را با مهارت اجرا کردند مورد دلچسپی حضار قرار گرفته و قرار گرفته یکی از مطلعین سیورت های مذکور حرکات کاملاً موفقیت آمیز بود و نتیجه آن از هر لحاظ قابل اطمینان و امتنان می باشد .

درین مراسم یکجده از جنرالان و صاحب منصبان وزارت دفاع ملی و منسوبین حربی بشو و نجی شرکت ورزیده بودند .

تورن جنرال محمد عثمان قوماندان ح، پیش بافازغان کورس جودو دیده میشوند



صحنه از فعالیت و ترقی از مشمولین کورس



نمونه از تعلیماتی که کورس جودو تدریس گردیده است



تغیر پلانهای تانک سازی اضلاع متحده و آلمان غربی

کرد مصارف این پروژه به طور مشترک خاتمه یابند و ازین به بعد هر عضو و پروگرامهای خاص انکشافی خود را تعقیب و دنبال نماید.

پس از هفت سال کار و مصرف ۲۱۵ میلیون دالر (۹۰ میلیون پوند) هر مملکت با شش مدل تانک بینجاه تنه عظیم العجمه که هر کدام آنها میتواند دشتهای و صحاری وسیع و بی پایان را با غرش مهیب خود بلزه درآورده و در اثر فشار و تضییق هوا خود را کاملاً مشهود و یا از انظار در عقب پوش خویش مستور نگهدارد باقیمانده تا روشن مشخص بخود را تعقیب نمایند.

برج کوچک سه نفری آن ایر کاندیشن بوده و محلی را احتوا میکند که در لیور بوسایل و وسایط مختلفه از قبیل سیت دور درستی متناظر باشد که جهت سیر و دیدن خود تانک است

این پروژه بواسطه مصارف گزاف و قیمت بلند آن از طرف کانگرس امریکا تحت انتقاد قرار گرفته، همچنان در آلمان غرب از جهت عدم ایقان در اهمیت و ارزش نظامی اش نیز با انتقاداتی مواجه گشته است.

یک نطق آلمان غربی اخیر این هفته گفت، مورد مخنطی که پیرامون این موضوع بحث می نمود چنین فیصله

اضلاع متحده امریکا و آلمان غربی مشترکاً در انکشاف و توسعه ساختمان پیچیده ترین تانک دنیا که بنام ام بی تی، ۷۰ معروف است کار مینمودند این وسیله حربی عمده ترین سلاح اردوهای اضلاع متحده و آلمان غربی را تشکیل داده، بحیث تانک عظیم جنگی تا تو در این سال خواهد بود.



ماشیندار خفیف فرانسوی که جدیداً در صنوف پیاده اردوی فرانسه مورد استعمال قرار گرفته است



گوشه‌ای از تطبیقات تانک و پیاده در اردوی ترکیه

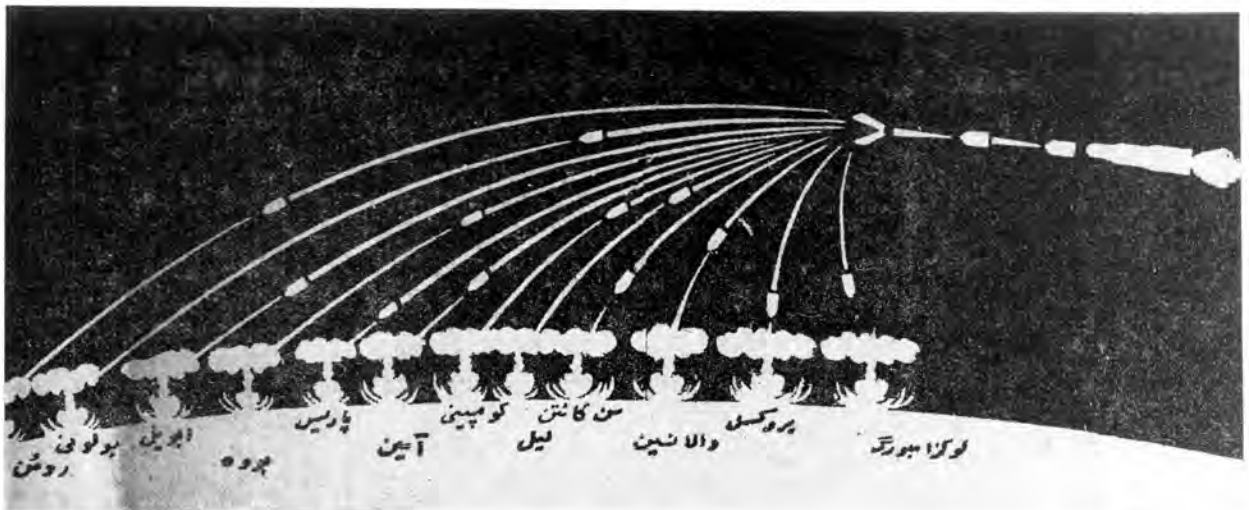
نقصان عمده ایکه براساس انتقادات المان غربی موجود می‌باشد عبارت از نیست که قسمت توپهای اتحاد شوروی پائینتر و کم ارزشتر است و در هر فیر ۲۵۰، ۱ پوند مصرف دارد.

اردوی اضلاع متحده امریکا که در صد بسط گردانیدن این پلانهای می‌باشد در تلاش آن است که سیستمی را بوجود آورد، تا سرمیه‌های ضدتانک را توسط آن پرتاب نماید، انجام و تطبیق این پروژه برای هر تانک دو صد هزار پوند مصرف خواهد داشت و این رقم چهار چند مصرفی است که برچیفتن های جدید بریتانیا صورت می‌گیرد.

هر گاه چنین چیزی بوقوع پیوندد ناتو در عقب يك مربع قرار خواهد گرفت که اضلاع متحده بریتانیا، فرانسه و المان غرب تشکیل میدهند. و هر يك از این کشورها در ساحه تانک سازی رقیب آن دگری بوده و در تلاش است تا مدل‌های گوناگون تولید داشته و به ملاک کوچکتر بفروش برسانند.



تفنگچه های ماشیندار که جدید آردووی فرانسه مورد استعمال قرار گرفته است



دور نمای آیندۀ سلاح ام. آی. آر. وی که بشکل آخیلی قدرت انفلاق آنرا در ۱۲ شهر نشان داده شده است

«ام. آی. آر. وی» با مخوف ترین سلاح عسکری جهان که با یک فیر میتواند ۱۲ شهر را نابود سازد. وقتی که راکت های بالستیک اتمی بمیدان آمد از آنها سلاح فوق العاده خطر ناک و مطلق، نام برده می شد همانطور وقتی کشتی های از درانداز سلاح مطلق شمرده می شد ولی طولی نکشید که صداژ در افکن وارد نیروی دریائی شد.

پنج سال قبل امریکائی ها دریافتند که شوروی ها بساختن سلاح تازه ای موفق شده اند و آن عبارت از یک سیستم دفاعی بود که بشکل قوس قزح از شهر تالین در «لتونی» شروع میشد و شهر های بزرگ را در برسی گرفت.

و همین جهت به آن «سیستم تالین» نام دادند. و مدتی بعد با ایجاد یک شبکه ضد راکت بدور مسکو و دیگر شهرهای مهم و مناطق استراتژیکی دست باقدام زدند. امریکائی ها با درلذ این موضوع طرح معروف به سیستم «نادیک ایکس» را مورد بررسی قرار دادند.

بموجب این برنامه راکت های بنام «سپارتان» حامل کلاهک های اتمی یک مگاتنی می بایست در فضابین راکت های دشمن حایل شده و اینها را منهدم سازند و اگر راکت های «سپارتان»

نمی توانستند جلوراکت های مهاجم را بگیرند آنوقت راکت های دیگری بنام «سیرنیت» بقدرت یک کیلو تن می بایستی وارد میدان شوند.

ولی عده ای از متخصصین عسکری با این طرح با مخالفت برخاستند و عقیده داشتند که اجرای این طرح مستلزم صرفه تا پنجاه میلیارد دلار خواهد بود زیرا دانشمندان عسکری شوروی قادر هستند که راکت های خود را طوری تکمیل کنند که از شبکه های دفاعی امریکا گذشته و خود را به هدف برسانند و در این صورت میلیاردها دلار بهدر خواهد رفت و اقیماً قدرت تخریبی راکت های اتمی شوروی فوق العاده قوی می باشد و هر نوع هدف ستراتیژیکی خود را در مسافه های دور میتواند تحت آتش قرار بدهند. اما در این اواخر عده ای عقیده دارند سلاح جدیدی که امریکا برای برقراری مجدد موازنه وحشت در نظر گرفته همان «ام. آی. آر. وی» است.

این راکت ها با سر گلوله های هیدروژنی خود وحشتناکترین سلاح عسکری را تشکیل میدهد باین ترتیب که راکت چند سر گلوله که هر یک حامل یک بمب هیدروژنی است از خود

خارج میکند و هر یک از سر گلوله های هیدروژنی بسوی یک شهر معینی روانه میشود در این صورت سیستم «آ. ب. ام» دیگر قاطمیت خود را از دست میدهد.

گرچه «ام. آی. آر. وی» هنوز تکمیل نشده ولی در هر حال وجود خارجی پیدا کرده است و این راکت ها جهت مقابله با راکت های شوروی (راکت های اس. اس. ۹) پیش بینی شده است زیرا این راکت ها هر یک میتواند سه تا پنج سر گلوله اتمی با خود حمل کنند. بعبارت دیگر اگر تنها یک راکت از این نوع بتواند از سمت شرقی خود را به امریکا برساند در عین حال شهرهای بوستون، نیویورک، فیلادلفیا، بالتیمور و واشنگتن را نابود میسازد متخصصین عسکری امریکائی عقیده دارند که «۴۹۰ راکت اس. اس. ۹» شوروی کافی است که ۹۵ درصد راکت های «فیوتمن» و «تیمستان م» که امریکائی ها در دیپو های خود ذخیره کرده اند از بین ببرد آنها عقیده دارند که شوروی هم اکنون دوصد هشتاد راکت از این نوع در اختیار دارد. علاوه بر آن هزار و یکصد راکت قاره بیما و صد و شصت راکت مخصوص زیر دریائی نیز در دیپوهای اتمی شوروی که قدرت تخریبی زیادی را مالک است موجود دارد.

میکروب، وحشتناکترین سلاح عسکری

در امریکا در ناحیه «فورت و تریک» میکروب های متعدد «وبا» انسفالیت «گنده طاعون» و صدها نوع میکروب های دیگر را پرورش داده اند باین ترتیب دیپوهای میکروبی ایالات متحده وحشتناکترین دیپوهای جنگی جهان را تشکیل میدهند.

میکروبهای جدید :

علاوه بر این پیشرفتهای درشناسائی «ژنتیک» میکروبهای حاصل شده با کتریها و میکروبهای جدید «خلق» شده است که بدن انسان هیچگونه وسیله مقاومت و دفاع در برابر آنها ندارد. تنها پيدا کردن يك ميكروب حامل بیماری کافی نیست بلکه باید آنها را پرورش داد و برای این کار آنها را بوسایل مختلف کشت کرد و باین ترتیب صدها کیلو میکروب بدست می آورند. برای «تحویل دادن» این «کالای مرگ زار» به دشمن کافی است تعدادی از آنها بوسیله طیاره روی يك شهر ریخت تا تمام ساکنین را از پای در آورید هم چنین ممکن است میکروب ها را بوسیله بمب دستی و یا وسایل انفلاقیه دیگر بسوی دشمن فرستاد.

مزیت جنگ میکروبی در این است که میتواند سرعت گسترش پیدا کند پیدا کردن عامل بیماری ناشی از میکروب های جنگی و پیدا کردن سرورم و یا واکسن آنها مدتی طول میکشد و باین ترتیب قبل از آنکه وسیله جلوگیری از بیماری یاریشه کن ساختن پیدا شود عده زیادی از بین میروند یا قابلیت جنگی خود را از دست میدهند. آزمایشی که انگلیس ها در جزیره «گیرلانده» در شمال پریتانیا انجام دادند خطر وحشتناک جنگ بیولوژیکی را کاملاً آشکار ساخت. آنها ۲۵ سال قبل میکروب بیماری «انتراکس» را روی این جزیره غیر مسکون ریختند هنوز میکروبهای ناقل این بیماری در آنجا به زندگی خود ادامه میدهند.

اکنون در سراسر جهان در فرانسه انگلیس، شوروی و مخصوصاً امریکا دانشمندان میکروب شناس کار سری خطرناک وحشتناکی را دنبال میکنند. آنها خطرناکترین میکروب ها را طبقه بندی کرده و نژاد «باسیل» هارا اصلاح میکنند تا فعالیت بیشتری به آنها بدهند.

اکنون به بیماریهای همه گیر سابق که دنیارابارها دستخوش وحشت کرده است، بیماری های دیگری اضافه شده است.

مذاکرانیکه از مدت ها باینطرف در بین نمایندگان عسکری چهار قدرت ماسک سلاح میکروبی بعمل می آمد بالاخره در این اوخرتاندازه نتیجه مثبت داده است چنانچه در این اوخر رئیس جمهور امریکا هم چنین از مجلس سنا درخواست کرد که معاهده مورخ ۱۹۲۵ ژنو را در مورد منع استعمال گاز های سمی تصویب کند.

سلاح بیولوژیکی وحشتناک ترین سلاح های موجود در روی زمین است زیرا برای تمام بشریت بدون استثنا مرگ و نیستی همراه می آورد.



Экипировка американского солдата ближайших лет. На лице — маска, защищающая от светового излучения ядерного взрыва. На шлеме — инфракрасный бинокль.

در این اوخر عساکر امریکائی جهت مقابله با جنگهای میکروبی اتومی و تن به تن آینده با عساکر روسی با چنین لباس تعلیمات عسکری خود را شروع نموده است

اشاعه مرض :

همه زیست شناسان میدانند که یک مرض ماری تا وقتی که زمینه مساعدی بدست نیآورده است نمیتواند بوجود بیاید. از این رو پس از مطالعاتی که بعمل آمده است وسیله فراهم ساختن زمینه مرض اشاعه این مرض را نیز کشف کرده اند.

اکنون نه تنها ممکن است میکروبهها را در یک شهر برا گنده ساخت بلکه میتوان آن تا پیدا شدن محیط لازم برای نشو و نما مقاومت بدن آنها را هم زیاد کرد.

معدالک این وسیله عسکری برای کشور فاتح نیز مانند کشور شکست خورده خطر ناک است.

باز بین رفتن خطر استفاده از پیشرفته‌های میکروبی که دانشمندان در زمینه شناسائی میکرو و بها و پرورش آنها بدست آورده اند میتوان امیدوار بود که در آینده از معلومات جدید در زمینه میکروبی شناسی برفع بشریت استفاده شود و مذاکرات هلسنکی تأثیر مهم جهت کنترل و از بین بردن این سلاح خطر ناک عسکری وارد سازند.

سفینه نجات در زیر بحر

نخستین کشتی نجات تحت البحری قوای بحری ایالات متحده امریکا هفته گذشته در لوک هاید واقع سانتیاگو به آب انداخته شد.

این سفینه تا عمق ۱۵۰۰ متر زیر آب میتواند نفوذ کند و در خلال سفر وظیفوی خود تا ۲۴ تن از سر نشینان تحت البحری مغروق را میتواند نجات بدهد.

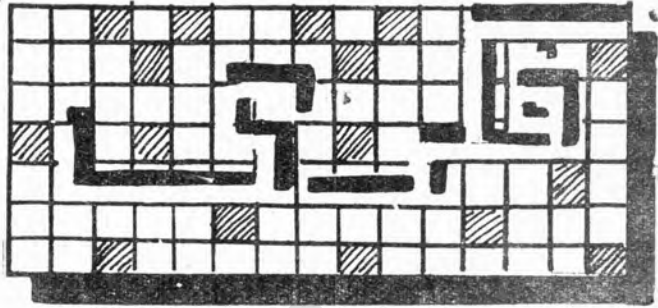
ظرفیت آن طوری منجیده شده است که توسط طیاره در محل مطلوب رها میگردد.

قیمت یک عدد از این سفینه برای امریکا ۱۴ میلیون دالر تمام شده است.



نمونه عبور یکتن از افراد قوای بحری ترکیه حین اجرای تطبیقات در ترکیه

بشغولیتبای



آنهائیکه موفق به حل شمار (۱۰۱) مجله اردو گردیده‌اند



محمد اکبر
از ح . بن



پیغله پانتون متعلمه
صنف ششم مستوره غوری



شبیر احمد متعلم صنف
پنج مکتب درخانی



زبیده متعلمه صنف
ششم مکتب درخانی



محمد نادر
« مهر زی »



شاه ولی بریدگی
از دفاع
هوا



محمد نعیم « وزیر »
بریدگی قطعه
۷۷ دفاع هوا



محمد صابر باشی
مانو تایپ مطبعه
دفاع ملی



عین الله یوسفزی
بریدگی قطعه
۷۷ دفاع هوا



غلام مجتبیٰ (نبی زادہ)
 ماوراء النہر بیت
 اکمال روغنیات



غلام حیدر (نبی زادہ)
 فارغ التحصیل صنف
 ششم ابوریحان



عبدالاحمد متعلم صنف
 پنجم مکتب متوسط
 قلعہ مراد بیگ



محمد اللہ (مجمودی) متعلم
 صنف پنجم مکتب صالح
 آباد انجیل ہرات



عبد الکریم
 (آریوب وال)



سید حسن (تیرائی)
 متعلم صنف نہم
 لیسہ نادریہ



غیاث الدین
 (ریج)



محمد اعظم (شوقی)
 عضو شعبہ مائو تائپ
 مطبعہ دفاع ملی

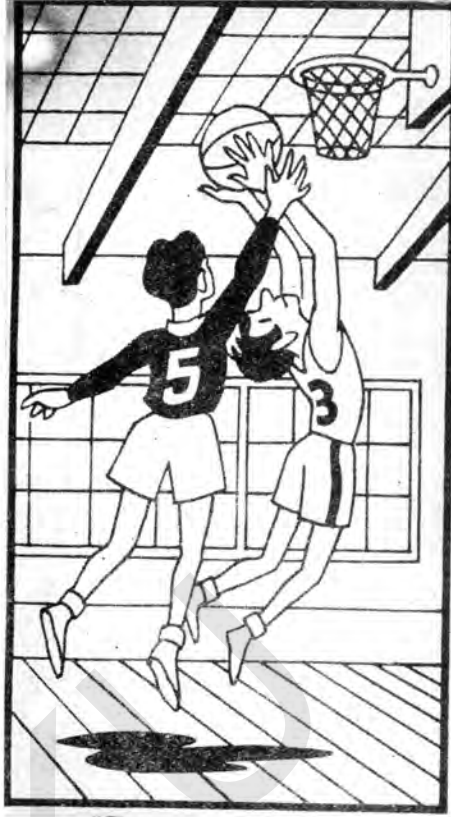
متعلمین لیسہ تالقان، علی محمد (یوسفزی)
 افراد مطبعہ دفاع ملی، محمد ظریف متعلم
 صنف ہشتم لیسہ استقلال، حبیبہ متعلمہ صنف
 دہم لیسہ زرغونہ، دینا متعلمہ صنف نہم
 لیسہ عایشہ درانی، سلیمہ متعلمہ صنف
 ہشتم لیسہ ملالی، غیاث الدین متعلم
 صنف یازدہ لیسہ حبیبیہ، حالیہ متعلمہ
 صنف دوازدہم لیسہ زرغونہ
 محمد عارف (چوبک) نیز بہ حل معمای
 شماره گذشتہ مؤفق شدہ است

استقلال، مجمل بریدگی طو پچی از
 قوای ۱۸ مزار شریف تورپیکی متعلمہ
 صنف دہم عایشہ درانی، ہما متعلمہ
 صنف دہم لیسہ شاہدخت بلقیس،
 زرمینہ، ملالی متعلمات صنف ہشتم
 لیسہ جہانملکہ محمد اشرف متعلم
 صنف ہفتم لیسہ حبیبیہ، جان محمد
 صنف دہم لیسہ غازی دوست محمد
 محمد حلیم متعلمین صنف ششم مکتب محمود
 هوتکی، عبدالخالق محمد عباس اسد اللہ

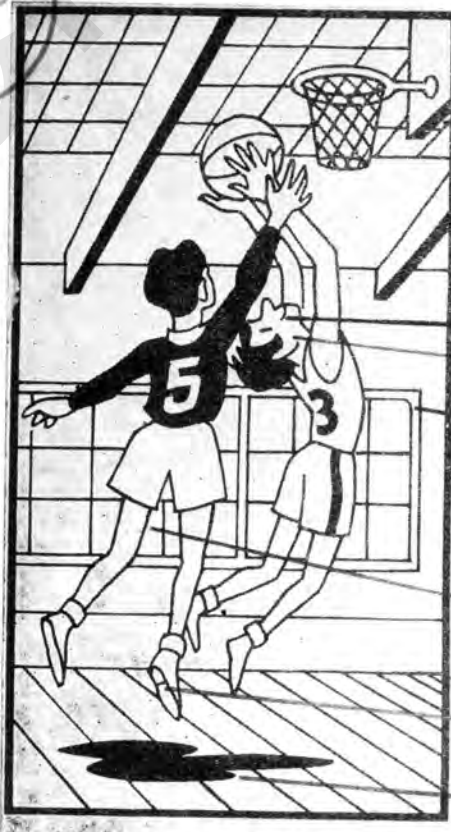
وہمچنان لیلی « فیضی صدیق »
 متعلمہ صنف ہفتم لیسہ زرغونہ، ظہرہ
 « فیضی صدیق » متلمہ صنف دہم لیسہ
 زرغونہ، وحیدہ «سید» متعلمہ صنف
 یازدہم لیسہ ملالی، رخشانہ خروش
 متلمہ صنف ہفتم لیسہ ملالی، ہما
 « یوسفی » صنف ہفتم لیسہ ملالی،
 فرزانه خروش صنف ششم لیسہ ملالی
 مستورہ پوپل صنف نہم لیسہ زرغونہ
 روح اللہ متعلم صنف سوم مکتب لیسہ



این دو فوتو در ظاهر باهم بکلی شباهت دارند اما اگر بدقت ملاحظه کنید چند اختلاف در اینها موجود است در صورتیکه موفق شدید جواب این اختلاف را با فوتوی خود به آمریت مجله اردو بفرستید تا نشر شود.



حل اختلافاتیکه در شماره قبلی از خوانندگان ارجمند تقاضا کرده بودیم اینک ذریعه عدد نشان داده شده است.



①

②

③

④

⑤

⑥

⑦

⑧

فرو گذاشت نکرده و در همه جا رهنمای مصلح و خیر خواه عالم انسانیت بشریت است .
ملت مسلمان افغانستان وار دوی بادبان و فداکار افغان مراسم خجسته عید اضحیٰ را با دلچسپی و علاقه فراوان تجلیل کردند و این یگانه روزنه امید است که ما را بآینده و به اتحاد و اتفاق و وحدت ملی و اسلامی مان نوید می دهد امید و اریم عید سعید اضحیٰ طلیعه سعادت و وحدت ملی و همبستگی اخلاقی مردم مایوده و از موجودیت این گونه مراسم حمیده بتوانیم در راه رفع مشکلات عمومی و تفرقه ها و خود خواهی ها و ازالہ کدورتها موفق و فیروز شویم آنوقت است که عید پر امیدمون و مبارک خواهد بود .

میرود. اتحاد و همبستگی و آگاهی مسلمانان از احوال همدیگر با توجه باینکه مسلمانان عالم بالخاصه در چنین مواقعی که مورد تجاوز دشمنان غارتگر قرار گرفته اند و حملات مسلحانه اسرائیل موجب کشتار فجیع و بیرحمانه برادران عرب مامیشود، اگر جامعه اسلامی با روحیه اصیل دین و جذبہ اسلامیت گرد یکدیگر جمع شوند، اختلافات و کینه توزیها و پراگندگی ها را که دشمنان عمدتاً بوجود آورده اند کنار بگذارند. البته از نگاه سیاسی و استحکام موقعیت جامعه اسلامی در رفع این کشیدگی ها تاثیر بسزائی خواهد داشت .
با این مختصر درمی یابیم که اسلام در هیچ زمينه و در هیچ حال و شرایطی خیر و صلاح و توفیق جامعه اسلامی را

خلص سوانح جگت تورن قوماندانی عمومی توپچی محمد شریف



مرحوم در سنه ۱۲۸۸ شمسی در باغ غنیمردان کابل تولد یافته :

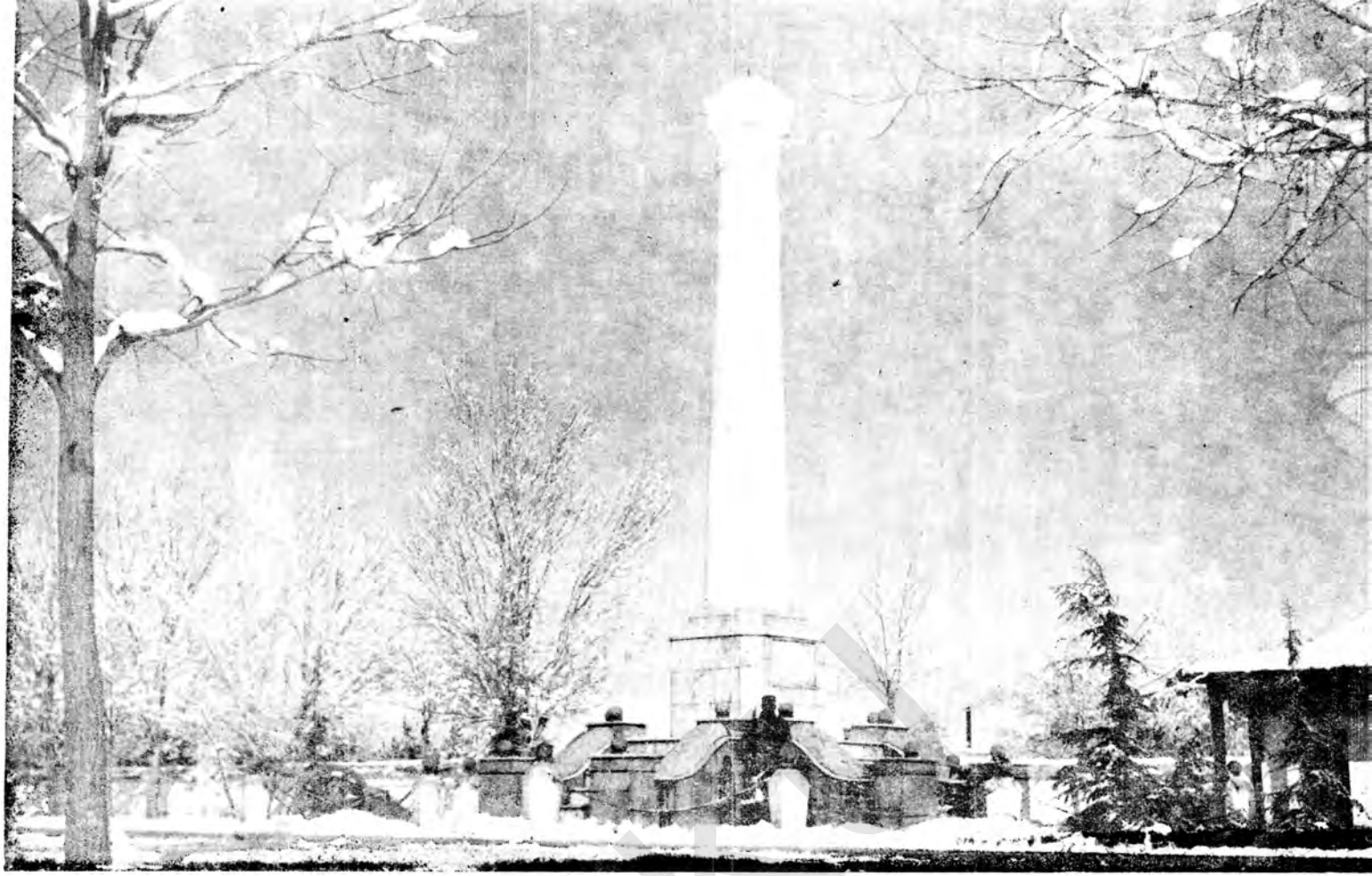
بعد از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۰ در مکتب حربیه سابقه شامل در سال ۱۳۰۲ از مکتب حربیه فارغ و متعاقب آن تا سال ۱۳۰۷ تحصیلات خود را به بعضی کورس های عسکری به پایة اكمال رسانید در سال ۱۳۰۹ در تولى پروانه بحیث سرپر کمشر مقرر گردید در سال ۱۳۱۶ بو کالت بلو کمشری ترفیع و در غنند (۲)

فرقه شاهى تعیین و در سال ۱۳۱۹ به کورس خورد ضابطان بحیث بلو کمشر مقرر در سال ۱۳۲۱ بر تبه بلو کمشری اول ترفیع و بفرقه اول تبدیل در سال ۱۳۲۵ بر تبه تولیمشری ترفیع در سال ۱۳۲۹ به اعضاء خریداری فرقه اول مقرر و در سال ۱۳۳۰ در بست قوایمر کز تعیین در سال ۱۳۳۱ در بست مدیریت اداری تعیین و در سال ۱۳۳۴ بر تبه تولیمشری قدمدار ترفیع در سال ۱۳۳۵ در بست احتیاط پیژنتون پذیرفته شده در سال ۱۳۳۶ در بست وسیله تون مقرر گردیده است .

مرحوم در زمان وظیفه داری خویش به مکافات های نقدی نائل و همیشه مورد نوازش آمرین قرار گرفته است به کمال تأسف اطلاع گرفتیم که جگت تورن مرحوم به اثر مریضی که عایدشان بوده بتاريخ ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۴۸ به عمر (۶۰) سالگی داعی اجل را لبیک گفته پدرود حیات نمود ند .

انا لله وانا اليه راجعون

وزارت دفاع ملی از فوت جگت تورن مرحوم که یک تن از صاحب منصبان سابقه دار اردو بوده متأثر و متالم گردیده از بارگاه خداوند یکتا برای مرحومی طلب مغفرت و برای بازماندگان صبر جمیل میخواند .



آبده استقلال وزمستان كابل

دملی دفاع وزارت - ستردرستیز
دنشریاتو لوی مدیریت - دار دو مجله

دتاسیس کال ۲۱ کل ۱۲۹۹

شماره یازدهم - دلو ۱۳۴۸

AFGHAN, MILITARY REVIEW

Address: De Urdu Mudjella Kabul - Afghanistan

Subscription rate for abroad 5 dollars

FEB. 1970

Tel. 24574 - 23208

نمبر تېلفون مدیر مجله : ۲۳۲۰۸

دملی دفاع مطبعه

افغانستان - کابل